

زبان فارسی در جهان

گرجستان

جلد ۱۲



شعری که ترش زبان و بیست فارسی

دوره: ۹۶۴-۶۳۷۱-۰۰۰-۰

SET: 964-6371-00-0

شاپک: ۹۶۴-۶۳۷۱-۱۸-۳

ISBN: 964-6371-18-3

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

بسم الله الرحمن الرحيم

۸۳۶۳۴

۵۱

زبان و ادب فارسی در جهان

«گرجستان»

دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادب فارسی

۱۳۷۹



کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نام کتاب: زبان و ادب فارسی در جهان: گرجستان

تهیه شده در: واحد پژوهش

پژوهشگر: کیومرث امیری

تعداد: ۲۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: بهار ۱۳۷۹

حروف چینی و صفحه آرایی: پریا زرشکی

چاپ و صحافی: سراب دانش، ۶۴۱۰۹۸۸

ISBN : 964-6371-18-3

شابک: ۹۶۴-۶۳۷۱-۱۸-۳

SET : 964-6371-00-0

دوره: ۹۶۴-۶۳۷۱-۰۰-۰

نشانی: ایران، تهران، میدان بهارستان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، طبقه سوم

دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، تلفن و دورنویس: ۳۱۱۲۵۴۰

فهرست مطالب

فصل اول: زبان و ادب فارسی در گرجستان	۱۵
موقعیت تاریخی و جغرافیایی گرجستان	۱۵
ساختار سیاسی - مذهبی گرجستان	۱۹
نقش گرجستان در تاریخ ایران	۲۰
نفوذ ایران بر گرجستان در زمان اسکندر و جانشینانش	۲۱
گرجستان در عهد اشکانیان	۲۲
گرجستان در عهد ساسانیان	۲۴
فصل دوم: روابط ایران و گرجستان در دوران اسلامی	۳۳
فتح گرجستان توسط مسلمانان و وضعیت گرجستان در دوران اسلامی	۳۳
سلطه سلجوقیان بر گرجستان	۳۴
وضعیت گرجستان در دوران جنگهای صلیبی	۳۵
اوضاع گرجستان در زمان حمله مغول	۳۶
اختلاف عثمانی و صفویان بر سر گرجستان	۴۶

- ازدواج شاهزادگان صفوی با دختران حاکمان گرجی ۴۷
- شاعر، نویسنده و روحانی ایرانی در گرجستان ۴۷
- جانبداری اهالی گرجستان از ایران در نزاع ایران و عثمانی ۴۸
- سیاست شاه عباس در قبال گرجستان ۴۹
- حاکمان گرجستان بعد از شاه عباس ۵۱
- نادر شاه و اوضاع گرجستان ۵۳
- گرجستان پس از نادر شاه ۵۵
- روابط کریم خان زند و حکمرانان گرجستان ۵۶
- نزدیکی گرجستان به روس‌ها در زمان جانشینان کریم خان زند ۵۸
- روابط ایران و گرجستان در دوران قاجار ۵۹
- جدایی گرجستان از ایران در زمان فتحعلی شاه ۶۱
- گرجستان در دوره جنگهای ایران و روسیه ۶۳
- انعقاد قراردادهای ترکمانچای و گلستان ۶۴
- مأموریت میرزا ابوالحسن ایلچی در تفلیس ۶۵
- حضور معتمدالدوله گرجی در عرصه سیاسی قاجاریان ۷۰
- نقوذ تاجران گرجی بر تجارت ایران در عهد قاجاریه ۷۱
- اولین دیدار ناصرالدین شاه از گرجستان ۷۴
- دومین سفر ناصرالدین شاه به گرجستان ۷۶
- سومین سفر ناصرالدین شاه به گرجستان ۷۸
- سفر امیرکبیر به گرجستان ۷۹
- مظفرالدین شاه در گرجستان ۸۰
- مهدیقلی هدایت در گرجستان ۸۲
- اعزام ایرانیان جهت آموزش فن تلگراف به گرجستان ۸۴
- میرزا خاوندخان اعتصام‌الملک در گرجستان ۸۴
- سفر ممتحن‌الدوله به گرجستان ۸۶
- سفرنامه امین‌الدوله ۸۷

وضعیت اتباع ایرانی در گرجستان در زمان مظفرالدین شاه.....	۸۹
تجددطلبان ایرانی در دیار گرجی ها.....	۹۱
مهاجرت ایرانیان به گرجستان در عهد قاجاریه	۹۳
تحصیل کردگان ایرانی در گرجستان.....	۹۸
خاطرات یک ایرانی در گرجستان در دوره مشروطه	۹۹
حضور گرجی ها در ایران عهد قاجار.....	۱۰۱
سفر هنرمندان ایرانی به گرجستان	۱۰۲
سفرنامه دیوان بیگی	۱۰۲
فصل سوم: روابط ایران و گرجستان در دوران معاصر	۱۰۷
گرجستان پس از تشکیل اتحاد جماهیر شوروی	۱۰۷
چگونگی روی کار آمدن رژیم شوروی در گرجستان.....	۱۰۹
مقاومت گرجستان در برابر فرهنگ روسیه	۱۱۲
واکنش ایران در قبال حکومت بلشویکی.....	۱۱۳
روابط فرهنگی ایران و گرجستان در عصر پهلوی	۱۱۴
سفرهای دو جانبه هیأت های فرهنگی	۱۱۷
فصل چهارم: روابط فرهنگی و ادبی ایران و گرجستان.....	۱۲۳
نفوذ ادبیات فارسی بر منظومه پهلوان پلنگینه پوش روستا ولی ...	۱۲۴
پیوندهای فرهنگ گرجی و ایرانی	۱۲۵
تشابه واژه های گرجی به فارسی.....	۱۲۶
قرابت زبانهای ایرانی و گرجی	۱۲۷
اسامی قهرمانان اسطوره ای ایرانی در زبان و فرهنگ گرجی.....	۱۲۹
آیین زرتشت در گرجستان قبل از مسیحیت	۱۳۱
نوروز و زرتشت در اشعار طالب گرجی.....	۱۳۴
ترجمه آثار فارسی در گرجستان.....	۱۳۷
فردوسی در آثار ادبی گرجی	۱۳۸
جلوه هایی دیگر از آثار ادب فارسی در گرجستان	۱۴۴

بهره‌گیری موزخان گرجی از آثار تاریخ ایران.....	۱۴۶
ویژگی‌های ترجمه آثار فارسی به گرجی.....	۱۴۷
ترجمه آثار ایرانی به زبان گرجی.....	۱۴۸
توجه به صادق هدایت در گرجستان.....	۱۴۹
واژه‌های گرجی در اشعار شاعران ایرانی.....	۱۵۱
انعکاس اوضاع سیاسی - اجتماعی گرجستان در اشعار خاقانی ...	۱۵۱
گرجستان در اشعار نظامی.....	۱۵۳
مشهورترین شاعر گرجی و ادبیات فارسی.....	۱۵۴
آشنایی و علاقه شاعران گرجی به اشعار نظامی گنجوی.....	۱۵۷
برخی از شاعران پارسی‌گوی گرجی.....	۱۵۸
برخی از کتابهای منتشر شده در باره زبان و ادب فارسی در گرجستان (۱۸۸۷-۱۸۹۱).....	۱۷۰
فصل پنجم: ایرانشناسان گرجستان از آغاز تا دوران معاصر.....	۱۸۳
فصل ششم: مراکز مطالعات ایرانشناسی.....	۲۰۹
انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم گرجستان.....	۲۱۰
دانشگاه شهر کوتایسی.....	۲۱۳
انستیتوی آسیایی - آفریقایی تفلیس.....	۲۱۳
انستیتوی تاریخ ادبیات آکادمی علوم.....	۲۱۳
انستیتوی زبان‌شناسی و آکادمی علوم.....	۲۱۳
انستیتوی تاریخ آکادمی علوم و موزه گرجستان.....	۲۱۳
انستیتو تاریخ ادبیات گرجی «روستا ولی».....	۲۱۴
دانشکده خاورشناسی دانشگاه دولتی تفلیس.....	۲۱۵
دانشکده جغرافیای دانشگاه تفلیس.....	۲۱۶
مرکز تدریس فارسی.....	۲۱۷
دانشگاه دولتی تفلیس.....	۲۱۷
انستیتوی آسیا و آفریقای تفلیس.....	۲۱۸

چند مدرسه متوسط شهر تفلیس از کلاس دوم الهی یازدهم	۲۱۸
دانشگاه دولتی پلاگوژی تفلیس	۲۱۸
مراکز کتابهای خطی فارسی	۲۱۸
مراکز آثار هنری ایران	۲۱۹
موزه دولتی گرجستان	۲۱۹
موزه دولتی تاریخ گرجستان	۲۲۰
موزه دولتی ادبیات گرجستان	۲۲۱
نشریات خاورشناسی	۲۲۲
فصل هفتم: حوزه‌های مطالعات ایرانشناسی در گرجستان	۲۲۷
پایه‌گذاران ایرانشناسی در گرجستان	۲۲۷
مراکز فعال ایرانشناسی	۲۲۸
وضعیت کتابها و خودآموزهای فارسی	۲۳۰
زبانشناسی	۲۳۲
ادبیات شناسی	۲۳۶
تاریخ	۲۴۱
جغرافیا	۲۵۰
هنر	۲۵۱
فصل هشتم: روابط ادبی و فرهنگی ایران و گرجستان پس از پیروزی	انقلاب اسلامی
گرجستان در دوران پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی	۲۵۵
وضعیت قومیت‌های گرجی پس از استقلال گرجستان	۲۵۷
آغاز روابط رسمی ایران و گرجستان	۲۵۸
جلوه‌های فرهنگی ایران در گرجستان	۲۶۰
آینده روابط ایران و جمهوری گرجستان	۲۶۱
برپایی سمینار انقلاب اسلامی در گرجستان	۲۶۳
گرجستان و گردهمایی استادان زبان و ادب فارسی	۲۶۵
گرجستان و گردهمایی استادان زبان و ادب فارسی	۲۶۶

۲۶۸		اهتمام رئیس جمهور گرجستان به زبانهای شرقی
۲۶۸		سفرنامه مقامات برجسته ایرانی و گرجی
۲۶۹		سفرنامه مقامات برجسته ایرانی و گرجی
۲۶۹		تقاضای دانشجویان رشته زبان فارسی جهت سفر به ایران
۲۷۰		ملاقات مسئولان فرهنگی دو کشور
۲۷۱		مسابقات زبان فارسی
۲۷۲		اولین میزگرد ایران و گرجستان
۲۷۴		عملکرد فرهنگی ایران در سالهای اخیر
۲۷۶		سخنرانی سفیر گرجستان در باره زبان فارسی
۲۷۶		همکاریهای باستانشناسی ایران و گرجستان
۲۷۷		برگزاری دوره دانش افزایی زبان فارسی در گرجستان
۲۷۸		زبان فارسی از دیدگاه شوارد نادره
۲۷۹		هفتمین همایش سالانه آسیای مرکزی و قفقاز
۲۸۰		کتابهای منتشر شده در باره ایران
۲۸۱		شیعیان گرجستان و آموزش زبان فارسی
۲۸۲		برنامه مبادلات فرهنگی، علمی و آموزشی
۲۹۱		فصل نهم: سخن آخر و چند پیشنهاد
۲۹۷		فهرست اعلام
۳۳۹		منابع و مآخذ

مقدمه

زبان و ادبیات فارسی به عنوان دومین زبان جهان اسلام و زبان حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی، با هزاران آثار گرانسنگ در زمینه‌های مختلف ادبی، عرفانی، فلسفی، کلامی، تاریخی، هنری و مذهبی همواره مورد اعتنا و اعتقاد ایرانیان و مردمان سرزمینهای دور و نزدیک بوده است. علیرغم حوادث و رویدادهای پرتب و تاب و گاه ناخوشایند سه سده اخیر، باز هم این زبان شیرین و دلنشین در دورترین نقاط جهان امروز حضور و نفوذ دارد. این حضور و نفوذ حکایت از آن دارد که در ژرفای زبان و ادب فارسی آنقدر معانی بلند و مضامین دلنشین علمی، ادبی، اخلاقی و انسانی وجود دارد، که هر انسان سلیم الطبعی با اطلاع و آگاهی از آنها، خود بخود به فارسی و ذخایر مندرج در آن دل می‌سپرد. اگر چنین نبود، ترجمه و تألیف هزاران کتاب و مقاله از سوی خارجیان درباره آثار جاودان و جهانی ادب فارسی مانند؛ شاهنامه فردوسی، خمسه حکیم نظامی گنجوی، گلستان و بوستان شیخ اجل سعدی، مثنوی مولانا جلال الدین بلخی، غزلیات خواجه حافظ شیرازی و رباعیات حکیم عمر خیام چهره نمی‌بست و هزاران ایران شناس و ایران دوست غیر ایرانی دل و عمر بر سر شناخت، فهم، تفسیر و ترجمه این آثار ارزنده در نمی‌باختند. واقع آن است که

نکات نغز و حکمت‌های بدیع و درسهای انسانیت، بزرگواری، اخلاق و مردم دوستی در ادب فارسی آنقدر حلاوت و لطافت دارد که می‌تواند عطش تمام تشنه کامان وادی معرفت و حیرت را یک تنه به آب عَذْب خویش سیراب گرداند.

چنین می‌نماید که جمهوری اسلامی ایران نباید نسبت به نیاز و علاقه شیفتگان و دل‌باختگان زبان و ادب فارسی در سراسر جهان بی‌اعتنا بماند و آتش شوق و اشتیاق فارسی دانان و ادب دوستان غیر ایرانی را نادیده بگیرد.

از این رو، برای ساماندهی، تقویت و توسعه زبان و ادب فارسی در خارج از کشور، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی را بنیاد نهاده و شورا هم بر اساس وظایف محوله، ایجاد هماهنگی، سیاست‌گذاری، هدایت و برنامه‌ریزی در باب زبان و ادب فارسی را وجهه همّت خود قرار داده است.

دبیرخانه شورا، برای نیل به اهداف و وظایف خود به آگاهی از ریشه‌ها، تحولات و چگونگی ورود، حضور و نفوذ و وضع کنونی زبان و ادب فارسی در جهان نیاز دارد. بدین خاطر، دبیرخانه دست به اقدام پژوهشگرانه‌ای در زمینه شناخت آخرین وضعیت زبان و ادب فارسی در کشورهایی که فارسی به آن سرزمینها پا نهاده، زده است و این مهم در مدتی کوتاه جامه عمل پوشیده و نتیجه آن اینک به صورت تنظیم و تدوین پژوهشنامه‌هایی درباره کشورها با عنوان «زبان فارسی در جهان» انتشار می‌یابد.

از آنجا که این مجموعه با استفاده از منابع و مآخذ در دسترس فراهم آمده، به طور مسلم نقایص و کمبودهایی دارد. لذا، از محققان، صاحب‌نظران و ایران‌شناسان درخواست می‌شود تا با ارائه نظرات، اطلاعات و پیشنهادات خود ما را در ارائه تصویری کامل و جامع از سیر تحول فارسی و آخرین وضعیت آن در خارج از کشور مدد رسانند.

سید کمال حاج سید جوادی

دبیر شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی

فصل اول

زبان و ادب فارسی در گرجستان

موقعیت تاریخی و جغرافیایی گرجستان

گرجستان در نوشته‌های مؤلفان یونان و لاتین ایبریا، ایوریا، ایویریا و ارمنیان به صورت ویرک،^۱ وارتس،^۲ وریا^۳ و مؤلفان عرب به شکل جرزان، کرج، در نوشته‌های اروپائیان به صورت جورجیه، جورجیا و در نوشته‌های مؤلفان روسی به صورت کروزیا آمده است و خود گرجی‌ها نیز سرزمین خود را با استناد به نیای افسانه‌ای خود کارتلوس^۴ برگرفته از نام کارتول، ساکارتولو^۵

1.Virk

2.Vrats

3.Vorya

4.Kartlos

5.Sakartuel

گویند:^۱ در دائرةالمعارف بریتانیکا آمده است که گرجستان مستقر در انتهای شرقی دریای سیاه و در کناره جنوبی قله اصلی کوههای قفقاز قرار گرفته است. این سرزمین در شرق کوههای سُرم^۲ (لیک^۳) در منطقه قفقاز جنوبی و در حوضه رود کر قرار گرفته و از غرب محدود است به کلسخیده (اگر^۴) از شمال به بخش میانی سلسله جبال قفقاز از جنوب به ارمنستان و در شرق، آلبانیای قفقاز (جمهوری آذربایجان فعلی).^۵

بنا به عقیده سن (سنت) مارتین، به نقل از این افسانه که ملتهای قفقاز از نسل تارگوموس (تارگوما) پسر یافت، جد افسانه‌ای گرجیان، کارتلوس دومین پسر تارگوما در منطقه‌ای در دهانه رود «بورچالی»، واقع در پایین تفلیس از سمت شرق که تا کوههای «سُرم» در غرب کشیده می‌شد، مستقر شده و قوم «کارتول» از وی بوجود آمد. گفته شده است که نام «کارتول» که به عنوان سرزمین اولیه گرجی‌ها شناخته شده، برگرفته از نام «کاردو» که مربوط به «کالدثیا» (کلدثیا) است، می‌باشد.

امروزه، گرجی‌ها یکی از ملل مورد توجهی هستند که دارای سابقه تاریخی بسیار کهن می‌باشند. قدمت تاریخی سرزمین گرجستان متجاوز از سه هزار سال است. در ابتدای شکل‌گیری سرزمین گرجیان، مردمی متعلق به دوران «پالئولیتیک» از ریشه قفقازی در این محل زندگی می‌کردند که اجداد و نیاکان گرجی‌های امروزه بودند. مهد اصلی گرجی‌ها و اقوام نزدیک و وابسته به آنان

1. Mirza bala, Islam Ansiklo pelisi, "Gurcistan Maddesi" 4. Cilt, Istanbul, 1945.

2. Suram

3. Lik

4. Eger

5. David Marshall Lang, the Georgiens, London, 1966. p 18.

یعنی «اپیرو - قفقازی‌ها»، سرزمینهای شرقی دریای سیاه بوده است که از شمال به ناحیه قفقاز و از طرف جنوب به ارمنستان و از سمت شرق به آذربایجان یعنی همان آلبانیای جغرافیانویسان کلاسیک، محدود می‌باشند. **داوید مارشال لانگ** در کتاب خود به نام «کرونولوژی»^۱، تاریخ گرجستان را از هزاره ششم پیش از میلاد تا سال ۱۲۳۶ میلادی نوشته است.^۲ گرجستان جدید با ۶۹۳۰۰ کیلومتر مربع، شامل جمهوری خود مختار «ابخازیا» و پایتخت آن سوخومی در کناره دریای سیاه و ناحیه خود مختار «اوستیای جنوبی» متمرکز در «تسخینوالی» است. «آجارها» تنها مسلمانهای گرجستان هستند که طی چندین سده استیلای عثمانیان به آئین اسلام در آمدند. «ابخازها» مربوط به «هینوکی‌های» باستانی هستند و به گروه آدیگه - چرکسی^۳ یا گروه شمال غربی از مردم قفقاز تعلق دارند. در صورتی که «اوستی‌ها» از اخلاف «آلانهای» قرون وسطایی به شمار می‌روند و مردمی هند و ایرانی وابسته به «سرم‌ها» بودند.

در هرگونه بررسی تاریخی قوم گرجی، باید به باریکه‌ای از ساحل جنوب شرقی دریای سیاه معروف به «لازستان» توجه کرد که تا طرابوزان و اندکی به سوی غرب و همچنین به دره علیای «چوروخی» تا «بایبورت» و نواحی اطراف شهرهای مستحکم قارص و اردهان و به سوی جنوب غربی تا ارزوم گسترده بود. پیش از حملات سلجوقیان در قرن یازدهم، این منطقه کوهستانی کناره دریای سیاه که اکنون در داخل جمهوری ترکیه قرار دارد، سهمی اساسی در تکامل فرهنگی، زبانی و نژادی ملت گرجستان داشت. در دوره‌ای پیشتر طوایف آناتولی مرکزی که همان طایفه‌های «ماشک» و «توبال» مذکور در تورات هستند، حلقه‌ای مهم میان ناحیه ماورای قفقاز و تمدنهای باستانی سوریه و فلسطین به شمار

1. The Georgians

2. Marshall Lang, The Georgiens, P.18.

3. Adygha-Circassia

می‌رفتند. چنانکه اشاره شد، اقوام ساکن گرجستان را عمدتاً ابخازها و آجارها تشکیل می‌دهند و بخشی را نیز مردم ایرانی‌نژاد و ایرانی زبان اوستی جنوبی. گذشته از اینها گروه‌های کوچکی از آسوریان، کردان، اودین‌ها و یونانی‌ها در این جمهوری مسکن گزیده‌اند. البته یونانی‌ها اغلب در کرانه‌های دریای سیاه سکنی دارند. شماری از مردم گرجستان در نواحی غربی جمهوری آذربایجان و گروههایی نیز در ترکیه و اندکی در ایران به سر می‌برند. گرجیان مقیم ترکیه اغلب در اطراف مسیر علیای رود فرات، ارس، کر، حوضه رودهای چوروخ و و قزل‌ایرماق زندگی می‌کنند. در ایران نیز گروههای کوچکی از گرجیان در روستاهای گیلان، مازندران، آذربایجان و فریدن اصفهان سکونت دارند. اجداد آنها در عهد شاه عباس صفوی از شرق گرجستان به این نواحی مهاجرت کردند و اغلب به کار کشاورزی اشتغال دارند.^۱

اوضاع و احوال جغرافیایی و آب و هوایی گرجستان بی‌نهایت متغیر است. از سرزمین کنونی گرجستان ۵۴ درصد کوهستانی، ۳۳ درصد دارای تپه و نجد و تنها ۱۳ درصد شامل دشت و دره است. دشتها و دره‌ها در طول ساحل دریای سیاه وجود دارد. در گرجستان به آب و هوای مدیترانه‌ای گرم و خشک در ایمرتی و کارتلی و چراگاههای زیرآلپی و جنگلهای بلندیه‌ای قفقاز برخورد می‌شود که بر فراز خود آنها قله‌های بلند پوشیده از برف کازیک و البرز به چشم می‌خورد. در گرجستان انواع و اقسام جانوران و گیاهان یافت می‌شود. این سرزمین که از آغاز تمدن برای شکار، پرورش گاو و گوسفند و نیز ایجاد تاکستان و انواع کشاورزی مناسب تشخیص داده شده است. این سرزمین از لحاظ مواد کانی و فلزات نیز بسیار غنی است. اساطیر یونانی، اشارات موجود در تورات و شواهد فراوان باستان‌شناسی، روی هم رفته نشان می‌دهد که ماورای قفقاز یکی از مراکز بسیار

۱- عنایت‌الله رضا، «جمهوری گرجستان»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول،

مهم باستانی و معروف استخراج معدن و فلزکاری بوده است، کانی‌هایی که امروزه در گرجستان استخراج می‌شود شامل: ذغال سنگ، منگنز، نفت، مس، آهن، ارسنیک، تنگستن، طلا، مرمر، سلفات باریم، سنگ ویژه چاپ و عقیق و جیوه است. رودها و رودخانه‌هایی که پر از ماهی است، منبع فراوانی برای قوه محرکه آب و همچنین وسیله‌ای برای احیاء و آبیاری زمینهای ندرتاً قابل کشت و کار گرجستان‌اند.^۱

□ ساختار سیاسی - مذهبی گرجستان

گرجستان در ادوار تاریخ گذشته خود به ویژه در زمان صفویه همیشه خراجگزار ایران بوده و حکام آن در امور داخلی خود تا اندازه‌ای استقلال داشته‌اند. این سرزمین در گذشته از دو شاهزاده‌نشین یکی کارتلی در شمال غربی و دیگری کاختی که در جنوب شرقی تشکیل یافته بود. والی گرجستان گاهی از خانواده‌های کارتلی و زمانی از نجبای کاختی انتخاب می‌شد. مدتهای زیادی هم دودمان باگراتیان ولایت و فرمانروایی این دو استان را در دست داشتند و حکومت در خانواده آنان موروثی بود. در آن زمان نیز پایتخت و مرکز گرجستان شهر تفلیس بود. در گرجستان، قسمت شمال غربی یعنی کارتلی و کاختی، بیشتر مردم مسیحی بودند و کلیسای مخصوص به خود داشتند. مقرر رئیس مذهبی آنان در شهر «متسختی» در بیست مایلی تفلیس قرار داشت. کلیسای گرجستان در گذشته با کلیسای ارتدکس یونان پیوسته بود. ولی از سال ۱۴۵۳ میلادی پس از فتح قسطنطنیه وضع آن تغییر کرده و گرفتار آشوب و گسیختگی شده بود. در طول تاریخ گرجستان اغلب سران این سرزمین با اقتضای مصالح سیاسی به آیین مسلمانی در می‌آمدند، چرا که شاهان ایران حکومت استانهای

۱- دیوید مارشال لانگ، گرجی‌ها، ترجمه رفیقه بهزادی، (تهران: انتشارات دفتر مطالعات

سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳) ص ۹.

کشور را فقط به کسانی می‌دادند که مسلمان باشند. تورنفور در جلد سوم اثر خویش می‌نویسد^۱:

«آن موقع که ما آنجا بودیم، امیر تغلیس هراکلیوس نام داشت و از پیروان کلیسای یونان بود. ولی او را ختنه کرده بودند و آن بیچاره هر دو مذهب را پذیرفته بود. برای ادای نماز به مسجد می‌رفت و در عشای ربانی در کلیسای کاپوسن‌ها حضور به هم می‌رسانید»^۲.

■ نقش گرجستان در تاریخ ایران

نخستین باری که از نقش گرجستان در تاریخ ایران سخن به میان آورده شد، مربوط به حمله سکاها از این سرزمین به قلمرو مادهاست. هرودوت در این باره از سرزمین کلخید سخن می‌راند که فاصله بین کلخید با ماد زیاد نیست و بین دو سرزمین فقط اسپیرها سکونت داشتند و برای یک پیاده سالم معادل سی روز راه بین سرزمین کلخید با ماد راه است.

سرزمین کلخید نام باستانی منطقه‌ای است که امروزه گرجستان غربی نام گرفته است. این منطقه در قرون بعدی «لازستان» نامیده شد و در این سرزمین بود که در سده نخستین میلادی در گرجستان دولتی پدید آمد که در تاریخ به نام «دولت لازیکا» شناخته شده است و رود فالازل (فازیس) که هرودوت از آن نام می‌برد، همان رود «ریون» کنونی در گرجستان و دریاچه «موتید» همان «آزوف» امروزی است.

گرجی‌ها که به احتمال قوی اصلاً از بین‌النهرین آمده بودند، در قرون هفتم و هشتم پیش از میلاد در سرزمین امروزی گرجستان در جنوب کوه‌های قفقاز

1. Relation d'un Voyage au Levant, fait par ordre du Roy... Vol III, l'yo 1717. p. 147 (The fall of the safavi... P. 75 از (نقل).

۲- ر.ک به: سفرنامه کلاریخو، ۳۳۶ و همچنین 74-76. The fall of the Safavi, p.

ساکن شدند و در آنجا سه قلمرو مستقل به نامهای «کاخت»، «کارتلی» و «کلخید» به ترتیب در مشرق، مرکز و مغرب این سرزمین بنیاد نهادند. در قرن ششم پیش از میلاد این مناطق به دست کوروش تصرف شد و در تمام دوران هخامنشی این سرزمین قسمتی از قلمرو شاهنشاهی ایران بود. به گفته هروودوت در لشکرکشی خشایارشا به یونان جنگجویان هر سه دسته شرکت داشتند.

■ نفوذ ایران بر گرجستان در زمان اسکندر و جانشینانش

بر طبق سالنامه‌های گرجی اسکندر پس از فتح گرجستان اداره این کشور را به یکی از خویشان خود به نام آزون داد که چنان به ستمگری رفتار می‌کرد که نه تنها گرجی‌ها بلکه یونانی‌هایی را که با خود آورده بود، دشمن خویش ساخت. گرجی‌های ستمدیده به رهبری پارناواز که از اخلاف کارتلیوس بود، سر به شورش برداشتند و همین شخص به کمک کوچی پادشاه کولیکس، آزون و مزدوران یونانی او را بیرون راند و از سوی شاهان سوریه و ارمنستان به عنوان فرمانروای قانونی ایبریا به رسمیت شناخته شد. وی هفت یا هشت نفر را به عنوان فرمانده کل قوا (سپاهبد) منصوب کرد. به هر کدام از این افسران گرجی یک استان سپرده شد که به نظر می‌رسد بعد از پادشاه، سپاهبد (اسپاسپت) دارای مقام دوم بود. همچنین امکان دارد که این افراد عالی‌رتبه را با نایب‌السلطنه‌های ایبریایی برابر بدانیم که گورستان موروئی آنها در متسختی آرمازی، همراه با جواهر آلات حکاکی شده دارای تصویر دو تن از آنان یعنی زواخ و اسپاروخ کشف گردید. این نایب‌السلطنه‌ها دارای لقب ایرانی پادشاه بودند که تقریباً آن را معادل ساتراپ (استاندار) می‌توان دانست.^۱ در سال ۳۲۰ پیش از میلاد فرنا باز سردار گرجی کلیه مناطق این سرزمین را تحت فرمان خود در آورد و نخستین دولت مستقل گرجستان را تشکیل داد. این سردار هر چند ایرانی نبود، اما نام

ایرانی داشت^۱

■ گرجستان در عهد اشکانیان

در دورهٔ پارتیان یا اشکانیان گرجستان به تصرف رومیان درآمد. در این دوره در اسناد اشکانی از گرجستان به صورت «ورژان» و در مدارک رومیان به صورت «اپیریا» یاد شده است. تصرف گرجستان توسط روم در زمان **مهرداد کبیر** پادشاه «پونت» که سلسلهٔ او با **آریو برزن اول** ساتراپ ایرانی قرن چهارم پیش از میلاد شروع شده بود، اتفاق افتاد. گرجیان همراه وی علیه امپراتور روم جنگیدند ولی در این جنگ **مهرداد** شکست خورد و گرجستان به تصرف روم درآمد. رومیان گرجستان را به شکل موضع مقدم خود در قفقاز علیه شاهنشاهی اشکانی در آوردند^۲ و در این راه رومیان از نارضایتی اقوام آزادی دوست گرجستان (ایبری) که از اقدامات خودسرانه و متفرعانه پارتیان در قفقاز بیزار بودند، به نفع خویش استفاده می‌کردند.^۳ پس از آنکه رومیان تسلط خود را بر گرجستان برقرار کردند، ایبرایی‌ها به سرعت خود را با راه و روش رومیان تطبیق دادند. این امر نتایج گسترده‌ای در حیات اجتماعی و اقتصادی گرجستان برجای گذاشت. احداث راه موجب شد که این کشور به بازارهای آسیای صغیر و روم راه پیدا کرده و تجارت رونق زیادی به خود بگیرد و نیز مهندسان زیادی را به آنجا می‌فرستادند تا آمفی تئاترها، گرمابه‌ها و سایر بناهای ویژه را در گرجستان با استفاده از فنون رومیان برپا سازند. اما این نکته بدان معنی نیست که ایبرایی‌ها روابط فرهنگی دیرینهٔ خود را با ایران قطع کرده باشند که در این هنگام تحت تسلط سلسله پارتی

۱- محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲ (لیدن: ۱۹۰۱-۱۸۷۶)، ص ۶-۸۹۰.

۲- همان.

۳- م.م. دیاکونوف، اشکانیان، ترجمهٔ کریم کشاورز (تهران: پیام، ۱۳۵۱)، ص ۱۰۱.

اشکانیان، دشمن سرسخت رومیان قرار داشت.^۱ از علائم تأثیرات درهم آمیخته ایرانی و یونانی و رومی در زندگی و رسوم طبقات بالای گرجی‌ها، نامهایی را می‌توان ذکر کرد که پادشاهان و افراد عالی‌رتبهٔ ایبرایی در این دوران بر خود می‌نهادند. در کنار نامهای ایرانی مانند؛ *پرنواز*، *فراسمنس* (فراسمن)، *کنسه مارنوخ* و *اسپاروخ* به نامهای رومی مانند؛ *پوبلیکیوس*، *آگریپا* و حتی به نامهای دورگه‌ای مانند *فلوویوس داس* نیز برمی‌خوریم. این گرایش التقاطی و تلفیقی هنگامی آشکار می‌شود که به بررسی مراسم دینی ایبریا و کولخیس باستانی بپردازیم. گواه این مطلب یکی جام «تریالتی» است که مناظری از مراسم باروری مربوط به درخت زندگی و نوشابهٔ جاودانگی را در بر دارد و دیگری تشابهی است که میان برخی از مراسم میگساری ساکنان نواحی مرتفع قفقاز و تشریفات مذهبی مردم آناتولی و خاورمیانه در روزگار باستان، دیده می‌شود. منابع ملی گرجی، یعنی سالنامهٔ کارتلیس تسخووریا (زندگی در گرجستان) و زندگی *نینوی مقدس*، اطلاعات جالب توجه و گاه تخیل‌آمیزی دربارهٔ مراسم رسمی گرجستان پیش از آیین مسیح در بردارد. بر طبق گفته‌های نویسندهٔ شرح حال *نینوی مقدس*، خدایان ملی گرجی عبارت بودند از: آرمازی (شبهه اهورا مزدا، دین زرتشت) زدان، گتسی و گتیم. مردم ساده‌ای که *نینوی مقدس* آنها را در شهر «اورینی‌سی» ملاقات کرد، آتش مقدس زرتشتیان و همچنین تندیسهای سنگی و چوبی را می‌پرستیدند و نیز سخن از پرستش درخت به عنوان یک آیین رسمی در میان ابخازی‌های دریای سیاه تا سدهٔ ششم میلادی به میان آمده است. رواج آیین مزدایی در گرجستان بر اثر شواهد باستان‌شناسی تأیید می‌شود که شامل حدود پنج کاسهٔ سیمین مکشوف در آمازی و در محلی به نام «بوری» است که تصویر اسبی را نشان می‌دهد که در برابر مذبح آتشکده ایستاده است و می‌خواهند آن را قربانی کنند. حتی یکی از کاسه‌ها دارای نوشته‌ای است به خط فارسی میانه که در خصوص یادبود شخص عالی‌مقامی چون *بزرگمهر* (به

معنای میترای بزرگ) نگاشته شده است. همچنین در میان اعضای خانواده‌های فرمانروایان که با حوزه فرهنگی هلنی در کرانه‌های دریای سیاه در ارتباط بودند و تماس داشتند (کولخیس) ایزدان و الهه‌های یونانی مورد پرستش بود. از این موضوع نتیجه می‌گیریم که ایبریا و کولخیس پیش از دوره عیسویت، مراکز یک حیات مذهبی فعال و گوناگون بود که در آن مراسم مذهبی آناتولیایی متعلق به طوایف باستان پیش - گرجی با عناصر عقاید عمومی و افکار مربوط به تکوین جهان، که از یونان و ایران زرتشتی گرفته شد، درهم آمیخت و تلفیق جالب توجهی از مراسم مذهبی و اعتقادی به وجود آورد، که بخشهایی از آنها پس از رواج آیین مسیح از بین نرفت و در زوایای اندیشه کشاورزان باقی ماند و بار دیگر در روزگار ما بر اثر کاوش مردم‌شناسان و متخصصان رسوم باستانی آشکار گردید.^۱

■ گرجستان در عهد ساسانیان

گرجستان در عهد ساسانیان و اواسط سده چهارم میلادی از سوی عامل ایرانی اداره می‌شد که عنوان «بیدخش» داشته ولی بعدها اشراف و بزرگان جانشین بیدخش شدند. این وضع تا اواخر عهد ساسانی ادامه داشت. در حدود سال ۳۰۰ میلادی به موجب عهدنامه‌ای که بین ایران و روم منعقد شد، قسمت شرقی گرجستان به نام امپریا تحت‌الحمایه ایران و قسمت غربی آن به نام کلخید (لازستان) تحت‌الحمایه روم درآمد. در اواخر سلطنت قباد ساسانی مدتی قوم خزر بر اران و گرجستان تسلط پیدا کردند ولی به زودی خسروانوشیروان آنها را شکست داده و متواری کرد.^۲ در این سرزمین به سبب

۱- همان، ص ۴-۹۳.

۲- بنداری اصفهانی، *زبدة النصره و نخبة العصرة*، ترجمه به ترکی از قوم‌الدین بورسلان، استانبول: انجمن تاریخ ترک، ۱۹۴۳، ص ۳۶ و ترجمه فارسی محمد حسین جلیلی، ص ۴۶.

دوری از حکومت ساسانی شورشهایی به وجود آمد که با وجود حاکم جدید، آرامش برقرار می‌گردید.

در روزگار جانشینان خسرو دوم، رومیان در گرجستان موقعیتی برتر یافتند، ولی آنان ناگزیر به محدودیتهایی در سرزمین گرجستان تن در دادند. از سال ۳۳۰ میلادی، یعنی از زمان سلطنت کنستانتین بزرگ، آیین مسیحیت به تدریج در گرجستان نفوذ یافت و تأثیر آن در روحیه و اخلاق مردم به درجه‌ای رسید که از آن پس آثارش در هنر، ادبیات، فرهنگ و تمدن گرجی‌ها به خوبی آشکار گردید.^۱ نخستین پادشاه عیسوی گرجستان، نخستین فرمانروای سلسله خسروی جدید نیز بود. خود اعضای این سلسله از شعبه مهردادیان ایرانی به شمار می‌رفتند که هفت خاندان بزرگ شاهنشاهی ایران را تشکیل می‌دادند. سلسله خسرویان در ایریا مدت دو قرن بر سرکار بودند تا آن که مقام سلطنت عاجلاً به دست ایرانیان در طی سده ششم منسوخ شد. خسرویان دارای یک احساس نیرومند خانوادگی بودند که اعضای خانواده سلطنتی پایه و اساس نظام فئودالی را تشکیل می‌دادند ولی پیوسته با رعایای سرکش خود درگیر بودند که سرانجام این درگیری و تنشهای ناشی از آن به سقوط سلطنت در سده ششم منجر شد.^۲ در بعضی موارد پذیرش آیین مسیحیت با تحمیل معیارهای رفتاری و اخلاقی بالاتر از معیارهای مورد قبول آن زمان، مسائل شخصی و خانوادگی حادّی به وجود آورد. مثلاً بانویی به نام شوشانیک از خانواده اشرافی با حاکمی به نام وارسکن ازدواج کرده بود و این مرد برای آن که مورد توجه ایرانیان قرار گیرد، دست از کیش خود برداشته و به آیین زرتشت گرویده بود. شوشانیک حاضر نبود در جشنی شرکت جوید که زنان و مردان در آنجا به خوردن مسکرات و میگساری مشغول بودند. در این هنگام شوهر او وارد مجلس شد و شروع به

۱- همان، ص ۴۶.

۲- همان، ص ۱۰۱.

دادن دشنامهایی به زرتشت کرد و به آن زن لگد زد و میله بخاری را برداشت و به سر او کوفت و سر او را شکافت و به یکی از چشمانش آسیب رساند. همچنین بیرحمانه با مشت به صورت او کوفت و مویش را کشید و به این سو و آن سو برد و در این ضمن مانند حیوانی وحشی می‌گرید و مانند دیوانه‌ای بانگ می‌زد. این شاهزاده خانم مقدس، پس از هفت سال عذاب و تحت نظر بودن، سرانجام درگذشت. عاقبت *وارسکن* دژخیم به وسیله *واختانگ* *گرگ اصلان* شاه گرجستان که از حدود ۴۴۶ تا ۵۱۰ میلادی سرکار بود به قتل رسید. این شخص در گرجستان به شجاعت و دلاوری و استادی در به کاربردن سلاحهای مختلف مشهور بود.^۱

این تغییر کیش یعنی گرویدن مردم گرجستان به دین مسیح را به زنی به نام سنت نینو از اسرای کاپادوکیه که دارای نیروی خارق‌العاده و معجزه‌آوری بوده نسبت داده‌اند. این زن قادر بوده که بیماران را شفا بخشد. وی موفق شده بود تا ملکه ایبری را از بیماری سختی نجات دهد و به همین سبب علاقه و محبت ملکه را به خود جلب کرد و کم‌کم محرم اسرار او شد. *میریان* یکی از شاهان گرجستان اولین حکمران یا فرمانروایی است که به آیین مسیحیت گروید. وی پس از ایمان آوردن دستور داد در متسختی کلیسایی بسازند. با نفوذ دین مسیح در گرجستان، مردمان آن کم‌کم به تمدن و فرهنگ غرب آشنا گردیدند و از آن پس گرجی‌ها و ارامنه پاسداران دین مسیح در شرق شدند و به همین جهت هم کم‌کم فرهنگ و رسوم این دو ملت با تمدن و فرهنگ زرتشتیان ایرانی فاصله پیدا کرد و باعث شد که میان آنان و مردم ایران از لحاظ سیاسی و اخلاقی نیز جدایی و تفرقه بوجود آید.^۲ در سال ۴۸۳ میلادی، *واختانگ* شاهزاده کارتلی (گرجستان

۱- لانگ: گرجی‌ها، ص ۴-۱۰۳.

۲- مهدی روشن ضمیر، «گوشه‌ای از تاریخ گرجستان»: بررسیهای تاریخی، سال هشتم،

شماره ۵، ص ۱۶۹.

شرقی) ملقب به **گور ارسلان** شورش بزرگی را علیه ایران و روم رهبری کرد و تدریجاً حدود کشور خود را به تمام ماوراء قفقاز گسترش داد. شهر تفلیس که اینک بیش از ۱۵۰۰ سال از تعیین آن به پایتختی گرجستان می‌گذرد، در سال ۶۴۹ توسط همین شاهزاده که بعداً به صورت یک قهرمان ملی و پهلوان افسانه‌ای در آمد و جنگاورهای او موضوع داستانها و سرودهای حماسی متعدد شد به عنوان مرکز قلمرو گرجستان انتخاب گردید. از آن پس این کشور گاه با ایران و غالباً با بیزانس در کشمکش بود، تا اینکه در قرون دوم و سوم هجری به تصرف اعراب درآمد.^۱

در اواخر دوره ساسانیان یعنی در قرن ششم، سلطنت و حکومت ایبریا به سبب نزاعهای داخلی و همچنین زد و خوردهای شدید و پی در پی میان دو کشور ایران و بیزانس در آن حدود، رو به ضعف نهاده قوس نزولی را طی می‌کرد. ضعف و سستی حکومت گرجستان پس از مرگ **واختانگ** در سال ۵۱۰ میلادی بیشتر محسوس گردید و **خسرو انوشیروان** موفق شد بازماندگان آن سلسله را به کلی برانداخته و در امور داخلی گرجستان مستقلاً دخالت نماید. با نابودی این سلسله، نامبرده خلاء بزرگی در گرجستان بوجود آمد که مدت‌ها ادامه داشت. پس از چندی این بلا تکلیفی و اوضاع نسبتاً بی‌ثبات، با روی کار آمدن حکومت لازیکا که توسط قبایل لاز در کنار دریای سیاه بوجود آمده بود، از بین رفت. در سده ششم میلادی بر سر حکمرانی لازیکا نیز میان دو دولت ایران و بیزانس جنگهای خانمانسوزی در گرفت، شاه لازیکا هم حداکثر کوشش خود را در برافروختن آتش اختلاف میان این دو دولت بعمل می‌آورد تا خود از آن استفاده کند.

پس از سقوط دولت ایبری در نواحی گرجستان و قفقاز، امور ملی آن منطقه مورد حمایت کامل شاهزادگان گرجستان قرار گرفت. این شاهزادگان برای مقابله با نفوذ دولت ایران، در ترویج و گسترش دین مسیح در سرزمین‌های کاختی و

۱- شجاع‌الدین شفاء، **جهان‌ایران‌شناسی**، جلد اول (بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا)، ص ۳-۷۵۲.

کارتلی کوشش فراوان به عمل می‌آوردند. اوضاع اجتماعی و سیاسی گرجستان شرقی در دوران سلطنت *خسروانوشیروان* را یکی از روحانیون ناشناس گرجستان در کتاب «مصیبت‌نامه» سرگذشت *سنت اوستاس* شهر متسختی را به رشته تحریر در آورده است.

اوستاس، پینه‌دوز یا کفاش ایرانی بود که در گرجستان به کار و کسب اشتغال داشت. این شخص در سال ۵۴۵ میلادی، یعنی هنگامی که به دین مسیح‌گرویده بود به دست مرزبان دولت ساسانی یا نایب‌الحکومه تفلیس به قتل رسید. کفاشان ایرانی که در آن زمان در گرجستان دارای اتحادیه‌ای بودند، برای جلوگیری از به وجود آمدن مجدد چنین امری (یعنی برای ممانعت از مسیحی شدن زرتشتیان) انجمنی تشکیل دادند. علیرغم این سیاست، شاهزادگان ایبری از جمله *کارام کورام*، *استفان اول* و *استفان دوم* گام غیرمعمولی برداشته، درآخم نقره‌ای به نام *هرمز چهارم* ضرب کردند که دارای علامات و نقوش جدیدی بود که فکر استقلال‌طلبی آنان را مجسم می‌نمود. در روی این سکه، علامات اختصاری و یا حروف اول نامهای شاهزادگان گرجستان را نقر نموده و به جای نقش آتشکده و یا آتشدان مقدس زرتشتیان، صلیب *مسیح* را منقوش کردند که این اقدامات توسط *دوک استفان اول* نیز در سالهای ۵۹۰ تا ۶۰۷ میلادی معمول بود. همچنین توسط وی که از طرف بیزانس به لقب *پاتریکوس* ملقب شده بود، معماران مخصوص کلیسای جوار، «صلیب» را بر روی تپه بلندی در بالای دره منکواری نزدیک متسختا بنا کردند که بر روی سر در کلیسای مذکور پیکره او را نقش نمودند. اتفاقاً در همین زمان حکومت *دوک استفان* بود که کلیسای

گرجی‌ها و ارامنه از هم جدا شد و هر یک راه خود را رفت.^۱ گرجی‌ها در این زمان درک کرده بودند که هر گاه جنگی بین ایران و روم درگیرد، مسیحیان ایران که دولت روم را دوست خود می‌دانستند، مورد آزار و ستم ایرانیان قرار خواهند گرفت، پس بدین جهت تصمیم گرفتند با کلیسای روم قطع رابطه کنند.^۲

۱- همان، ص ۸-۹.

۲- همان، ص ۹.

فصل دوم

روابط ایران و گرجستان در دوران اسلامی

■ فتح گرجستان توسط مسلمانان و وضعیت گرجستان در دوران اسلامی

در اثر فتوحات اسلامی و سقوط دولت ساسانی موقعیت جدیدی در گرجستان پیش آمد بطوری که از اواسط قرن هفتم میلادی، شرق گرجستان تحت سیادت مسلمانان قرار گرفت. در سالهای ۶۴۲ و ۶۴۳ میلادی اعراب به نواحی ارمنستان و کارتلی دست یافتند. گرجی‌ها نیز چون نتیجه‌ای در مدافعه و پایداری ندیدند و نیروی دفاعی آنها نسبت به قوای دشمن ضعیف بود، پیشنهاد صلح کردند و دروازه‌های قلاع و شهرها را بر روی آنان گشودند. آنگاه از طرف خلفای اموی و عباسی حاکمانی در تفلیس، کارتلی و گرجستان شرقی منصوب گردیدند.^(۱) خلفای اموی و عباسی مدتها عاملان خود را در گرجستان مستقر می‌ساختند ولی تسلط اعراب بر این سرزمین چندان استوار نبود زیرا در عین وجود یک امیر که نماینده خلیفه بود، امور این سرزمین عملاً به دست اشراف

۱- روشن ضمیر، گوشه‌ای از تاریخ گرجستان، ص ۹.

محلی اداره می‌شد. در قرن سوم هجری تحت رهبری یک قهرمان ملی به نام *آشات* مزد گرجستان آزادی خود را باز یافت و اندکی بعد یکی از حاکمان گرجی به نام *باگرات* دولت مستقلی در این کشور تشکیل داد.^(۱) در قرن نهم میلادی در غرب گرجستان دولت *ابخاز* (ابخاز) پدید آمد که مرکز آن شهر *کوتائسی* بود. این دولت تا قرن یازدهم میلادی کنترل آن منطقه را در دست داشت.

□ سلطه سلجوقیان بر گرجستان

در قرن یازدهم میلادی (۱۰۶۰ میلادی / ۴۵۲ هجری)، سلجوقیان کاملاً در شرق ایران تسلط یافتند و دامنه نفوذ خود را به غرب ایران نیز کشاندند و بالاخره در سال ۱۰۶۶ میلادی قسمتی از گرجستان را تحت حکومت خود در آوردند و دو سال بعد هم نواحی کارتلی را تصرف کردند. در این زمان سلطنت و فرمانروایی گرجستان به دست *باگرات چهارم* بود. پس از مرگ وی در سال ۱۰۷۲ میلادی سلطنت به پسرش *گیورکی دوم* رسید. شاه جدید بلافاصله پس از دست گرفتن اختیار امور حکومت، عدم کفایت و لیاقت خویش را به ثبوت رسانید و در زمان او اختلافات و جنگهای خانگی و بالاخره تسلیم بلاشرط گرجستان به ترکان سلجوقی صورت گرفت و *گیورکی* اطاعت و فرمانبرداری مهاجمین را پذیرفت.^(۲)

بالاخره، پس از مدتی چون اداره امور از دست او خارج شده بود، ناچار شد که سلطنت را به پسر شانزده ساله خود *داوید* بسپارد. شاه جوان یعنی *داوید چهارم* که به «*داوید سازنده*» ملقب شده بود، خود را سرداری جنگی و با کفایت و رهبری خردمند به مردم معرفی کرد. وی هنگی از سواران زبده و کارآزموده را انتخاب و خود در پیشاپیش آنان در عملیات جنگی شرکت می‌کرد. *داوید* پس از

۱- شفاء: جهان ایرانشناسی، ص ۷۵۳.

۲- روشن ضمیر: گوشه‌ای از تاریخ گرجستان، ص ۹-۱۰.

سرکوبی شورشیان و مخالفان، به قدرت نظامی خویش افزود و از سال ۱۹۰۹ میلادی از پرداخت باج و خراج به سلطان سلجوقی امتناع ورزید. وی در بین سالهای ۱۱۱۰ و ۱۱۲۲ میلادی در جنگهای که با سلطان سلجوقی نمود، پیروزی‌های مهمی به دست آورد. بزرگترین پیروزی او فتح تفلیس بود که در سال ۱۱۲۲ صورت گرفت. نیروی نظامی گرجستان در این زمان از چهل هزار نفر سرباز خشن قبیچاقی تشکیل یافته بود و کارهای تسلیحاتی و عمرانی *داوید* پس از او به دست یکی از نوادگانش بنام **ملکه تامارا** ۱۱۸۴-۱۲۱۳ ادامه یافت. این زن از سال ۱۱۷۸ میلادی به فرمان پدرش **گیورگی سوم**، نائب السلطنه گرجستان شده بود. در سال ۱۲۰۸ میلادی **ملکه تامارا** سپاهی به آذربایجان فرستاد و شهرهای اردبیل، تبریز و قزوین را به تصرف خویش در آورد. شهرهای نامبرده قدرتی به دست یکی از دودمانهای گرجی به نام **بشکندی** اداره می‌شد.^(۱)

دوره فرمانروایی **ملکه تامارا** اوج قدرت گرجستان بود که قلمرو اقتدارش از آذربایجان تا مرزهای ترکستان و از ارزروم تا گنجه به شکل یک امپراتوری قفقازیه سراسری توسعه می‌یافت، همراه با شیروان و طرابوزان که به عنوان خرج‌گزار و متحدانش بودند.

❑ وضعیت گرجستان در دوران جنگهای صلیبی

از زمانی که جنگهای صلیبی به قفقاز نیز سرایت کرد، همانند تمام جبهه‌های امپراتوری اسلام، در قفقاز نیز وظیفه دفاع از اسلام، بر عهده ترکهای سلجوقی نهاده شد. *داوید* که گرجستان را به صورت پایگاهی برای صلیبیون در آورده بود از یک سو، شاهزاده‌نشینهای متعدد گرجی را که از استقلال خود دفاع می‌کردند، در سایه همان اردو اشغال و به قلمرو خود ضمیمه نمود و از دیگر سو، در سال ۱۱۲۲ میلادی نیز باز به کمک همان اردو تفلیس را نجات داد. این دولت با اینکه در زمان **ملکه تامارا** درخشانترین دوره اقتدار و سلطه را داشت، ولی می‌توان

گفت علیرغم این اقتدار موفق به تشکیل یک حکومت و دولت متجانس نشده و به عبارت بهتر یک هویت غیر ملی به خود گرفت. از این روی، وجود امنیت هم از نظر خارجی و هم از نظر داخلی مشکوک به نظر می‌رسید و این قبیچاقها بودند که قدرت نظامی و اقتصادی را در دست داشتند و بر اوضاع حاکم بودند. زمانی که آلپ‌ارسلان در سال ۱۰۷۱ میلادی اردوی بیزانس را در ملازگرد شکست داد و شماری را به اسارت گرفت، علاوه بر خزرها، گرجی‌ها و ابخازها، عده‌ای از قبیچاقها نیز در میان اسراء جنگی دیده می‌شدند.^(۱)

❑ اوضاع گرجستان در زمان حمله مغول

در سال ۶۱۷ هجری سربازان مغول به آذربایجان و قفقاز رسیدند و به زودی توانستند به گرجستان حمله برند. گنورک چهارم و سپاهیان اتابک ایران که در صدد دفاع برآمده بودند از سپاهیان مغول شکست سختی خوردند و مغولان به تفلیس وارد شدند.

در این زمان تنها شاهزاده ایرانی که بر علیه مغولان قد علم کرده و تا آخرین نفس از کشور خود دفاع نمود جلال‌الدین خوارزمشاه بود. وی پس از شکست خوردن از سپاه مغول، جسته و گریخته با سپاهیان مختلف و پراکنده آنان زد و خوردهایی کرد و بالاخره به سبب آنکه با عده محدود و کمی از سپاهیان حریف دشمن نشد، به هندوستان گریخت و در آنجا پس از جمع‌آوری عده‌ای سرباز به کرمان، خوزستان و عراق رفت و آن نواحی را به تصرف خویش در آورد. آنگاه سربازانش را به سمت شمال گسیل کرد و پس از فتح تبریز به طرف گرجستان حمله برد.

سلطنت گرجستان در این زمان در دست روسودان بود. وی سپاهیان خود را

۱- بنداری اصفهانی، زبدة النصره و نغمة العصرة، ترجمه به ترکی از قوام‌الدین و بورسلان،

(استانبول: انجمن تاریخ ترک، ۱۹۴۳)، ص ۳۶ و ترجمه فارسی محمد حسین جلیلی، ص ۴۶.

به مقابله با جلال‌الدین فرستاد ولی حریف وی نشد و به سختی شکست خورد. جلال‌الدین می‌خواست به تفلیس حمله کند ولی در بین راه از انقلاب و شورش در تبریز آگاه شد و به ناچار تصمیم خود را عوض کرده و برای سرکوبی شورشیان روانه آن شهر شد. چند ماه بعد یعنی در سال ۶۲۳ هجری هنگامیکه جلال‌الدین در تبریز بود، گرجی‌ها برای ضعیف کردن روحیه وی و تلافی شکست خود، سپاهان فراوانی از طوایف لزگی، لان و قبقاق جمع کرده و به نقاطی که جلال‌الدین تسخیر کرده بود حمله کردند. جلال‌الدین بدون فوت وقت با لشکریان خود به طرف تفلیس پایتخت گرجستان حمله آورد. ملکه نامبرده فرار کرد و دفاع شهر را به دست دو سردار خود بوتزو و ممنا سپرد. جلال‌الدین با حمله سریع خود به تفلیس رسید و موفق شد در هشتم ربیع‌الاول وارد شهر شده و آن شهر آباد و پرجمعیت را فتح کند. سربازان جلال‌الدین که آزادی عمل گرفته بودند، زنان و کودکان گرجی را به اسارت برده و چون بردگان به فروش رسانیدند. نویسندگان مسیحی این عمل سربازان جلال‌الدین و کشتار آنان را با قتل عام اورشلیم به دست تیتوس امپراتور روم تشبیه کرده‌اند و آنرا یکی از بزرگترین جنایات تاریخ عالم مسیحیت شمرده‌اند.

جلال‌الدین مدت کمی در گرجستان توقف داشت و آنگاه چون از شورش براق حاجب در کرمان اطلاع حاصل کرد با سرعت زیاد، یعنی ۱۷ روزه خود را با سیصد سوار به آنجا رسانید. در غیبت جلال‌الدین بار دیگر ملکه روسودان به فکر جمع‌آوری لشکر بر آمده بود. هنگامیکه این خبر به گوش جلال‌الدین رسید، مجدداً به طرف تفلیس حرکت کرد و پس از وارد آوردن شکستی سخت به سپاهیان ملکه، وارد تفلیس شد. این بار هم او مانند دفعه پیش عده زیادی را به قتل رساند و شهر را غارت کرد. او چندی بعد از سر و صورت دادن به کارهای تفلیس، به سمت نخجوان و سپس به سوی قلعه خلط رفته و آن شهر را در ۲۸ جمادی‌الاول سال ۶۲۷ هجری/۱۲۲۹ میلادی فتح کرد.^(۱)

۱- روشن ضمیر: گوشه‌ای از تاریخ گرجستان، ص ۱۱-۲.

پس از کشته شدن جلال‌الدین در نیمه شوال سال ۶۲۸، دیگر مانع مهمی برای پیشرفت مغولان وجود نداشت. سربازان مغول به سرکردگی جورماغون و سرداران دیگر از همین سال یعنی در اواخر سال ۶۲۸ هجری به آذربایجان وارد شده مراغه و سپس شهرهای دیگر آذربایجان و گرجستان را به تصرف خود در آوردند.

هنگامیکه جورماغون به طرف گرجستان حمله می‌کرد، ملکه رسودان گریخت و آواک و بهرام پسران ایوان از در اطاعت درآمدند. آواک چندی بعد به خدمت اوکتای قآن رفت و قبول تابعیت و فرمانبرداری کرد و این باعث شد که از طرف وی به حکومت گرجستان و ارمنستان منصوب شود. از آن زمان به بعد یعنی از اواخر سال ۶۳۴ هجری/ ۱۲۳۶ میلادی گرجستان مانند سایر استانهای ایران از خراجگزاران مغول محسوب می‌شد. اهرام حاکم دیگر گرجستان نیز در سال ۱۲۳۹ میلادی خود را تابع و فرمانبردار مغول می‌دانست.

خرابیها و کشتارهای بیرحمانه چنگیز هنوز از خاطرها محو نشده بود که خونخوار دیگری به نام تیمور کشور ایران و استانهای مختلف آن از جمله گرجستان را مورد تاخت و تاز قرار داد. تیمور از سال ۷۸۲ هجری / ۱۳۸۰ میلادی پس از گذشتن از شهرهای ایران و خراب کردن آنها به گرجستان نیز حمله برد و مسیحیان آن دیار را به دست سربازان بیرحم خود از دم تیغ گذرانید، اموال آنان را تاراج کرد و تقریباً کلیه کلیساهای سرسبز آن ناحیه را با خاک یکسان نمود. حملات امیر تیمور به گرجستان چندین بار صورت گرفت و در همه آنها، مسیحیان مورد حمله قرار می‌گرفتند و قتل عام می‌شدند. آخرین باری که تیمور به گرجستان رفت در سال ۸۰۶ هجری / ۱۳۹۶ میلادی، یعنی پس از فتح بغداد و قتل عام و خرابی آن شهر بود. پس از تیمور روی کار آمدن ترکمانان قره قوینلو و آق قوینلو چنین می‌نماید که در گرجستان آرامشی نسبی حکمفرما شده بود.^(۱)

هنگامی که هلاکو خان قصد تصرف بغداد و سرنگونی عباسیان را داشت، گرجی‌ها با او همراهی کردند و برای وی نیروی نظامی فرستادند با این حال در اوایل تأسیس دولت ایلخانان، گرجستان دستخوش اغتشاش و ناآرامی گردید. به ظاهر عامل اولیه شورش گرجیان، فشار مالیاتی مغولان بوده است. هلاکو برای آرام نمودن گرجستان از امیرارغون آقا سردار مغول استفاده کرد. اداره این منطقه پیش از آن در دست او بود و همو اطلاعات بسیاری در این باره داشت. جوینی در این مورد می‌نویسد:

«امیرارغون با خواص خویش و جمعی از مردم تفلیس متوجه آتن شد و لشکرها از جوانب به یکدیگر رسیدند و بسیار از گرجیان بکشتند و اسیر گرفتند و امیرارغون بازگشت و در اواخر رمضان سنه سبع و خمسين و ستمائه، وقت توجه پادشاه به جانب شام، به مقام تبریز خدمت پادشاه رسید و احوال گرجستان عرضه داشت. لشکری از مغول تعیین فرمود و حشر تومانات عراق و ایل گرجستان به مصلحت آن نامزد کرد و تمامت آن لشکر را اهتمام امیرارغون فرمود و چون او باز به تفلیس رسید و او و ملک بزرگ نیز به سبب مطالبت بقایای مالها عاصی شده بود و ربه اطاعت از سر برکشیده».

اگر چه مسأله غارتگری مغولان در شورش گرجستان نقش بسیار مهمی داشته است اما به نظر می‌آید که انگیزه‌های سیاسی که آن هم ناشی از موقعیت سیاسی جدید گرجستان بوده نیز در این ماجرا دخالت بسیار داشته است.^(۱) تأسیس دولت ایلخانان همراه با گسترش تخاصم میان فرزندان تولوی و چوچی بود. فرزندان تولوی با به دست گرفتن مقام قآنی و تصرف ایران، عملاً نقشه‌های فرزندان چوچی را برای تسلط بر قفقاز نقش بر آب کردند. برکای فرزند چوچی که در این زمان رهبری اولوس چوچی را در دست داشت و از زمان فتح

۱- عبدالرسول خیراندیش، «موقعیت مسیحیان آسیای غربی در دولت ایلخانان»، ایران

شناخت، شماره ۴، بهار ۱۳۷۶، ص ۳-۴.

بغداد دشمنی هلاکو را در سر می‌پروراند، اکنون با حائل قرار گرفتن گرجستان میان هلاکو و برکای، اهمیت سیاسی گرجستان روز افزون گردید. **اشسپولر** در مورد شورش گرجستان و نقش برکای در این مورد می‌نویسد:

«**داود پنجم** تصمیم گرفت که در برابر مغولان قیام کند. او غوغا موفق شد با دو بار لشکرکشی وی را مغلوب کند. اگر چه مغولان گرجستان را اشغال نکرده بودند، اما **داود پنجم** ناگزیر سرزمین ویران شده را ترک گفت. وی نزد **داود چهارم** که قبل از آن به ابخاز رفته بود و از آنجا با **برکای** رابطه برقرار کرده بود، گریخت. پس از چندی میان **داود چهارم** و مغولان قراردادی بسته شد که به موجب آن فرمانروای گرجستان می‌توانست به کشورش بازگردد، لیکن وی می‌بایست پسر خود **متریوس** را به عنوان گروگان به دربار ایلخان بفرستد. با این همه، به زودی میان دو طرف نزاع در گرفت و **داود پنجم** دست استمداد به سوی مصریان دراز کرد؛ بی‌آنکه بتواند از این راه به سروری مغولان پایان دهد. برعکس شاه گرجستان ناگزیر بود در جنگهایی که با سپاهیان دشت قبیچاق جریان داشت، به عنوان سردار سپاهیان گرجی شرکت کند. با آنکه در همان وقت مهاجمین سلجوقی روم بسرکشورش حمله کرده بودند»^(۱).

کیفیت تحولات گرجستان نشان می‌دهد که هلاکو تا چه اندازه از دستیابی برکای بر گرجستان نگران بوده است. زیرا او می‌خواست که گرجیان مدافع مرزهایش در مقابل برکای باشند. به همین جهت در مورد گرجیان هیچگاه شدت عمل به خرج نداد. حتی سعی نمود که آنان را با خود همراه سازد. به طور کلی هلاکو به خاطر مشکلات تصرف مجدد گرجستان، انتظار پیروزی کامل را نیز نداشت. به این جهت باز تا حدودی استقلال گرجستان محفوظ ماند. **یشموت** فرزند هلاکو که به عنوان حاکم اران و آذربایجان و دربند و مغان و... که مرز شمالی ایلخانان بود، منصوب شده بود علاوه بر حفاظت این مرز، اداره گرجستان را نیز عهده‌دار بود. همچنین هلاکو یکی از مأموران خود را برای

نظارت بر کار جاثلیق کلیسای گرجستان بدان سرزمین اعزام کرد با این همه باید تکرار کرد که اساس سیاست هلاکو در مورد گرجستان جلب همکاری گرجیان بود.^(۱) به همین جهت داود پنجم را منصب یارغوچی (مفتش) داد. این اقدامات موجب شد، بعدها که سپاهیان ایلخان با مملوکان مصر در شام درگیر شدند، سپاهیان گرجی نیز با آنان همراهی نمایند.^(۲)

اباقاخان دومین ایلخان مغول مانند پدرش دارای مادر و همسری مسیحی بود. در زمان او، به علت فقدان صمیمیت و صداقت در مشی حکومت ایلخانان، اوضاع گرجستان سخت آسیب پذیر و نابسامان گردید و آثار منفی سلطه مغولان خود را بطور کامل نشان داد. در اغلب جنگهایی که **اباقا** با مملوکان مصر انجام می داد، سپاهیان گرجی نیز شرکت داشتند و حتی در بعضی از آنها نقش بسیار موثری نیز ایفا کردند.

ابوالفرج نقل کرده است که در سال ۶۷۵ هجری قمری / ۱۲۷۶ میلادی که سپاهیان مصر به آسیای صغیر حمله ور شدند، در سپاهیان مغول سه هزار نفر گرجی وجود داشت که در جنگ ایستادگی کردند و جدیت زیادی نمودند و دو هزار نفر از آنان کشته شدند و تنها یک هزار نفر آنها باقی ماندند. همچنین در جنگ عین تاب (۶۸۰ هجری قمری / ۱۲۸۱ میلادی) علیرغم شکست سپاهیان مغول، گرجیان به همراهی دیگر سپاهیان مسیحی که در جناح راست بودند، بر مصریان غلبه کردند. علیرغم درخشش گرجیان در خارج از موطن خود، در دوره **اباقا** توان سیاسی و نظامی آنان در سرزمین خویش به شدت تنزل نمود. افول کلی قدرت گرجیان در این زمان، معلول سه عامل بوده است: اول مسائل به تخت نشستن سلطان جدید، دوم جنگ **اباقا** با **براق** در خراسان و سوم

۱- برنولد اشپولر، **تاریخ مغولان در ایران**، ترجمه محمود میرآفتاب، (تهران: انتشارات

علمی و فرهنگی ۱۳۶۵)، ص ۳۹۶.

۲- خیراندیش: **موقعیت مسیحیان آسیای غربی در دولت ایلخانان**، ص ۵.

جنگ **اباقاخان** در دشت قبیچاق. در اوایل سلطنت **اباقا**، **داود بزرگ** و فرزندش **سدون منکوبردی** اداره امور گرجستان را در دست داشت. در حالی که **شیرامون** فرزند **جرماغون** به عنوان امیرالامرا بر آن ناحیه تسلط داشت.

در سال ۶۶۸ هجری قمری / ۱۲۶۹ میلادی در نتیجه شورش **نیکودار** برادر **براق** موقعیت مغولان در گرجستان بیش از پیش مستحکم شد. درباره علت این شورش سخن واحدی وجود ندارد. مثلاً **اشپولر** در جایی علت آن را تحریک **براق** دانسته و در جایی دیگر ناشی از بدبینی **اباقا** نسبت به **نیکودار**. **نیکودار** که بر جان خود بیمناک شده بود، در گرجستان به **داود چهارم** پناهنده شد. اما سرانجام به جنگ سپاهیان مغول افتاد. مؤلف تاریخ و صاف نقل کرده است که **نیکودار** برای آنکه بتواند اعتماد و همراهی گرجیان را به خود جلب کند، دخترش را به عقد **داود چهارم** در آورد. با این همه، **شیرامون** فرزند **جرماغون**، **نیکودار** را به آسانی دستگیر و روانه دربار **اباقا** نمود. این خود نشان می‌دهد که تفرقه و ضعف داخل تا چه اندازه گرجستان را در خود فرو برده بود که با وجود همراهی یک شاهزاده مغولی و در حالی که **اباقا** در دو جبهه خراسان و شام گرفتار بود و نیز احتمالاً خوانین دشت قبیچاق حاضر به کمک گرجیان بوده‌اند، آنان به آسانی تسلیم دولت ایلخانان شدند.

در سال ۶۶۸ هجری قمری / ۱۲۶۹ میلادی **داود پنجم** شاه گرجستان درگذشت و مغولان با تأخیر نسبتاً طولانی یعنی در سال ۶۷۰ هجری قمری / ۱۲۷۲ میلادی پسر وی **دمتریوس** را که سالهای متمادی در دربار ایلخانان به عنوان گروگان بسر برده بود، بر تخت نشاندند. دو تا سه سال تأخیر در به تخت نشاندن شاه جدید نشان می‌دهد که سیطره حکام مغول بر گرجستان در این زمان تا آن اندازه بوده است که برای تسلط بر اوضاع و تمشیت امور، نیازی به همراهی عوامل گرجی نمی‌دیده‌اند. بعلاوه **اباقا** برای پادشاه جدید قیمی منصوب نمود که رقیب خانواده او به شمار می‌آمد. وی فرزند **داود چهارم** بود. در همان حال حکام و سرداران مغولی بر همگی آنها نظارت و تسلط کامل داشتند. در همین احوال، **برکای خان** دشت قبیچاق به قفقاز حمله ور شد. پیشروی او تا تفلیس نیز

ادامه یافت. وی عده زیادی از گرجیان را بدون آنکه مقاومت مؤثری در مقابل او انجام داده باشند، نابود کرد. از جانب *اباقا* نیز اقدامی برای دفاع از گرجیان صورت نگرفت تنها پس از مرگ *برکای* که موجب عقب‌نشینی سپاهیان او شد، سپاهیان *اباقا* توانستند تسلط خود را بر گرجستان اعاده نمایند.

گرجستان و مرز شمالی آن بدین ترتیب و با معاهده‌ای که پس از *برکای* با *منکو تیمورخان* جدید دشت قبیاق بسته شد، چنان امن گردید که علاوه بر افتتاح باب تجارت، به عنوان محل امنی برای تبعید مجرمان نیز مورد استفاده قرار گرفت.^(۱) در فاصله ۱۵ سال یعنی از مرگ *اباقاخان* تا به سلطنت رسیدن *غازان* (۶۸۰-۶۹۵ هجری قمری / ۱۲۹۵-۱۲۸۱ میلادی) چهار تن به مقام ایلخانی رسیدند. در این زمان به علت کشمکش امرای مغول و سیاستهای متضاد داخلی، یک آشفتگی در سیاست خارجی مغولان با گرجیان به وجود آمد.

در کلیه تحولاتی که پس از مرگ *اباقاخان* تا قتل *بایدو* صورت گرفت، گرجیان همواره به طرفداری از جریان حاکم وارد عمل می‌شدند. لیکن هیچگاه اراده و استقلال فکری از خود نشان ندادند. در دوره کوتاه سلطنت *تکودار* او با گرجیان رابطه خوبی داشت و سپاهیان گرجی نیز خدمات مهمی برای *تکودار* انجام دادند. این سپاهیان از آزادی عمل فراوانی به ظاهر برخوردار بودند و در جریان حملات خویش به نقاطی که به تصرف در آوردند قتل و تاراج بسیاری مرتکب شدند.

با وجود همراهی گرجیان با *تکودار*، *ارغون* پس از رسیدن به سلطنت با آنان روش مدارا پیش گرفت. در این راستا، او خواهر *دمتریوس دوم* شاه گرجستان را برای یکی از پسران خود به زنی گرفت. *گیخاتو* نیز با گرجیان روابط خوبی داشت و گرجستان در این دوره عرصه کشمکش او با سرداران یاغی مغول گردید و

گرجی‌ها او را در سرکوبی شورش‌ها یاری دادند.^(۱) با توجه به اسلام آوردن *غازان‌خان* این امر باعث کاهش توجه مسیحیان گردید و گرجستان دیگر موقعیت سابق خود را در دولت ایلخانان از دست داد. در نتیجه، گرجیان سعی نمودند با کمک خان دشت قیپاق استقلال خود را به دست آورند.^(۲) در دوره *غازان‌خان* گرجستان همچنان مطیع دولت ایلخانان باقی ماند. اما از همین دوران، ناتوانی مغولان برای حفظ سلطه بر این سرزمین آغاز شد و مغولان در برابر خواسته‌های گرجیان هر چه بیشتر انعطاف از خود نشان دادند.

هنگامی که *غازان* برای به دست آوردن تاج و تخت با *بایدو می‌جنگید*، سرزمین گرجستان صحنه آخرین مراحل نبرد میان آنان گردید. گرجیان در این میان به *غازان* کمک‌های شایانی کردند. با وجود همراهی گرجیان با *غازان*، اولین اقدام او پس از رسیدن به قدرت، گسترش آمریت و حاکمیت مرکزی بود. با قبول اسلام از سوی او و تصمیم وی دایره بر ضرب سکه جدید با مضامین اسلامی، گرجیان نیز مجبور شدند سکه‌های جدید مانند سکه‌های ایلخانان ضرب نمایند و بدون هیچ مقاومتی به این کار راضی شدند.

غازان در آستانه لشکرکشی به شام مانند ایلخانان قبلی می‌خواست از نیروی نظامی گرجیان بهره گیرد. به همین جهت امیرالامرای خود قتلغ شاه را به گرجستان اعزام داشت تا ضمن تمشیت امور به گردآوری نیرو نیز پردازد. *غازان* پس از جلب رضایت گرجیان اجازه داد گرجیان صلیبی را پیشاپیش دسته‌های خود حمل کنند.^(۳)

با توجه به لشکرکشی‌های *غازان* به آسیای صغیر *داود ششم* پادشاه گرجستان وقت را برای استقلال مغتنم دانست. برادر *داود ششم* به طمع دستیابی

۱- همان، ص ۵-۱۴.

۲- همان، ص ۱۶.

۳- همان، ص ۹-۱۷.

به سلطنت جانب غازان را گرفت اما ژرژ پنجم با توجه به ناآرامیهای آسیای صغیر و توجه مغولان بدان نواحی در این زمان گام بلندی به سوی استقلال برداشت.

در اوایل سلطنت اولجایتو، یکی از امرای گرجی برای استقرار سلطنت وی کوشش بسیاری انجام داد. در این زمان، اولجایتو که نگران همکاری گرجی‌ها با توقتای بود. وی به امیرچوپان دستور داد ابتدا گرجستان را مطیع کند و سپس به مقابله با مهاجمان بپردازد. الجاتیو، ژرژ ششم پسر داود ششم را به سلطنت گرجستان منصوب کرد. در زمان ابوسعید آخرین ایلخان مغول، ژرژ هفتم پسر ژرژ ششم به پادشاهی گرجستان تعیین گردید، پس در نتیجه، وحدت سیاسی گرجستان تداوم یافت و حفظ شد.

وحدت سیاسی و تمامیت ارضی گرجستان، گامهایی اساسی برای استقلال این سرزمین بود که در این میان، باید ژرژ هفتم را قهرمان واقعی آن دانست. وحدت پادشاهی، گرجیان را به هماهنگی بهتر و دقیق‌تر در راه پیشبرد سیاستهایشان رهنمون گردانید. از اقبال گرجیان در دوره حکومت ابوسعید، این بود که خوانین دشت قباچاق اقدامی برای دست‌اندازی به گرجستان انجام ندادند و این، علاوه بر آنکه ضرورت مداخله ایلخانان را منتفی می‌ساخت، بلکه به رستاخیز سیاسی نوپای گرجیان نیز امکان می‌داد که ادامه حیات داده و موقعیت خود را استحکام بخشند.^(۱)

با فروپاشی دولت مرکزی ایلخانان پس از مرگ ابوسعید و شروع تخاصم میان ایلخانان رقیب، دولت گرجستان که در دوره ابوسعید عملاً مستقل شده بود، به طور کامل به استقلال دست یافت.^(۲)

۱- همان، ص ۵-۲۴.

۲- همان، ص ۲۵.

□ اختلاف عثمانی و صفویان بر سر گرجستان

هنگامیکه سلسله صفویه در ایران به قدرت رسید و اوضاع سیاسی کشور سر و سامان یافت، گرجستان مجدداً مورد توجه شاهان صفویه قرار گرفت. در این دوره، جنگها و زد و خوردهای بیشماری در این سرزمین به وقوع پیوست. در این زمان، دولت عثمانی هم دارای قدرت بسیاری شده بود و می‌کوشید گرجستان را تصرف کند. به همین جهت، شاه اسماعیل ناچار شد در سال ۹۲۷ هجری/۱۵۲۰ میلادی به گرجستان حمله کند. مدتها بعد، حاکم گرجستان مجدداً برای به دست آوردن استقلال دست به شورشهایی زد. شاه طهماسب اول ۹۸۴-۹۳۰ هجری/۱۵۷۶-۱۵۲۴ میلادی نیز هر دفعه برای ایجاد آرامش به آنجا لشکرکشی می‌کرد. در سال ۹۶۰ هجری/۱۵۵۲ میلادی نیز شاه طهماسب برای بار سوم مجدداً به گرجستان حمله کرد و شورشیان را قلع و قمع و کلیسای «واردزیا» را خراب نمود. پس از این لشکرکشی، مدتی طولانی آرامشی نسبی در گرجستان حکمفرما بود، ولی این آرامش مجدداً با حملات بیگانگان دچار اختلال گردید. سلطان مرادخان پادشاه عثمانی در ۲۶ صفر سال ۹۸۶ هجری/۵ ماه مه ۱۵۷۸ میلادی سپاهی به سرکردگی مصطفی پاشا به ایران گسیل داشت. نامبرده پس از پیروزی بر سپاه قزلباش به گرجستان حمله برد و قلعه تفلیس و همچنین شهر گوری پایتخت سلاطین آن خطه را به تصرف در آورد. علت شکست سپاهیان قزلباش اختلافاتی بود که میان آنها و سایر سرکردگان رخ داده بود. مهدعلیا (خیرالنساء بیگم) زن شاه محمد خدا بنده بر عکس شوهرش، زنی کوشا و قویدل بود. وی کوشش زیادی برای سرکوبی عثمانیان و بیرون راندن آنان از خود نشان داد ولی به سبب خودداری قزلباش و اختلافاتی که بین آنان حکمفرما بود نتیجه‌ای نگرفت. دشمنی و اختلاف میان مهدعلیا و سران قزلباش کم‌کم به اوج خود رسید و سرانجام کار به شورش سران قزلباش و قتل مهدعلیا انجامید.^(۱)

۱- روشن ضمیر: گوشه‌ای از تاریخ گرجستان، ص ۵-۱۳.

□ ازدواج شاهزادگان صفوی با دختران حاکمان گرجی

در سال ۹۸۷ هجری/ ۱۵۷۹ میلادی، مصطفی پاشا که در ارزوم اقامت داشت، برای سرکوبی کسانی که قیام کرده بودند، یکی از سرداران خود را به نام بهرام پاشا به آنجا فرستاد و او را مأمور حفظ گرجستان نمود. این کشمکشها و رقابتهای شدید در میان سلاطین صفویه بر سر حکومت گرجستان روز بروز شدت می‌یافت و طرفین برای پیشبرد مقاصد خویش به هر وسیله‌ای متشبث می‌شدند. از جمله این اقدامات این بود که سران دولت صفوی برای بسط نفوذ خود در گرجستان و ایجاد روابط حسنه با شاهزادگان آنجا، دختر الکساندر حاکم کاختی و همچنین دختر سیمون خان حاکم کارتلی را به ازدواج حمزه میرزا در آورده بودند. همچنین شاه عباس اول (عباس میرزا) پسر دیگر شاه محمد خدا بنده نیز در هنگام جوانی دختر حاکم تفلیس را به همسری گرفته بود. ولی بطوریکه آشکار گردید، این سیاست هم ثمری نداده و حکام گرجستان همیشه در پی فرصت بودند تا زمان را مناسب یافته و برای تحصیل استقلال قیام نمایند.^(۱)

□ شاعر، نویسنده و روحانی ایرانی در گرجستان

ظهیرالدین تفرشی پسر ملا مراد تفرشی از روحانیون درس خوانده و از شاعران و نویسندگان نیمه دوم قرن ۱۱ هجری قمری/ ۱۷ میلادی بشمار می‌آمد. از نوشته‌های میرزا محمد طاهر نصرآبادی اصفهانی که در همان روزگار می‌زیسته چنین برمی‌آید که تفرشی در حدود سال ۱۰۸۳/ ۱۶۷۲ میلادی یعنی در روزگار پادشاهی سلیمان صفوی در گرجستان پیشنهاد شده و به سبب حسن سلوکش به مرتبه‌ای رسیده بود که عالیجاه شاه نظر خان والی کاخت از سخن و صوابدید او یک سر مو عدول نمی‌کرده است.

تفرشی در آنجا با علمای مسیحیت مناظرات فراوانی کرده است و به همین

مناسبت نیز کتاب «نصرة الحق» را نوشت که بر ضد تبلیغات یک نفر به نام پادری گبرائیل افرنجی است.

وی در این کتاب سرگذشت ستیز با ترسایان غرب را آورده است. این کتاب دارای چند مجلس است که مناظرات تفرشی را با ترسایان در بردارد. از کسانی که تفرشی با آنان بحث کرده است ماکاریوس حلبی و گبرائیل افرنجی بوده است.

افرنجی روزگاری را در دارالسلطنة اصفهان گذراند و زمانی در تبریز اقامت داشت و زبان عربی، ترکی و فارسی را آموخته بود و بر عقاید اهل اسلام اطلاع حاصل کرده بود. وی برای مناظره با تفرشی به تفلیس رفته بود. وی در یک گردهمایی همگانی با وی مناظره کرد و در خلال سخنانش باورهای مسیحیان و اصحاب کلیسا را یکسره مردود شناخت.^(۱)

■ جاببدلری اهالی گرجستان از ایران در نزاع ایران و عثمانی

در کشمکش‌ها و درگیری‌های ایران و عثمانی بر سر گرجستان، بسیاری از اهالی گرجستان در پیکار با ترکان عثمانی، متفق ایران بودند. فشار ترکان عثمانی بر گرجستان موجب مهاجرت مردمان این سرزمین به دیگر نواحی می‌شد زیرا آنان پسران گرجی را به عنوان برده به آسیای صغیر و مصر می‌بردند. در اواخر سلطنت سلطان محمد خدابنده، دولت مرکزی ایران برای بیرون راندن عثمانیان به گرجستان لشکر کشید. در این لشکرکشی گرجی‌ها با پشتیبانی ایرانیان، دشمن را تار و مار کردند.^(۲)

۱- عبدالهادی حائری، نخستین رویاروییهای اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن

بورژوازی غرب (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷)، ص ۷-۴۸۶.

۲- عنایت‌الله رضا، زندگی شاه عباس اول، ج اول (تهران: بی‌نا، ۱۳۳۴)، ص ۵۸.

□ سیاست شاه عباس در قبال گرجستان

هنگامیکه شاه عباس به سلطنت رسید، در آغاز کار به سبب اختلافات و شورشهای داخلی نمی توانست اندیشه جنگ با دولت عثمانی را به خود راه دهد. وی برای نزدیکی بیشتر گرجستان به ایران، با چند زن دیگر گرجی نیز ازدواج کرد و آنها را در حرمسرای خویش مسکن داد. یکی از این زنان، خواهر تیمور والی گرجستان بود. وی برخلاف شاه طهماسب نظری بلند و فکری آزاد داشت لذا، با مسیحیان و پیروان سایر ادیان و مذاهب بسیار مهربان و با گذشت بود. البته این امر گذشته از روشنفکری این شاه صفوی، علت سیاسی هم داشت. وی در نظر داشت که بدینوسیله نظر مساعد دولتهای بزرگ اروپایی را بر ضد دشمن ایران یعنی دولت عثمانی، با خود همراه سازد و به همین جهت شاه عباس چون تصمیم داشت در اولین فرصت سرزمینهای گرجستان، ارمنستان و آذربایجان را از چنگ عثمانیان بدر آورد، با ارامنه و گرجیان و سایر مسیحیان بیش از پیش خوشرفتاری می کرد. ولی شورشهای متعدد در گرجستان که علت اصلی آن توسعه طلبی های دولت روسیه و یا تحریکات عثمانی بود، موجب شد که شاه عباس بارها به گرجستان لشکرکشی نماید و گاهی شدت عمل نیز به خرج دهد. از طرفی اختلافات میان گرجیان مسیحی و مسلمان آن دیار مدتها بود که وجود داشته و باعث ناراحتیهای شدیدی شده بود، دامنه این اختلافات بالاخره بجایی رسیده بود که در سال ۱۵۸۶ میلادی شاه گرجستان از ترس مسلمانان به روسها مراجعه نموده و از آنها تقاضای کمک و یاری و تحت الحمايگی کرده بود.^(۱)

شاه عباس یکبار هم در سال ۱۰۲۳ هجری/۱۶۱۳ میلادی به گرجستان حمله کرده و عده ای را سرکوب نمود. این نیز بدان علت بود که دو نفر از شاهزادگان گرجی به نامهای تیموراز و اوخراسپ برای به دست آوردن استقلال و بنا به گزارش یکی از کشیشان کارملیت به تحریک کنسول عثمانی باعث

۱- روشن ضمیر: گوشه ای از تاریخ گرجستان، ص ۹-۸۷.

شورش و آشوب شده بودند. شاه عباس در این حمله دستور داد، عده‌ای از شاهزادگان جوان گرجی را مقطوع النسل کرده و سپس همراه مادرانشان به زندانهای شیراز بفرستند. وی گروه زیادی از مردم گرجستان و ایروان را به نواحی مختلف ایران از جمله خراسان، مازندران و گیلان کوچ داد و مجبورشان کرد که در آن نقاط مسکن کنند. در زمان شاه عباس، پیترودلاواله که به ایران سفر کرده بود، در سفرنامه می‌نویسد که در یزد چند خانواده گرجی را دیده است.^(۱)

بطوریکه آدام اولتاریویس گزارش می‌دهد، مدت توقف شاه عباس در گرجستان در حدود نه ماه بود. اتفاقاً در همین سفر به فرمان وی، صفی میرزا را که از زنی گرجی متولد شده بود به قتل رسانیدند. شاه عباس یک بار دیگر نیز ناچار شد برای سرکوبی شورشیان گرجستان دست به لشکرکشی بزند. در این لشکرکشی که به سال ۱۶۱۵ میلادی رخ داد، شاه عباس با خشونت بیشتری رفتار کرد و از خود شدت عمل زیادی به خرج داد. پیترودلاواله که در آن زمان در ایران بسر می‌برد، در سفرنامه خود از رفتار خشونت‌آمیز شاه عباس شرح مبسوطی ذکر کرده و در آن بخصوص از بی‌لطفی وی نسبت به ملکه کتوان مادر تیموراز شاه کاختی سخن گفته است.^(۲)

مجدداً چند سال بعد، در گرجستان شورشی برپا شد. یعنی زمانی که سفیر اسپانیا ژان تادویس در ماه ژوئن ۱۶۱۸ میلادی/ ۹-۱۰۲۸ هجری برای تقدیم دو جلد ترجمه فارسی «مزامیر» داود و کتاب انجیل در قزوین به خدمت شاه رسید. وی عازم لشکرکشی به گرجستان بود لذا، شاه عباس به وی دستور داد که به اصفهان برود و در انتظار او، که احتمالاً چهار ماه غیبتش طول می‌کشید، در آن

۱- سفرنامه پیترودلاواله، ج ۵، ص ۳۰۵.

۲- سرگذشت حزن‌آور این زن منبع الهام آندره اس. گریفیوس درام‌نویس آلمانی قرار گرفت و بدین مناسبت، در سال ۱۶۵۸ میلادی تراژدی «کاترین گرجی» را به رشته تحریر درآورد.

شهر توقف نماید. شاه عباس در این حمله بیش از صد هزار سواره و پیاده با خود داشت و همانطور که پیش‌بینی کرده بود، پس از سرکوبی شورشیان به اصفهان بازگشت. شورش دیگر گرجستان در آغاز سال ۱۶۲۵ میلادی اتفاق افتاد. بطوریکه از نامه مورخ ۲۷ ماه مه ژان تادویس و همچنین نامه مورخ ۱۸ ژوئن یکی از کشیشان کارملیت به نام فردیناند دومینیک بر می‌آید، این شورش بسیار شدید بوده است. بطوریکه شاه عباس به حاکم فارس دستور می‌دهد که هر چه زودتر و با سرعت زیاد سپاهیان خود را برداشته و برای کمک به وی بشتابد. بطوری که اشاره شد دولت روسیه با تحریکات دامن‌دار خود از اختلافات موجود در گرجستان سوء استفاده می‌کرد. هنگامیکه میخائیل فنودوروویچ نخستین تزار سلسله رومانف به سلطنت رسید، میان گرجستان و روسیه نمایندگانی رد و بدل شدند و حتی تیموراز فرمانروای کاختی نسبت به تزار روسیه سوگند وفاداری یاد کرد و از آن سال مهاجران زیادی از گرجستان به روسیه رفتند و بتدریج در شمال مسکو مسکن گزیدند. در هر حال، در دوران سلطنت شاه عباس بارها شورشها و قیامهایی در گرجستان رخ داد که پیوسته با لشکرکشی‌های سریع سرکوب می‌شد و امنیت و آرامش مجدد در آن سرزمین حکمفرما می‌گردید.^(۱)

□ حاکمان گرجستان بعد از شاه عباس

پس از مرگ شاه عباس و به سلطنت رسیدن شاه صفی، این شورشها همچنان ادامه داشت. از جمله در سال ۱۶۳۴ میلادی/ ۸۴۴ هجری مجدداً شورشهای گرجستان آغاز شد. بطوریکه از نامه پیترو دلاواله بر می‌آید، عامل اصلی این شورش، تیموراز فرمانروای گرجستان بوده است. همچنین، با هجوم لشکریان دولتی به فرماندهی شخص شاه صفی، تیموراز فرار را بر قرار ترجیح داده و گرجستان را ترک می‌کند. در این زمان هم یکی از علل مهم شورشها،

دسیسه‌های دولت روسیه بود. از طرفی فشار ترکان عثمانی سبب نزدیکی بیشتر میان گرجستان و روسیه می‌شد به ویژه آنکه اکثر مردم گرجستان با روس‌ها هم‌کیش و برآیین مسیحیت ارتدکس بودند.

پس از مرگ شاه سلیمان، شاه سلطان حسین زمامدار ایران گردید و هنوز بیش از چند ماه از جلوس وی نگذشته بود که در گرجستان مجدداً شورشهایی برپا گردید که عامل آن گئورگی یازدهم (گرگین خان یا شاه نوازخان سوم) بود که پس از فرار به گنجه و با وساطت خسروخان که دیوان بیگی اصفهان بود، وی به دربار اصفهان فراخوانده شد. وی به فرمان شاه سلطان حسین مدتی حکمران کرمان و سپس مأمور سرکوبی شورشیان بلوچ شد و آنگاه برای آرامش دادن قندهار بدان سمت رهسپار گردید. سرانجام، بدین وسیله برای وی که عامل آشوب و ناراحتی گرجستان بود مشغولیتی فراهم شد و آن دیار تا حدودی روی آرامش را به خود دید.^(۱)

در اواخر سلطنت شاه سلطان حسین، یعنی هنگامی که افغانها به اصفهان آمده و اوضاع ایران دستخوش اغتشاش و از هم گسیختگی شده بود، دولت عثمانی نیز سپاهیان فراوانی به سرداری علی سرکش‌پاشا به گرجستان فرستاد و آن نواحی را به تصرف در آورد. در این زمان، حکومت کاختی و کارتلی به دست دو نفر از شخصیت‌های با نفوذ گرجی اداره می‌شد. نائب‌السلطنه کاختی کنستانتین سوم بود که پس از قبول دین اسلام محمدقلی خان نام گرفته بود و نائب‌السلطنه کارتلی واختانگ ششم بود که به اسم مسلمانی اش حسین قلیخان مشهور شده بود. وی از سال ۱۷۰۳ تا ۱۷۱۱ به عنوان ولیعهد و از سال ۱۷۱۴ به عنوان شاه کارتلی و نائب‌السلطنه گرجستان زمام امور را به دست گرفته بود. محمدقلی خان در سال ۱۷۲۳ میلادی از طهماسب میرزا (شاه طهماسب دوم) تقاضا کرد تا او را به جای واختانگ ششم (حسین قلی خان) به سمت پادشاهی کارتل و والیگری گرجستان منصوب نماید.

محمود افغان که خود را شاه ایران می‌دانست از گرجی‌ها ترس داشت. او درصد برآمد که آنها را با حيله و نیرنگ و اظهار دوستی به طرفداری و تبعیت از خویش کند. به همین منظور، وی به گرجی‌هایی که در اصفهان بسر برده و اجباراً به خدمت او در آمدند، دستور داد تا هموطنان خود در گرجستان را ترغیب کنند تا از دشمنی با وی خودداری کرده و از در دوستی درآیند.^(۱)

۵ نادر شاه و اوضاع گرجستان

حکومت افغانها با ظهور نادر سقوط کرد و گرجستان در این زمان دستخوش آشوب بوده و کماکان روس‌ها و عثمانی در آن دیار به دسیسه مشغول بودند و نواحی شمال و شمال غربی ایران نیز دچار دستبرد این دو دولت قرار گرفته بود. هنگامی که نادر شاه به سرکوبی اغتشاشات داخلی پرداخت، شاه طهماسب که نسبت به پیروزیهای وی حسادت می‌ورزید، برای اظهار وجود، به عثمانیان حمله برد. ولی پس از دو شکست متوالی در ماه رجب ۱۱۴۴ هجری / ژانویه ۱۷۳۲ میلادی مجبور شد معاهده ننگینی با آنها منعقد کند که به موجب آن شهرهای تفلیس، ایروان، شماخی، داغستان و بالاخره تمام گرجستان تا رود ارس مجدداً به دولت عثمانی تعلق گرفت. معاهده منعقد میان اشرف افغان و عثمانیها مورد تأیید شاه صفوی قرار گرفت.

نادر به زودی پس از خلع شاه طهماسب طفل شیرخوار او را به نام شاه عباس سوم به تخت نشاند و خود را نائب السلطنه او خواند. آنگاه یادداشت شدیدالحنی به دولت عثمانی فرستاد و در آن، ایالتهای فوق‌الذکر را متعلق به ایران دانسته و خروج سربازان عثمانی را خواستار شد. سرانجام، کار را به جنگ کشانید. نادر موفق شد در ۲۱ محرم ۱۱۴۸ هجری / ۱۴ ژوئن ۱۷۲۵ میلادی در آراچای شکست سختی به عثمانیان وارد سازد و ایالات غربی و شمال‌غربی ایران از جمله گرجستان را از چنگ آنان به در آورد.

هنگامی که سپاهیان ایران به سوی تفلیس پیش می‌رفتند، سران و فرماندهان کارتلی و کاختی به استقبال آنان آمده و نادر را به عنوان نجات‌دهنده خود پذیرفتند. از جمله افرادی که به استقبال وی آمدند، تیموراز و علی میرزا بودند که از سران گرجستان و در ضمن داماد او محسوب می‌شدند. نادر، علی میرزا را که مسلمان شده بود به لقب خانی مفتخر کرد و حکومت کارتلی و کاختی را بدو داد، ولی تیموراز که از پذیرفتن دین اسلام سرباز زده بود به روسیه فرار کرد.^(۱) نادرشاه پس از آشوبهایی که در گرجستان (کاختی و کارتلی) رخ داده بود، به نام فرماندهان، والیان و رؤسای مذهبی آن استان فرامینی صادر نمود. از جمله این فرامین، یکی فرمانی است که در مورد انتصاب نیکولا به عنوان اسقف گرجستان صادر نموده است. متن فرمان مزبور چنین است:

«بمعون الله تعالی، فرمان همایون شد آنکه چون در اینوقت عالیجاه طهمورث خان والی کاخت و تمامی کشیشان و تاوادان و از ناوران^(۲) کارتلی و کاخت به عرض مقدس رسانیدند که کتله کوز^(۳) سابق وفات یافته و بموجب وصیت او استدعای کتله کوری باسم عمدة القسیسین و اسوة الرهبانین نیکولوز نمودند لهذا بنحو استدعا از ابتدای نه ماهه هذالسنه ایت ثیل کتله کوزی گرجستانات مزبور را بدستوریکه با کتله کوز سابق بوده بعمدة القسیسین مومی‌الیه عنایت و مرحمت و موازی یکهزار نادری در وجه او مکرمت فرمودیم که بلوازم امر مزبور قیام و اقدام بدعای دولت لایزل اشتغال نماید کشیشان و تاوادان و از ناوران محال گرجستان مشارالیه را کتله کوز خود دانسته لوازم امر مزبور را به دستور کتله کوز سابق مختص او شمارند عالیجاه بیگلربیگی و عمال کرام دیوان اعلی صورت رقم اقدس را در دفاتر خلود ثبت نمایند و در عهده شناسند. تحریر فی

۱- همان، ص ۵-۲۳.

۲- از القاب و عناوین فنودالهای گرجستان و سایر بخشهای این قسمت می‌باشد.

۳- مقصود کاتولیکوس می‌باشد که به عربی آنرا جاثلیق نوشته‌اند.

شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۱۵۵»

بطوریکه از مفاد فرمانهای این دوره بر می‌آید، رؤسای مذهبی گرجستان از دولت مرکزی مقرری دریافت می‌داشته‌اند. در سال ۱۱۵۷ هجری، اسقف گرجستان فوت می‌کند و تیموراز برای جانشینی و والیگیری ناحیه کاختی، خواهرزاده او به نام آنتوان را نامزده کرده و در این باره از نادر شاه کسب اجازه می‌کند. در پاسخ تقاضای او، نادر فرمانی صادر و برای وی ارسال می‌کند. در بخشی از این نامه آمده:

«بمعون الله تعالى، فرمان همایون شد آنکه چون در اینوقت عالیجاه عمدة الولاية العظام طهمورث خان والی گرجستان کارتیل بعرض عاکفان سده سنیه اعلی رسانیده که کتله کوز طایفه گرجیه فوت و طایفه مزبوره اجماع کرده و عمدة الرهبانین و اسوة القسیسین آندون (آنتوان) را که خواهر زاده عالیجاه مشارالیه و در طریقه گرجیه در معرفت به مذهب و مسلک حضرت عیسی علی نبینا و علیه السلام نسبت باقران خود تفضلی داشته قبول و... در وجه او شفقت فرمودیم که هر سال از ضابط اعمال آنجا باز یافت و صرف معیشت خود نموده... عموم تاودان و کشیشان و بزرگان و رعایا و سکنه گرجیه گرجستان عمدة القسیسین مسطور را کتله کوز بالاستقلال دانسته امور مختص به شغل مذکور را بی مداخله و مساهمت مخصوص و متعلق او دانند. مستوفیان عظام و کرام دیوان اعلی رقم مطلع را در سر رشتجات تعلیقه ثبت نمایند و در عهده شناسند. تحریراً فی شهر رجب المرجب سنه ۱۱۵۷».

■ گرجستان پس از نادر شاه

پس از مرگ نادرشاه، برادرزاده او علیقلی میرزا که خود در کشته شدن عمویش دست داشت به نام عادل شاه در مشهد به تخت نشست. وی که کتوان دختر تیموراز نائب السلطنه کارتلی را به زنی گرفته بود، حدود یکهزار سوار زبده گرجی را در ارتش خود نگاهداشت. او نسبت به آنان اطمینان و اعتماد فراوانی داشت و یکی از نزدیکترین یارانش سهراب خان گرجی برادر زنش بود که بیشتر

کارها را بدو محول می‌نمود. هنگامیکه بین عادل شاه و برادرش ابراهیم میرزا اختلافاتی ایجاد گردید که منجر به شکست عادل شاه شد، مجدداً در گرجستان شورشهایی برپا شد و عده‌ای به تحریک ابراهیم میرزا بر علیه تیموراز و پسرش هراکلیوس قیام کردند.

در این زمان، عادل شاه با امیراصلان خان یکی از سرداران با نفوذ آذربایجان که در شکست عادل شاه نقش مهمی داشت، اختلاف پیدا کرد. هر یک از آن دو گرجستان را حق خود دانسته و به نام خویش در آنجا سکه زدند. نظر به اینکه گرجستان همچون گذشته دارای اهمیت فراوانی بود، هر یک از دو رقیب برای آنکه گرجیان را به طرفداری خود بکشانند، فرامینی بنام اسقف آنان صادر نمودند و ابراهیم میرزا به منظور جلب قلوب گرجی‌ها، تمامی املاک کلیسایی را به آنتوان اسقف گرجستان واگذار نمود.

دو ماه قبل از تاجگذاری ابراهیم میرزا، مردم خراسان شاهرخ نوۀ نادرشاه را به تخت نشاندند و چندی نگذشت که بین شاهرخ و ابراهیم میرزا جنگی در گرفت که ابراهیم میرزا شکست خورد و به فرمان شاهرخ کشته شد. شاهرخ نیز در سال ۱۱۶۳ هجری فرمانی برای تیموراز و به نام او صادر کرد که در آن او را به فرمانداری عراق و آذربایجان منصوب کرد. در قسمتی از فرمان او چنین آمده است:

«بمعون الله تعالى، فرمان همایون شد آنکه... طهمورث خان والی گرجستان را به رتبه سپهسالاری مملکت عراق و آذربایجان سرافراز فرموده‌ایم و آن قدوة العیسویه اباعن جد دولتخواه این آستان خلافت نشان بوده و می‌باشد... و در عهده شناسند. تحریراً فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۱۶۳».

❏ روابط کریم خان زند و حکمرانان گرجستان

تیموراز و پسرش هراکلیوس، پس از آنکه در گرجستان قدرت بیشتری به دست آوردند به فکر نفوذ در سرزمینهای مجاور و ماوراء قفقاز افتاده، دستبردهایی زدند و بالاخره جسارت را به آنجا رسانیدند که آرزوی دخالت در

امور سیاسی ایران و احتمالاً به دست آوردن تاج و تخت آنرا نیز در سر می‌پرورانیدند. در سال ۱۱۶۴ هجری/۱۷۵۰ میلادی، **علیمردان‌خان بختیاری** برای به دست آوردن تاج و تخت ایران به اصفهان حمله کرد و در نتیجه، بین او و سایر سرکردگان از جمله **کریم‌خان زند** رقابت شدیدی به وجود آمد. **هراکلیوس** از این هرج و مرج استفاده کرد و به آذربایجان حمله برد و آنجا را پس از شکست دادن **آزادخان افغان** تصرف کرد.

درباره روابط **کریم‌خان** و حکمرانان گرجستان چنانکه باید و شاید در منابع ایرانی مطلبی به چشم نمی‌خورد، ولی آنطور که از سکه‌های آن زمان برمی‌آید، حکمرانان و فرمانروایان گرجستان تابع و باج‌گذار دولت ایران بوده و همیشه به نام **کریم‌خان** سکه می‌زدند. سکه‌هایی که در گنجه، نخجوان، شماخی و بالاخره تفلیس (پایتخت گرجستان) تا سال ۱۱۹۳ هجری یعنی سال مرگ **کریم‌خان** ضرب کرده‌اند، اکنون موجود می‌باشند. ولی این اظهار اطاعت ظاهری بود و حکام گرجستان همچون گذشته، مترصد آن بودند که اوضاع ایران آشفته شود تا بتوانند با پشتیبانی روس‌ها به استقلال رؤیایی خویش برسند. **کریم‌خان زند** نیز در دوره حیات خود پیوسته از رابطه نزدیک **هراکلیوس** با روس‌ها نگران بود و می‌دانست که وی در انتظار موقعیت مناسبی است. به همین مناسبت هم از مدتها پیش یکی از شاهزادگان کارتلی به نام **الکساندر نوۀ واختانگ ششم** را در شیراز نزد خود نگاه داشت و منتظر بود تا در زمان مناسب او را قبل از تصاحب حاکمیت گرجستان توسط **هراکلیوس** به حکومت گرجستان منصوب نماید.

خانوادۀ واختانگ مدتها در گرجستان دارای نفوذ بودند و در معاهداتی که بین روس و ایران بسته شده بود حق سلطنت آن خانواده در گرجستان تضمین شد و جزء یکی از مواد معاهدات بود. شاهزاده **الکساندر** به **کریم‌خان** قول داده بود که هرگاه به حکومت گرجستان برسد، فرمانبرداری **کریم‌خان** را قبول داشته و هیچگاه سربچی نکند. از طرف دیگر، **کریم‌خان** برای برطرف کردن خطر شورش در گرجستان و حمله به نواحی کاختی و کارتلی با سران ایل قیطاق

گفتگو‌هایی کرد. ولی متأسفانه با مرگ او این تصمیم نقش بر آب شد.^(۱)

□ نزدیکی گرجستان به روس‌ها در زمان جانشینان کریم‌خان زند

پس از مرگ کریم‌خان در ۱۳ صفر ۱۱۹۳ هجری/۲ مارس ۱۷۷۹ میلادی، هراکلیوس که از اوضاع درهم ایران خبردار شده بود، به ایروان و گنجه حمله کرد. قدرت وی در این زمان تا بدانجا رسیده بود که حکمرانان خوی، نخجوان، تبریز و ارومیه برای او هدایایی فرستاده و اظهار بندگی می‌کردند. پس از مرگ کریم‌خان، مدتی میان برادران وی و سرکردگانش بر سر جانشینی زد و خورد روی داد که سرانجام پس از درگیری‌های بسیار، علیمردان خان به سلطنت رسید. وی درصدد برآمد هراکلیوس را مجدداً به قبول تبعیت ایران وادار کند، ولی چون قدرت کافی نداشت و تمام نیروی او صرف زد و خورد با آغامحمدخان قاجار می‌شد، تصمیم گرفت از در دوستی درآید. لذا، با فرستادن خلعت و هدیه از وی تقاضا کرد که مالیات عقب افتاده سه ساله را بپردازد. از طرفی، علیمردان خان در تعقیب سیاست خود در مورد گرجستان، فرمانی برای حکام و خانهای مسلمان قفقاز فرستاد و در آن از نامبردگان خواسته بود که از هر گونه تماس با روس‌ها خودداری کرده و به عملیات جنگی بر ضد هراکلیوس که خود را به دامن روس‌ها انداخته، اقدام نمایند. مسلماً به همین علت بود که از آن پس، زد و خوردهایی میان مسلمانان قفقاز با حاکم گرجستان آغاز گردید. پس از مرگ علیمردان خان، جعفرخان و سپس لطفعلی خان به سلطنت ایران رسیدند.

سرانجام، آخرین پادشاه خاندان زند پس از جنگهای متوالی با آغامحمدخان قاجار شکست خورد. هراکلیوس از این اوضاع نابسامان و آشفتۀ داخل ایران استفاده کرد و بیش از پیش خود را به روس‌ها نزدیک کرد و به موجب معاهده‌ای که در تاریخ ۲۳ شعبان ۱۱۹۷ هجری/۲۶ ژوئن ۱۷۸۳ میلادی با روس‌ها منعقد

۱- روشن ضمیر: گوشه‌ای از تاریخ گرجستان، ص ۴۰-۳۸.

ساخت، خود را تحت‌الحمايه کاترین دوم قرار داد.^(۱)

❑ روابط ایران و گرجستان در دوران قاجار

در دوران قاجار، حکومت ایران برای آخرین بار در زمان اولین پادشاه این سلسله یعنی **آغامحمدخان** قاجار در تفلیس مستقر شد، ولی از سال ۱۸۰۱ میلادی، دولت تزاری روسیه این کشور را رسماً ضمیمه امپراتوری خود کرد. بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، گرجستان بطور رسمی به عنوان یکی از جمهوری‌های مستقل اتحاد جماهیر شوروی سابق درآمد.

گرجستان هیچگاه با ایران به وحدت نظر نرسید و مردم آن دیار نیز احساس همدلی با ایرانیان نکردند. در دوره تسلط ایرانیان بر این کشور، گذشته از موضوع اختلاف دینی که خود مشکلی بزرگ محسوب می‌شد و به تبع آن، تعصبات مذهبی که فشارهای سیاسی و اجتماعی را هم به وجود می‌آورد، گرجیان هرگز قتل عام‌ها و خونریزی‌های روزگار **شاه طهماسب** و **شاه عباس اول** را فراموش نکردند. آنان هیچگاه از یاد نبردند که چگونه صفویان به نام جهاد و جنگ با کفار به گرجستان حمله می‌کردند و با رفتارهایی خشن و دور از نزاکت، موجب شده بودند که دل‌های مردم گرجستان از دولت و مردم ایران رُمیده گردد. چنین بود که **پیترو دلاواله** پس از مطالعه اوضاع و بررسی رفتار خشن و سفاکانه **شاه عباس** در گرجستان، صریحاً اظهار نظر کرده بود که بر اثر این مسائل، بزودی گرجستان از ایران جدا می‌گردد.

گرجیان همیشه در اندیشه جدایی از ایران بودند، ولی جرأت این کار را نمی‌یافتند تا این که روس‌ها بر توسعه اراضی خویش افزودند و در همسایگی این کشور و در شمال آن استقرار یافتند و با گرجیان هم مرز شدند و به عنوان کمک به **پروان مسیح** مدعی حمایت از گرجیان شدند.

در اواخر قرن دوازدهم هجری سلطنت گرجستان با **هراکلیوس دوازدهم** بود

که ایرانیان او را *اورگلی* می خواندند. وی که پیش از حاکمیت و سلطه خویش در اردوی *نادر* و همراه با او در جنگهایی علیه دشمنانش شرکت کرده بود، با کشته شدن *نادر* و ظهور مدعیان ریز و درشت سلطنت بر آن شد که گرجستان را از دسترس مدعیان دور نگه دارد و نیز در آن هرج و مرج و آشوب به خاک گرجستان بیفزاید. او در ۲۴ ژوئیه سال ۱۸۷۳، از بیم اقدامات *آغامحمدخان*، عهدنامه‌ای را با دولت روسیه به امضاء رساند که بر طبق آن خود را تحت‌الحمایه روس‌ها قرار داد و در مقابل، *کاترین دوم* امپراتور روسیه نیز پشتیبانی و حمایت خود را از قلمرو گرجستان در مقابله با تجاوزات خارجی مورد تضمین قرار داد و برای این امر یک لشکر روسی به گرجستان اعزام داشت.^(۱)

آغامحمدخان پس از سرکوبی مخالفین و درهم شکستن دولت زندیه، همین که وحدت سیاسی در ایران ظاهر شد، در اندیشه گرجستان افتاد. اما در آن تاریخ، ۱۲ سال از قرارداد مزبور گذشته بود. *آغامحمدخان* ابتدا با فرستادن پیامی تهدیدآمیز، به *هراکلیوس* هشدار داد که در صورت عدم تمکین از ایران به آنجا حمله خواهد کرد. اما *هراکلیوس* دیگر مایل نبود که روابط خود را با روسیه قطع کند. خاصه آنکه *آغامحمدخان* هم موجودی دوست داشتنی نبود. لذا جنگ میان ایران و گرجستان به وقوع پیوست. *آغامحمدخان* ۵۳ روز بعد از حمله به کرمان برق‌آسا سپاهیان‌ش را به مرزهای *ماوراء قفقاز* گسیل داشت.

هراکلیوس پیر، با این که از کمک روس‌ها هم حاصلی نبرده بود، با شمار معدودی به دفاع برخاست که سرانجام شکست خورد و *آغامحمدخان* وارد تفلیس شد. سپاهیان او پس از قتل عام و غارت شهر، آنچه از نفایس و سیم و زر یافتند به تاراج بردند و پانزده هزار دختر و پسر گرجی را به اسارت گرفتند. *آغامحمدخان* پس از تخریب کلیساها و کشتن کشیشها و ویران کردن خانه‌ها، پس از نه روز به همراه سپاهیان‌ش از تفلیس خارج شد.

۵ جدایی گرجستان از ایران در زمان فتحعلی شاه

در زمان فتحعلی شاه، ژرژ دوازدهم که ایرانیان او را به نام گرگین خان می شناختند، جانشین پدرش هراکلیوس شد. او برخلاف پدر هنوز دل به جانب ایران و ایرانیان داشت و چون نمی خواست با ایران بجنگد، خود را مطیع دربار ایران خواند. اما فتحعلی شاه از روی غرور و نادانی خواستار آن شد که ژرژ به عنوان اطاعت، پسر بزرگ خود را به صورت گروگان به تهران بفرستد. این امر موجب شد که گرگین خان یکسره دل از ایرانیان بکند و به روس ها روی آورد.

ژرژ که بسیار ولخرج بود، وامی از روس ها گرفت و متعهد شد که اگر در ظرف مدت مقرر وام خود را نپردازد شهر تفلیس را به روسیه واگذارد. او چون نتوانست وامش را بپردازد لذا، دولت روسیه شهر تفلیس را تصرف کرد و ژنرال گرجی تبار مشهور تسی تسیانف را به حکومت گرجستان منصوب کرد. در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۸۰۰ میلادی/ ۹ جمادی الاول ۱۲۱۵ هجری قمری میان دولت روسیه و ژرژ سیزدهم قراردادی منعقد شد که بر اساس آن ژرژ از جانب خود و جانشینانش از حکومت گرجستان به نفع تزار کناره گرفت و آنگاه پل اول تزار روسیه خود را تزار گرجستان و داوید پسر ژرژ را نایب السلطنه آن سرزمین اعلام نمود. اما پس از مرگ ژرژ، دولت روسیه همین قرارداد را هم زیر پا گذاشت و با صدور فرمانی در تاریخ ۱۸ ژانویه ۱۸۰۱ میلادی/ ۳ رمضان ۱۲۱۵، الحاق گرجستان را به روسیه اعلام داشت. بدین ترتیب، گرجستان برای همیشه جزیی از خاک روسیه شد و ارتباط آن با ایران کاملاً قطع گردید.^(۱)

این اقدام دولت روسیه خشم پاره ای از دولتمردان گرجی را برانگیخت و یکی دو تن از برادران ژرژ که از اعمال سنجیده و شتاب زده وی در تب و تاب افتاده بودند، به ایران آمدند و به یاد روزگاران گذشته به ذیل عنایت دربار ایران دست زدند. یکی از امیرزادگان ناراضی گرجی الکساندر است که به ایران پناهنده شد و ایرانیان او را میرزا اسکندر نام نهادند.

آمدن الکساندر به ایران، مصادف با سالهای نخستین سلطنت فتحعلی‌شاه بود که دولت قاجار سرگرم مقابله با یاغیان و مدعیان سلطنت بود و اندیشه جنگ با روسیه در خاطر هیچکس از شاه تاگدا نمی‌گذشت. لذا او با نیروهای عشایری قره‌باغ و قفقاز سپاهی تشکیل داد تا به جنگ روسیه برود که توفیقی نیافت و پس از شکست از قوای روسیه به ایران گریخت و همراه با معدودی از خویشان خود در ایران مقیم شد. او در ضمن به راههای دیپلماسی و سیاسی دست زد و نامه‌ای از او به عنوان ناپلئون پادشاه فرانسه در دست است که با لطایف و دقایق زبان دیپلماتیک از او یاری خواسته است. این نامه به فارسی است و پیداست که یکی از منشیان دربار ایران برای او و از زبان خود او نوشته است.

همچنین نامه دیگری هم از این دست به املاء یا انشای طهمورث پسر گرگین‌خان در بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه موجود است که باز به ناپلئون نوشته شده و چنین برمی‌آید که این نامه همراه ژنرال گاردان ارسال گردیده است. این نامه کوتاهتر و پر غلط‌تر است و مشخص است که نویسنده آن فارسی را درست نمی‌دانسته و به املائی کلمات و نحوه ترکیب جملات در زبان فارسی چندان آشنایی نداشته است.^(۱)

با تمام امیدی که حاکمان منصوب و فراری گرجی طرفدار ایران به کمک فرانسه داشتند، هیأت ژنرال گاردان پس از مدتی درنگ و اقامت در تفلیس و تهران بی‌آنکه هیچگونه تأثیری بر روند روابط ایران و روسیه و نیز کمک به گرجی‌ها داشته باشد، ایران را ترک کردند.^(۲)

۱- همان، ص ۵-۳۱.

۲- همان، ص ۴۱.

■ گرجستان در دوره جنگهای ایران و روسیه

در عهد قاجار و سده نوزدهم میلادی، روابط ایران و روسیه به تیرگی گرائید و جنگهای اول و دوم ایران و روس باعث جدایی دائمی گرجستان از ایران گردید. علل وقوع این جنگها را بایستی در آرزوی دیرینه روسها برای دسترسی به دریاها و گرم و بازار ایران و تحقق رؤیای صد ساله دستیابی به هند دانست.

از هنگام سفر نخستین جهانگرد روسی، آفاناسی نیکیتسین به سرزمینهای جنوبی این مناطق توجه زمامداران روسیه را به خود جلب کرد. روسها برای دستیابی به هدف خویش از همه امکانات بهره گرفتند؛ اسکان اتباع و هواداران، جلب دوستی، ترویج مسیحیت و استیلای نظامی.^(۱)

روسها در جنگهای ایران و روسیه، ایرانیان را از گرجستان و سایر مناطق قفقاز بیرون راندند. پیروزیهای زنجیره‌ای روسها که نخست به «عهدنامه گلستان» در سال ۱۸۱۳ و سپس به «عهدنامه ترکمانچای» در سال ۱۸۲۸ انجامید، گرجستان را برای همیشه از ایران جدا کرد.^(۲)

گرجی‌ها که هویت قومی بالنده‌تری از دیگر ملل قفقاز داشتند، در عملیات پیشروی روسها به سوی جنوب با آنان متحد شدند. حس قومیت آنان بر پایه‌های متعدد و بهم پیوسته استوار بود: زبان، دین و سنتهای تاریخی. مسیحیت مهمترین این سه عامل بود، هر چند ارتباط گرجیان با امپراطوری ایران در طول چندین قرن از جنبه‌های مثبت و منفی برخوردار بود، اما در اواخر سده هیجدهم چشم‌انداز پیوندهای نزدیکتر با روسیه روشن‌تر شد. نزدیکی با روسها برای گرجی‌ها بیش از پیوستن به دو قدرت بزرگ اسلامی خاورمیانه یعنی ایران و عثمانی جاذبیت داشت.

۱- م. گام و دیگران، دو قرن مبارزه مسلمانان قفقاز، ترجمه سید غلامرضا تهامی (تهران:

انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷)، ص ۲۰.

۲- همان، ص ۹۴.

گرجی‌ها دولت خود را از جانب امیرنشینهای مسلمان همسایه که پایتخت اسلامی دوردست کنترل اندکی بر آن داشتند، می‌دیدند. بدین جهت بود که وقتی چشم‌انداز زندگی در سایه یک امپراطوری روسی پویا پدیدار گردید، گرجیان از آن استقبال کردند.

تاکتیک پایه‌ای روسها در قفقاز آن بود که نخبگان ملی را به سوی خود جذب کنند و از طریق آنان بر مردم تسلط یابند. این روش در گرجستان با موفقیت نسبی همراه بود. استی‌ها که سابقه‌ای از مسیحیت هم داشتند، آماده همکاری با روسها بودند و جاده نظامی گرجستان نیز با عبور از زمینهای آنها و با همکاری آنان ساخته شده بود.^(۱)

■ انعقاد قراردادهای ترکمانچای و گلستان

قبلاً گفته شد که با مرگ کاترین دوم و آغامحمدخان جنگ ایران و روس بدون انعقاد معاهده‌ای پایان پذیرفت. پل اول جانشین کاترین دوم سیاست صلح‌طلبانه‌ای را در پیش گرفت که وقفه‌ای در عملیات مهاجمین روس ایجاد کرد. قتل پل اول به سیاست صلح‌طلبانه وی نسبت به ایران خاتمه داد و با جلوس الکساندر اول، دستور محو سازمانهای ملی گرجستان داده شد و زبان روسی در آن ناحیه، زبان گرجی گردید و آزادی‌های مذهبی را از میان برد. این اقدامات موجب گردید که جنگهای ایران و روسیه بدون اعلان رسمی با حرکت تسی‌تسی‌یانف گرجی آغاز گردد. جنگهای ده ساله ایران و روسیه پس از آن آغاز شد و با امضای قرارداد ننگین گلستان موقتاً پایان یافت.^(۲)

جنگهای دوره اول ایران و روس در سالهای ۱۲۲۸-۱۲۱۸ هجری قمری

۱- همان، ص ۶-۹۴.

۲- اسنادی از روابط ایران با منطقه قفقاز (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲)، ص ۶-۱۴.

۱۸۱۳-۱۸۰۳ میلادی به وقوع پیوست. رد فاصله انعقاد عهدنامه گلستان تا شروع مرحله دوم جنگهای ایران و روسیه، جدا شدن بخشی از قلمرو ایران و الحاق آن به سرزمین روسیه باعث ایجاد نفرت و کینه در بین مردم گردید و عواطف مذهبی مردم را جریحه دار کرده و باعث صدور فتاوی متعدد مبنی بر وجوب جهاد علیه روسها شد. با عدم تعیین مرزهای مشخص بین ایران و روسیه و تجاوزات روسها با نقاط مرزی ایران با هجوم عباس میرزا به سپاهیان روس در سال ۱۲۴۱ هجری قمری، مرحله دوم جنگهای ایران و روس آغاز گردید و بیشتر نواحی اشغال شده آزاد گردید. ولی با پایان یافتن جنگهای روسیه و عثمانی، نیروهای تازه نفس روسی دست به حمله زدند و اکثر شهرهای اشغالی را به تصرف خود درآوردند و خوی و مرند و تبریز را نیز اشغال کردند. در سال ۱۲۴۳ هجری قمری/۱۸۲۸ میلادی، معاهده ترکمانچای منعقد شد و طبق مفاد آن، قفقاز به روسیه ملحق شد و سکنة این مناطق تحت سلطه روسیه تزاری قرار گرفتند.^(۱)

■ مأموریت میرزا ابوالحسن ایلچی در تفلیس

در جریان جنگ اول ایران و روسیه، میرزا ابوالحسن خان شیرازی معروف به «ایلچی» جهت امضاء معاهده گلستان و پاره‌ای مذاکرات درباره باز پس گرفتن برخی از شهرهایی که روسیه در جنگ تصرف کرده بود، با هدایایی گرانبها در رأس هیأتی به روسیه رفت. ایلچی پس از سه سال توقف در روسیه به ایران بازگشت. او سفرنامه‌ای دارد که یکی از منشیان آن روزگار به نام میرزا محمد هادی علوی شیرازی به رشته تحریر در آورده است. این سفرنامه به «دلیل السفرا» و یا «سفرنامه میرزا ابوالحسن ایلچی به روسیه» معروف است (نه

به نام **میرزا محمد هادی شیرازی** نویسنده «سفرنامه»^(۱) **میرزا ابوالحسن خان** که به سال ۱۱۹۰ در شیراز متولد شد و پسر دوم **میرزا محمد علی** یکی از منشیان دستگاه نادرشاه بود. وی یکی از رجال بنام عهد **فتحعلی شاه** و **محمدشاه قاجار** است که (۲) چندی هم عهده دار وزارت امور خارجه ایران گشت (۳) و این اولین باری بود که کسی در ایران به این سمت برگزیده می شد. وی تا سال ۱۲۵۰ که سال فوت **فتحعلی شاه** است، همچنان در این مقام باقی ماند.

آنچه در این سفرنامه جلب توجه می کند، نارضایتی و شورش مردم گرجستان است که نشان می دهد آنان از فشاری که مردم روسیه بر آنها وارد می آوردند پیوسته سر به شورش بر می داشته اند و این نکته در همین سفرنامه و در کتابهای دیگر این دوره مضبوط است. (۴) **محمود محمود** هم در این مورد می نویسد:

«در این موقع انقلاب سختی در گرجستان علیه روس ها برپا شد و تقریباً تمامی روس ها را از تفلیس بیرون راندند ولی به زودی این انقلاب در اثر اقدامات جدی روس ها خاموش شد. بنابراین باید قبول کنیم که به همین سبب انقلاب و اغتشاش مردم گرجستان باعث شد که **عباس میرزا** زمینه بازپس گیری گرجستان را از نظر دور ندارد و به صلح تن در ندهد.» (۵)

میرزا ابوالحسن خان در روز سه شنبه بیست و پنجم ماه جمادی الثانی ۱۲۲۹ هجری قمری بعد از مرخصی از حضور شاه قاجار حرکت می کند و عازم تفلیس

۱- **میرزا محمد هادی علوی شیرازی**، **سفرنامه میرزا ابوالحسن خان شیرازی «ایلچی»** به

روسیه (تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۷)، ص ۴-۵.

۲- همان، ص ۱۱.

۳- همان، ص ۱۵.

۴- همان، ص ۴۷.

۵- همان، ص ۵۵.

و سفر به روسیه می‌شود. **محمد هادی علوی** کیفیت این سفر را روز بروز شرح می‌دهد. او روز پنجشنبه دهم ماه شعبان ۱۲۲۹ هجری قمری وارد تفلیس و «حمام لو» می‌شود. در «حمام لو» از **ایلچی** و همراهانش استقبال رسمی به عمل می‌آید و **ژنرال بسناویچ** و برادرش و سردار کل سپاه روسیه **لیندنا** به نیز از او استقبال می‌کنند. پس از حرکت از «قراکلیسا» و «لوری» روز ۱۵ ماه شعبان وارد شهر تفلیس می‌شوند. اما در دو فرسنگی شهر ژنرال‌های روسی و تعداد زیادی از ژنرالها و سرهنگها و بزرگان و اعیان روس از آنها استقبال می‌کنند. **میرزا هادی** می‌نویسد: «**آقاییک دربندی** که روز پیش از همراهی **ایلچی** انگریز معاودت به تفلیس کرده و به استقبال صاحبی **ایلچی** آمده بود و در آن مجلس به امر دیلماجی قیام می‌نمود».

یکی از چهره‌هایی که در این سفر همه جا خود را به عنوان مهماندار **ایلچی** معرفی می‌کند، **آقاییک دربندی** است که **ایلچی** پیوسته از خوی و خصلت او در عذاب است. **ژنرال ردیشچوف** در تفلیس مهمانی بزرگی به افتخار ورود **ایلچی** و همراهانش می‌دهد و بسیاری از بزرگان شهر را دعوت می‌کند که این قسمت یکی از بخشهای دلکش و جالب این کتاب است. **ایلچی** در این دیدار فرمانهای شاه ایران را به سردار روس می‌دهد و سردار سؤالهای بسیاری از **ایلچی** می‌کند و **ایلچی** جوابها را به نحو شایسته‌ای به وی می‌دهد و در باب وصول امضای عهدنامه مصالحه دولتین علیتین مذاکراتی صورت می‌گیرد. بعد سردار از **ایلچی** درخواست می‌کند تا هدایایی را که **ایلچی** به جهت امپراطور می‌برد ببیند. **ایلچی** دستور می‌دهد هدایا را بیاورند تا سردار ملاحظه کند. سردار چادری را که صاحبی به جهت امپراطوری می‌برد، می‌بیند و پسند می‌کند. **ایلچی** همان وقت چادر را پایین آورده با اسباب و اساس تمام به رسم تعارف به جهت او می‌فرستد. هیأت ایرانی پس از مدتی توقف در تفلیس و قفقاز و شهرهای دیگر سر راه که شرح آنها در کتاب آمده، روز جمعه عاشورای ۱۲۳۰ هجری قمری

وارد شهر مسکو می‌شوند.^(۱) در اینجا پاره‌ای از مشاهدات او در گرجستان را از سفرنامه‌اش می‌آوریم:

«الیوم که پنجشنبه دهم شهر شعبان ۱۲۲۹ است، بعد از طی هشت فرسنگ راه از در آن وارد سه فرسنگی حمام‌لو که اول خاک تفلیس است و به تصرف طایفه روسیه است، گردیدیم... از اول این منزل الی آخر که کنار رودخانه بنبک است همه جا آب و علف و ریاحین بسیار و اشجار و جنگل بیشمار دارد. صحرا و کوه تمامی سبز و خرم گل و ریاحین با یکدیگر توأم گردیده، آبهای گوارا، هوای خوش، چمن‌های دلنشین بسیار است...»^(۲)

ایلچی روز جمعه یازدهم شعبان ۱۳۲۹ بعد از ترک حمام‌لو و طی ۲ فرسنگ راه وارد «در باز» گردیده است و روز شنبه دوازدهم شعبان آن سال و طی ۵ فرسنگ راه به منطقه دیگری به نام «لوری» رسیده است:

«... از اول منزل الی «لوری» همه جا سبز و خرم، اقسام گل‌های رنگارنگ گیاه غریب که در ایران ملاحظه نشده دیده می‌شد. در ماهورها و پست و بلند راه اشجار بی‌حد که اغلب آن به قدر پنجاه شصت زرع بلندی و دو سه زرع قطر دارد می‌باشد و ثمری ندارد...»^(۳)

به همراه هدایای ایلچی، تعدادی فیل نیز بوده که اهالی گرجستان تا آن موقع ندیده بودند. ایلچی اوصاف اهالی گرجی را که در بین راه می‌دید در سفرنامه خود آورده است و در قسمتی از آن چنین آورده است: «در یک منطقه اهالی محل از زیر شکم فیله‌ها رد می‌شدند تا فرزندانشان بسیار گردد». این کار بسیار موجب تعجب ایلچی و همراهانش گردید. ایلچی روز سه‌شنبه پانزده شعبان به تفلیس رسیده و مورد استقبال بزرگان سیاسی و نظامی واقع گردیده است که در این میان

۱- همان، ص ۵۵.

۲- همان، ص ۱۹.

۳- همان، ص ۲۰.

دو سه هزار نفر سواره و پیاده با یک وضعیت و یک لباس خاص در محل بوده‌اند که جلب توجه می‌کرده است. او وضعیت شهر تفلیس را پس از تصرف روس‌ها نابسامان توصیف کرده و گفته است که پس از آتش‌سوزی که در زمان جنگ رخ داد، رو به آبادی نهاده و خانه‌ها و ساختمانهای دو طبقه در کوچه و بازار ساخته شده و نیز وضعیت بازار و بعضی از کوچه‌ها مورد توجه او بوده است. در این باره توصیف او چنین است:

«... اما چون بازار و بعضی از کوچه‌ها عرض چندانی ندارد و کثرت خلق بسیار است، اغلب اوقات کثافت بسیار در کوچه و بازار دارد، به حدی که از استشمام رایحه کثیف عبور تعذر کلی دارد. از این جهت از زمان تصرف روسیه تا حال مرض وبا و طاعون در آنجا به هم رسیده غالب اوقات خلق بسیار از آنها برطرف می‌شوند.

دیگر وضع عمارات و داکین آنجا مرغوب نیست. دو سه حمام دارد که در هر یک آنها چشمه آب بسیار گرم خدا آفرین جاری می‌باشد [آبی که] داخل حمام می‌شود از شدت گرمی [از] آب اصلی حمام نیز گرمتر است و به هیچ وجه احتیاج به آتش و گلخن ندارد...

خانه و کاروانسرا و میدان و داکین و بازار از هر مصنف از اصناف و چندین کلیسا و مسجد و سیرگاه بسیار دارد که تمام را دو طبقه و سه طبقه از چوبهای بسیار بلند قطردار ساخته‌اند. در آنجا ارمنی و گرجی و اروس ساکن می‌باشند و قلیل مسلمانی در آنجا هستند کثرت خلق بسیار است...»^(۱)

ایلچی در مشاهدات خویش به نارضایتی گرجی‌ها از حضور روس‌ها اشاره می‌کند. او به شیوع فساد و اعمال قبیح و ضد ارزش و نیز به آزادی بیش از حد زنان اشاره می‌کند، به حدی که مرد حق ندارد از او بازخواست و مؤاخذه کند، زیرا که اختیار زن در آنجا بسیار زیاد است. او همچنین از رفتار و کردار تنی چند از ایرانیان که در تفلیس دیده انتقاد می‌کند. برخی از ایرانیان در آنجا از دین و آئین

خویش برگشته و به شرب خمر و اعمال ناپسند و مذموم مبادرت می‌ورزیدند^(۱) که **ایلچی** در سفرنامه‌اش بدان اشاره می‌کند. **ایلچی** حدود ۲ ماه یعنی تا ۲۶ شوال همان سال در تفلیس اقامت گزید و با تشریفات خاص و با حضور **سمناویچ** حاکم تفلیس و جمع زیادی از اعیان و بزرگان و صاحب منصبان گرجی تفلیس را ترک کرد.^(۲)

□ حضور معتمدالدوله گرجی در عرصه سیاسی قاجاریان

در میان اهالی گرجستان که به ایران آمدند **منوچهرخان خواجه ایچ آقاسی معتمدالدوله ارمنی** معروف به گرجی می‌باشد. او از رجال با کفایت دوره سلطنت **فتحعلی‌شاه** و **محمدشاه قاجار** است. **منوچهرخان** جزء اسرای بود که **آغامحمدخان قاجار** در سال ۱۲۰۹ هجری قمری او را از تفلیس به ایران آورد. **منوچهرخان** در ایران به وزارت و پیشکاری رسید و مستقلاً حاکم و والی گردید. وی قبل از آن نیز در دربار **فتحعلی‌شاه** مناصب گوناگونی داشت و در دستگاه **فتحعلی‌شاه** بی‌اندازه مقرب و به سمت **ایچ آقاسی** (خواجه‌باشی) و بعد **ایشیک آقاسی** باشی ارتقاء یافت. در سال ۱۲۳۹ قمری که **یحیی میرزا** کودک هفت ساله پسر چهل و سوم **فتحعلی‌شاه** حاکم گیلان گردید، **منوچهرخان** به وزارت و پیشکاری او معین و به همراه وی به رشت رفت.

منوچهرخان در سال ۱۲۴۰ هجری پس از درگذشت **یوسف‌خان گرجی سپهدار** وزیر اصفهان به جای وی به وزارت سلطان **محمد میرزاسیف‌الدوله** حاکم اصفهان تعیین گردید. هنگام جنگ دوم ایران و روس وی تغییر مأموریت یافت و برای حفظ سواحل گیلان و بندر انزلی و جلوگیری از آمدن روس‌ها بدان ناحیه گسیل شد. در سال ۱۲۴۴ هجری پس از فوت **عبدالوهاب معتمدالدوله**

۱- همان، ص ۹-۲۸.

۲- همان، ص ۴۷.

نشاط اصفهانی، منوچهر خان ملقب به معتمدالدوله شد.

در سال ۱۲۵۰ هجری پس از درگذشت فتحعلی شاه، وی با دو هزار سوار و جمعی پیاده و چهل هزار تومان پیشکشی به استقبال شاه آمد و در خرمدره زنجان به اردوی شاه پیوست. وی مورد الطاف شاه واقع شد و در آنجا مأموریت مهمی به وی محول گشت. منوچهر خان در سال ۱۲۵۲ به حکومت کرمانشاه، لرستان و خوزستان منصوب شد و در سال ۱۲۵۴ حاکم اصفهان شد و تا سال ۱۲۶۳ هجری که فوت کرد والی اصفهان، لرستان و خوزستان بود. وی مؤسس چاپخانه‌ای در تهران بود که به نام چاپارخانه «معتمدی» شهرت داشت. علاوه بر این، وی برادری داشت که در سال ۱۲۴۸ هجری از طرف بارون رازن حاکم گرجستان برای ابلاغ پیام به تهران آمد.^(۱)

□ نفوذ تاجران گرجی بر تجارت ایران در عهد قاجاریه

آنچه که گفتنی است نقش مؤثر و کارآمد بازرگانان و تجار گرجی در تجارت خارجی ایران است که در دوره قاجار بسیار بوده است. تجارت خارجی ایران در این دوره به طور عمده در دست تجار ارمنی و گرجی بود و این تجار با شیوه‌ای که اتخاذ کردند باعث پیشرفت روز افزون صنعت و تجارت در ایران گردیدند. نخستین بار در سال ۱۸۳۷ میلادی، تجار گرجی به ایران آمدند. در این هنگام، این تجار در صحنه تجارت ایران به طور مؤثری نقش خود را ایفا کردند. شهر تبریز در این بین جایگاه ویژه‌ای داشت و کالاهای ایرانی از سراسر ایران در تبریز گرد می‌آمد و از آنجا توسط تجار گرجی به اروپا صادر می‌شد. در سال ۱۸۳۷، به علت ورشکستگی‌های متعدد تجار ایرانی، تجارت خانه «رالی» شعبه‌ای در تبریز افتتاح کرد. تجار مهم تبریز که دیدند موقعیت انحصاری

۱- مهدی بامداد، شرح حال رجال قرون ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری (تهران: زوار، ۱۳۷۴).

آنان در معرض تهدید واقع شده، مزرعه‌داران، بازاریان، بنکدارها و نیز دلالان را از هر گونه ارتباط با «رالی» منع کردند. علیرغم این کار که در ابتدا با موفقیت همراه بود چون بنکدارها را به طور نامحدود نمی‌توانستند به آن حال نگهدارند، بنابراین، برای اینکه آنها را زیر سلطه خود داشته باشند، پس از یک ماه اجازه دادند تا بنکدارها با «رالی» معامله کنند.

در سال ۱۸۴۱ میلادی در تبریز و تهران دستوری برای منع مصرف چای صادر شد تا برای گرجیان روسیه که بطور کلی تجارت را در دست داشتند مزاحمت ایجاد کنند. لیکن این کوشش که برای منحصّر کردن پایگاه تجار خارجی به یک شعبه تجارت خارجی بود به شکست انجامید. زیرا آنها از اعلان منع مصرف چای پیروی نکردند. شبیه به این اعتراض‌ها در سایر نقاط ایران نیز صورت گرفت اما آنها هم نتیجه‌ای در بر نداشت و به تدریج تجار ایرانی پایگاه خود را در بازار داخلی از دست دادند و در پایان سده نوزدهم بازار داخلی ایران کاملاً زیر سلطه تجار خارجی و از جمله گرجی‌ها قرار گرفت.^(۱)

در این زمان مبادلات پولی در شمال ایران که منطقه نفوذ بازرگانان و تجار گرجی بود اساساً مسکوکات روس و مجاری بود که تهیه مبلغ زیاد آن مشکل بود. با توجه به پر زحمت و خطرناک بودن و پر هزینه بودن و گران تمام شدن انتقال پول، وقتی حجم معاملات افزایش یافت و در اثر رشد سریع تجارت با اروپا و ترکیه نیاز به اعتبار هم افزونی گرفت، تجارت توسط حواله، برات و سایر اوراق تجاری صورت می‌گرفت. در این میان در شهر تفلیس مرکز گرجستان نماینده‌ای بود که برای معامله در دو نقطه در ایران و خارج از ایران حواله‌ای را به اسکناس روسی تبدیل می‌کرد تا به مراکز مورد نظر در خارج از ایران فرستاده شود تا در ازاء آن، جنس به آنان تحویل گردد.

۱- ویلم فلور، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجاریه، ترجمه ابوالقاسم

سری، جلد دوم (تهران: توس، ۱۳۶۵)، ص ۸-۱۷۶.

دستور فرستادن حواله ۲۱ روز طول می‌کشید تا از تبریز به تفلیس برسد. لذا حواله به تدریج به شهر مورد نظر در خارج ایران فرستاده می‌شد. تجارت تفلیس در همان وقت واقعاً در تبریز برای تجارت نیاز به پول نداشتند در نتیجه فقط حواله‌ها را به منظور جلب استفاده و سفته بازی واگذار می‌کردند. گاه گرفتن حواله‌ها تا ۲ ماه طول می‌کشید. به علت اتلاف وقت پس از مدتی برات‌ها از مقبولیت بیشتری برخوردار شد، ولی با این وجود برات‌ها نیز در همه جا پذیرفته نمی‌شد یا فقط با تخفیف زیاد بیش از ۲۰٪ پذیرفته می‌شد. صراف‌های محلی به علت کمبود روز افزون مسکوکات، اشکال حمل و نقل سکه نقره یا پول مسکوک و تنزل ارزش پول، سهم عمده تجارت را از آن خود کردند. بیشتر کارهای صرافی شامل خرید و فروش براوتی بود که حواله مراکز تجاری خارجی از جمله شهر تفلیس بود.^(۱)

در دوران سلطنت محمدشاه قاجار، **منوچهرخان** از مهاجرین گرجستان با سواره ایلات قزوین به اردو وی پیوست. در دوران حکومت این شاه قاجار به واسطه کسالت دایم شاه و طرز رفتار او هرج و مرج در دربار و گوشه کنار بسیار شده بود. در این دوره، دولت قاجار چندان روابطی با گرجستان نداشت.

بهمن میرزا پسر عباس میرزا که حکومت آذربایجان را داشت، در این زمان به گرجستان رفت و فرزندان او نیز تا زمان انقلاب اکتبر گرجستان در آنجا ماندند و در غوغای انقلاب بلشویکی به ایران آمدند.^(۲) در زمان ناصرالدین شاه روابط ایران و گرجستان به واسطه سفر شاه به اروپا و عبور او از شهر تفلیس رو به گسترش نهاد. در این زمان **میرزا عباس خان** برادر **سعدالدوله** در تفلیس قونسول بود.^(۳) در سال ۱۲۸۸ هجری ولیعهد برای ملاقات با امپراطور روس که به

۱- همان، ص ۶-۲۰۰.

۲- همان، ص ۶۳، ۶۶.

۳- همان، ص ۷۲.

تفلیس آمده بود به اتفاق **حشمت‌الدوله** به تفلیس رفت.^(۱) در دوره ناصرالدین‌شاه، سیمنس خط تلگراف تفلیس را به تهران وصل کرد.^(۲)

اولین دیدار ناصرالدین شاه از گرجستان

ناصرالدین شاه در اولین سفر خویش به اروپا پس از بازگشت از سفر خویش که به سال ۱۲۹۰ بود از استانبول به کشتی نشست و عازم بندر پوتی در کناره سواحل دریای سیاه شد. نخستین توصیف او از گرجستان به راههای ارتباطی و وسایل حمل و نقل آنجا مربوط می‌شود. وی پس از خروج از کشتی برای اولین بار با یک گروه گرجی روبرو می‌شود. از آنجا تا تفلیس، هم کالسکه بوده و هم راه‌آهن که وی در سفرنامه‌اش چنین اشاره می‌کند:

«... کالسکه‌ها هم به هم راه داشت این راه را تازه ساخته‌اند و الی تفلیس یک خط راه آهن است و آمد و رفت همه از این یک خط است بسیار زحمت کشیده‌اند برای ساختن این راه... بعد رو به تفلیس باید سرازیر برود به این جهت کالسکه بخار نمی‌تواند مثل ترنهای فرنگستان تند برود ساعتی دو فرسنگ و نیم بیشتر نمی‌رفتیم...»

... نزدیک شهر کوتایسی رسیدیم به یک استاسیونی... یک دسته سرباز هم ایستاده بودند از طایفه گرجی باش آچق لباس عجیبی داشتند به همان طرز لباس قشون قدیم قباهای گشاد سرخ سرشان همه مثل عمامه پارچه سرخ بسته بودند در کمرشان یک طپانچه و یک بکده داشتند لباسشان شبیه لباس زوای فرانسه و طوایف هندوستان بود... شب را ناراحت خوابیدیم صبح بسیار زود به شهر تفلیس نزدیک شده با کسالت از خواب برخاسته رخت پوشیدیم کالسکه‌ها ایستاد رفتیم بیرون... هوا بسیار سرد بود به واسطه آمدن باران باد بسیار سردی

۱- همان، ص ۹۵.

۲- همان، ص ۱۲۳.

هم با گرد و خاک می آمد... رسیدیم درب عمارت جانشین فوجی با کل صاحب منصبان نظامی و غیره ایستاده بودند با همه احوال پرسی شد حاکم شهر تفلیس هم که با کدخدایان و کلاتر آمده نان و نمک که رسم است آوردند نطق مفصلی به زبان فارسی نوشته بودند ایستادیم تا نطق را یک نفر که فارسی می دانست با کمال فصاحت بیان کردیم بعد رفتیم بالا در اطاق پرنس **اوربیلیانف** که از شاهزاده‌ای گرجی است با **بارون نیکلا** که کارگزار خارجه قفقاز است ایستاده بودند».^(۱)

ناصرالدین شاه در اولین دیدارش از تفلیس به توصیف این شهر پرداخته است. او ظاهراً از تاریخ این شهر با اطلاع بوده زیرا به مقایسه این شهر با پنجاه سال پیش از این تاریخ پرداخته و از عمران و آبادانی شهر، عمارات، مکتب‌خانه‌ها و کوچه‌های وسیع سنگ فرش شده سخنی به میان آورده است. او این شهر را سابقاً بسیار محقر و کثیف دانسته است. جمعیت شهر را **ناصرالدین شاه** پنجاه هزار نفر دانسته که اغلب خارجی و مخلوطی از طوایف ایرانی، گرجی، روسی، داغستانی، چرکس، آلمانی و ارمنی بودند. او از بنای مهمی که در تفلیس معماران و بناهای ایران ساخته بودند و گچبری ایرانی داشته یاد می‌کند که اسباب و لوازم تمام اطاقهای آن ایرانی بوده است. او از قالیهای بزرگ و کوچک فراهانی و قاشینی و کرمانی و نیز اسباب میز و تخت و غیره از خاتم شیرازی و اصفهانی نیز یاد کرده است. او می‌گوید که این همه اسباب و لوازم ایرانی از قدیم در آن محل بوده است. همچنین پارچه‌های گلدوزی رشت در متکا و بالش بکار رفته بود که اینها را همه **ناصرالدین شاه** در سفرنامه‌اش آورده است. او سپس به توصیف تماشاخانه‌ای که از آن دیدن کرده پرداخته است. وی از

۱- ناصرالدین شاه قاجار، سفرنامه ناصرالدین شاه (اصفهان: سازمان انتشارات اندیشه،

نواختن سرنا‌ی ایرانی حکایت می‌کند که بسیار خوش‌آهنگ بوده و نیز یک رقص شبیه به رقص ایرانی توجه او را به خود جلب کرده است. ناصرالدین شاه یک روز دیگر یعنی شنبه ششم هم در تفلیس بود و نقاط دیدنی شهر را مورد بازدید قرارداد و روز یکشنبه هم تفلیس را ترک کرد.^(۱)

❑ دومین سفر ناصرالدین شاه به گرجستان

ناصرالدین شاه در سفر دوم خویش به اروپا، برای دومین بار از گرجستان دیدن کرد. تاریخ سفر وی سال ۱۲۹۵ هجری قمری بوده است. وی یازدهم جمادی الاول به عزم تفلیس وارد گرجستان شد. وی در ابتدای ورودش به تفلیس چنین نگاشته است:

«سه شنبه یازدهم باید به تفلیس برویم چهل و چهار رورس راه است. صبح برخاسته، سوار شده راندم تا دو فرسنگ از راه تمام صحرا و جلگه و زمین پر از گل و سبزه بود بعد طرفین راه دره و ماهورهای خاکی شد... بعد چند پیچ خورده سرازیر می‌شود و جلگه تفلیس و رودخانه «کُر» نمودار می‌گردد. در چارخانه «یاغلوچه» اسب عوض شد. از آنجا رانده رسیدیم به چارخانه «سوقانلیق» امین الملک... اینجا با قونسول ایران مقیم تفلیس... توی صحرا در کنار راه پیاده ایستاده بودند به حضور رسید... از آنجا قدری که راندم... شهر تفلیس که در میان کوه و دره و تپه واقع است پیدا شد... تشریفات زیاد به جا آورده بودند... جنرال استار و سلسکی... رئیس کل دفترخانه قفقاز و آدم بسیار خوبی است با صاحب منصبان و کلانتر و اعیان و نجبا و اهالی شهر تفلیس و نجبای گرجی و غیره ایستاده بود و سایرین را معرفی می‌کرد... راندم تا از کوچه‌ها و معابر شهر گذشتیم زن و مرد زیادی دردم بامها و منظرها و پنجره‌ها و کنار معابر بودند. رسیدیم به جلو خان عمارت... که سفر اول هم در مراجعت از فرنگستان منزل کرده بودیم... شب هم رفتیم به اطاق دیگر که منظر به کوچه و صحرا داشت.

پنجره را باز کرده قدری تماشای کوچه و چراغان و آتشبازی و جمعیت مردم را کردیم... الحق مردم از ورود ما قلباً شاد و خرم و خوشوقت بودند...»^(۱)

«چهارشنبه دوازدهم در تفلیس توقف شد امروز با پرنس میرسکی صاحب منصبان و معارف و وجوه را در تالار به حضور آورده معرفی نمود. بعد رفتیم به بازدید شاهزادگان... بعد برخاسته پایین آمده در باغ بزرگ و داخل عمارت گردش کردیم... و از آنجا به موزه تفلیس درآمدیم که یک کوچه فاصله به این باغ دارد... بعضی حیوانات و طیور زنده از قبیل قرقاول و دراج و سیره و غیره در آنجا دیده شد اما در داخل موزه اسباب و نمونها و آلات و اشیاء نفیسه و غریبه از قدیم و جدید و از طوایف و ملل مختلفه و انواع جانورها و اقسام طیور و حیوانات مرده و مصنوعی که از تصرف هوا و تلاشی و فنا حفظ و نگاهداری کرده و مثل زنده بپا داشته بودند خیلی بود و کمال غرابت و تازگی را داشت... بیرون باران می آمد و رفتیم تا آخر باغ به حمام بسیار خوبی... از حمام بیرون آمده مراجعت به منزل کردیم شب را بعد از شام با کالسکه رفتیم به باغ تماشاخانه... رفتیم بالا در لژ کوچکی نشستیم... خلاصه تماشاخانه کوچکی است زنهای صاحب منصبان روس و دختران آنها و بعضی از زنهای گرجی در مرتبه بالای تماشاخانه نشسته بودند. یک ساعت و نیم بازی درآوردند بسیار خوب بازی کردند... بعد از اتمام بازی رفتیم به باغ تماشاخانه اسباب چراغان بسیار خوبی پیچیده بودند از آنجا مراجعت کردیم به چادری که بالای باغ زده بودند استراحت کردیم...»

ناصرالدین شاه پنجشنبه سیزدهم جمادی الاول تفلیس را به مقصد ملیت ترک کرد. وی روستاهای بعد از مسیر را که اهالی گرجی در آنجا ساکن بودند و مأوای گزیده بودند بسیار خوب، باصفا و آباد توصیف کرده است و از نحوه اتصال خطوط راهها و راه آهن تعریف کرده است.^(۲)

۱- ناصرالدین شاه فاجار، سفرنامه فرنگستان (تهران: شرق، ۱۳۶۳)، ص ۶-۶۲.

۲- همان، ص ۷-۶۶.

□ سومین سفر ناصرالدین شاه به گرجستان

ناصرالدین شاه در سفر سوم خویش به فرنگستان و اروپا از گرجستان برای سومین بار بازدید کرد و خاطرات خویش را در سفرنامه‌اش آورده است. او در تفلیس وقتی وارد شده نزدیک غروب روز جمعه ۱۰ محرم بوده که با جمعیت زیادی در این طرف و آن طرف راه مواجه می‌شود که برخی ایرانی و غیرایرانی بوده‌اند در میان ایرانیها تعدادی تاجر دیده می‌شدند و برخی از گرجی‌ها نیز سرنا و طبل می‌زدند. او پس از آن به عمارت محل اقامتش می‌رود و در آنجا سردارها، ژنرالها، صاحب منصبان و کونسولهای دول آلمان، فرانسه، عثمانی و غیره حاضر بودند.^(۱)

ناصرالدین شاه روز بعد سوار کالسکه شد تا به ارتفاعات تفلیس رفته و شهر را تمام و کمال ببیند که در آن نقطه وی شهر تفلیس را چنین توصیف می‌کند: «... از آن [جا] شهر و دورنمای شهر را تماشا کردیم، خوب چشم‌انداز و دورنمایی دارد، خود شهر و رودخانه ترک مقبره شیخ صنعان که در بغل کوهی واقع است، توپخانه و جبه‌خانه، باروت خانه تفلیس که آن طرف شهر خارج از شهر دامنه کوهی واقع است خیلی خوب نمایان بود، یک عمارتی هم که وقت رفتن پی او را برمی داشتند و حالا نزدیک به سقف است. گفتند برای دخترها مدرسه‌ای می‌سازند، بنای بزرگ و عالی است. قدری آنجا را تماشا کردیم...» ناصرالدین شاه همچنین از قلعه خرابی که آغامحمدخان آتش زده بود و نیز دیدنیهای دیگر تفلیس بازدید کرد. در داخل شهر تفلیس، او محلات این شهر را که تمام حاکمان آن ایرانی بودند را چنین توصیف می‌کند:

«... زنهای ایرانی رو می‌گرفتند اما جور غربیی سرشان را می‌پوشاندند، پاهاشان پیدا بود، پاهاشان را می‌پوشاندند، سرشان پیدا بود، آنجا سوار کالسکه شدیم...»

۱- محمد اسماعیل رضوانی و فاطمه قاضیها، روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر

سوم فرنگستان (تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۳)، ص ۹-۴۸.

راندیم و از این محله گذشتیم...».

... محله دیگر خیلی دراز است و چون آخر شهر است محله کثیفی است، ایرانی و گرجی، روسی و همه جور آدم در این محله بود، دکانهای شبیه به طهران، کله پزی، دیزی پزی خیلی داشت، زن چادر چاقچوری دیدیم زنهای گرجی... خلاصه رفتیم رفتیم از این محلات گذشتیم و رسیدیم به اصل شهر و مگزنهای بزرگ و رسیدیم به عمارت و منزل...»^(۱)

ناصرالدین شاه شب را در کنسول خانه ایران در تفلیس دعوت داشت و در آنجا دو روضه خوان و دو درویش مضامینی را خواندند و او پس از استراحت در صبح روز بعد تفلیس را ترک کرد.^(۲)

□ سفر امیر کبیر به گرجستان

پس از قتل گریبایدوف، عباس میرزا نایب السلطنه برای جبران غائله و استمالت دولت روسیه از پاسکویچ نظر خواست. در جواب نامه عباس میرزا، پاسکویچ پیشنهاد نمود که ولیعهد یکی از پسران یا برادران خود را در رأس هیأتی برای عذر خواهی به تفلیس اعزام دارد تا وی اقدام دولت ایران را به دربار روسیه بقبولاند. فتحعلی شاه نیز از تهران علی نقی میرزا رکن الدوله را برای انجام این مأموریت در معیت میرزا صادق همان روز روانه تبریز کرد. ولی قبل از آنکه نماینده فتحعلی شاه به تبریز برسد، عباس میرزا پسر هفتم خود خسرو میرزا را در رأس هیأتی روانه تفلیس کرد. هیأتی که از تبریز در معیت خسرو میرزا در روز ۱۶ شوال سال ۱۲۴۴ حرکت نمود، عبارت بود از: محمدخان زنگنه امیر اعظم، حاج میرزا مسعود انصاری، میرزا مصطفی افشار و میرزا محمد تقی خان فراهانی و مستوفی نظام که سمت دبیری امیر نظام را داشت و بعدها امیر نظام و صدر

۱- همان، ص ۳-۵۱.

۲- همان، ص ۵-۵۴.

اعظم شد. این سفر یکی از معدود سفرهای خارج از ایران میرزا تقی خان امیرکبیر بود.^(۱)

■ مظفرالدین شاه در گرجستان

مظفرالدین شاه در اولین سفر خویش به اروپا از گرجستان دیداری کرده است که این دیدار نه به انتخاب او بلکه بنابر اجبار صورت گرفته است. او که در این سفر در سر راه خویش به اروپا به مقصد بادکوبه می‌خواست برود به علت خرابی راه مجبور شد که به تفلیس برود.^(۲)

او دوشنبه ۲۸ محرم سوار قطار شد و در ابتدا به علت عدم عادت به سفر با قطار دچار سرگیجه شد:

«... واگن حرکت کرد و به راه افتادیم چون معتاد بسواری راه‌آهن نبودیم، ابتدا قدری سر ما گیج می‌رفت و حالت ما بهم می‌خورد. وزیر دربار را خواستیم و خودمان را به صحبت با او مشغول داشتیم، صورت استاسیونهایی که از آقسطنا تا تفلیس عبور می‌کنیم در واگن به خط فارسی و روسی نوشته شده بود. همینطور آمدیم تا یک استاسیون به شهر تفلیس مانده، از روی پل آهنی بزرگی که بر روی رودخانه کر ساخته‌اند گذشتیم، طرفین راه همه جا سبز و خرم بود... و آبادی و عمارات شهر از توی دره و طرفین رودخانه شروع شده تا بالای کوه خانه ساخته‌اند. قبر شیخ صنعان هم در بقعه کوه پیدا است، مثل مقابر امامزاده‌های طرف ایران گنبدی دارد و گنبدان، سفیدی می‌زد و اینجا همان محل است که شاه شهید آغامحمدخان مرحوم در جنگ تفلیس از اینجا عبور کرده است...».

در بدو ورود مظفرالدین شاه به تفلیس صاحب‌منصبان سیاسی و نظامی

۱- علی‌اکبر بینا، تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران، جلد دوم (تهران: دانشگاه تهران،

۱۳۴۸)، ص ۱۵۲.

۲- مظفرالدین شاه قاجار، سفرنامه مبارکه شاهنشاهی (تهران: بی‌تا، ۱۳۱۷)، ص ۵۲.

گرجی از مظفرالدین شاه استقبال می‌کنند. حاکم شهر تفلیس و نایب الحکومه و رئیس پلیس آن شهر جزو مستقبلین او بودند که او از همه احوالپرسی کرده و با آنها گفتگوهای کوتاهی انجام داده است.^(۱) او پس از پیاده شدن از قطار سوار کالسکه شده و با دو سواره در جلو و عقب کالسکه عازم این شهر می‌شود. او در سفرنامه‌اش به توصیف شهر پرداخته که بدان اشارتی می‌کنیم:

«... تمام اهل شهر در اطراف کوچه و در و پنجره‌ها و مناظر عمارات اطراف به تماشا ایستاده، هورا می‌کشیدند و اظهار بشاشت از ورود ما می‌کردند. روی پل رودخانه خیلی خوش منظر و با صفا و با تماشااست تمام شهر پیداست. چشم‌اندازی بهتر از این نمی‌شود. عمارات تفلیس اغلب سه مرتبه است و تازه ساخته شده. در و دیوار اغلب کوچه‌ها را که ساکنین آنها ایرانی هستند با قالیه‌ها قالیچه‌های ممتاز کار ایران و بیرقهای شیر و خورشید زینت کرده‌اند. از کوچه‌های بسیار گذشتیم... اهالی تفلیس مختلط از فرنگی و ایرانی و گرجی و ارمنی و روسی و غیره غیره هستند...»^(۲)

او پس از رسیدن به محل عمارت خویش صاحب‌منصبان و رؤسای بلدیة (شهرداری) شهر تفلیس و تمام جنرال قونسولهای خارجی و قاضی و شیخ‌الاسلام مسلمانان شهر تفلیس را به حضور پذیرفت. در این میان قاضی و شیخ‌الاسلام مسلمانان شهر تفلیس که نامش عبدالسلام آخوندزاده بود نیز خطابه مفصلی که به زبان فارسی نوشته بود قرائت کرد.

روز دوم مظفرالدین شاه به حمام «عربلیانی» رفت و در بین راه از دکانین زیاد که ایرانیها برای تشریفات ورودش به پارچه‌های نفیس و قالیه‌های ایرانی زینت داده بودند گذشت و شب آن روز را هم به تئاتری در شهر تفلیس رفت. روز سوم هم مظفرالدین شاه در تفلیس بود و از باغات شهر دیدن کرد و

۱- همان، ص ۵۶.

۲- همان، ص ۵۶-۷.

دستور خرید اسبهایی را داد تا به تهران فرستاده شدند. وی همچنین سفارش ارسال اصله درختهایی را داد که از انواع درختان نمونه‌اش در ایران وجود نداشت تا به تهران آورده و کاشته شود. وی سپس به سفارت ایران در تفلیس رفت و تعدادی عکس یادگاری گرفت و در آنجا نیز با تجار ایرانی و ارمنی دیداری کرد. او از موزه طبیعی تفلیس هم در بعدازظهر آن روز دیدن کرد. او سپس با قطار به محل تمرین و مشق سواره نظام و پیاده نظام تفلیس رفت.^(۱) او در آخرین شب حضورش در تفلیس بعد از صرف شام شاهد هنرنمایی شعبده بازان چینی بود و روز بعد یعنی ۵شنبه دوم صفر از تفلیس خارج شد.^(۲)

▣ مهدیقلی هدایت در گرجستان

هدایت پس از رفتن به اروپا و اقامت نسبتاً طولانی در فرانسه و آلمان به شهر تفلیس وارد شد. توصیف او از تفلیس چنین است:

«تفلیس شهری است نسبتاً بزرگ، اطرافش با صفا، رود کر از میان آن می‌گذرد. در هتل قفقاز منزل کردیم دست و رویی شستیم به فونسولگری رفتیم، قنسول نبود برگشتیم. صرف نهار شد. عصر به گردش باغ مجتهد گذشت. **حاجی میرزا مسعود آقا**، این مجتهد همان است که روس‌ها او را به تبریز دعوت کردند و پس از صلح ترکمان به قفقاز فرار کرد و در تفلیس زمین و باغ به او دادند بعد پس گرفتند. یک خیابان در تفلیس در اراضی او واقع است و باغش قهوه‌خانه عمومی، فاعتبرو یا اولی‌الابصار.

دین به دنیا فروشان خرند دین بفروشنند تا چه خرند
دو روز در تفلیس توقف افتاد تا وسایل حرکت به جلفا فراهم آمد. خاطرم نیست

۱- همان، ص ۶۰-۵۸.

۲- همان، ص ۶۱-۶۲.

که قنسول ملاقات شد یا نه در یادداشت‌های من نیست».^(۱)

او شعری دارد در باب تلگراف که بی‌ارتباط به تفلیس نیست و علت سرودن این شعر معطل ماندن او بخاطر عدم دسترسی به سیم تلگراف بوده است. وی که مأمور سیم‌کشی خطوط تلگراف سلطانی به قزوین بوده چنین سروده:

ای بخت باری ار مددی می‌کنی بکن

کز دست برد ما را هجران تلگراف

لعنت به بادکوبه و تفلیس و انزلی

نفرین به رشت و حاج طرخان تلگراف

گر سیم می‌رسید به من چهار ماه قبل

نک آفتاب بسودی پالان تلگراف

او یکبار دیگر در ۱۳ ذی الحجه ۱۳۱۶ در مأموریتی به تفلیس رفته است و پس از آن نیز بارها به مناسبت مأموریهایی که داشته، در این شهر درنگ کرده است.^(۲) در تفلیس وی یکبار با *ممتحن الدوله* ملاقاتی می‌کند و با جماعتی از ایرانیان که توسط وی در حبس بسر می‌برند روبرو می‌گردد که این اوضاع مصادف با قیام مشروطه‌خواهان در ایران بوده است. او در یکی از مسافرتهاش به گرجستان ۱۲ روز در تفلیس توقف کرد که محل اقامت وی در این روزها هتل «اوریان» بوده که به قول وی بر خلاف گذشته‌ها که بسیار منظم و شیک و آراسته و تمیز بوده ولی این بار در نهایت بی‌نظمی و کثیفی بوده و مبلهای شکسته، رومیزی‌های پاره، چراغ نامنظم، مجاری آب مسدود و همه اینها تا یک هفته در همان حال باقی بوده است و بدون اینکه کسی به مرمت آن بپردازد اسباب ناراحتی می‌شده است.^(۳) همچنین وی در اینجا به توصیف اوضاع اجتماعی

۱- مهدبلی هدایت، *خاطرات و خطرات* (تهران: زوار، ۱۳۴۴)، ص ۳۰.

۲- همان، ص ۶۲.

۳- همان، ص ۱۷۰.

شهر پرداخته و قدری از اوضاع شهر تفلیس سخن گفته است^(۱)

❑ اعزام ایرانیان جهت آموزش فن تلگراف به گرجستان

میرزا جوادخان سعدالدوله پسر حاجی میرزا جبار و نواده حاجی صفرعلی تاجر خویی که اولین رئیس تلگراف تبریز بوده است، میرزا عباس خان برادر او، یوسف خان و عبدالحسین خان نوایی، علی اصغر خان مشیرالسلطنه، میرزا فضل الله خان، میرزا حبیب الله خان، میرزا محمد یاور، میرزا عبدالوهاب خان، میرزا محمود، محمد صفی میرزا، ابوالفتح میرزا، میرزا حیدرعلی، میرزا جعفر خان از تلگرافچی های دوره قاجاریه بودند که برای اداره دستگاههای تلگراف استخدام شده بودند. از این عده چند تن و منجمله سعدالدوله بعدها به تفلیس اعزام شدند تا در آنجا عملاً علم و فنون بهره برداری از تلگراف را تحصیل نمایند.^(۲)

❑ میرزا خانلرخان اعتصام الملک در گرجستان

میرزا خانلرخان در ابتدا به فرمان ناصرالدین شاه به انشای قوانین و احکام وزارت تجارت و صنایع مشغول بود. ولی در سال ۱۲۷۹ هجری به وزارت خارجه انتقال یافت و مأمور انشاء وقایع روزنامه دولتی سفارت ایران در انگلستان شد و عازم لندن گردید. وی پس از تهیه لوازم سفر به تبریز رفت و به همراه هیأتی که از طرف مظفرالدین میرزا ولیعهد جهت تبریک به میخائیل نایب السلطنه قفقاز و برادر امپراطور روسیه به ایالت قفقاز رفت و سپس در تفلیس از آنها جداگشت و به لندن رفت. همراهان وی عبارت بودند از: پاشاخان

۱- همان، ۱۷۷.

۲- حسین محبوبی اردکانی، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، جلد دوم (تهران:

دانشگاه تهران، ۱۳۷۶)، ص ۲۲۴.

شجاع‌الملک، قلیخان، میرزاموسی، فتحعلی‌خان، عباسقلی‌خان، اساطورخان، مسیو آنتوان، سلیمان‌خان و حاجی آقاییک^(۱) او به همراهان خویش بر دو کرجی سوار و از رود ارس گذشته و در آن سوی ارس مورد استقبال کینیاژ اباملیکوف از شاهزادگان گرجستان و هارطون بیک از کارکنان وزارت امور خارجه تفلیس و کوارطانوف مباشر گمرک سرحد، رومایکز قمصر رئیس مأمورین سرحد و گروهی سواره نظام قرار گرفت و از او استقبال و پذیرایی مفصلی صورت پذیرفت.

وی دوم صفر وارد تفلیس شد و مورد استقبال کلانتر شهر با چند نفر از نیروهای نظامی و غیر نظامی قرار گرفت و پس از سوار شدن به کالسکه‌های مخصوص به عمارت دیوانی برده شد. وی در این شهر با نایب حاکم تفلیس دیدار کرد.^(۲)

در اینجا به پاره‌ای از توصیفات وی از شهر تفلیس بسنده می‌کنیم:

«اما شهر تفلیس شهری است در کمال قشنگی و بزرگی. همه عماراتش عالی مملو است از گرجی و گرجیه... با نهایت آزادی و بی‌قیدی. قیدی که دارند به پول است و چیزی که ندارند ملاحظت. رودخانه «کر» از وسط شهر جاری است. سیزده روز آنجا توقف داشتم غرایب آنجا را دیدم. از جمله آسیابی در کنار رود برای قشون ساخته‌اند که چهار مرتبه دارد. غله را در مرتبه بالا می‌ریزند، در میان حرفها پاک می‌شود به مرتبه دویم می‌ریزند گردش گرفته می‌شود. به مرتبه سیم می‌آید، بلغور می‌شود. در مرتبه چهارم آرد می‌شود و روزی هشت خروار آرد بیرون می‌آید. قرابت در این است که همه این چرخهای چهار مرتبه متحرک به حرکت یک چرخ است و آن چرخ با عظمت و قطر، به پایه و ستونی استوار

۱- منوچهر محمودی، سفرنامه میرزا خاتلر خان اعتصام‌الملک (تهران: منوچهر

محمودی، (۱۳۵۱)، ص ۹-۱۰.

۲- همان، ص

نیست. بلکه آویخته است و مقدار معینی از آن همیشه در آب است. هر چه آب زیادتر می‌شود و بالاتر می‌آید. به همان مقدار چرخ بالا می‌آید و اگر کم شود و پایین‌تر رود، به همان اندازه پایین می‌رود که میزان قوت و حرکت چرخ در هیچ حالت تغییر ندارد. از این قبیل دقایق زیاد به کار رفته است که در این مختصر مجال تحریر آنها نیست باید به فرنگستان رفت و بیش از این معطل نشد...»^(۱)

وی سپس در چهاردهم صفر به اتفاق میرزا جعفر عازم استانبول شد و تفلیس را ترک کرد. وی پس از ترک تفلیس روز پانزدهم صفر به قصبه «کر» در نزدیکی ورسی تفلیس رسیده که از محسنات آن بسیار سخن گفته است و باز مختصر توصیفی از وی را در اینجا نقل می‌کنیم:

«دیگر تفصیل صفا و بهای راهها و کوهها و رودها و جنگلها و بدایعی که دولت روس در ساختن آن راهها از بریدن و تراشیدن کوهها و جنگلها و بستن سدها و پلها به کار برده، به تحریر در نمی‌آید. باید رفت و دید...»^(۲)

☐ سفر مهتحن الدوله به گرجستان

میرزا مهدی خان مهتحن الدوله اولین مهندس (آرشیئتکت) و معمار ایرانی بوده است. او در دارالفنون مشغول به تحصیل شد و پس از اتمام در روس جهت ادامه تحصیلات به پاریس اعزام گشت. او در بازگشت از پاریس در باب گرجستان که از آنجا عبور نموده مطالبی را در سفرنامه‌اش تحریر کرده است. او از شهر «مازان» با یک کالسکه به تفلیس رفت و نزدیک ظهر کالسکه‌اش به مقابل قونسول ژنرال ایران در تفلیس رسید.

در آن وقت میرزا یوسف خان مستشار الدوله قونسول ژنرال تفلیس بود. این شخص مهدی خان را در اغلب روزها به گردشگاههای تفلیس می‌برد و از اغلب

۱- همان، ص ۹-۱۷.

۲- همان، ص ۲۰-۱۹.

تاجران ایرانی مقیم تفلیس دعوت می‌کرد که با او ملاقات داشته باشند. میرزا مهدی خان از اشخاص معروفی که دیده میرزا فتحعلی آقا آخوندوف بود که با مهدی خان مذاکرات و مناظرات علمی بسیار داشته است و دیگری مرحوم میرزا کاظم بیگ صاحب تفسیر بود که از مرتاضین و شاگردان شیخ مرتضی انصاری و صاحب فتوا بودند و هم این شخص دانشمند، قوانین اسلامی را به زبان روسی ترجمه کرده بود که در دیوانخانه آن زمان مسلمانها را بدان قوانین محاکمه می‌کردند. او سرانجام پس از اقامتی نه چندان طولانی در اول محرم ۱۲۸۴ هجری قمری / ۱۲۴۴ هجری شمسی / ۱۸۶۵ میلادی این شهر را ترک کرد.^(۱)

□ سفرنامه امین الدوله

میرزا علی خان امین الدوله متولد ۱۲۶۰ هجری قمری در تهران بوده و از رجال دوران ناصری است که در حیات خود مصدر مشاغل مهمی بود و تا سال ۱۲۹۸ در قید حیات بود. وی از هیجده سالگی در سفر و حضر ملتزم رکاب ناصرالدین شاه بود. مشاغل مهم او نیابت وزارت امور خارجه و منشی مخصوص شاه و نیز ریاست شوراها و مشورتی و قانون نویسی بوده و در ۱۳۱۵ هجری قمری به منصب وزیر اعظمی رسید و در ماه صفر همان سال صدراعظم شد.^(۲)

او در سفرش به گرجستان به وسیله قطار به تفلیس وارد شده و آنجا را خیلی آبادتر از سفر پیش خویش توصیف می‌کند. مدت اقامت وی در تفلیس بیش از نیم ساعت نبوده و پس از یک نیم ساعت توقف ضمن ملاقات با تنی چند از دوستانش با قطار به شهر بندری باطوم و سواحل دریای سیاه و ترکیه حرکت

۱- حسینقلی خان شافقی، خاطرات ممتحن الدوله (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۳)، ص ۱۰-۱۰۹.

۲- اسلام کاظمیه، سفرنامه امین الدوله (تهران: توس، ۱۳۵۴)، ص ۴-۶.

می‌کند.^(۱) او در بازگشت از اروپا دوباره به تفلیس باز می‌گردد. او جهت علاج چشم درد خویش و تقویت قوای جسمانی و استفاده از آب و هوای این شهر ترجیح می‌دهد که چند روز در این شهر توقف کند. او در آنجا با چند تن از تجار ایرانی نظیر **مشیرالدوله**، **حسین خان برادر** و **میرزا عباس خان** ملاقات می‌کند. او همچنین برای اقامت خویش ترجیح می‌دهد که در هتل اورینتال تفلیس بسر برد.

در ایام اقامت **امین‌الدوله** هوای تفلیس گرم بوده و غالب مردم آنجا به آبهای معدنی و بیلاقات می‌رفتند که او نیز ترجیح داد که به آب‌های معدنی قفقاز برود. **امین‌الدوله** در تفلیس به علت کسالت و بیماری توصیف زیادی از مردم و اوضاع شهر در سفرنامه‌اش نکرده و صرفاً به بیان اوضاع و احوال شخصی خویش پرداخته است.^(۲) **امین‌الدوله** به گفتگوی میان او و یکی از پزشکان معالج خویش در تفلیس اشاره می‌کند که در باب زبان فارسی می‌باشد. دکتر **ناواساردیان** به او می‌گوید:

«پدرم از معتقدین ایرانیان بود و زبان فارسی را دوست می‌داشت. مرا در کودکی به آموختن فارسی و خواندن کتاب‌های **حافظ** و **سعدی** تعریض می‌کرد، «گلستان» شیخ را قدری خوانده، دیباچه آن را به خاطر دارم و مناسب این حال است که: منت خدای را عزوجل که جز قدرت خدا هیچ چیز نمی‌توانست مرگ تو را تأخیر کند».^(۳)

امین‌الدوله در تفلیس چهل روز در بستر بیماری و بی حرکتی به سر برد. روزها چشم به دورنمای کوه و تپه شرقی تفلیس می‌انداخت. وی پس از تحمل شدائد و بیماری دردناکی که داشت، پس از بهبودی نسبی که پیدا کرد این شهر را

۱- همان، ص ۸-۷۶.

۲- همان، ص ۶-۳۷۵.

۳- همان، ص ۳۸۶.

ترک کرد.^(۱)

❑ وضعیت اتباع ایرانی در گرجستان در زمان مظفرالدین شاه

هر ساله عده زیادی از اهالی آذربایجان برای عمده‌گری و کارگری به خاک گرجستان می‌رفتند و در تفلیس به کار می‌پرداختند. بعضی از آنها در بهار می‌رفتند و پاییز باز می‌گشتند و البته از این دسته جز حق ویزا چیزی عاید کنسولگری‌ها نمی‌شد. ولی دسته دیگری بودند که دو سه سال و یا بیشتر در آنجا اقامت می‌کردند و بعد از اینکه یکسال از تاریخ تذکره‌ای (گذرنامه) که وقت عزیمت از ایران گرفته بود می‌گذشت، ایرانیان باید تذکره اقامت می‌گرفتند. قیمت هر تذکره برای کارگران دو تومان و برای تاجران ۳ تومان بود که عمده درآمد تذکره قفقاز از این قسمت عاید می‌شد. رفتن کارگران به خاک قفقاز از زمان سلطنت مظفرالدین شاه و شل شدن جلو مسافرت به خارج بواسطه راه افتادن چاه نفت زیاد در بادکوبه خیلی زیاد شده بود. اکثر کارگران این کارخانه‌ها از ایرانیها بودند. در سایر شهرهای قفقاز هم در کارخانه‌هایی که احياناً به راه افتاده بود، کارگران ایرانی در آن کار می‌کردند.^(۲)

گذشته از این کارگران، عده زیادی ایرانی در قفقاز بودند که از مدتی پیش از آنجا رحل اقامت افکنده و با دکه‌های کوچک کاسبی می‌کردند. حتی تجارتخانه‌های معتبر ایرانی هم در خاک قفقاز زیاد بود که برخی از تاجران آنها مسلمان و برخی ارمنی بودند و از همه آنها مهمتر تجارتخانه تومانیاش بود که در بادکوبه تفلیس و مسکو هم شعبه داشت. برای کارهایی که آن تجارتخانه‌ها و کسبه با دوائر محلی پیدا می‌کردند و همچنین برای دادن تذکره به کارگران، دولت

۱- همان، ص ۳-۳۹۰.

۲- عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه (تهران:

زوار، ۱۳۴۳)، ص ۹۲.

ایران یک سرکنسول در تفلیس داشت.

بوروکراسی روس‌ها خیلی اهمیت به تذکره می‌داد و هر کس تذکره نداشت، نمی‌گذاشت از مرز به داخل روسیه برود و اگر موعد تذکره کسی به اتمام می‌رسید او را وادار می‌کرد که تذکره اقامت بگیرد. دولت ایران هم ناچار بود به اتباع خود برای رفتن به روسیه تذکره مرور (گذرنامه) بدهد و همینکه تاریخ گذرنامه که یکسال بود به سر می‌آمد، گذرنامه را به تذکره اقامت تبدیل می‌نمود. سابق بر اینها، چون مسافر ایرانی به روسیه چندان زیاد نبود، دولت پا پی عایدی تذکره نبود و اگر چیزی از این عاید می‌شد، نصیب کنسولها و ویس کنسولها می‌گشت که البته سهم زیادتر از آن به سر کنسول تفلیس می‌رسید و او هم سهم شایانی به سفارت پترزبورگ می‌داد:^(۱)

«این عایدات حسابی نداشت، تمبری هم به تذکره‌ها نمی‌چسبانند و یک ورقه را به دو تومان یا سه تومان به اتباع می‌فروختند، حتی شاید وقتی هم بوده است که این اوراق را خود سرکنسولگری تفلیس چاپ می‌کرده است. از ده سال به این طرف، همینکه دولت به عایدی این ممر پی‌برد کم‌کم شروع به محدود کردن دخل سرکنسولگری نمود. در اوائل مبلغی که البته خیلی کمتر از میزان درآمد این کار بود، مقطعه می‌گرفت بعداً تذکره را هم در مرکز چاپ می‌کرد و برای کنسولگری می‌فرستاد و از روی آن حسابی می‌کرد و کم و زیاد آن را بر میزان مقطعه می‌افزود. ولی سه چهار سال اخیر که کار تحت نظام درآمد و چسبانندن تمبر به تذکره و نگاهداری حساب تمبر و این بند و بساطها راه افتاده و عایدات تذکره سالیانه به سیصد و چهار هزار تومان بالغ شده در مرکز وزارت خارجه هم یک اداره‌ای که ریاست آن با **میرزا جعفرخان ثمین‌الممالک** بود، قائم شده و در تفلیس هم ریاست کار تذکره با **آرنولد تبعه آلمان** بود.»^(۲)

۱- همان، ص ۳-۹۲.

۲- همان، ص ۹۳.

تجددطلبان ایرانی در دیار گرجی‌ها

تفلیس در دوره قاجار و خصوصاً در دوران نهضت مشروطیت یکی از شهرهایی بود که ایرانیان در آن به سر می‌بردند. **آخوندزاده** سرشناس‌ترین ایرانی مقیم این شهر بود. **آخوندزاده** با دکابریست‌ها آشنایی داشت و **لرمانتوف**، **پوشکین** و **گریبایدوف** (پیش از سفر او به ایران) را می‌شناخت **آخوندزاده** در این دوران با داعیان روشنفکری در ایران نظیر **ملک‌م‌خان**، **مستشارالدوله**، **جلال‌الدین میرزا** و **میرزا آقاخان** نامه‌نگاری داشت. آثار او به صورت نمایشنامه‌هایش در قفقاز و ایران نشر یافت. او در این آثار به مخالفت با روحانیت و حرکت‌های آنان پرداخت.

اصولاً تفلیس پنجره گشوده‌ای به سوی ایران بود که از طریق آن اندیشه و ادب غرب و نیز عقاید **آنا‌رشیسم** و **سوسیالیسم** و اسلام پیشتر به ایران می‌رسید.^(۱) شهر تفلیس در نخستین دهه‌های قرن بیستم نیز مرکز روشنفکران ایرانی باقی ماند. در این دوره که نام دوره **تجدد ادبی** به خود گرفت مباحثات تندی میان سنت‌طلبان و محافظه‌کاران از یکسوی و **تجددطلبان** و انقلابیون از سوی دیگر در می‌گرفت. گروه نخست تخلف از قواعد ادب فارسی را گناه بزرگ می‌دانستند و گروه دیگر خواهان تحول اساسی در ادبیات ایران بودند. آنان از ادب غرب الهام می‌گرفتند و این **تجدد ادبی** را به دنبال تحولات سیاسی و اجتماعی لازم می‌دانستند.

روزنامه «**ملانصرالدین**» که به مدیریت **جلیل محمدقلی‌زاده** در سال ۱۹۰۶ در تفلیس بنا نهاده شد، مبارزه سختی را با بی‌عدالتی اجتماعی آغاز کرد و گذشته از تأثیر سیاسی مقالات این روزنامه و مطالب مندرج در آن و سایر روزنامه‌های

۱- جمشید بهنام، *ایرانیان و اندیشه تجدید* (تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز، ۱۳۷۵)،

تجددطلب، در سایر نقاط داخل و خارج ایران، از لحاظ ساده‌نویسی نیز مکتبی در نشر فارسی پایه‌ریزی شد. اصطلاح «دموکراسی ادبی» و نیز لزوم توجه به آن برای نیل به ترقی در این دوره باب شد و تجدد طلبان ذهن خویش را متوجه رسیدن به آن کردند و این طرز فکر در میان محافل روشنفکری آن روز رسوخ کرد. برای این گروه، تجدد ادبی و آزادی فکر و بیان نیازهای جدید انسان ایرانی در این دوران بود.^(۱)

از دیرباز ایرانیان برای تجارت و کسب کار در تفلیس بسر می‌بردند و با آنچه در جهان می‌گذشت آشنایی پیدا کرده بودند و از عقب‌ماندگی ایران در رنج بودند و کوشش‌شان بر آن بود که از هر طریق از جمله کمک به روشنفکران نقشی در بهبود اوضاع بازی کنند و وجود همین گروه‌ها و امکانات آنها بود که از هر طریق از جمله کمک به روشنفکران مهاجر نقشی در بهبود اوضاع بازی کنند و وجود همین گروه‌ها و امکانات آنها بود که اجازه می‌داد روزنامه‌هایی به زبان فارسی منتشر شود و یا آثار فلسفی و سیاسی به زبان فارسی ترجمه گردد و پنهان یا آشکار به ایران برسد. این اندیشه‌ها از منزلگاههای بیرونی نخست به ولایات مرزی می‌رسیدند و معمولاً شهرهای بزرگ این ولایات به صورت قطب‌هایی برای پخش این افکار در سراسر ایران درآمدند. بدینسان تبریز، ارومیه و رشت اهمیت پیدا کردند.^(۲)

سیدحسن تقی‌زاده مقارن با جنگ روس و ژاپن به گرجستان رفت. او مدت یک ماه را در آنجا ماند و در این مدت با ایرانیهای زیادی نیز دیدار کرد. او اوقات بیکاری خویش را به تئاتر و موزه می‌رفت.^(۳) تقی‌زاده پس از حرکت به سوی

۱- همان، ص ۷-۱۰۶.

۲- همان، ص ۱۳۲.

۳- سیدحسن تقی‌زاده، زندگی طوفانی، خاطرات سیدحسن تقی‌زاده (تهران: محمدعلی

علمی، بی‌تا)، ص ۳۸-۴۰.

ترکیه، مصر و لبنان دوباره به تفلیس برگشت و شاهد جنگ و درگیری میان مسیحیان و مسلمانان در قفقاز بود که همزمان با انقلاب روسیه رخ داد. این وضع یکسال و نیم ادامه داشت و در این مدت قفقاز در آتش و خون بود.^(۱) **تقی‌زاده** پس از بازگشت به ایران با نهضت مشروطیت مواجه شد و به لحاظ عقایدی که داشت توسط دولت تبعید گردید و صلاح کار را در ترک ایران دید. او شاهد قساوت و بیرحمی **محمدعلی‌شاه** نسبت به مشروطه‌طلبان روزنامه‌نگاران و آزادیخواهان بود. وی پس از ترک تهران به تفلیس بازگشت و در هتل بزرگی به نام «هتل اروپا» اقامت گزید.

در آن زمان **علامه دهخدا** و **معارضه‌السلطنه** هم در تفلیس بودند که البته پس از مدتی آنان به پاریس رفتند. **تقی‌زاده** در گرجستان تحت مراقبت سخت و شدید مأموران روسی قرار داشت. هر کس به ملاقات وی می‌رفت، او را به اداره پلیس می‌بردند و استنطاق می‌کردند.

در تفلیس دو تن از مشروطه‌طلبان نیز به او پیوستند که عبارت بودند از **محمدعلی خان تبریزی** (معروف به تربیت) و نیز **حسین آقاپرویز** که این سه تصمیم گرفتند که به اروپا بروند. آنها از بانکی در تفلیس برات خریدند، زیرا با استفاده از آن در همه جای دنیا می‌شد خرید انجام داد. آنان از پس از ترک تفلیس به مقصد وین خاک گرجستان را ترک کردند.^(۲)

□ مهاجرت ایرانیان به گرجستان در عهد قاجاریه

در سال ۱۸۵۵، اولین نمونه‌های مهاجرت ایرانیان به سایر نقاط خارج از ایران در گرجستان از سوی کنسول بریتانیا در تبریز گزارش شد. این گزارشها نشان می‌داد که گروه بزرگی از دهقانان سلماس و قسمتهای دیگر آذربایجان در

۱- همان، ص ۴۵.

۲- همان، ص ۴-۹۲.

جستجوی شغل به تفلیس پناهنده شده بودند. محرک قدرتمند جذب دهقانان و نیز پاره‌ای از کارگران ایرانی تحولات اقتصادی در روسیه بود که مراکز عمده شهرهای جنوبی روسیه به ویژه قفقاز محل جذب ایرانیان مهاجر بود.^(۱)

براساس سرشماری نمونه‌های جمعیت در روسیه شوروی در سال ۱۸۹۷ جمعیت فارسی زبانان در تفلیس بین ۱۰ تا ۱۲ هزار نفر بوده است.^(۲)

اکثریت مهاجران، کارگران ساده و در جستجوی کار و مابقی اقشار مختلف اجتماعی شامل بازرگانان، کشاورزان، کسبه و دیگر مشاغل مختلف بود. بیشتر ایرانیان در تفلیس یک اطاق را میان سه یا چهار نفر تقسیم می‌کردند. در این میان ایرانیان در فعالیتهای سیاسی نیز شرکت می‌کردند و در طول مبارزات مشروطیت، بریگادی از کارگران مبارز از قفقاز به مقر تبریز فرستاده می‌شد تا تحت رهبری ستارخان بجنگند. این چریکهای مسلح و آموزش‌یافته، مسافتی طولانی و پرمخاطره از تفلیس تا آن شهر پشت سر می‌گذاشتند.^(۳)

در دوران قاجار عده‌ای از نویسندگان و روشنفکران راهی گرجستان شدند و در آنجا ماندگار شدند که از جمله آنان *زین‌العابدین مراغه‌ای* بود که از بازرگان‌زادگان ثروتمند آذربایجان و یکی از نویسندگان و روشنفکران مطلع دوران قاجار محسوب می‌شد. وی در مراغه متولد شده بود و به علت فساد اوضاع ایران به گرجستان مهاجرت نمود و کتاب «سیاحتنامه ابراهیم بیگ» را که در حقیقت از نمونه‌های ادبیات مشروطه محسوب می‌شود نوشت و در اندک مدتی اشتهار زیادی کسب کرد. پدران او از اکراد ساوجبلاغ و از خوانین آن سامان بودند و طریقهٔ تسنن و مذهب شافعی داشتند، اما بعدها به کیش تشیع گرویدند

۱- تاریخ معاصر ایران، کتاب هفتم (تهران: مؤسسه پژوهشی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۴).

ص ۴۶-۷.

۲- همان، ص ۴۸-۹.

۳- همان، ص ۵۴-۷.

و در مراغه مشغول تجارت شدند.

وی پس از کسادی کسب و کار و سختی و معیشت مانند بسیاری از تجار ورشکسته آن زمان عازم قفقاز شد و در شهر تفلیس، پایتخت گرجستان که در آن زمان که کسی از ایرانیان در آنجا بود رحل اقامت افکند و در مدت سه، چهار سال چند هزار منات از حرفهٔ بقالی فراهم آورد. کم‌کم عده‌ای از ایرانیان کارگر به تفلیس روی آوردند. **میرزا اسدالله خان ناظم‌الدوله**، ژنرال کنسول ایران در تفلیس، او را به نایب کنسولی «ویس کنسولی» شهر کتایس معین کرد.^(۱) او خود در این باره می‌گوید:

«... آن وقت ما هم کنسول و هم رئیس قوم و هم تاجر شدیم و رعایت هموطنان را که تماماً مفلس و فقیر بودند، از جمله فرایض شمرده بنا گذاشتیم هم تذکره و هم مایحتاج ایشان را، از خوراک و پوشاک دادن. در مدت قلیلی دفتر پر شد، **علی خوئی** صد منات، به **حسینقلی تبریزی** هفتاد منات، فلان سلمانی پنجاه منات و... هر چه اندوخته چند ساله بود از دستمان بردند. یکی گریخت، دیگری را گرفتند، آن یکی قمار باخت و آن دیگری بیمار شد».

حاجی زین‌العابدین مراغه‌ای تا سال ۱۲۹۴ در گرجستان بود و از آن پس با شروع جنگ روس و عثمانی به شهر یالتا در اکراین رفت و پس از سفر حج برای همیشه در ترکیه اقامت گزید.^(۲) «سیاحتنامه ابراهیم‌بیک» را **میرزا مهدی خان** یکی از نویسندگان روزنامه اختر نوشته و به چاپ رسانیده و پس از مرگ او **زین‌العابدین** بخشهای دوم و سوم را نوشته و همه را به نام خود خوانده این کتاب در واقع دایرة المعارف جامع اوضاع ایران در اواخر قرن سیزدهم هجری است که با قلمی تند و بی‌پروا و بی‌گذشت تحریر شده است.^(۳)

۱- بونس مروارید، **مراغه** (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۱)، ص ۴۹۵.

۲- همان، ص ۸-۴۹۶.

۳- همان، ص ۵۰۲.

شیخ احمد ساعد مراغه‌ای از دیگر مهاجران سفر کرده به گرجستان است. شیخ احمد که در سلک روحانیت بود برای توسعه معیشت و بازرگانی از آذربایجان به بادکوبه کوچ کرد و پس از دو سال مقیم تفلیس شد. محمد فرزند وی به سال ۱۲۶۰ هجری شمسی/۱۲۹۸ قمری در تفلیس به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آموزشگاههای تفلیس به پایان برد و برای ادامه تحصیلات رهسپار پترزبورگ گردید. در رشته علوم سیاسی تحصیلات خود را دنبال کرد و در سال ۱۲۸۰ شمسی هنگامی که ارفع‌الدوله وزیر مختار ایران در روسیه بود به پیشنهاد وی به مترجمی کنسولگری ایران در باطوم منصوب شد و در سال ۱۲۸۲ همزمان سفارت ارفع‌الدوله در عثمانی به عضویت سفارت ایران در اسلامبول مأمور گردید و پس از چند سال نایب کنسول تفلیس شد.

مأموریت ساعد در تفلیس سالها طول کشید و در آغاز دوران مشروطه به کنسولی ایران در بادکوبه مأمور گردید و به پیشنهاد وزارت خارجه لقب ساعدالوزراء به او داده شد. وی در زمان سفارت سید محمد صادق طباطبایی به مستشاری سفارت ایران ارتقاء یافت. ساعد در سال ۱۳۱۱ به ایران آمد و فرماندار ارومیه شد و سپس به استانداری ارومیه رسید و پس از چند سال مسئولیت‌های اجرایی در وزارت خارجه در خرداد ۱۳۲۱ به وزارت خارجه منصوب شد. وی پس از دو دوره وزارت در کابینه قوام‌السلطنه و کابینه دوم سهیلی که نزدیک به دو سال طول کشید، نخست وزیر شد و کابینه خود را در ۸ فروردین ۱۳۲۳ معرفی نمود.

وی پس از ۸ ماه صدارت، از مقام خود کناره‌گیری کرد و مجدداً در سال ۱۳۲۷ برای دومین بار در ۲۵ آبان سال ۱۳۲۷ کابینه خود را معرفی نمود. ولی در تاریخ ۲۸/۱۲/۲۷ مستعفی و مأمور خدمت در سفارت آنکارا شد. او به زبانهای روسی، فرانسه، ترکی استانبولی و آلمانی مسلط بود و در ادبیات روسی

نیز مطالعات بسیاری داشت.^(۱)

سید محمودخان دیبا علاءالملک (سال ۱۲۵۸ هجری قمری) پسر میرزا علی‌اصغر مستوفی از رجال دوره قاجاریه است که چندی را به اتفاق میرزا غفارخان صدیق‌الملک در تفلیس گذراند. برادر بزرگش میرزا اسدالله‌خان سرکنسول ایران در تفلیس بود. وی تا سال ۱۲۹۴ در این مقام ماند و بعد از محمودخان جای برادر خویش را گرفت و به سمت کارپردازی اول (سرکنسولی) در تفلیس منصوب گردید. او شش سال با همین سمت در تفلیس بود. در سال ۱۳۰۰ هجری قمری به جای وی، میرزا محمدعلی‌خان معین‌الوزاره (علاءالسلطنه) به سرکنسولی تفلیس تعیین و روانه آنجا گردید.^(۲)

حاجی ابوالنصر میرزا حسام‌السلطنه امیر تومان از دیگر کسان سفر کرده به گرجستان بوده که در سال ۱۳۰۵ هجری قمری به عنوان نماینده ایران برای گفتن تبریک به الکساندر سوم امپراطور روسیه به قفقاز از سوی ناصرالدین شاه به تفلیس می‌رود.^(۳)

محمدحسین امین‌الرعا یا از تجار بزرگ بود که با هندوستان و تفلیس ارتباط بازرگانی داشت. حاجی محمدحسن بادکوبه‌ای نیز که از سرمایه قابل توجهی برخوردار بود و با شناختی که از منطقه قفقاز داشت به کار تجارت با آن منطقه پرداخت. او خشکبار و فرش از ایران صادر و تولیدات مورد نیاز را وارد می‌کرد.^(۴) هادی‌خان معتمدالدوله فرزند مهدی‌خان از جمله محصلان شاغل به تحصیل در گرجستان بود که در سال ۱۲۸۳ شمسی برابر ۱۳۲۴ قمری/ ۱۹۰۴ میلادی در معیت پدر که از طرف وزارت خارجه مأموریت داشت، به تفلیس

۱- همان، ص ۹-۵۷۳.

۲- بامداد: شرح حال رجال قرون ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، جلد ۴، ص ۴۰-۳۹.

۳- پرویز ورجاوند، سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین (تهران: نشر نی، ۱۳۷۷)، ص ۳۶۷.

۴- همان، ص ۱۹۶۱.

رفت و به منظور ادامه تحصیل و فراگرفتن زبان روسی در مدرسه شبانه‌روزی ژیمناز تفلیس به تحصیل پرداخت. هادی‌خان به مدت ۲ سال مشغول به تحصیل در این مدرسه بود.^(۱)

▣ تحصیل‌کردگان ایرلنی در گرجستان

میرزا فتحعلی آخوندزاده از تحصیل‌کردگان گرجستان است. او در سال ۱۲۲۸ هجری قمری در آذربایجان متولد شد. وی در جوانی ضمن تدریس زبان ترکی در مدرسه روسی تفلیس به تحصیل زبان روسی پرداخت و در خدمت نظامیان روسی تزاری به نشان کلنلی نائل گشت و عمر خود را صرف تدریس و نگارش کتابهای سیاسی و ادبی نمود. **آخوندزاده** در آثار خود مکرراً به تمجید از دولت روسیه تزاری که دشمن بزرگ ایران و غاصب ایالات شمالی آن بود، پرداخت. آثار **آخوندزاده** شامل کتابها و مقالات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی است. این آثار در نشریات ترکی و روسی و فارسی زبان منتشر شده و در تحول نهضت منورالفکری ایران بسیار مؤثر واقع گشته است.^(۲)

میرزا عبدالرحیم طالبوف نیز از تحصیل‌کردگان در دیار گرجی‌ها است. او در سال ۱۲۵۰ هجری قمری در محله سرخاب تبریز در خانواده‌ای متوسط به دنیا آمد. در ۱۶ سالگی برای تحصیل به تفلیس رفت و در مدارس آنجا که به سبک اروپایی دایر شده بود درس خواند. **طالبوف** در قفقاز با علوم و معارف جدید غرب آشنا شد و با ایرانیان و اروپائینی که دائماً به آنجا رفت و آمد می‌کردند، تماس برقرار نمود. حشر و نشر با انقلابیون و آزادیخواهان روسی در افکار او تأثیر بسیاری داشت. وی در آثار متعدد خود که در کشورهای روسیه، عثمانی، مصر و ایران به چاپ رسید، مسائل و اندیشه‌های اروپایی، روسی، ایرانی و

۱- حسینقلی خان‌شفاقی، *خاطرات ممتحن الدوله*، ص ۲۸۲.

۲- باقر مؤمنی، *مقالات میرزا فتحعلی آخوندزاده*، (بی‌جا: آوا، ۱۳۵۱)، ص ۲۱.

اسلامی به صورت التقاطی مطرح و به دلخواه نتیجه‌گیری کرده است. طالبوف در طول تحصیل در گرجستان با افکار و اندیشه‌های دانشمندان اروپایی آشنا شد و عنصر غالب در تفکرات او برتری فرهنگ و تمدن غرب است.^(۱)

میرزا یوسف خان مستشارالدوله یکی از منورالفکران عصر ناصرالدین‌شاه و طرفدار آزادی اروپایی در ایران محسوب می‌شود. وی در تبریز متولد شد و در زمرهٔ تجار معروف آن شهر بود. او در گرجستان مدتی را به عنوان ژنرال کنسول ایران در تفلیس به خدمت مشغول بود.^(۲)

✻ خاطرات یک ایرانی در گرجستان در دورهٔ مشروطه

مرحوم مساوات، صاحب روزنامهٔ «مساوات» در تبریز بود. وی مدتی در گرجستان اقامت داشته و خاطراتی را در شمارهٔ ۷ محرم ۱۳۲۷ هجری قمری ذکر می‌کند که ما خلاصهٔ آن را در اینجا می‌آوریم:

«بعد از وقایع تاریخ روز ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶، خود را با هزاران خون دل از جنگال دولتیان نجات داده به کشور روسیه مهاجرت کردم. روزی در یکی از مهمانخانه‌های تفلیس در اطاق خود نشسته و در بر روی خویش بسته فکر ایام گذشته و آینده خود می‌کردم که ناگاه در باز شد و سه نفر وارد گشتند. یکی از آنان مثل آنکه گم کردهٔ خود باز یافته با نهایت مهربانی روی به من آورد و گفت که از آزادی و پارلمان ایران چه خبر داری؟

گفتم شما را با آزادی ایران چکار، تعجب کردند و گفتند مگر ما بشر نیستیم و حمایت مظلوم از وظایف انسانیت نیست؟ خواهشمندیم از سرگذشت ایران و ایرانیان آنچه می‌دانی ما را مستحضر کن، زیرا غیرت ما قبول نمی‌کند که ما در اینجا آسوده روزگار می‌گذرانیم و ابناء نوع ما اسیر شکنجهٔ ظلم و استبداد باشند.

۱- عبدالرحیم طالبوف، آزادی و سیاست (تهران: سحر، ۱۳۵۷)، ص ۲۴.

۲- همان، ص ۲۸.

این آقایان هر سه گرجی بودند. من شمه‌ای از وقایع و فجایعی که روی داده بود به ایشان گفتم و آنان از شنیدن آن متأثر شده و آه و ناله می‌کردند. ناگاه ناله ضعیفی از خارج به گوشم رسید، حیرت کردم که این زن کیست و چرا چنین می‌نالد. بناگاه در باز شد و زنی که آثار نجات از ناصیه حالش ظاهر بود، وارد شد و معلوم گردید که عیال یکی از آن سه نفر بود. به مجرد ورود، اشک از دیدگانش فرو ریخت، با یکدست به دامن من آویخت و به شوهرش گفت: ترا به هر چه مقدس می‌دانی سوگند می‌دهم مرا اجازه ده که به ایران بروم و جان خود را فدای آزادی ایران کنم. شوهرش نیز اجازه داد که برود و جان خود را در این راه مقدس فدا کند. من به عللی رفتن او را به ایران صلاح نمی‌دانستم. گفتم: ای جوهره غیرت و ای نادره زمان، آنچه تو گفتی البته ناشی از احساسات و فطرت پاک شما بود، اما قانونگذار مسلمانان، جهاد را بر زنان حرام کرده است و این تکلیف را به عهده مردان وا گذاشته است. شمشیر زدن پیشه رجال است نه شمیة ربات‌الجمال، از بس از این نوع سخنان با وی گفتم تا آنکه آتش سوزان قلبش اندکی تسکین یافت و از حدش کاسته گردید و از عزیمت به ایران منصرف گردید. من در دل گفتم خدایا چه می‌شد که مردان ما نیز دارای چنین حس بشر دوستی می‌بودند»^(۱).

یکی از صحنه‌های حضور گرجیان در تاریخ معاصر ایران نقش مؤثر آنان در نهضت مشروطیت است. پس از تشکیل مجاهدین در تبریز توسط ستارخان ریاست اردو به عهده حاجی خان قفقازی و یک ایرانی به نام محمدقلیخان آقبلاغی واگذار می‌گردد. در این اردو تعدادی فدایی که اغلب آنان گرجی بودند و از تفلیس به یاری تبریزیان آمده بودند، شرکت داشتند. این گروه از رزمندگان گرجی داوطلبانه وارد اردو شده بودند. آنان با سپاه صمدخان درگیر شدند که در

۱- اسماعیل امیرخیری، قیام آذربایجان و ستارخان (تبریز: کتابفروشی تهران، ۱۳۵۶)،

این میان دسته‌ای اسیر و گروهی از گرجی‌ها با وضع فجیعی کشته شدند.^(۱)

□ حضور گرجی‌ها در ایران عهد قاجار

در عهد قاجار گرجی‌هایی هم بودند که توانستند پس از اقامت در ایران جایگاه خویش را تثبیت کنند و به مناصب مهمی دست یابند. از جمله پسر یوسف‌خان گرجی سپهدار، بانی شهرداری (بلدیه) متولد ۱۲۲۳ هجری قمری که در هفده سالگی به اعتبار پدر به منصب سپهداری اصفهان رسید و ماه بیگم‌خان دختر فتح‌علیشاه را به زنی گرفت. در ۱۲۶۶ هجری قمری وی به حکمرانی اصفهان منصوب گشت. در زمان حکومتش شورشی به وجود آمد که آن را فرو نثاند ولی بین او و علمای اصفهان کدورت به وجود آمد و به درخواست خودش به تهران احضار شد. در ۱۲۷۲ به حکومت کرمان رسید و سپس در ۱۲۷۶ به عضویت شورای دولتی که توسط ناصرالدین‌شاه تشکیل شده بود، منصوب گشت. در ۱۲۸۶ به وزارت عدلیه رسید و سپس در ۱۲۸۸ به عضویت «دارالشورای کبرای» ناصرالدین‌شاه در آمد. کمی بعد، در همین سال به حکومت قزوین منصوب شد که چند ماهی بیش دوام نداشت.^(۲)

همچنین در جریان مشروطیت در شورشی که در برخی شهرها شد جمعی از گرجی‌ها حضور داشتند. در قزوین آنان در باغ مدیر سردار افخم را کشته و عمارت دولتی را آتش زدند.^(۳) در این زمان پاره‌ای از مشروطه‌خواهان نظیر امجدالوزاره (سید عبدالله شیخ‌الاسلامی) با توپ بستن مجلس به دستور محمدعلیشاه راهی تفلیس شدند. در آن هنگام به تحریک ممتحن السلطنه که کنسول تفلیس بود ۳۳ تن از مشروطه‌خواهان را به فرمان دولت تزاری دستگیر و

۱- همان، ص ۸۰۰-۷۹۹.

۲- ورجاوند: سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین، ص ۳۱۵.

۳- همان، ص ۴۶۱.

زندانی کرده بودند. رئیس المجاهدین، سید عبدالله را برای فراهم آوردن مقدمات آزادی آنان در تفلیس گذاشته بود که سپس با آمدن علیقلی خان انصاری مشاور الملک از پطروگراد به تفلیس و عزل ممتحن السلطنه، پس از سه ماه کوشش سرانجام مجاهدین را از بند تزار آزاد کردند.^(۱)

☐ سفر هنرمندان ایرانی به گرجستان

پیش از شروع جنگ جهانی اول گروهی از هنرمندان زبده ایرانی به تفلیس سفر کرده و کنسرتی را به نفع مدرسه ایرانیان در قفقاز اجرا کردند. این گروه عبارت بودند از: ابوالحسن اقبال آذر (اقبال السلطان)، باقرخان، درویش خان، طاهرزاده و عبدالله دوامی.^(۲)

جمشیدخان فرزند ندارد شیر افشار ملقب به مجد السلطنه از صاحب منصبان قاجار بود. تحصیلات ابتدایی را در ارومیه گذراند و سپس به خدمت نظام وارد و تا درجه امیر تومانی ترقی کرد. او پس از تحریک عثمانیها، کردها را که سر به شورش نهاده بودند سرکوب کرد و مدتی والی آذربایجان شد و پس از شکست روسها در جنگ اول جهانی به قفقاز رفت و در تفلیس اقامت گزید. وی تألیفات فراوانی داشته که می توان از کتابهای وی به کتابهای «عشق ارغوانی»، «طوق لعنت» و «ماشاء الله خانم» اشاره کرد که همگی در تفلیس چاپ شده است.^(۳)

☐ سفرنامه دیوان بیگی

موضوع این سفرنامه، مربوط به سه سال مهاجرت آزادیخواهان ایران است

۱- همان، ص ۱۸۸۴.

۲- همان، ص ۱۴۵۸.

۳- علی دهقان، سرزمین زردتشت ... رضائیه (تهران: ابن سینا، ۱۳۴۸)، ص ۲۵۰.

که توسط رضا علی دیوان بیگی به صورت سفرنامه به رشته تحریر درآمده است. وی در نخستین جنگ جهانی، کارمند کنسولگری ایران در استانبول بود که پس از هشت ماه و نیم توقف در استانبول عازم تفلیس می‌شود. او با قطار حامل کالاهای ضروری خود را به تفلیس می‌رساند. وی در تفلیس به خاطر برقراری حکومت سوسیالیستی دچار دردسرهایی می‌گردد که به علت فهمیدن زبان روسی آنها را از سر می‌گذراند. او در سفرنامه‌اش ذکر می‌کند که قبل از جنگ جهانی اول متجاوز از دویست سیصد هزار نفر تبعه ایران که بیشتر اهل آذربایجان و گیلان بودند در سرزمینهای قفقاز مقیم گردیده و آزادانه تجارت و کسب کار می‌کنند. قفقازیه‌ها اینان و دیگر سکنه ایرانی نژاد را «همشهری» خطاب می‌کردند.^(۱)

او وضعیت تجار ایرانی را خوب و زندگی آنان را تجملاتی و کارشان را پر رونق ذکر می‌کند. به واسطه حضور ایرانیان زیادی که در قفقاز زندگی می‌کردند، در بعضی از شهرهای قفقاز یک کنسولگری دایر کرده بودند. سرکنسول تفلیس که او را جنرال قنصول می‌خواندند بر همه ریاست داشت و جنرال قنصول ایران در تفلیس نیز از اهمیت و اعتبار خاصی برخوردار بود.^(۲)

در این زمان جنرال قنصول شخصی به نام علی محمد خان شریف الدوله بود که با وجود قطع رابطه تهران با تفلیس، توانسته بود در اغتشاشات از اتباع ایران سرپرستی کند، حتی کارگزاران نایب السلطنه پیشین گرجستان را که در روزهای هرج و مرج مالشان در معرض خطر بود به سرکنسولگری پناه دهد. در این زمان با اجازه او یک تعدادی اشخاص متعین و متمول هم بر در خانه‌های خود در تفلیس پرچم ایران برافراشته بودند تا از دستبرد و گزند انقلابیون در امان باشند.

۱- رضا علی دیوان بیگی، سفر مهاجرت در نخستین جنگ جهانی (تهران: چاپخانه بانک

ملی ایران، ۱۳۵۱)، ص ۳-۱۲۲.

۲- همان، ص ۴-۱۲۳.

شریف‌الدوله بواسطه این کارها در تفلیس وجهه پیدا کرده بود به طوری که مصادر امور جمهوری گرجستان از او حرف شنوی داشتند.

او آثار انقلاب و بی نظمی را در شهر مشاهده کرده و به ارتکاب اعمال غریب و نامناسب از سوی افراد گارد ملی یا گارد سرخ اشاره می‌کند. در این گیرودار، یک فرد تحصیلکرده ایرانی که در تفلیس مشغول به تحصیل بود نیز قربانی هرج و مرج می‌گردد که باعث تأثر و تأسف نگارنده سفرنامه شده است. او در سفرنامه‌اش از محله مسلمان‌نشین تفلیس به نام «شیطان‌بازار» نام می‌برد که ایرانیها اکثراً آنجا کسب و کار می‌کردند. همچنین از شخصی به نام داودخان گرجی شریف‌الدوله و امین دربار و دیوان بیگی دعوت به ناهار می‌کند که پس از اتمام مراسم و در بازگشت نیروهای گارد ملی به بهانه‌ای اتومبیل را توقیف می‌کنند و آنها را اجباراً به کمیساریای مربوطه می‌برند که در آنجا پس از تفهیم موضوع توسط کمیسرها آزاد می‌گردند.^(۱) دیوان بیگی پس از سه هفته توقف در تفلیس اواسط تابستان از گرجستان خارج می‌شود.

احمدشاه روز آخر تیرماه سال ۱۳۳۷ هجری قمری با جمعی از ملتزمان رکاب، طی سفر خود به اروپا از گرجستان نیز دیدن کرد. او در تفلیس مورد استقبال ژنرال باراتوف قرار گرفت.^(۲)

۱- همان، ص ۶-۱۲۵.

۲- همان، ص ۱۳۰.

فصل سوم

روابط ایران و گرجستان در دوران معاصر

■ گرجستان پس از تشکیل اتحاد جماهیر شوروی

جمهوری گرجستان پس از تشکیل اتحاد جماهیر شوروی، تابع سیاستهای سران مسکو قرار گرفت. اتحاد جماهیر شوروی به روی کاغذ فدراسیونی متشکل از ۱۵ جمهوری با نهادهای دولتی (جمهوری) نیرومند، کمیته‌های دولتی و فدرال انتخابی و به موازات آنها یک نظام پلکانی حزبی و یک نظام خدمات اداری مرکب از کارمندان حرفه‌ای بود. اما در عمل، جمهوریهای آن، اقتدار و خودمختاری بس محدودی داشتند و نظام انتخابی آن ساختگی بود و قدرت واقعی در دست مقامات حزب کمونیست متمرکز بود که در پولیت‌بورو (دفتر سیاسی)، کمیته مرکزی، شورای وزیران و دبیرخانه حزب عضویت داشتند و سمتهای کلیدی اداری، نظامی، صنعتی و امنیتی معمولاً بین آنها دست به دست می‌شد.

جمهوری گرجستان در بین سایر جمهوریها مهمترین منابع معدنی را دارا بود و به لحاظ دسترسی به دریای سیاه اهمیت ویژه‌ای داشت. به موجب قانون اساسی سال ۱۹۳۶ و قانون اساسی سالهای بعد از آن، عالی‌ترین مرجع

قانونگذاری و قدرت در شوروی «شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی» بود که از دو مجلس «شورای اتحاد» و «شورای ملیتها» تشکیل می‌گردید و ۱۵۰۰ نماینده آن هر ۵ سال یک بار با آراء مستقیم مردم به نمایندگی انتخاب می‌شدند. علاوه بر شورای عالی، شورای جمهوری گرجستان نیز دارای یک شورای عالی برای بررسی مسائل و تصویب قوانین مربوط به همان جمهوری بود و برای خود یک شورای انتخابی داشت.

شورایعالی یا پارلمان شوروی که قانون اساسی شوروی از آن به عنوان عالی‌ترین مرجع قدرت و تصمیم‌گیری نام می‌برد، فقط دو بار در سال و آن هم به مدت چند روز تشکیل جلسه می‌داد و نمایندگان آن فرصتی جز استماع گزارشات مفصل مقامات رسمی و تصویب یکپارچه آنها را نداشتند و لوایح پیشنهادی دولت نیز معمولاً به اتفاق آراء به تصویب می‌رسید.^(۱)

انتخابات مقامات اجرایی از شهردار تا نخست‌وزیر از اختیار شوراها بوده ولی عملاً حزب کمونیست نقش تعیین‌کننده‌ای در اداره امور کشور داشت و این رهبران حزب کمونیست شوروی بودند که تصمیمات و نظریات خود را به این مراجع دیکته می‌کردند و شورای عالی جماهیر شوروی و شوراها را دیگر در سطوح مختلف نقشی جز مهر تأیید نهادن بر تصمیمات رهبری مرکزی یا مقامات محلی حزب کمونیست نداشتند.

حزب کمونیست دارای واحدهای حزبی در هر اداره، کارخانه، مزرعه و دانشگاه بود و کمیته‌های محلی و منطقه‌ای را شامل می‌شد. تشکیلات حزب کمونیست در جمهوری گرجستان نیز نظیر دیگر جمهوریهای شوروی دارای یک کمیته مرکزی، یک دفتر سیاسی و یک دبیرخانه نظیر تشکیلات مرکزی حزب بود که اعضای آن در کنفرانسهای منطقه‌ای انتخاب می‌شدند. در کنفرانسهای

۱- ابوالحسن خلیج منفرد، روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحاد جماهیر شوروی

سوسیالیستی در دهه اول انقلاب اسلامی (تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۶۹)، ص ۵-۱۴.

حزبی، جمهوری گرجستان که قبل از کنگره سراسری حزب تشکیل می‌شد، نمایندگانی برای شرکت در کنگره حزب انتخاب می‌شدند.^(۱)

❑ چگونگی روی کار آمدن رژیم شوروی در گرجستان

به دنبال استقرار رژیم شوروی در اران و ارمنستان، گرجستان برخلاف این دو کشور، جزیره‌ای از صلح و ثبات بنظر می‌رسید. حکومت آن می‌کوشید تا با هر وسیله‌ای خود را از تحت سلطه و حاکمیت روسها جدا کند و به سرنوشت دو همسایه خویش دچار نشود. ولی به رغم شناسایی استقلالش طبق موافقتنامه‌های ۷ مه و ۱۷ ژانویه ۱۹۲۰ با ترکیه، خود را در امنیت احساس نمی‌کرد.

در آغاز ماه دسامبر ۱۹۲۰، اوژنیکیدزه و کیروف که دو تن از اعضای کمیته نظامی انقلابی بلشویکی سپاه یازدهم بودند تصمیم به دخالت در امور گرجستان گرفتند. این دو، در دوم ژانویه ۱۹۲۱ به مسکو رفته و گزارشی را در ده ماده به کمیته مرکزی تسلیم کردند و ضمن آن دلایلی را که به نفع شورایی کردن گرجستان داشتند ارائه کردند. در ۱۲ ژانویه لنین طی نشست همگانی کمیته مرکزی این طرح را رد کرد. در اواخر ژانویه استالین که موافق نظریات دفتر قفقاز بود، موافقت اکثریت اعضای کمیته مرکزی را به استثنای تروتسکی و کامنوف جلب کرد. بر اساس این موافقت، دستورالعملی به اوژنیکیدزه و سایر سازمانهای بلشویکی گرجستان داده شد که در آن لزوم ایجاد یک نهضت شوروی و در صورت لزوم کمک به آن تأیید شده بود.

بلشکویکهای قفقاز که برای در دست گرفتن قدرت در گرجستان بی‌تاب بودند، نقشه شورشی را طرح کردند. در آن زمان چون پاره‌ای از نیروهای گرجی در منطقه «لوری» برای جلوگیری از تجاوز ترکهای عثمانی بسر می‌بردند، بلشویکهای ارمنستان طی یک اولتیماتوم از دولت گرجستان خواستار

عقب‌نشینی قوای خویش شدند که دولت گرجستان آن را نشنیده گرفت. در تاریخ ۱۲ فوریه، همان زمان با جشن شناسایی گرجستان توسط متفقین و تاریخ انقضای موافقتنامه بین گرجستان و ارمنستان در باب منطقه «لوری»، بلشویکها به گرجستان حمله بردند و پرچم سرخ را در تفلیس به اهتزاز در آوردند. بدین سان، آخرین جمهوری مستقل قفقاز تبدیل به جمهوری شوروی شد.^(۱)

شورایی شدن گرجستان باعث اختلاف میان لنین و استالین گردید و لنین با اطلاع از مخالفت اکثریت مردم گرجستان با حاکمیت بلشویکها به استالین بدگمان شد و این در یادداشتهای سِری او که ضمن بیماری به منشی خود دیکته می‌کرد، بیان می‌گردد. لنین چند روز قبل از سومین حمله مغزی به استالین اعلام کرد که هرگونه روابط شخصی خود را با او قطع می‌کند.

لنین با تکرار این هشدار که نباید از الگوی روسیه شوروی تقلید کرد، در ۱۹ فوریه به ماخلادزه قبل از عزیمتش به تفلیس تأکید کرد که گرجستان کشوری است خرده‌بورژوا که تحت سلطه منشویکها قرار دارد. بنابراین، باید در مورد مسائل ملی و ارضی این کشور بایستی با احتیاط اقدام کرد.

علیرغم اقدامات لنین، گرجستان به زور سرنیزه ارتش سرخ فتح شد و حزب کمونیست ملی در تفلیس تأسیس گردید. ورود ارتش سرخ به گرجستان و اعلام رژیم شوروی در این کشور، خصلت کشورگشایی داشت. چون در این هنگام هیچکس به این فکر نبود که قیامی در داخل این کشور برانگیزد، به استثنای دانشجویان دانشکده افسری تفلیس که مقاومتشان در برابر بلشویکها بسیار تحسین برانگیز بود.^(۲) این مبارزه گرجی‌ها برای تحقق آرمان خود، لنین و استالین را آشکارا در برابر یکدیگر قرار داد.

۱- سیدمحمد رضا عمرانی، آینده روابط جمهوری اسلامی ایران و گرجستان (تهران:

دانشگاه امام صادق، ۱۳۷۲)، ص ۲۴-۱۵.

۲- همان، ص ۶-۲۴.

در ۲۳ مارس، گرجی‌ها پیشنهادی را مطرح کردند که منجر به تأسیس کنفدراسیون قفقاز گردید. این کنفدراسیون پیرو مذاکرات چخن‌کلی، آوالوف و سومبانوف نمایندگان گرجستان زیر نظر متفقین تشکیل گردید. همچنین نمایندگان گرجستان طرحی را ارائه کردند تا به واسطه حمایت یکی از دول بزرگ، علیه کمونیستها اتحادی را با انعقاد پیمان‌نامه‌ای تشکیل دهند.

پس از طرح قانون اساسی که از سوی استالین تهیه شده بود، این طرح برای بررسی به جمهوری گرجستان ارسال شد تا نظیر سایر جمهوریها در این کشور نیز به تصویب برسد. این طرح در گرجستان با مخالفت علنی روبرو شد و به کشمکش روزافزون در میان سران کمونیست گرجستان و دیگران منجر شد.

استالین خشک و بی‌پرده به رهبران گرجستان گوشزد کرد که تصمیمات اتخاذ شده از طرف مقامات جمهوری فدراتیو روسیه باید بدون چون و چرا در جمهوریهای مستقل به مورد اجرا گذارده شود. با طرح این مسئله گرجی‌ها به انواع وسایل ممکن مصمم به دفاع از استقلال خویش شدند. ولی مخالفت گرجستان نتوانست طرح پیشنهادی کمیسیون تهیه قانون اساسی را که اکثر اعضای آن طرفدار استالین بودند، عقیم بگذارد. سرانجام این طرح به تصویب کمیسیون رسید.^(۱)

در ۳۰ دسامبر ۱۹۲۲ سومین کنگره شوراهای اتحاد جماهیر شوروی، عهدنامه‌ای را که پایه تشکیل حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی قرار گرفت و بین جمهوری فدراتیو روسیه از یک سوی و جمهوریهای اکراین و روسیه سفید از سوی دیگر منعقد شده بود و به زور به جمهوریهای ماوراء قفقاز یعنی گرجستان هم تحمیل شده بود، تصویب کرد. این عهدنامه متضمن اصولی بود که بعدها به صورت قانون اساسی ۱۹۲۴ شوروی در آمد.

قابل ذکر است که در میان ملل و اقوام شوروی شاید گرجی‌ها بیش از همه برای حفظ خصوصیات ملی خود کوشا بوده‌اند. آنها به محض اینکه احساس

کنند که این خصوصیات مورد تهدید است آشکارا گردنکشی می‌کنند و به شدت دست به طغیان می‌زنند. اگر چه موفق به دستیابی به اهداف خود هم نشوند که مخالفت شدید این جمهوری با طرح استالین مصداق این ادعاست. علل این ویژگی را بایستی در چند عامل خلاصه کرد: اول از همه وجود ملتی یکدست در قلمروی واحد. همچنین، سابقه تاریخی کهن و رواج دیانت مسیحی در میان گرجیان از قرن چهارم میلادی و بالاخره پابندی سخت به سنت‌ها و فرهنگهای قومی و احساس ملی‌گرایی شدید در بین گرجیان و احساسی که به حفظ زبان مادری توسط گرجی‌هایی که در خارج از گرجستان اقامت دارند.^(۱)

□ مقاومت گرجستان در برابر فرهنگ روسیه

گرجی‌ها در دوران حکومت تزارها به ویژه در اواخر قرن نوزدهم در دفاع از فرهنگ و سنتهای ملی و اجتماعی خود در مقابل سیاست تزارها که روسی کردن گرجی‌ها بود، مقاومت کرده و با غیرت فراوانی که از خود نشان دادند، مانع نفوذ این فرهنگ در گرجستان گردیدند.

گرجستان با استفاده از انقلاب روسیه که در پایان جنگ جهانی اول صورت گرفت، به اتفاق آذربایجان و ارمنستان در چارچوب فدراسیون قفقاز جنوبی که اعلام گردید، به استقلال رسید. مجلس مؤسسانی که طبق انتخابات آزاد تشکیل شده بود، گرجستان را یک جمهوری دموکراتیک اعلام کرد. با آنکه استقلال جمهوری گرجستان و نیز جمهوریه‌های آذربایجان و ارمنستان از طرف دولتهای بزرگ به رسمیت شناخته شد و جزء جامعه ملل نیز پذیرفته شد و استقلال این جمهوری به موجب معاهده‌ای که در سال ۱۹۲۰ به امضا رسید از طرف دولت روسیه نیز بدون قید و شرط پذیرفته شد. با این همه، روسیه پس از اشغال قفقاز شمالی، آذربایجان و ارمنستان به گرجستان نیز حمله کرد و بر این سرزمین تسلط یافت و بدین ترتیب آخرین جمهوری مستقل قفقاز تبدیل به جمهوری شوروی

گردید.^(۱)

❑ واکنش ایران در قبال حکومت بلشویکی

ایران یکی از نخستین کشورهایی بود که حکومت بلشویکی جدید روسیه را به رسمیت شناخت. *اسدالله خان بهادر* کاردار ایران در روسیه روز ۱۴ دسامبر ۱۹۱۷ تصمیم دولت ایران را که دال پر شناسایی حکومت بلشویکی بود به مقامات شوروی اعلام داشت و دولت شوروی هم روز ۴ فوریه سال ۱۹۱۸ رسماً الغای قرارداد ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ روس و انگلیس و امتیازات ناشی از آن را اعلام داشت. اقدامات *وثوق الدوله* که طرفدار انگلیسیها بود از جمله امضای قرارداد ۱۹۱۹ که عملاً ایران را تحت الحمايه انگلیس قرار می‌داد، تقویت نیروهای مخالف شوروی در ایران و تیرباران کردن وزیرمختار شوروی در تهران توسط قزاقهای ضدبلشویکی مقیم ایران باعث گردید روابط بین دو کشور عملاً قطع گردد. روابط ایران و شوروی تا پایان سال ۱۹۱۹ و اوایل ۱۹۲۰ در حال تعلیق بود که با روی کار آمدن *مشیرالدوله* و سقوط *وثوق الدوله* زمینه مساعدتری برای برقراری روابط حسنه بین دو کشور فراهم گردید و به دنبال یک سری مذاکرات دو طرفه، قرارداد دوستی ایران و شوروی در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ در محل وزارت امور خارجه شوروی به تصویب رسید.^(۲)

پس از انقلاب ۱۹۱۷، توجه مراکز ایرانشناسی در گرجستان به مسائل بین‌المللی و از آن جمله مسائل ایران بیشتر شد. خاورشناسان به ویژه ایرانشناسان با امکانات و سازمانهای وسیع‌تری به امور پژوهشی پرداختند. بطوری که فقط در رشته علوم اجتماعی و ادبیات و زبان فارسی از سال ۱۳۳۷ تا

۱- سرژ آناناسیان، *ارمنستان، آذربایجان و گرجستان؛ از استقلال تا استقرار رژیم شوروی*

(تهران: انتشارات معین، ۱۳۷۰)، ص ۲۲۵.

۲- همان.

۱۳۹۸ هجری قمری / ۱۹۱۸ تا ۱۹۷۸ میلادی یعنی در مدت ۶۰ سال، بیش از چهار میلیون نسخه کتاب به سیزده زبان مختلف ساکنان جمهوریهای مختلف آسیایی و اروپایی شوروی سابق از جمله زبان گرجی ترجمه و چاپ شده است.^(۱)

▣ روابط فرهنگی ایران و گرجستان در عصر پهلوی

در اوائل عصر پهلوی، در گرجستان مدارس جهت آموزش و رواج زبان و ادب فارسی فعالیت می‌کردند. از جمله مدرسه اتفاق به همت انجمن خیریه ایرانیان تفلیس اداره می‌شد. تأسیس و احداث مدارس ایرانی در گرجستان اغلب از دوران نهضت مشروطیت آغاز شد و تجار ایرانی برای بروز حس وطن پرستی به کمک مأمورین وقت همت به خرج داده مدارس ایرانی را برپا کردند. تأسیس این گونه مدارس از لحاظ برنامه و بودجه با اشکال روبرو بود ولی به هر حال در جهت رواج فارسی در شهرهای گرجستان نقش مهمی داشت. بودجه این گونه مدارس ابتدا توسط تجار ثروتمند ایرانی تأمین گردید. قونسولگری ایران در تفلیس نسبت به زبان و کتابهای فارسی اهمیت چندانی نمی‌داد.

یکی از مشکلات این گونه مدارس، عدم دقت در انتخاب معلم فارسی بود. بطوریکه مدرسه اتفاق که در سال ۱۲۸۵ شمسی احداث شد، دارای معلمان ترک بود. شاگردان، شعر فارسی می‌خواندند ولی مفاد آن را به ترکی بیان می‌کردند. اداره این مدرسه در سال ۱۳۰۵ شمسی به موجب مذاکراتی که بین قونسولگری ایران در تفلیس و کمیساریات معارف گرجستان به عمل آمد تا این مدرسه به بلدیة شهر تفلیس واگذار شود.^(۲)

۱- غلامحسین بیگدلی، «ایران‌شناسی و نشر کتابهای فارسی در اتحاد شوروی» نشر دانش،

س اول، ش دوم، اسفند ۱۳۵۹، ص ۱-۶۰.

۲- گزارش قونسولگری ایران در تفلیس، سند ش ۱، نمره ۲۰۲، ۱/۲۰/۱۳۰۵.

در سال ۱۹۲۷ میلادی/۱۳۰۶ شمسی از سوی اداره معارف ملی کمیته اجرایی جمهوریت آجارسن و ابخازستان، به افتخار دهمین سال انقلاب اکتبر، برای اطفال و اتباع ایران در باطوم مدرسه‌ای تأسیس شد. دوره تحصیل در این مدرسه چهار سال در نظر گرفته شده بود و محل تدریس بطور موقت در عمارت مدرسه ترکیه قرار داشت.

این اقدام به دنبال تقاضای قونسولگری دولت علیه ایران در باطوم و به علت عدم امکان تحصیل اطفال ایرانی بخاطر تعطیلی مدارس ایرانی صورت گرفت. بدین دلیل، وضعیت مالی ایرانیان ساکن در آنجا اجازه نمی‌داد که به کمک این گونه مدارس اقدام کنند و با مذاکراتی که با مسئولین ذیربط در باطوم صورت گرفت این مدرسه افتتاح گردید و کار خود را آغاز کرد.^(۱)

در این دوره، در شهر استراخان دانشجویان ایرانی به تحصیل اشتغال داشتند. در بین دانشجویان شاغل به تحصیل، چهار تبعه ایرانی وجود داشت که دیپلم طب خود را از انستیتوی طب حاج طرخان گرفته بودند. این چهار تن عبارت بودند از: **روین پطروسیان، آندرانیک یواییان، سیمون خاچیکوف و اراوارا خاچکو.**^(۲)

در ابتدای حکومت پهلوی، تعدادی از دانشجویان ایرانی به تفلیس رفتند و در آنجا تحصیلات خود را ادامه دادند. از جمله این دانشجویان **میرزا علی اکبر عزیزبیگلر** اهل قره‌باغ بود که تحصیلاتش را در تفلیس انجام داد. وی پس از بازگشت به ایران مجله «ترجمان حقیقت» را منتشر کرد.^(۳)

در این زمان، در شهرهای تفلیس، باطوم و حاجی طرخان قونسولگریهایی از جانب ایران تأسیس شد و تا به امور اتباع ایران رسیدگی کند. شهر سوخوم در

۱- اسناد شماره ۵۶، وزارت امور خارجه، ۱۴ بهمن ۱۳۰۶.

۲- گزارش شماره ۱۶۰.

۳- ورجاوند: **سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین**، ص ۱۹۲۰.

گرجستان از نقاطی بود که دارای قونسولگری نبود. در سال ۱۳۱۰ شمسی، عده‌ای از اتباع ایرانی ساکن این شهر به واسطه نداشتن سرپرست و مسئولی که به امور مربوط به آنان رسیدگی کند شکایتی را به قونسولگری ایران در باطوم تسلیم کردند و خواستار رسیدگی به وضعیت ایرانیان این شهر شدند. درخواست آنان این بود که مالی یکبار قونسول و یک ماه یکبار نیز نماینده‌ای از سوی قونسولگری برای رسیدگی به امور ایرانیان به آنجا اعزام شود.

این وضعیت در آن زمان باعث شد که به واسطه نبودن مأمور ایران در آنجا حکومت ابخازستان هر چه می‌خواست با آنها معامله کند. ایرانیان هم، بعضی به واسطه بی‌سوادی و برخی به واسطه عدم آشنایی با قوانین محلی و بالاخره، در مجموع به واسطه بی‌بضاعتی قادر نمی‌شدند عرایض حقه خود را از مجاری قانونی تعقیب کنند و به ناچار به خواستهای مقامات حکومتی آنجا تن در می‌دادند. در آن زمان کارهای مربوط به ایرانیان سوخوم توسط قونسولگری ایران در باطوم انجام می‌گرفت. محل تمرکز ایرانیان بیشتر در سوخوم، قوداوت و قاقری بود.^(۱)

روز ۷ خرداد ۱۳۳۸ در شعبه خاورشناسی انجمن روابط فرهنگی گرجستان با حضور رجال علم و ادب جشن باشکوهی به مناسبت ۱۰۲۵ سالگی تولد شاعر حماسی ایران فردوسی برپا گردید.

ک. تسرتلی استاد وقت دانشگاه تفلیس جلسه را افتتاح کرد. سپس الکساندر کواخاریا کارمند فرهنگستان علوم گرجستان در باره شرح حال آثار فردوسی نطقی ایراد کرد و بعد از آن چند تن از دانشجویان دانشکده خاورشناسی قطعاتی از شاهنامه را به زبان فارسی و گرجی خواندند.^(۲)

در تاریخ ۴ آبان ۱۳۳۸ به مناسبت پانصد و هفتادمین سال درگذشت حافظ

۱- گزارش قونسولگری ایران در باطوم، ش ۶۴/۴۰۵، سال ۱۳۱۰.

۲- «خبرهای فرهنگی شوروی»، پیام نوین، س دوم، ش اول، مهر ۱۳۳۸، ص ۷۴.

در انجمن دوستی و روابط فرهنگی گرجستان مجلس یادبودی برگزار گردید که خاورشناسان گرجستان، کارمندان علمی فرهنگستان علوم گرجستان، استادان و دانشجویان دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه تفلیس در آن حضور داشتند. در این جلسه نخست شرحی راجع به زندگی و آثار **حافظ** توسط ک. **پاگاو** داده شد. در ادامه قرائت غزل‌های **حافظ** آغاز گردید و ترجمه قسمتی از آنها به زبان گرجی و قسمتی دیگر به زبان فارسی خوانده شد.^(۱)

□ سفر دوجانبه هیأت‌های فرهنگی

در نیمه اول سال ۱۳۴۲، هیأت فرهنگی ایران به گرجستان عزیمت کرد که هیأت مرکب بود از آقایان: **خالقی**، **بیانی**، **فروشانی**، **بانو مهرانگیز دولتشاهی** و **سپهید جهان‌بانی**. این هیأت در گرجستان از مراکز فرهنگی، دانشگاهی، صنعتی و علمی این کشور دیدن کردند و مسئولان آن با مسئولان فرهنگی گرجستان مذاکراتی در باب توسعه روابط فرهنگی به انجام رساندند.^(۲)

در تاریخ ۲۸ آبان ۱۳۴۵ به ابتکار گروهی از دانشمندان، نویسندگان و رجال فرهنگ و هنر جلسه‌ای در تفلیس پایتخت جمهوری گرجستان تشکیل گردید که در آن، پس از سخنرانی **آ.آ. گیگوشویلی** صدر هیأت رئیس انجمن دوستی و روابط فرهنگی گرجستان با کشورهای خارجه و **آکادمیسین س. امیراناشویلی** و **پروفسور د. کوبیدزه** و چند تن دیگر از فرهنگیان و خاورشناسان، تأسیس شعبه انجمن «اتحاد شوروی - ایران» در تفلیس رسماً اعلام و چهل و سه نفر به عضویت هیأت مدیره آن انتخاب شدند. ریاست هیأت مدیره با **آکادمیسین س. امیراناشویلی** و دبیر مسئول شعبه انجمن در گرجستان **ن. کوچلاشویلی** بود. **مجدلیشویلی** رئیس هیأت مدیره اتحادیه روزنامه‌نگاران گرجستان و دانشیاران

۱- «خبرهای فرهنگی شوروی»، پیام نوین، س دوم، ش ۵، بهمن ۱۳۳۸، ص ۷۹.

۲- «خبرهای فرهنگی شوروی»، پیام نوین، س دوم، ش ۵، بهمن ۱۳۳۸، ص ۶۰-۶۱.

ک. پاگاو و د. گیوناشویلی نیز به سمت نواب رئیس انتخاب شدند. هدف از تأسیس شعبه این انجمن در گرجستان ادامهٔ تحکیم دوستی و روابط فرهنگی بین ملت‌های ایران و گرجستان از طریق مبادلهٔ فرهنگی و دانشمندان و ورزشکاران و ترتیب دادن نمایشگاه‌های آثار نقاشان گرجستان و ایران بود.^(۱)

در شهریور ماه ۱۳۴۵ اعضای ایرانی انجمن فرهنگی ایران و شوروی از تفلیس دیدار کردند. همچنین در همین ایام، یکی از هنرمندان ایرانی به نام حسینعلی ملاح به دعوت اتحادیه آهنگسازان شوروی سابق از تفلیس دیدار کرد و با تنی چند از شخصیت‌های فرهنگی گرجستان مانند پروفسور ایراکلی بریدزه معاون کنسرواتور شهر تفلیس و سوخان ناسیدزه آهنگساز و دبیر اتحادیه آهنگسازان گرجستان و پروفسور بالیا شویلی رهبر ارکستر سمفونیک آشویلی و پروفسور آخویادزه استاد رشتهٔ تاریخ موسیقی دیداری به عمل آورد.^(۲)

در ۹ اسفند ۱۳۴۵ به مناسبت هشتصدمین سالگرد تولد شاعر شهیر گرجستان شوتا روستاوی مجلس یادبودی در محل انجمن برگزار شد. در این مراسم نائب رئیس انجمن سخنانی ایراد کرد. سپس یزدانبخش قهرمان شاعر معاصر سخنرانی محققانه‌ای در باره شوتا روستاوی بنیانگذار ادبیات کلاسیک گرجی ایراد نمود و پس از آن چند فیلم به نمایش گذارده شد.^(۳)

در ۳ خرداد ۱۳۴۵ جشن چهل و پنجمین سال جمهوری گرجستان شوروی در محل انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی برگزار شد که در این مراسم سخنانی در زمینه تاریخ گذشته و ترقیات جمهوری گرجستان توسط رضا آذرخشی ایراد شد و سپس چند حلقهٔ فیلم محصول کشور گرجستان به نمایش

۱- «تأسیس شعبهٔ انجمن اتحاد شوروی - ایران در تفلیس»، پیام نوین، دوره هشتم، ش ۹، فروردین ۱۳۴۶، ص ۹۲.

۲- «گزارش سفر به اتحاد شوروی»، پیام نوین، دورهٔ هشتم، ش ۶، آذر ۱۳۴۵، ص ۵۶.

۳- «گزارش انجمن»، پیام نوین، دورهٔ نهم، ش ۱۱، تیر ۱۳۴۶، ص ۹۹.

گذارده شد.^(۱)

در مرداد ماه سال ۱۳۴۶ جمعی از هنرمندان گرجی برای شرکت در هفته فیلم شوروی سابق به ایران سفر کردند. آنان به دعوت هیأت مدیره انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی در ۳۱ مرداد همان سال در محل انجمن حضور یافتند و پس از آشنایی با هنرمندان ایرانی و اعضای انجمن هر یک شمه‌ای راجع به کار هنری خود و سینماتوگرافی شوروی و خاطرات سفر به ایران بیان داشتند که مورد توجه حضار قرار گرفت. از اعضای این گروه می‌توان به سولیکوژگنتی سناریست و نمایشنامه‌نویس گرجی اشاره کرد.^(۲)

هیأت فرهنگی ایران در بهار سال ۱۳۵۲ از گرجستان دیدن کرد. این هیأت مرکب از ۱۳ نفر بود که عبارت بودند از آقایان: احمد بیرشک، بازرگان، دکتر بهشتی، دکتر حاجی غفوری، دکتر جم‌نژاد، دکتر دفتری، رادمنش، رضا قلی‌زاده، کشاورز، مافی و یمینی شریف و خانمها عافی و سهراب.

این هیأت که همگی از اعضای انجمن ملی مدارس ایران بودند در تفلیس با مدیران و اعضای آموزش و پرورش گرجستان مذاکراتی به عمل آوردند و از انستیتوی خاورشناسی تفلیس نیز بازدید کردند. همچنین «انجمن دوستی گرجستان با کشورهای خارجی» برای هیأت مدعو ایرانی جلسه‌ای ترتیب دادند که در این جلسه اطلاعاتی سودمند در باره تاریخ و فرهنگ گرجستان و نیز فیلمی در این باب به نمایش گذارده شد.^(۳)

۱- «گزارش انجمن»، پیام نوین، دوره هشتم، ش ۵، مهر ۱۳۴۵، ص ۸۷.

۲- «گزارش انجمن»، پیام نوین، دوره نهم، ش ۲، آذر ۱۳۴۶، ص ۹۳.

۳- احمد بیرشک، «دیداری از شوروی و سخنی چند در باره آموزش و پرورش شوروی»،

پیام نوین، دوره دهم، ش ۴، خرداد و تیر ۱۳۵۲، ص ۷۸-۹.

فصل چہارم

روابط فرهنگی و ادبی ایران و گرجستان

روابط فرهنگی و ادبی ایران و گرجستان مبحثی است که همیشه مورد توجه خاص ایرانشناسان گرجی قرار داشته و دارد و در این زمینه موفقیت‌های چشمگیری نصیب ایرانشناسان و فرهنگ دوستانی چون مار، یو، آبودلازه، که‌که لیدزه، و پورتوریدزه، یو. مار، آ. بارامیدزه و شاگردان ایشان شده است. دست‌پروردگان تمدن مایه‌ور و ادبیات پرتوان گرجی از دیرباز با فرهنگ ملل همجوار به ویژه با شاهکارهای سخنوران ایران زمین کاملاً آشنا بوده و شهر تفلیس پایتخت گرجستان به عنوان یک مرکز معتبر علم و فرهنگ در کشورهای خاور نزدیک شناخته شده است.

مناسبات ایران و گرجستان یکی از عوامل مهم رشد علم و فرهنگ ملی بشمار می‌رود. این وابستگی و روابط در خلال اعصار و علیرغم فراز و نشیب‌های تاریخی و سیاسی بین دو کشور وجود داشته و جهات و جنبه‌های مشترکی که از قرون متمادی استحکام یافته، شاهد میراث غنی و معنوی بین دو ملت است. آکادمیسین *ای. جاواخیشویلی* دانشمند بزرگ و برجسته گرجستان می‌گوید: «فرهنگ ایران دوره اسلامی برای گرجیان نامأنوس نبوده و آنها پیوسته

برای علم و هنر ایرانی احترام بزرگی قائل می‌شدند»^(۱) اکثر ایرانشناسان گرجستان با بصیرت و اطلاع از منابع ادبی گرجی و فارسی، دارای قدرت فهم متون کهن گرجی و فارسی و نیز احاطه بر دقایق شعر گرجی و فارسی می‌باشند. آکادمیسین **ایوان جاواخیشویلی** در باره روابط ادبی فارسی و گرجی در دوران کلاسیک چنین گفته است: «شعر فارسی تأثیر بزرگی در شعر گرجی داشته است و مردم گرجستان آن را مانند خود ایرانی‌ها دوست می‌داشته‌اند... شعر و فرهنگ موجب یگانگی زندگی معنوی ایرانیان و گرجیان می‌گردید و بجای دشمنی محبت بود که میانشان بسط و فزونی می‌یافت»^(۲).

☐ نفوذ ادبیات فارسی بر منظومه پهلوان پلنگینه‌پوش روستاوی

نزدیکی ادبیات گرجی و ایرانی سبب بروز این عقیده در برخی از دانشمندان شد که منظومه «پهلوان پلنگینه‌پوش» اثر **روستاوی**، اثری بدیع و ابتکاری نیست، بلکه ترجمه‌ای است از یک اثر فارسی. این مسئله مسلم است که نفوذ ادبیات ایران در ادبیات سایر ملل و اقوام، خاصه همسایگان امری است که به اثبات رسیده و گرجستان در طی قرنهای متمادی، همواره با کشور ایران در تماس بوده و بالنسبه بیش از دیگران تحت نفوذ ادبیات ایران قرار گرفته است و علاوه بر ترجمه و تقلیدهایی که از شعرای ایران شده، نفوذ ادبیات ایران در گرجستان به قدری شدید بوده که برخی از شعرای گرجی به سبک شعرای فارسی زبان و شعرای ایران شعر می‌گفته‌اند. چنانکه **تیموراز (طهمورث)** پدر

۱- جمشید گیوناشوویلی، «مسائل علائق و روابط ادبی گرجستان و ایران»، مجله آینده، س ۹، ش ۱۲، ص ۳-۹۱۱.

۲- ای. جاواخیشویلی، **تاریخ ملت گرجی**، ج ۲، (تفلیس: بی‌نا، ۱۹۴۸) و داوید کوبیدزه، «در باره روستاوی و ادبیات فارسی»، پیام نوین، دوره هشتم، ش ۸، آذر ۱۳۴۵، ص ۱۶.

هراکلیوس اول که از شعرای معروف گرجی بوده، منظومه‌های «لیلی و مجنون، یوسف و زلیخا، شمع و پروانه و گل و بلبل» را که در ادبیات فارسی شهرت دارند، با همان سبک ویژه شعرای ایران به زبان گرجی به رشته نظم در آورده است. در باب بزرگترین شاهکار ادبیات منظوم گرجستان یعنی داستان «پهلوان پلنگینه‌پوش» که شوتا روستاولی بزرگترین شاعر ملی گرجستان سروده است باید گفت با اینکه قرن‌ها از سرودن آن گذشته، ولی هنوز کسی نظیر آن را نسروده و بنا به قول جمعی از دست‌اندرکاران، این داستان منظوم در ردیف مهمترین آثار ادبی جهان قرار گرفته است.

بررسی عمیق جنبه‌های عقیدتی و هنری این منظومه و اقرار خود سراینده داستان در آغاز کلام، حاکی از آن است که این داستان، یک داستان ایرانی است که به زبان گرجی ترجمه شده است. هر چند برخی از محققان بر این عقیده‌اند که این بخش آغازین کلام، در اصل داستان نبوده و بعداً به آن اضافه شده است. البته این عقیده نیز طرفدارانی دارد که داستان «پهلوان پلنگینه‌پوش» حقیقتاً یک داستان ایرانی بوده و شاعر گرجی که با ادبیات ایران آشنایی داشته، آن را به زبان گرجی ترجمه کرده است. حتی پروفیسور مآر بر این تصور است که شاید داستان «پهلوان پلنگینه‌پوش» همان مثنوی مفقود شده عنصری شاعر معروف است که امروزه فقط اسمی از آن باقی مانده است. بدین جهت می‌توان گفت که تنها از طریق تحقیق در باره سخنگویان معروف فارسی چون خاقانی و نظامی که در قفقاز می‌زیسته‌اند و این شاعر گرجی حقایق بسیاری روشن خواهد شد.

❑ پیوندهای فرهنگ گرجی و ایرانی

بطور کلی باید گفت که فرهنگ گرجی و گرجیان، پیوندهای عمیقی با فرهنگ ایرانی دارد. صرف‌نظر از حدود بیست هزار گرجی ساکن فریدن (یزدانشهر) و سایر مناطق ایران و خانواده‌های گوناگونی که نام گرجی دارند، این منطقه در طول تاریخ دیرینه خود، مدت‌ها بخشی از ایران بشمار می‌آمد، اما پس از جدایی نیز رابطه دوستی و برادری را حفظ کرده است. بطوری که طالب بیگ

گرجی از شعرای این سرزمین از سال ۱۳۰۴ هجری در اشعار خود از این برادری یاد می‌کند و روشن است که در این زمان گرجستان از ایران جدا و مستقل بوده است. اگر چه ظاهراً طالب بیگ در خدمت ناصرالدین شاه قاجار بوده است، اما این تفلیس و گرجستان است که کتاب او را چاپ و اشعار طالب بیگ را به عنوان اشعار یک شاعر گرجی در رابطه با ایران منتشر می‌نماید.

رابطه تاریخی زبان گرجی و زبانهای ایرانی انکارناپذیر است. دانشمندانی که در باره آواشناسی واژگان و دستور زبان گرجی تحقیق کرده‌اند، شباهتهای بسیاری با زبانهای ایرانی یافته‌اند. آنان عنوان کرده‌اند که شباهتهای کلیدی است و به همین دلیل می‌بایستی نه تنها میان گرجیان و ایرانیان روابطی نزدیک باشد بلکه ایرانیان در تشکیل و تکوین قوم و فرهنگ گرجی نیز شریکند.

▣ تشابه واژه‌های گرجی به فارسی

گرجیان خود را از دودمان و تبار آریان کارتولی^(۱) می‌خوانند. بخش نخست این واژه یعنی آریان یادآور ایران است و بخش دوم یا کارتولی به کلمه کرد شباهت دارد و خود واژه «گرج» نامی ایرانی است، در غیر این صورت خود را کارتاولی می‌خواندند. ضمائر گرجی مثل me «م» (من)، «او» (او)، «ایسین» (ایشان)، به ضمائر فارسی شباهت دارند.

دیاکونوف در «تاریخ ماد» مدعی شده که برخی از اسامی کهن مادی ریشه قفقازی دارند. ولی همین شباهتهای یک زبان قفقازی (گرجی) و فارسی، خود گویای مطالب بسیاری است. چنانچه تشابه نامهای قفقازی و مادی و نیز واژگان عیلامی و کاسی با زبانهای قفقازی گویای شباهت و نزدیکی جوانب گوناگون یک فرهنگ گسترده‌اند که بخشی از آن فرهنگ امروز ایران را تشکیل می‌دهد. برای مثال شباهت «م» me گرجی با «اومه» ume عیلامی (ایلامی)، و me سوری، و «من» فارسی و مه‌لری و کلماتی دیگر چون: مام گرجی با مام (عم)

کردی، ماما و مام فارسی و آما Amma به عیلامی «مادر» و amma سومری باز به معنی مادر و لاما Lamma براهویی به معنی مادر و نظایر آن، به نوبه خود گویای سخن بسیار است.

▣ قرابت زبانهای ایرانی و گرجی

زبان گرجی متعلق به خانواده زبانهای کارتولی، یکی از گروههای رایج در قفقاز است. این خانواده شامل زبانهای گرجی، مِگِری، چانی و واسوانی است. زبان گرجی، در بین زبانهای مذکور، یگانه زبان باستانی باقی مانده از قرن پنجم مسیحی است.

در طی قرون متمادی طوایف کارتولی روابط نزدیکی با اقوام متعدد ایرانی زبان (مادها، پارسیان، پارتی‌ها، سکایان و آلانی‌ها) داشتند. در نتیجه این تماسها، بسیاری از واژگان و اصطلاحات زبانهای ایرانی که منعکس کننده چگونگی سیر تطور آنها بوده‌اند، در زبانهای کارتولی راه یافته و متداول گشته‌اند. در بعضی موارد، لغات مأخوذ جزء لاینفک مجموعه واژه‌های زبان گرجی گردیده و چنان داخل بافت لغات زبان وام گیرنده شده‌اند که تنها با مطالعه و موشکافی دقیق و حرفه‌ای می‌توان به ایرانی‌الاصل بودن آنها پی برد.

متخصصان مشهور زبانهای ایرانی و هند و اروپایی چون؛ هویشمن، یوستی، مییه، زالمان، بنونیست و بیلی مسائل روابط زبانهای ایرانی و گرجی را مطالعه کردند. ولی باید متذکر شد که محققان تنها این روابط را در مورد زبانهای کارتولی، غالباً در رابطه با بررسی واژه‌های ایرانی رایج در زبان ارمنی باستانی مطرح می‌کردند. در طی مدتی طولانی، جهت و مسیر اخذ عناصر لغوی زبانهای ایرانی در زبان گرجی با گذر از زبان ارمنی باستانی تشخیص داده می‌شد.

یکی از موضوعهای مهم تحقیق زبانشناسان و خاورشناسان گرجستان بررسی واژه‌های مأخوذ در زبان گرجی از زبانهای گوناگون، به خصوص از زبانهای ایرانی در دوره‌های گوناگون است. در این زمینه تحقیقات مأر، جاواخیشویلی، شانیدزه، آبولادزه، تسرتلی و کوبیدزه قابل ذکر است.

بانو آندرونیکاشویلی عضو آکادمی علوم گرجستان و استاد دانشگاه تفلیس، از محققان پرکاری است که تحقیقاتش در مسائل روابط زبانها و لهجه‌های ایرانی و زبان گرجی مورد توجه صاحب‌نظران در مقیاس جهانی قرار گرفته است. در کتاب پرمایه آندرونیکاشویلی واژه‌های دوره‌های باستانی و میانه و نو مربوط به زبانهای گوناگون ایرانی (زبانهای شمالی: آلانی - آسی، شمال غربی: پارتی، جنوب غربی: فارسی میانه و فارسی نو) که بی‌واسطه در گرجی باستانی (مآخذ کتبی گرجی قرنهای پنجم تا پانزدهم میلادی) رایج و جایگزین شده‌اند مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است.

در این کتاب، در بعضی موارد، واژه‌های بسیار باستانی ایرانی (هند و ایرانی) شناسایی شده است که در دوره وحدت زبانهای کارتولی، یعنی پیش از شقاق و جدایی آنها، اخذ شده‌اند. این گروه واژه‌ها جزء لاینفک واژگان زبانهای کارتولی‌اند و بین ترکیب آوایی آنها منظم‌اً توافق و تطابق مشاهده می‌شود. چون در طی ۱۵ قرن اخیر، اساس خط گرجی الفبایی بوده است و از لحاظ تناسب و تطبیق نوشتار و تلفظ در خط گرجی باستانی و معاصر نمونه و شاهدی برای عدم مطابقت حروف و اصوات ملفوظ مشاهده نمی‌شود، بررسی و تحقیق واژه‌های ایرانی‌الاصول منابع کتبی گرجی که طبعاً با حروف گرجی ثبت شده برای شناسایی بعضی از مباحث آواشناسی و لهجه‌شناسی تاریخی زبانهای ایرانی بسیار جالب و مفید است.

از سال ۱۹۱۸، یعنی سال بنیانگذاری دانشگاه تفلیس، زمینه علمی، آموزشی و پژوهشی مساعد برای مطالعه و تحقیق زبانها و لهجه‌های متعدد زبانهای کارتولی و دیگر زبانهای قفقاز به تدریج فراهم می‌شد. پس از تأسیس انستیتوی زبانشناسی آکادمی علوم گرجستان در سال ۱۹۴۱، فعالیت در این رشته تعمیق و گسترش فراوان یافت.

در سال ۱۹۹۶، در انستیتوی زبانشناسی، به راهنمایی علمی پروفیسور اوتورگائیدزه متخصص متبحر زبانها و لهجه‌های کارتولی، برنامه گسترده تدوین مدل‌های رایانه‌ای واژگان زبان گرجی از جمله کلمات مأخوذ از زبانهای ایرانی،

طرح‌ریزی شد. بر اساس این برنامه، لغات ایرانی‌الصل زبانهای کارتولی، با توجه به تمام تحقیقات موجود، تنظیم و طبقه‌بندی می‌شود. هدف عمده این مدل تشخیص و تعیین حدود و مراتب سازگاری آوایی و دستوری عناصر ایرانی در زبانهای کارتولی است.

در حال حاضر، برای اجرای این برنامه، کارمندان علمی انستیتو در تلاش هستند تا با توجه به طرح فنی کارمند ارشد انستیتو، آقای چخه نیدزه جریان ایجاد پایگاههای داده‌ها را به اتمام برسانند. تاکنون، طبق برنامه رایانه‌ای انستیتوی زبانشناسی آکادمی علوم گرجستان، بیش از ۳۰۰۰ واحد لغوی ایرانی‌الصل در زبانها و لهجه‌های متعدد زبانهای کارتولی ثبت شده است.^(۱)

اسامی قهرمانان لسطوره‌ای ایرانی در زبان و فرهنگ گرجی

به هر روی، روابط ادبی ایران و گرجستان ریشه‌های بس کهن و سابقه‌ای دو هزار و پانصد ساله دارد که دست کم از هزار سال آن اطلاعات مستند زیادی در دست است. دانشمندان خاورشناس ثابت کرده‌اند که گرجی‌هانام بسیاری از قهرمانان حماسه ایرانی را قبل از آنکه روایت گرجی شاهنامه به وجود آید، می‌دانسته‌اند. به عنوان مثال، اسم اسپندیات که در شاهنامه فردوسی به صورت اسفندیار آمده، از قدیمی‌ترین ایام در میان گرجی‌ها متداول بوده است. در زبان فارسی باستان این اسم به شکل اسپندیات و در «تاریخ گرجستان» تألیف شده در قرن یازدهم میلادی به صورت اسپندات دیده می‌شود. به ظاهر شاعرانی که انواع روایت‌های شاهنامه را به زبان گرجی می‌سروده‌اند، به ویژه همین شکل اسم را انتخاب کرده‌اند. هر چند در آثار قدیمی‌تر به اسپندیات و در آثار جدیدتر به

۱- هلن گیوناشوبلی، «آزمونی برای تنظیم رایانه‌ای داده‌های روابط زبانهای ایرانی و

گرجی»، نامه فرهنگستان، س ۳، ش ۴۳، زمستان ۱۳۷۶، ص ۳-۸۱.

اسفندیار هم برخورد می‌شود. اسم برزو یا برژئو در اثر رثایی کلیسایی «نیستانی متسختی» متعلق به قرن ششم میلادی دیده می‌شود. نام بیوراسب یا اژدهاک و به روایت فردوسی، ضحاک نیز که نزد ملتهای خاوری شهرت دارد، از طریق آثار قدیمی گرجی همانند «تاریخ گرجستان» و ... به دوران اخیر گرجستان راه یافته است. همچنین پاره‌ای از اسامی مذکور در شاهنامه مانند رستم، تهمینه، سام، زال و ... در یادگارهای هنری دوران کلاسیک گرجستان در سده‌های دهم تا دوازدهم میلادی دیده می‌شود.

در باب آمیختگی اسامی خاص گرجی با اسامی ایرانی هم باید گفت که با توجه به وضع گرجستان، گاهی به سبب نامهای یونانی، رومی در پیرامون خط ساحلی دریای سیاه پیچیده‌تر است. در نتیجه، نامهای خاص گرجی هم در دوره باستان، هم در عصر حاضر ملغمه بسیار جالبی است از نامهای محلی - بومی در آمیخته با نامهای باستانی، کتاب مقدس، بیزانسی، ایرانی و در قرون اخیر، روسی، فرانسوی و حتی انگلیسی. در دوره باستانی، شماری از نامهای پارتی و ساسانی مانند وراز باکور^(۱)، پارناواز^(۲)، و مهران، فارسمن (فارسمنس) و نیز مهراندخت و باکوردخت در سالنامه‌های گرجی دیده می‌شوند. همراه با این اسامی با دیگر نامهای ایرانی مانند ارتگ^(۳)، کسه فارنوگ^(۴) و اسپاروخ^(۵) برخورد می‌شود که در جهان استپی ایرانی اسکوتها و آلانها که در جهت جنوب تا شمال قفقاز امتداد می‌یافت، رواج بیشتری داشت. در دوران پارتی‌ها و ساسانیان موج تازه‌ای از عاریتهای زبانی از جمله در اسامی خاص در طی عصر

1. Veraz Bakur

2. Parnavaz

3. Artag

4. Ksefarnug

5. Asparukh

زرین گرجستان که با ایام فرمانروایی ملکه تامارا (تمر) پیوستگی داشت روی نمود. شکوه و جلال دوره ساسانی و عظمت ادبیات غنائی دوره پارتی (اشکانی) در نامهای گرجی توده پسندی چون رستم، کیخسرو و ... نمودی دوباره یافت.

□ آیین زرتشت در گرجستان قبل از مسیحیت

مدتها پیش از آنکه گرجیان از خود الفبا و ادبیاتی داشته باشند، در دانش یونانی و ایرانی متبحر بودند و نیز افسانه‌هایی نوشته بودند که زبان به زبان انتقال یافته بود. منابع باستانی به وجود مراکز تعلیمات عالی اشاره دارند و از نوشته‌های مؤلفان قرون میانه چنین برمی‌آید که در زمان گرویدن گرجستان به آیین مسیحیت در سده چهارم میلادی، آنان همه کتابهای زرتشتی را سوزاندند. این مسئله خواه توسط مبلغان عیسوی صورت گرفته باشد و خواه توسط گرجیان، در هر صورت گویای وجود روابط گرجیان با ایرانیان و نفوذ زبان ایرانی در گرجستان است.

اطلاعات موجود مربوط به گرجستان پیش از مسیحیت، به برکت نوشته‌ها و کتیبه‌هایی که در سال ۱۹۴۰ کشف شده، افزایش یافت و آن هنگامی بود که دو تخته سنگ حاوی کتیبه در مجاورت «متسختی» به دست آمد. یکی از آنها کتیبه‌ای دو زبانه از شاهزاده خانمی گرجی به نام سراپیتا^(۱) با متون مشابه ولی نه کاملاً یکسان به فارسی میانه و یونانی بود. ولی آنچه که به فارسی میانه نوشته شده بود، به یک صورت غیرعادی آرامی بود که آن را خط آرمازی^(۲) می‌نامند. نوشته سنگ گور این شاهزاده خانم مربوط به سال ۱۵۰ میلادی بود و از لحاظ ارزش و گیرندگی جالب توجه بوده، و شایسته است که به عنوان قدیمی‌ترین

1.Serapita

2.Armazi

متن ادبی گرجستان بشمار آید.

بین سالهای ۷۰۹ و ۹۰۰ میلادی، *جوانشیر جوانشیریانی* کتاب «تاریخ شاه و اختانگ گرگ اصلان» را نوشت. این اثر تاریخی باستانی که هم مطالب موثق و هم مطالب افسانه‌ای در آن یافت می‌شود، از لحاظ اطلاعات مربوط به آغاز تاریخ گرجستان و نیز به سبب وجود انعکاسات سنت قهرمانی ایرانی و ارمنی بسیار ذقیمت است.

در ارتباط با آیین زرتشت در گرجستان که گویای نفوذ فرهنگ ایرانی در این سرزمین است، اشاره به این مسئله ضرورت دارد که انقراض قدرت سلطنتی در ایریا که پس از مرگ شاه *واختانگ گرگ اصلان* که در سال ۵۱۰ میلادی صورت گرفت، سبب گردید *انوشیروان* پادشاه ساسانی، گرجستان را تحت نظارت مستقیم خویش در آورد. او پس از تسخیر گرجستان خلائی در ساختار اداره محلی اراضی گرجستان به وجود آورد. با این همه، جنبه‌ای ملی مورد توجه شاهزادگان محلی گرجی قرار گرفت که علیرغم فشارهای ایرانیان، آیین عیسوی را در استانهای کارتیل و کاختی حفظ کردند. اوضاع اجتماعی و سیاسی گرجستان شرقی در دوره *خسرو انوشیروان* به صورتی روشن در «مصیبت‌نامه» *اوستاس*^(۱) اهل متسخته شرح داده شده است. این «مصیبت‌نامه» را نویسنده‌ای گمنام از گرجستان در سده ششم تألیف کرد. *اوستاس* پینه‌دوزی ایرانی بود که در گرجستان کار می‌کرد. وی که به آیین مسیح گرویده بود، به فرمان *مرزبان* یا نایب‌السلطنه تفلیس در سال ۵۴۵ میلادی به قتل رسید. زیرا صنف کفاشان ایرانی در گرجستان به منظور جلوگیری از ترک آیین زرتشتی در میان همصنفان خویش، با هم متحد شده و به عمل پینه‌دوز مزبور اعتراض کرده بودند.^(۲)

1. Austace

۲- دیوید مارشال لانگ، گرجی‌ها، ترجمه رقیه بهزاد، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و

بین‌المللی، ۱۳۷۳)، ص ۱۰۷.

حضور اوستاس و صنف پینه‌دوز ایرانی و پیوند و اتحاد آنان برای دفاع از آیین زرتشت، دلیلی روشن بر نفوذ عنصر ایرانی و آیین ایرانیان باستان در گرجستان است. وجود چنین صنفی این فکر را تقویت می‌کند که بطور قطع صنفهای دیگری نیز در گرجستان وجود داشته و همین امر خودبخود عاملی برای تأثیر و نفوذ زبان ایرانی در این سرزمین بوده است.

در قرون بعد نیز می‌توان شاهد استمرار این نفوذ بود. بطور مثال، در اواخر سدهٔ یازدهم میلادی، انحصار ادبیات و علم در کلیسا، از سوی مراکز متعدد مورد تعرض قرار گرفت و در معرض کشمکش شدید واقع شد. با ظهور گرجستان در صحنهٔ بین‌المللی و تماسهای روزافزون با تمدن درخشان اسلامی آن زمان، فیلسوفان و شاعران گرجی از سختگیرهای اولیای کلیسا ناخرسند بودند. پادشاهان گرجی مانند پادشاهان ایران و ترک هم عصر خود، حامیان بزرگ هنر بودند و به شاعران و قصه‌پردازان درباری و نیز به تاریخ‌نویسان صومعه‌نشین و دیگر مردان مقدس احترام می‌گذاشتند. قصه‌پردازان و شاعران نیز از چنین احترام و توجهی بهره‌مند بودند و قصه‌پردازی و شعر رواج بسیاری یافته بود. در همین دوره بود که سرگیس تموگوی^(۱)، قصهٔ شورانگیز عشق «ویس و رامین» اثر فخرالدین اسعد گرگانی را با جرح و تعدیل انتشار داد که خود از یک داستان پارتی گرفته شده بود. چنین اشعار غیرکلیسایی و غیردینی و نثر اشعار حماسی محدود به محافل درباری نبود. از سدهٔ دوازدهم میلادی به بعد، گرجی‌ها از همه طبقات اجتماعی گنجینه‌ای غنی از قصه‌های عامیانه و داستانهای حماسی مردم‌پسند فراهم کرده بودند که بسیاری از آنها ریشه در دوران ایران باستان داشت. تماس با بیزانس و ایران در قرون وسطی و امکانات روزافزون مسافرت و تجارت در سراسر شرق، این گنجینه را غنی‌تر ساخت.^(۲)

1. Sargis Tmogvi

۲- الهام مفتاح و وهاب ولی، نگاهی به ایران‌شناسی و ایران‌شناسان کشورهای

■ نوروز و زرتشت در اشعار طالب گرجی

زمانی یک شاعر گرجی طالب بیگ گرجی، به زبان فارسی و در باب نوروز و زرتشت و بازتاب آن در آئینه فرهنگ مردم گرجستان شعر می‌سراید، این خود دلیلی بر پیوندهای فرهنگی و علائق زبانی بین دو ملت است. نمونه‌ای از اشعاری را که طالب بیگ گرجی به زبان فارسی سروده می‌توان در اثری تحت عنوان «مطایبات گرجی به فارسی» که ماگالی آروویچ تودا^(۱) در سال ۱۹۷۵ منتشر کرده است، باز یافت.^(۲)

با مقایسه ادبیات داستانی گرجی و فارسی بایکدیگر می‌توان به شباهتهایی که در افسانه‌هایی که در ادبیات فارسی و گرجی آمده اشاره کرد. در این افسانه‌ها دیوها قهرمانان منفی یا عناصر ضدقهرمانند و از این جهت قهرمانانی وارسته و سلحشور در مقابل این اسطوره بدسرشت به پا می‌خیزند. افسانه‌های گرجی شباهتهایی با افسانه‌های آذری و گیلکی دارد که در آنها انفعال (ترس و تنبلی) مهمترین ویژگی قهرمانان در آغاز افسانه‌ها می‌باشد. با وجودی که دیوها جریانی را نمایندگی می‌کنند که از اساس و درون در حال فرسایش هستند و به تدریج به جانب سقوط و زوال سوق می‌یابند!

محركين قهرمانان افسانه‌ها در افسانه گیلکی همسر قهرمان، (در افسانه گرجی برادران قهرمان و در افسانه آذری مادر قهرمان) خواهان تغییرات اساسی در زندگی و شخصیت آنانند. همچنین دیوها در هر سه افسانه گیلکی، گرجی و آذری با نشانه و اشاره معرفی می‌شوند. در افسانه گیلکی «آثو» صدای شناخت است که از دوردست به گوش می‌رسد و قهرمان افسانه را به شناسایی صدا و منشاء آن تحریک می‌کند و کنجکاوانه و با تکرار همان صدا به دلیل گرفتن

مشترک المنافع و قفقاز، (تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۲)، ص ۱۸۷.

1. Magali Arvich Toda

۲- برای اطلاع بیشتر ر.ک به: فروهر، س ۲۴، ش ۲۱ و ۱۳۶۸.

جواب و ردیابی آن به سمت آن پیش می‌رود.

دیوهای افسانه‌های گیلان اخلاص‌گردد. آنها مخّل آرامش عمومی‌اند و «آئو» کشیدنشان سندی معتبر است که بر هم زنده سکوت و نظم شبانه بودن دیوها را ثابت می‌کند و به واقع آنها موجوداتی شریر و ضد ارزش و غیراجتماعی هستند.^(۱)

در این باب به مقایسه قصه «شاترس ماسه» و قصه «ناتسارکیکیا» گرجی و افسانه «دیو پخمه» آذری می‌پردازیم:

دیو در افسانه گرجی، آب رود را با استفاده از تاریکی شبانه گل‌آلود می‌کند. دیو در افسانه گرجی برای رفع نیازهای اولیه و خصوصی خود نیز مزاحم و سریار اجتماع و محیط اطراف خود است و با آشامیدن آب، آن را آلوده می‌کند. افسانه‌پرداز گرجی ویژگی نحوست و پلشتی دیو را از همان نخستین برخورد دیو با قهرمان به شتونده گوشزد می‌کند که دیو موجودی شریر، پلشت، خطرناک و ضد ارزش است. آلودگی آب توسط دیو ابزار شناخت است و قاعدتاً قهرمان افسانه ترغیب می‌شود تا منشاء و علت آن را شناسایی کند.

در افسانه آذری ضداجتماعی بودن دیو در انزوای او عینیت پیدا می‌کند. موضع دیو در اجتماع دادن و وحوش (بیابان) آبادان است زیرا تنها سوسوی چراغ در بیابان برهوت از آن اوست. قهرمان افسانه آذری در پی شناساندن چیزی و جایی نیست، او در پی پناه گرفتن در جایی و گزینش سرپناهی برای خود اوست.

دیو افسانه آذربایجانی به دلیل انزوای خود - بدان شکلی که دیوها در افسانه‌های گیلان و گرجستان هستند - مخّل نظم عمومی نیست. زمان و مکان و نحوه رویارویی دیو و انسان در افسانه گیلکی توسط دیوها، در افسانه گرجی

۱- رحیم چراغی، «دیوها و انسانهای نخبه در افسانه‌های همگون از گیلان، گرجستان و

آذربایجان»، گیلان زمین، ش ۲ و ۳، ۴، پاییز و بهار ۱۳۷۳-۱۳۷۴، ص ۸-۷۷.

توسط قهرمان آن و در افسانه ترکی توسط دیو تعیین می‌شود. قدرت بازوان دیوها، ضامن اجرایی اندیشه و تفکر آنها در رویارویی با انسانهاست. اما قوه اندیشه و خلاقیت قهرمانان محلی برای قدرتمند جلوه دادن بازوان آنها در رویارویی با دیو به وجود می‌آورد.^(۱)

در افسانه گیلکی چنین می‌آید: «هر یک از دیوها، سنگ به دست گرفتند و سخت فشردند. از هر سنگ قطره‌ای آب چکید. شاترس ماسه تخم مرغ را آورد و در مشت خود فشرد. تخم مرغ شکست و محتویات آن از لای انگشتان سرازیر شد. دیوها گفتند: «ای زور و بازوی آدمیزاد از زور و بازوی دیو هم بیشتر است!». در افسانه گرجی نیز چنین آمده: «دیو سنگی برداشت و در مشت خود فشار داد و سنگ را خرد کرد. ناتسارکیکا رفت و اینطور وانمود کرد که سنگها را برداشته است. پنی از خورجین بیرون آورد و در مشت خود فشار داد و شیر پنی لای انگشتانش سرازیر شد. دیو نزد خود به فکر فرو رفت و به خودش گفت: این دیگر چه آدمی است؟!».

در افسانه آذری هم آمده است که: «دیو سنگی را از زمین برداشت و توی مشتش فشرد و خرد و خاکستر کرد. پسر هم تخم پرنده را توی مشتش گرفت و فشرد. تخم ترکید. پسر گفت: من آبش را در آوردم. دیو پاک ترسیده بود».

در تمامی این افسانه‌ها، دیوها درصدد آن هستند تا با پیچیدگی ویژه خود شرایط موجود را به نفع خود و به ضرر انسانها حفظ کنند اما چون با انسانهای نخبه و پیچیده روبرو هستند پیش‌بینی آنها عملاً نتیجه معکوس می‌دهد. تفکر و جستجو در رویدادهای هر یک از این افسانه‌ها، صرفاً تحت تأثیر ابتکار و هوشیاری قهرمانان استثنایی، به توهم حماقت دیوها دامن می‌زند. تبلیغ و ترویج حماقت دیوها عملاً دست کم گرفتن انسجام و قدرت سرکوب وحشیانه دشمن از سویی و قدرت خلاق بغرنج‌تر است و پیچیدگی منحصر بفردی دارد که

این دلیل برای طرح حماقت دیوها محسوب نمی‌شود.^(۱)

ناکامی دیوها و هوشیاری انسانها در ماجراهای هر سه افسانه گیلکی، گرجی و آذری، هراس دیوها از انسانها را نیز در پی دارد، اما با وجودی که هراس و تأمین جانی دیوها و قهرمانان متعادل می‌نماید، دیوها همچنان اندیشه پلید خود را در سر می‌پروراندند و قهرمانان افسانه‌ها فرار از مهلکه را، از همین روست که دیوها در تداوم افسانه گیلکی پیشنهاد جدیدی ارائه می‌دهند تا در شرایط بهتری اهداف خود را دنبال کنند. قهرمانان افسانه نیز پیشنهاد دیوها را به ناچار می‌پذیرند.

دیوها در موضع جدید، جنگ روانی را به انسان می‌بازند. به همین دلیل انتخاب روش به حوزه قهرمان افسانه انتقال می‌یابد. شرایط جدید موجب تضعیف دیوها می‌شود و آنها نگران و ناباور به هر خس و خاشاکی چنگ می‌زنند.

دیوها در پایان افسانه‌های گیلکی و آذری، به تحریک شغال و روباه (موجودات مزور افسانه‌ها) به درگیری با قهرمانان ترغیب می‌شوند.

آنچه که در افسانه‌های گیلکی، آذری و گرجی جالب توجه می‌نماید این است که آیا افسانه‌پردازان گرجستان، گیلان و آذربایجان بدین نتیجه رسیده بودند که هر چیزی ضد خود را در خود می‌پروراندند؟ زیرا با دستیابی به چنین تفکر و دستاوردی است که می‌توان به انسانهایی منفعل در بنیان‌کن‌ترین حوادث اجتماعی و بطور مشخص در برخورد و مقابله با دیوها مسئولیت داد و آنان را فعال کرد.^(۲)

□ ترجمه آثار فارسی در گرجستان

با تحقیقات و بررسیهایی که در مجموعه تحقیقات انجام شده در گرجستان

۱- همان، ص ۷۹.

۲- همان، ۷۹-۸۰.

صورت گرفته، به این نتیجه می‌توان رسید که ادبیات فارسی در گرجستان نفوذ بسیار زیادی داشته است. گذشته از اینکه موسیقی، نقاشی و معماری ایران همواره صنعتگران و هنرمندان گرجستان را به خویش جذب و مشغول داشته، آثاری جاویدان در آن سرزمین نیز از خود به یادگار نهاده است. نفوذ آثار بزرگان نظم و نثر فارسی نیز پیوسته افکار سخنسرایان و سرایندگان گرجی را به خود مشغول کرده‌اند. شعرای بسیاری در آن دیار بوده‌اند که اکثراً از ادبیات فارسی متأثر گشته و از شاعران ایران الهام گرفته‌اند که در این مقال امکان پرداختن بدان نیست و بررسی اشعار گرجی و شعرای گرجستان مستلزم نگارش اثری در باره تاریخ ادبیات گرجستان است. از این رو، تنها به ذکر شمار اندکی از شعرای گرجی که با زبان فارسی آشنایی کامل داشته‌اند و یا ترجمان آثار ادبی فارسی به گرجی بوده‌اند، می‌پردازیم.

▣ فردوسی در آثار ادبی گرجی

منظومهٔ ارزنده فردوسی در طی قرون توجه گرجی‌ها را به خود جلب کرده است و بنا به گفتهٔ سعید نفیسی «از جمله آثار فارسی که ترجمه‌های بسیاری به زبان گرجی دارد، شاهنامه فردوسی است که بی‌اغراق می‌توان گفت که یکی از معروفترین آثار در آن دیار است».

ترجمه‌های منظوم و منثور مفصل و ملخص متعدد از بخشهای مختلف شاهنامه فردوسی و نوشته‌های اقتباس‌کنندگان او و اضافات بعدی منظومه در دست است. سرایپون ساباشویلی^(۱) شاعر قرون پانزدهم و شانزدهم میلادی، «رستمیانی» (داستان رستم) را ترجمه کرده است. آنگاه خسرو تورمانیدزه^(۲) شاعر قرن شانزدهم میلادی کار سرایپون را دنبال کرده است. این دو شاعر و

1. Serapion Sabashvili

2. Turamnidge

مترجم، ترجمه منظوم روایت گرجی را تا پادشاهی بهمن رسانده‌اند. در قرن هفدهم میلادی، *ماموکا تاواکالا شویلی*^(۱)، «زاآکیانی» یا (داستان ضحاک) را به شعر ترجمه کرد. در همین دوره *باردزیم واچنادزه*^(۲) «سآمیانی» یعنی داستان سام را به نظم گرجی در آورده است. داستان «اوتردت رسام» (اوتردیان سآمیانی). نیز هم به نظم و هم به نثر ترجمه شده است. از ترجمه‌های منشور به کتاب «سام پهلوان» و داستان سام نیز باید اشاره شود. از لحاظ قدمت ترجمه روایات گرجی «شاهنامه» بر بسیاری از ترجمه‌های دیگر از جمله لاتینی، انگلیسی و آلمانی ترجیح دارند. این روایات از منابع با ارزش برای بررسی مسائل و تطور تاریخ نظم و نثر گرجی قرون پانزدهم تا هجدهم میلادی بشمار می‌آیند. در برخی موارد ترجمه‌های گرجی حاوی نکات جالبی برای انتقاد و تصحیح متن فارسی بوده و برای مشخص کردن منابع و مآخذ نیز قابل استفاده‌اند.

مطالعه و تحقیق روایات گرجی، «شاهنامه» مدتهاست توجه دانشمندان را به خود جلب کرده است. اولین کسی که با دید علمی متوجه این مسئله گردید آکادمیسین نیکلامار بود که در سال ۱۸۹۱ مقاله‌ای جالب در این زمینه منتشر ساخت. خط مشی این دانشمند توسط یوستین آبولادزه^(۳) و آلكساندر بارامیدزه^(۴) با ژرف بینی و دقتی کامل پیگیری شد. آبولادزه این قبیل تحقیقات را به عنوان رشته مخصوص و جداگانه‌ای از ایرانشناسی گرجی تلقی می‌کرد. استاد داوید کوبیدزه شاهنامه فردوسی و روایات گرجی آن را از نظر جنبه‌های مختلف مورد تحقیق و بررسی قرار داده و بطور همه جانبه و منظم به بررسی و

1.Mamuka Tavaka

2.Bardzim Vachnadze

3.Justin Abuladze

4.Aleksandr Baramidze

مطالعه «شم بلاغی»، قدرت هنری، قواعد لغوی شاهنامه و تطبیق و مقایسه روایات گرجی با متن فارسی و نیز ارزیابی مختصات سبک ترجمه‌های گرجی پرداخت و نتایج مطالعات و فعالیت‌های ثمربخش وی در این رشته در کتاب بسیار ارزنده و مفیدی تحت عنوان «مآخذ فارسی روایات گرجی شاهنامه» در سال ۱۹۵۹ چاپ و منتشر گردید که اثر وی توجه بسیاری از صاحب‌نظران را به خود جلب کرد.

جلد اول «روایات گرجی» شاهنامه در سال ۱۹۱۶ میلادی به اهتمام آبولادزه به چاپ رسید. این کتاب حاوی «زاآکیانی» (داستان ضحاک)، «سآامیانی» (داستان سام) و «رستمیانی» (داستان رستم) می‌باشد. جلد دوم این روایات زیر نظر آبولادزه، بارامیدزه، که‌که‌لیدزه، اینگوروقوا^(۱) و شانیدزه^(۲) به مناسبت بزرگداشت جشن هزاره فردوسی منتشر گردید. جلد دوم حاوی «داستان برزو» و قطعات منثور مختلف می‌باشد. جلد سوم یا آخرین کتاب «روایات گرجی شاهنامه» که استاد کوییدزه در دسترس علاقه‌مندان قرار داد حاوی «اوتردیان سآامیانی» یا «داستان اوتردت و سام» به صورت منظوم و منثور و نیز داستان «سام پهلوان» به صورت منثور و «بآامیانی» (داستان بهمن) که این نیز منثور بوده، می‌باشد.

مؤلف در بخش اول به بررسی دستنویسهای متعدد روایات گرجی شاهنامه و چگونگی آنها پرداخته است. در بخش دوم محقق تجزیه و تحلیل بسیار لطیفی از برخی از واژه‌های مندرج در ترجمه گرجی به عمل آورده است. مطالب این بخش برای روشن کردن برخی از مسائل واژه‌شناسی و لهجه‌شناسی گرجی مفید به نظر می‌رسد. در بخش سوم از مزایای ادبی، صرفی، نحوی و لغوی روایات گرجی سخن رانده شده است. تعدادی از صفحات کتاب به متن روایات

1. Ingorogva

2. Shnidze

اختصاص داده شده و داستان «سام پهلوان»، «داستان بهمن» و نیز فرهنگی حاوی قریب به هزار واژه در بخش پایانی کتاب گنج‌نیده شده است.^(۱) از دیگر فعالیت‌های علمی - ادبی گرجیان در ارتباط با «شاهنامه» از کتاب فردوسی نوشته آلکساندر گواخاریا می‌توان نام برد که توسط نشریات ویژه اطفال و جوانان گرجستان (ناکادولی) جزو سلسله کتابهای «زندگی اشخاص بزرگ» چاپ و منتشر شد.

آلکساندر گواخاریا در محافل علمی به عنوان محقق نستوه و متتبع تمرینش ادبیات فارسی و نیز کارشناس روابط ادبی ایران و گرجستان شهرت دارد. گواخاریا در این کتاب، توانسته است در باره زندگی و خلاقیت طبع این شاعر و نابغه متفکر، در باره عشق بی‌پایان وی به ایران و بشردوستی، حکایتی را به طرزی جذاب و جالب ارائه دهد.

نویسنده در فصل اول کتاب، خواننده را با ابوالقاسم فردوسی طوسی بزرگترین شاعر قرون میانه آشنا کرده است و اهمیت اثر عظیم وی شاهنامه را برای تمامی نوع بشر و شهرت زیاد او را در تمامی جهان، خاطرنشان کرده است. در همین فصل نیز تاریخ بررسی و تحقیق در باره این منظومه را و به عبارت دیگر تاریخ شاهنامه‌شناسی را چه در شرق و چه در غرب به اختصار شرح داده است. در فصل دوم، اوضاع سیاسی و اقتصادی قلمرو سامانیان وصف شده و ترقی و تعالی مدنی و فرهنگی در خلال سالهای حکومت این دودمان نشان داده شده است. نویسنده در این بخش، خواننده را با دانشمندان بزرگ و شاعران نامدار ایرانی نظیر فارابی، بیرونی، ابوعلی سینا، شهید بلخی، بلعمی، ابوشکور کسایی، رودکی، دقیقی و دیگر بزرگان آشنا کرده است. در فصل بعد، تاریخ تجزیه قلمرو سامانیان و به قدرت رسیدن دودمان غزنوی شرح داده شده است. در همین فصل نیز شرح زندگی فردوسی بر پایه مدارک و اطلاعات اندکی که در اختیار او قرار داشته و نیز تاریخ ساختن و پرداختن منظومه جاودان «شاهنامه»

۱- جمشید گیوناشویلی، «روایات گرجی شاهنامه»، آینده، س ۶، ش ۱۲ تا ۱۹، ۱۳۵۹.

در این فصل بیان شده است. در فصل چهارم مسئله تغییرات ابتدایی و بدوی حماسه باستانی شاهنامه بررسی شده است و با مهارت شاعرانه و عالمانه فردوسی مورد تحلیل قرار گرفته است. بعد از آن نویسنده به اختصار به شرح مفاد منظومه پرداخته است.

گواخاریا به طرزی جالب و جذاب ماجراهای قهرمانان فردوسی را حکایت کرده است. از مطالبی که در این اثر ذکر شده، به خوبی می‌توان پی برد که **گواخاریا** قهرمانان شاهنامه را کاملاً می‌شناخته و با علاقه‌ای درخور تحسین به آنها پرداخته است. این علاقه و صحبت وی نسبت به قهرمانان در سراسر اثر و از تمامی حکایات کاملاً مشهود است و خواننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بطوری که شریک شادی از پیروزیها و غم از شکستها و ناکامیهای جمشید و فریدون، رستم و سهراب و ... گردیده، متأثر و یا خوشحال می‌گردد. بویژه این مسئله کاملاً سبب خوشحالی و مسرت می‌شود که اشعاری که در متن نقش بسته و مجسم شده توسط خود **گواخاریا** ترجمه شده است.

در فصل پایانی کتاب، تقلیدها و دنباله‌های شاهنامه نظیر «گرشاسب‌نامه»، «برزو نامه»، «بهمن‌نامه»، «سام نامه» و ... مورد بحث و تدقیق واقع شده است. در همین فصل نیز نویسنده به موضوع ترجمه‌های شاهنامه اشاره نموده و خاطرنشان می‌سازد که منظومه فردوسی به قرار معلوم حتی در سده دوازدهم میلادی نیز به زبان گرجی ترجمه شده است که خود گواه روابط علمی - ادبی ایران و گرجستان است و نیز این حقیقت مسلم گواه صدق این مطلب است که در یادگارهای ادبی و تاریخی گرجی آن دوره، غالباً اسامی قهرمانان فردوسی ذکر شده‌اند. **شوتا روستاولی** نیز که اغلب اوقات با مهارت و توانایی از تمثالهای قهرمانان منظومه مذکور استفاده کرده با شاهنامه آشنا بوده است.

متأسفانه، ترجمه «شاهنامه» متعلق به قرن دوازدهم میلادی در حال حاضر در دسترس نبوده، ولی شقوق مختلف گرجی «شاهنامه» متعلق به سده‌های پانزدهم تا هجدهم موجود است که در تمام گرجستان به طرزی گسترده شایع و منتشر گردیده است. ترجمه‌های منثور و منظوم دیگری نیز از قطعات مختلف

شاهنامه به زبان گرجی وجود دارد. بخش اعظم این قطعات عبارت است از: «رستمیانی» که در آن وقایع از بدو تولد زال تا مرگ گشتاسب حکایت شده است. چنانکه اشاره شد قسمت اساسی «رستمیانی» را *سراپیون ساباشویلی* که در اواخر سده پانزدهم و اوایل سده شانزدهم می زیسته به شعر برگردانده است. *سراپیون ساباشویلی* از ترجمه منشور به زبان گرجی استفاده کرده، اما گاهی نیز به اصل فارسی رجوع کرده و به اندازه‌ای درست و دقیق برخی از منظومه را ترجمه کرده که در بسیاری موارد، ترجمه آن برای مشخص کردن خود متن فارسی نیز ممکن است مورد استفاده قرار گیرد. قسمت نهایی «رستمیانی» در نیمه دوم سده شانزدهم توسط *خسرو تورمانیدزه* به شعر برگردانده شده است. علاوه بر «رستمیانی» برخی از منظومه‌های دیگر نیز وجود دارد که مستقیماً از خود شاهنامه یا تقلیدهای آن سرچشمه می‌گیرد. چنانکه اشاره شد، آثار مذکور عبارت است از منظومه‌های گرجی سده هفدهم موسوم به «زاآکیانی» که در آن داستان و سرگذشت *ضحاک* و *فریدون* شرح داده شده و مؤلف آن *مامولا تاواکالا شویلی* است. نیز «اوتردتیان ساآمیانی» در باره حوادث و وقایع از زمان سلطنت *کیومرث* تا تولد زال که مؤلف آن *باردزیم واچاندزه* می‌باشد، شرح داده شده است.

اما در باره ترجمه‌های منشور قطعات شاهنامه به زبان گرجی نظیر «پریدوینانی»، «اوتردتیانی» و کتاب «سام پهلوان» به عقیده دانشمندان و پژوهشگران، این آثار عبارتند از ترجمه اضافات بعدی شاهنامه و یا منظومه‌های تقلید شده از آن.

آلکساندر گواخاریا همچنین موضوع حماسه ملی گرجی «رستمیانی» را مورد بررسی قرار داده است. وی خاطرنشان می‌سازد که منبع ادبی آن با منابع غنی فولکلوریک درهم آمیخته و در میان مردم شهرت یافته و هواداران زیادی به دست آورده است. «رستمیانی» که در زمینه فولکلور گرجی تغییر شکل یافته مبدل به اثر خاص ملی متعلق به ملت گرجی شده. رستم، سهراب، بیژن و ... نیز قهرمانان محبوب آن شده‌اند. و این خودگویای تأثیر حماسه ملی و مردمی

منظومه فردوسی نه تنها در اندیشه دانشمندان و محققان گرجستان، بلکه در قلوب توده مردم عادی است. در خاتمه نیز نویسنده اثر، خدمات چشمگیر دانشمندان گرجی نظیر یوستین آبولادزه، کوزنتلی که کهئیدزه، آکساندر بارامیدزه، داوید کوییدزه و ... را در امر مطالعه و تحقیق در باره شاهنامه و شقوق گرجی آن تذکر داده است.^(۱)

این را نیز بیفزاییم که خردمندی، عشق به وطن، شهامت و نجابت قهرمانان شاهنامه فردوسی از دیرباز مورد علاقه و توجه ملت گرجی بوده است. خوانندگان کنونی گرجستان نیز که با علاقه زیاد پیگیر طبع و نشر کتاب تازه‌ای در این رشته و زمینه می‌باشند و با توجه زیاد و محبت قلبی نسبت به قهرمانان یاد شده، از خود علاقه نشان می‌دهند. کتاب و اثر آکساندر گواخاریا که محافل علمی و خوانندگان را با زندگی و خلاقیت طبع فردوسی شاعر و بشردوست بزرگ ایران آشنا می‌کند، به منزله سهم گرانبهایی است که در امر تحکیم روابط فرهنگی ایران و گرجستان وارد شده است.

از منظومه‌های دیگری که به تقلید شاهنامه سروده شده است، ترجمه‌هایی به زبان گرجی در دسترس است نظیر: «سام‌نامه»، «بهمن‌نامه»، «جمشیدنامه» (جمشید و ضحاک)، «قهرمان‌نامه»، «اردشیر نامه»، «جنگ‌نامه» و «سیلان نامه» که برخی به نظم و بعضی به نثر است.

❏ جلوه‌هایی دیگر از آثار ادب فارسی در گرجستان

علاوه بر شاهنامه فردوسی که به ترجمه‌هایی از آن اشاره شد، بنا به عقیده ادبیات‌شناسان گرجی، «کلیله و دمنه» و آثار متعددی در باره ادبیات ایران در قرنهای یازدهم و دوازدهم میلادی به زبان گرجی ترجمه شده است که به دلایل

۱- کیکنادزه، «کتابی در باره فردوسی به زبان گرجی»، پیام نوین، سال ۶، شماره ۱۰، س

وقوع حوادث ناگوار بعدی مفقود شده‌اند. بطور کلی آشنایی با منابع تاریخی و آثار ادبی گرجستان، نشان می‌دهد که ادبیات غنی ایران از دیرباز توجه روشنفکران، ادبا و در مفهومی دیگر، ایران‌شناسان گرجی را به خود جلب کرده است. آکادمیسین *ای. جواهرشویلی* بنیانگذار دانشگاه تفلیس، در سال ۱۹۱۸ چنین نوشته است: «شعر جدید فارسی بر گرجی‌ها تأثیر زیادی دارد. آنها - گرجی‌ها - این شعر حماسی و عشقی را دوست می‌داشتند و همانند خود فارسی‌ها (ایرانیان) از آن لذت می‌بردند. ادبیات و فرهنگ وحدت زندگی معنوی گرجی‌ها و ایرانی‌ها را به وجود آورده و بجای خصومت و دشمنی، عشق و دوستی را جایگزین آن کرده است».^(۱)

سنت نیک ترجمه آثار شعرا و نویسندگان ایرانی و گرجستان از دیرباز رایج بوده و کماکان نیز زنده است و خوانندگان گرجی از برکت ترجمه‌های انجام شده، می‌توانند با همه آثار کلاسیک ادبیات فارسی و شعرای معاصر، نویسندگان و نیز فولکلور ایران و ایرانی به زبان مادری خود آشنا شوند. از جمله ترجمه‌های دیگر - به استثنای شاهنامه فردوسی - که در گرجستان صورت گرفته، می‌توان به شرح زیر اشاره نمود:

«داستان یوسف و زلیخا» اثر جامی که در آغاز قرن شانزدهم میلادی به زبان گرجی ترجمه شده و شاعر دیگری «بهرام‌نامه» را از روی منظومه‌های *نظامی، امیر خسرو دهلوی، هاتفی و امیرعلیشیر نوایی* به زبان گرجی نقل کرده است. در قرن هفدهم نیز چهار کتاب دیگر نیز به نثر ترجمه شده است. «بخردنامه، دفتیس نامه، وارشاک نامه و خسرو و شیرین». در قرن هجدهم نیز «بختیارنامه، بهرام و گلندام، امیرنامه و چهار درویش» ترجمه شدند. منظومه «بهرام و گلندام» بنا به روایت *خواجوی کرمانی* در سال ۱۱۵۰ هجری/۱۷۳۷

۱- مفتاح و وهاب‌لی: «نگاهی به ایران‌شناسی و ایران‌شناسان کشورهای مشترک‌المنافع و

میلادی به زبان گرجی در آمده است. در میان داستانهای ایرانی که به گرجی ترجمه شده، مهمتر از همه، داستان «ویس و رامین» اثر **فخرالدین اسعد گرگانی** است که در قرن یازدهم میلادی به نثر ترجمه شده که متأسفانه نام مترجم آن معلوم نیست. سپس در قرن هفدهم میلادی **آرچیل**^(۱) شاعر گرجی آن را به نظم در آورده است.

از کتابهای مهم و معروف دیگر از نثر فارس نیز چند کتاب به گرجی ترجمه شده است. نخست باید از «قابوسنامه» یاد کرد که در آغاز قرن هجدهم به نظم و نثر گرجی در آمد. دیگر کتاب معروف «انوار سهیلی» از **حسین کاشفی** است که پنج بار به گرجی ترجمه شده است. نخستین ترجمه آن در قرن شانزدهم میلادی صورت گرفته و آخرین ترجمه آن نیز که در ضمن بهترین ترجمه آن شناخته شده، در قرن هجدهم میلادی توسط **اوربلیانی**^(۲) نویسنده شهر گرجستان انجام یافته است. چنانکه اشاره شد کلیله و دمنه نیز در قرن دوازدهم میلادی ترجمه شده و به نظر می‌رسد ترجمه این کتاب از متن عربی آن صورت گرفته است.

□ بهره‌گیری مورخان گرجی از آثار تاریخ ایران

مورخان گرجستان نیز از کتابها و آثار تاریخ ایران بهره‌مند شده و به ترجمه‌هایی از تاریخ ایران مبادرت کرده‌اند، چنانکه مورخان قرن هفدهم میلادی از «تاریخ عالم‌آرای عباسی» بسیار سخن گفته و نقل کرده‌اند و مهمتر از آن، ترجمه‌ای است در «تاریخ جهانگشای نادری» که در زمان خود مؤلف صورت گرفته است و در نسخه خطی آن که در موزه ملی گرجستان موجود است، نقشی از **میرزا هدی خان استرآبادی** که در زمان حیات وی ترسیم شده، در آغاز کتاب موجود است. ذکر این مطالب از آن جهت ضروری است که آشنایی

1. Artchil

2. Orbeliani

با زبان فارسی تنها منحصر به شعرا و ادبای گرجی نبوده و مورخان گرجی نیز با زبان فارسی آشنایی داشته‌اند و از این رو، توانسته‌اند یا کتابهای تاریخی را به گرجی ترجمه نمایند و یا از متون و نسخ به زبان فارسی در آثار خود بهره ببرند. در قرن هفدهم میلادی نیز فرهنگی به زبان گرجی - عربی و فارسی تهیه و تدوین گردیده است که خود نشان می‌دهد که در سرزمین گرجستان تا چه حد به این دو زبان توجه مبذول می‌شده است. شگفت اینکه گرجیان با آنکه اغلب و همواره مسیحی بوده‌اند، نسبت به مذهب شیعه نیز توجه داشته‌اند. چنان که کتاب «جامع عباسی» به فرمان شاه عباس اول به زبان گرجی ترجمه شده و حتی در آغاز قرن هفدهم میلادی نسخه‌ای از ترجمه «انجیل» به زبان فارسی در دست است که توسط یک گرجی صورت گرفته است و این ترجمه به خط گرجی نوشته شده است و یا در واقع آوانویسی شده است تا گرجیانی که به زبان فارسی آشنا نیستند، آن را به زبان فارسی از روی خط گرجی بخوانند. این مسئله نشان می‌دهد که گرجیان از سخن گفتن به زبان فارسی لذت می‌برده‌اند.

□ ویژگی‌های ترجمه آثار فارسی به گرجی

ترجمه‌هایی که از متون فارسی اعم از نظم و نثر به زبان گرجی صورت گرفته، برای کسانی که در ادبیات فارسی به تحقیق می‌پردازند حائز اهمیت خاصی است. زیرا این ترجمه‌ها چه در درک بیشتر متون اصلی و چه در قرائت و تصحیح آن و تلفظ اسامی خاص کمک زیادی به حساب می‌آمده و شکلی را که در ازمینه قدیم تلفظ می‌شده‌اند، روشن می‌گرداند. از آنجا که خط و زبان و الفبای گرجی، حروف باصدا دارد، این مسئله نیز کمک بزرگی به این امر می‌نماید. گاهی نیز از روی همین ترجمه‌ها معلوم می‌گردد که علاوه بر متنهای معروفی که از هر اثری وجود داشته، متنهای دیگری هم بوده است. از جمله ابیاتی از شاهنامه فردوسی هست که با مقایسه آن با متن ترجمه شده گرجی، می‌توان دریافت که تلفظ صحیح کلمه چه بوده است و یا بیت به چه صورتی نوشته شده بوده است. جزئیاتی در متنهای ترجمه شده از شاهنامه وجود دارد که متنهای

فارسی شاهنامه‌های موجود فاقد آن هستند. البته دلیلی در دست نیست که تصور شود این تغییرات توسط مترجم گرجی صورت گرفته است و در متنهای قدیمی و اصلی موجود در مخازن گرجستان موجود نبوده است و محققان ادبیات فارسی، تاکنون به این مسئله توجهی نکرده و ذکر از این مسئله به میان نیاورده‌اند. اما این دلیل نمی‌شود که این مطلب نادیده گرفته شود. زیرا همانگونه که تحقیق و بررسی در ادبیات ملل و اقوام قفقاز بدون اطلاع و آشنایی کامل با ادبیات فارسی ممکن نخواهد بود، همانگونه نیز در باب ادبیات فارسی نباید بدون استعانت از ادبیات آذربایجانی‌ها و خاصه گرجی‌ها که ارتباط کامل با ادبیات ایران داشته است، بررسیهایی را انجام داد.

چنان که اشاره شد، دیرگاهی است که ادبیات گرجی با ترجمه آثار منظوم و منثور فارسی آشنایی دارد. این سنت در حال حاضر نیز ادامه دارد. مترجمان گرجستان که به این فعالیت علمی و ثمربخش اشتغال دارند، طی هفتاد سال سلطه شوروی سابق نیز ادبیات این کشور را با ترجمه‌های بسیار زیاد و درخور از اشعار و آثار فردوسی، مولانا، نظامی، جامی و ... غنی ساختند.

□ ترجمه آثار ایرانی به زبان گرجی

آثار نثرنویسان ایران که جایگاه قابل ملاحظه‌ای در ادبیات جهان دارند، نیز مورد توجه و علاقه فارسی‌دانان و مترجمان گرجی قرار داشته است. از سال ۱۹۶۲، ت. کشه‌لوا کارشناس شهیر زبان و ادبیات فارسی که مدت چند سال نیز در ایران به کار تحقیق در ادبیات فارسی اشتغال داشت و از نزدیک با فرهنگ و ادبیات معاصر ایران آشنایی پیدا کرده بود، پس از بیست سال تحقیق و تتبع در آثار و ادبیات فارسی در سال ۱۹۸۲ کتابی مشتمل بر مقاله‌هایی در باره زبان و ادبیات ایران به چاپ رساند که منتقدین آثار ادبی گرجستان برای این کتاب ارزش بسیاری قائل شده‌اند. وی همچنین ترجمه‌ای گرجی از داستانهای صادق هدایت نویسنده معاصر و نامدار ایرانی را به صورت کتابی تحت عنوان «آتش پرستان» انتشار داد که شامل مقدمه‌ای مفصل در باره صادق هدایت و تفسیر و

برداشت‌های مترجم است. وی متخصص در رشته ادبیات معاصر ایران بوده و در باره نثر ادبی **صادق هدایت** به تحقیق پرداخته است.

کتابهای علمی ایران نیز توجه علمای گرجستان را به خود مشغول کرده بود. چنانکه کتابی در طب و متعلقات آن و به زبان گرجی ترجمه شده که تألیف آن از سال ۶۰۳ تا ۶۱۰ هجری/۱۲۱۳-۱۲۰۹ میلادی ادامه داشته است و مؤلف، این کتاب را از خلال کتابهای پزشکی ایران جمع‌آوری و بعد به گرجی ترجمه کرده است که اصولاً می‌بایست مترجم کتاب از علمای علم طب گرجستان بوده باشد و در این صورت می‌بایست این عالم طب نیز به زبان فارسی آشنایی کامل داشته باشد. کتاب دیگری نیز در سال ۵۷۷ هجری/۱۱۸۱ میلادی تدوین یافته که در نجوم است و مؤلف آن نیز از کتابهای نجوم ایران بهره گرفته و خود مؤلف در کتاب به این مسئله به روشنی اشاره کرده است. و باز دلیلی است بر اینکه، علمای هیأت و نجوم گرجستان نیز با زبان فارسی آشنایی کامل داشته‌اند. همچنین ترجمه‌ای از **زیج الغ بیگ** در دست است که در آغاز قرن هجدهم میلادی صورت گرفته است.^(۱)

□ توجه به صادق هدایت در گرجستان

صادق هدایت در میان نثرنویسان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. آثار او به زبانهای زنده جهان ترجمه شده است. سبک خاص **هدایت** وی را در زمره کلاسیکهای ادبیات معاصر ایران درآورده و صفحه‌ای تازه در ادبیات گشوده است. از ویژگیهای **هدایت** این است که عالم باطن انسان را با مهارتی بی‌نظیر آشکار می‌سازد، در عین حال امثال و افسانه‌ها و داستانهای ملی مردم ایران زمین را به فراوانی در آثار خود به کار می‌گیرد. از این نظر ترجمه آثار **هدایت** برای یک غیرایرانی زبان فارسی بسی دشوار است و نیاز به احاطه کامل به زبان و ادب فارسی و آشنایی کامل با روح نویسنده دارد. ت. کشه‌لاوا از جمله نخستین

۱- سعید نفیسی، «ادبیات فارسی در گرجستان»، مهر، س دوم، ش ۷، ۱۳۱۲، ص ۹-۷۴۶.

ادب‌شناسان گرجستان است که رساله‌ای علمی در بارهٔ فعالیت‌های ادبی صادق هدایت به رشتهٔ تحریر در آورد. در سال ۱۹۸۵، کتاب آثار صادق هدایت به زبان روسی نیز در تفلیس منتشر گردید. این کتاب مورد توجه بسیار ادیبان قرار گرفت بطوری که حتی آن را به فارسی نیز ترجمه کرده و در ایران منتشر نمودند.^(۱)

داستانهایی که توسط کشه‌لاوا برای ترجمه از میان دیگر آثار صادق هدایت انتخاب شده، ذوق و سلیقهٔ مترجم و آشنایی کامل او با فعالیت ادبی این نویسنده را آشکار می‌سازد. مترجم در درک ماهیت مسلکی - هنری و اجتماعی آثار هدایت درایت و فراست خاصی از خود نشان داده است و از این لحاظ به ویژه داستان «زنی که شوهرش را گم کرد» که در کتاب کشه‌لاوا آمده است، جلب توجه می‌کند. داستانهای «لاله»، «داود گوژپشت»، «داش آکل» و «تخت ابونصر» نیز از نظر روانی، سلاست و بیان صحیح منظور نویسنده بسیار جالب توجه و شایان دقت است. مترجم موفق شده است لغات و اصطلاحات مناسبی را برای ترجمهٔ این داستانها پیدا کند. از این نظر، همانند داستانهای اصلی به آسانی درک و خوانده می‌شود. این مسئله، مرهون تسلط کامل کشه‌لاوا بر هر دو زبان فارسی و گرجی است که از استعداد کامل آثار ادبی برخوردار است.

با اشاره به علائق مردم گرجستان به زبان فارسی و نیز اشاره‌ای هر چند مختصر به آثار مهم فارسی که به زبان فارسی ترجمه شده‌اند، توجه به مسئله دیگری نیز ضروری و جالب توجه به نظر می‌رسد و آن اینکه ایرانیان و شعرای ایرانی نیز نسبت به زبان گرجی از خود توجه و علاقه نشان داده‌اند. در واقع ابراز علاقه‌ای دو سویه صورت گرفته که این امر نیز سبب مداومت علائق گردیده است.

۱- برای اطلاع بیشتر رک به: «ترجمه جدید آثار هدایت به زبان گرجی»، ترجمه فرزانه

هگمنانه، چیستا، س ۵، ش ۱، شهریور ۱۳۶۶، ۳-۵۲.

❑ واژه‌های گرجی در اشعار شاعران ایرانی

این مسئله که در ایران تا چه اندازه با ادبیات گرجی آشنایی وجود داشته، مسئله‌ای است که کسی بدان نپرداخته است. اما با اندکی توجه و دقت می‌توان پی برد که بزرگان ادب پارسی نیز به زبان گرجی بی‌توجه نبوده‌اند. اسدی شاعر که در قرن یازدهم در شهران می‌زیسته، فرهنگی برای زبان فارسی از خود به یادگار گذاشته که از قدیمی‌ترین فرهنگهای موجود می‌باشد. اسدی در این فرهنگ کلمه «تموک» را آورده و در معنی آن نوشته است: «نوعی تیر است که نزد گرجی‌ها (یا بطوری که اسدی می‌نامد نزد ابخازها) معمول بوده و اکنون همه جا می‌سازند». وی در تأیید معنای کلمه «تموک» شعری از عماره شاعر می‌آورد که این واژه آنجا به کار رفته است. برخی را عقیده بر این است که عماره معاصر رودکی (نیمه اول قرن دهم هجری) بوده، ولی احتمال قوی می‌رود که وی از شعرای اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم باشد.

در برخی از رباعیات خاقانی نیز واژه‌هایی گرجی به کار برده شده است. همچنین در قصیده‌ای که خاقانی از زندان در مدح آندرونیک کرمنش سروده، یک سلسله کلمات و اسامی گرجی مشاهده می‌شود که روشن می‌نماید که خاقانی با موضوعهایی که در عهد شاعر در گرجستان معروف و در آن روزگار رایج بوده، آشنایی کامل داشته است. شاید هم به خاطر شاعری ایرانی خطور نکرده باشد که در میان ابیات شاعر کلماتی گرجی وجود داشته باشد. نظامی نیز در یکی از منظومه‌هایش، قطعه‌ای مفصل دارد که در این قطعه به توصیف ملکه تامارا فرمانروای قدرتمند گرجستان پرداخته است.^(۱)

❑ انعکاس اوضاع سیاسی - اجتماعی گرجستان در اشعار خاقانی

در تحقیقاتی که خانیکف در باره خاقانی و شرح حال این شاعر به عمل

۱- ژرژ مار، «ادبیات گرجی در آثار فارسی»، مهر، س دوم، ش ۷.

آورده است و در سال ۱۸۶۵ منتشر شده، این دو بیت آمده است:

من و «ناجر مکی» و «دیر مخران»^(۱)

در بقراطیانم جا و ملجاء^(۲)

مرا بسیند در سوراخ غاری

شده مولوزن^(۳) و پوشیده چو خا

«ناجر مکی» مقرّ تابستانی سلاطین گرجستان و «دیر مخران» نیز ناحیه‌ای در این سرزمین بوده است. اشعار **خاقانی** حاکی از علاقه‌مندی شاعر به گرجستان می‌باشد:

خاقانی و خاقان و کنار گُر و تفلیس

جیحون شده آب گُر و تفلیس سمرقند

یکی از ویژگی‌های خلاقیت **خاقانی**، وقوف وی و آشنایی کامل با مسائل مسیحیت، جریان‌ات سیاسی و مذهبی در قفقاز و به ویژه در گرجستان و انعکاس این مطالب در دیوان اوست. به نحوی که به عقیده صاحب‌نظران چنین دیوانی، فقط در ماورای قفقاز ممکن بوده تدوین شود.

خاقانی در زندان به **آندروونیک کومنین** (**آندروونیکوس کرم‌نه‌نوس**)^(۴) که بعدها قیصر روم (بیزانس) شد، متوسل می‌شود و طی مدیحه‌ای برای رهایی به

۱- مخران ناحیه‌ای واقع بین دو شعبه از رود گُر به نام کسان **Kasani** و آراگوی **Aragvi** می‌باشد. کلمه موخا **Mukha** یعنی بلوط. موخ - نار - آی به معنی بلوطزار است که در نتیجه جابجایی جزیی اصوات، تبدیل موخران (مخران) شده است.

۲- سید ضیاءالدین سجادی، **دیوان خاقانی شروانی** (تهران: زوار، ۱۳۵۷)، ص ۶-۲۵.

۳- مولو به معنی شاخ یا سنگی بوده که به صورت آلت موسیقی در می‌آوردند و قلندران و جوکیان می‌نواختند. نوازنده آن را مولوزن می‌گفتند.

وی که در آن زمان میهمان دربار شیروان بود، متوسل می‌گردد.^(۱) از اشعار خاقانی استنباط می‌شود که وی از تفلیس دیدن کرده و با زبان و فرهنگ گرجیان آشنا بوده است. دو بیت زیر از خاقانی در ارتباط با موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است:

از عشق صلیب موی رومی رویی

ابخازنشین گشتم و گرجی گویی^(۲)

از بس که بگفتمش مویی مویی

شد موی زبانم و زبان هر مویی

در این رباعی برای فارسی زبان فقط مسئله درک و تعبیر «مویی مویی» پیش می‌آید. پروفیسور ژرژ مارکه بصیرتی کامل در رشته روابط ادبی فارسی - گرجی داشته است، در این مورد چنین گفته است: «... ما در اینجا با صورت محاوره‌ای و عامیانه Moi-Moi (Modo-Modi) به معنی «بیا بیا» گرجی روبرو هستیم. پس خاقانی در بیت دوم می‌گوید «از بس که به او گفتم بیا بیا» زبانم مثل موی نازک شد و هر موی من مثال زبان شد». مصراع دوم بیت اول حاوی اطلاعات مهم جغرافیایی و مردم‌شناسی عصر می‌باشد. طبق این مصراع، ابخازنشین‌ها، گروهی گرجی بودند به عبارت دیگر طبق اطلاعاتی که خاقانی از حیات اجتماعی - مذهبی و فرهنگی گرجستان داشته است، زبان مادری ساکنین ابخازستان زبان گرجی بوده است.

□ گرجستان در اشعار نظامی

در آثار نظامی گنجوی نیز «ابخاز» در محیط جغرافیایی «آذربادگان»، «ارمن»،

۱- یان ریپکا، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه عیسی شهابی (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب،

۱۳۵۳)، ص ۳۲۳.

۲- سجادی: دیوان خاقانی شروانی، ص ۷۴۲.

«بردع»، «عراق» و «یمن» جای گرفته است. در منظومه «خسرو و شیرین» نظامی در فصل «در صف کردن شاپور حُسن شیرین را» آمده است:

به تابستان شود بر کوه ارمن
خرامد گل به گل خرمن به خرمن
بسه هنگام خزان آید به ابخاز
کند در جستن نخجیر پرواز
زمستانش به برده میل چیراست

که بردع را هوای گرمسیر است^(۱)
بنابراین، مشاهده می‌شود که شاعران ایرانی بنا به علاقه به سرزمینهای قفقاز و در این میان گرجستان، در اشعار داستانهایی که سروده و ساخته و پرداخته‌اند، نام اماکنی را که گویای وضع طبیعی و سیاسی می‌باشد، آورده‌اند. چنان که اشاره شد، خود نشانگر علاقه و توجه ایرانیان به تاریخ، اوضاع اجتماعی و ... این سرزمین می‌باشد.

☐ مشهورترین شاعر گرجی و ادبیات فارسی

قبل از پرداختن به شعرای پارسی گوی گرجستان، در اینجا لازم است از شوتا روستاولی مشهورترین شاعر گرجی که متأسفانه اطلاعات دقیق و کاملاً درست در باره‌اش نیز اندک است یاد شود.

شوتا روستاولی شاعر گرجی بدون تردید در رشته‌های مختلف دانش، هنر و ادبیات عصر خود دارای اطلاعاتی ژرف بوده، و زبانهای یونانی، لاتین، فارسی، عربی و دیگر زبانهای ملل متمدن آن زمان را می‌دانسته و بدیهی است آثار شاعران نابغه‌ای مانند فردوسی، فخرالدین اسعد گرگانی، نظامی و ... و نیز شاعرانی نظیر هومر و ... را به زبان اصلی می‌خوانده است. آشنایی روستاولی با ادبیات فارسی از اینجا پیداست که در منظومه‌اش نام قهرمانانی از آثار ادبی

۱- عبدالمحمد آیتی: نظامی گنجوی؛ خسرو و شیرین، (تهران: بی‌نا، ۱۳۵۳)، ص ۲۰.

فارسی ذکر می‌گردد. مثلاً رستم از «شاهنامه» فردوسی، قیس از «لیلی و مجنون» نظامی، ویس و رامین از منظومه «ویس و رامین» فخرالدین اسعد گرگانی و ... مورد استفاده روستاوی قرار گرفته بوده است.

برای بررسی همه جانبه خلاقیت طبع روستاوی لازم است همه مسائل مربوط به پیوندهای منظومه «پهلوان پلنگینه پوش» با ادبیات فارسی روشن گردد. این منظومه که نام آن «وپخیست کاوسانی»^(۱) و معنی تحت‌اللفظی آن «مردی سوارکار در پوست پلنگ» می‌باشد، نقطه اعتلای جوش و خروش ادبی - فلسفی گرجستان در قرون وسطی است هر چند داستان اثری حماسی است. در این داستان حماسی، جریانات فلسفی افلاطونی و احساسات عاشقانه شرقی به شیوه‌ای هماهنگ تلفیق شده‌اند. یادآوری این نکته نیز ضروری است که اطلاعاتی که در باره شوتا روستاوی به دست داده می‌شود، از دیباچه همین اثر و کتاب اخذ شده است. در این دیباچه آمده است که: «او روستاوی است، یعنی مالک قلعه و یا ملک روستاوست. نام شاعر شوتا است و خزانه دار دولتی ملکه تامارا بوده است. شاعر ولینعمت خود و شوهرش داوید را با نهایت احترام در ابیات خود مدح و ستایش کرده است. وی به عنوان دبیر و و خزانه دار ملکه تامارا صومعه صلیب مقدس را مرمت و درون آن را نقاشی و تزیین کرد. داستان حماسی «مردی سوارکار در پوست پلنگ» یا به عبارتی دیگر، «پهلوان پلنگینه پوش» مسلماً اولین و آخرین اثر روستاوی نبوده است.^(۲)

چنان که اشاره شد، از زندگی شاعر مطالبی محقق در دست نیست و اندکی بیش از آن است که خود او در دیباچه و مؤخره منظومه خود به دست می‌دهد که در واقع به نظر می‌رسد بعدها شخصی دیگر به آن افزوده است. در اینجا شاعر می‌گوید: «با ریختن اشک خونین، ملکه تامارا را می‌ستایم که ستایش او را

1. Vepkhist Qaosani

۲- بارامیدزه، «در باره شوتا روستاوی»، پیام نوین، دوره هشتم، ش ۵، ۱۳۴۵، ص ۷-۱۱.

بیهوده بر زبان نیاورده‌ام، اشکها مرا بر آن می‌دارند که اشعار شیرینی در تمجید او بسرایم و از او ستایش کنم. بنابر افسانه‌ها، این شاعر در آتن به تحصیل پرداخت و در آسیا سفر کرد و به مقام خزانه‌داری ملکه **تامارا** رسید.

در هر صورت نمی‌توان منکر الهام جهانی و فریبنده‌ی شعر **روستاوی** شد. اثر وی چندین بار به زبانهای روسی، سه بار به فرانسوی و همچنین به انگلیسی، آلمانی، اسپانیایی، مجارستانی، چک، ارمنی و ژاپنی ترجمه شده است. بندرت بصیرت شاعری چنین گسترده، فراگیر و آشفته بوده است. بطوری که بنظر می‌رسید نزدیک است جهان همانند هرج و مرج روز ازل در هم شکند تا زمانی که تنفس روحبخش شاعری بزرگ، این هرج و مرج را به صورتی هماهنگ در آورد. آهنگ متعالی این اثر از همان ابیات نخستین، جایی که شاعر از خدای یکتا و متعال استمداد می‌کند: «آن که آسمان را آفرید، با همان نیروی عظیم، موجوداتی را ساخت که از بالا با ارواح آسمانی الهام یافتند، او به ما مردان، جهان را بخشید، و ما آن را با هزار گونه تنوع در اختیار داریم. از اوست که هر سلطان شبیه خود را می‌یابد».^(۱)

از اینجا می‌توان دید که خدای **روستاوی** به صورت نیرویی جهانی است و هیچگاه نامی از «تثلیث مقدس» و یا هیچ نماد دینی متداول عیسوی دیده نمی‌شود. ضمن آنکه شعر **روستاوی** به صورت تمثیلی در باره عصر قهرمانی گرجستان است، وی محیطی خارجی را برای چارچوب داستان خود برگزید که بر ادعای او، آن را در یک قصه باستانی ایرانی یافته بود. **روستاوی** با فلسفه، ستاره‌شناسی، طالع‌بینی یونان باستان و با اشعار شاعر ایرانی معاصر خود یعنی **نظامی گنجوی** آشنا بوده است.

نه تنها آثار ادبی فارسی پیش از زمان **روستاوی** یا همزمان و معاصر وی، بلکه آثاری که شاعران ایرانی پس از **روستاوی** ساخته‌اند، نیز باید بررسی و مطالعه و مقایسه شود. مسئله جالب توجه این است که تأثیر شعر فارسی در

خلاقیت طبع و آثار وی چگونه بوده و تأثیر متقابل اشعار روستاوی در شاعران پارسی‌گوی نیز حائز اهمیت است. چنانکه تاریخ گواهی می‌دهد، گرجستان مدتهای مدید با ایران روابطی بسیار نزدیک داشته و تصور این دشوار است که گفته شود شاعران ایرانی با ادبیات گرجی آشنا نبوده‌اند و از اثر ارزشمند روستاوی اطلاع نداشته‌اند. از شاعران نامور دوران کلاسیک فارسی، کسی که از حیث تفکر شاعرانه و به کار بردن تصویرهای هنری و اشارات و استعارات بیش از همه به روستاوی نزدیک است، شاعر معاصرش نظامی است که آثار درخشان خود را در همسایگی گرجستان ساخته است.

□ آشنایی و علاقه شاعران گرجی به اشعار نظامی گنجوی

آثار نظامی همواره مورد توجه و علاقه فراوان شاعران گرجی بوده است. نام قهرمانان آثار نظامی گذشته از منظومه روستاوی در دیگر آثار ادبی دوران کلاسیک ادبیات گرجستان از جمله در «تاماریانی»^(۱) نیز دیده می‌شود. در باره شاعران دوران رستاخیز نوین ادبیات گرجستان (سده‌های شانزدهم و هفدهم میلادی) نیز باید گفت که آنان نظامی را می‌شناختند و آثار وی را به زبان اصلی یعنی فارسی می‌خواندند و تحت تأثیر خلاقیت طبع وی بوده‌اند، مانند ن. تسی تسیشویلی مؤلف روایت گرجی «بهرام گور».

خود روستاوی با منظومه «للی و مجنون» نظامی آشنا بوده است. به ظاهر روستاوی منظومه دیگر نظامی یعنی «خسرو و شیرین» را نیز خوانده بود و شباهت برخی مضامین و وقایع در منظومه این دو شاعر و نیز شباهت و قرابت برخی روشهای شاعرانه هر دو سراینده دلیل صحت این تصور است.

اما علیرغم این مسائل، لازم به ذکر است که جهان‌بینی این دو استاد سخن، سخت از یکدیگر متمایز بوده است. این امر در طرز تفکر هنری آنان و روشهای تصویری که به کار می‌بردند، نمایان می‌گردد. مجنون در اثر نظامی، اسیر عشق

لیلی است، لیلی در نظرش الهه واقعی و موجودی است دست نیافتنی. اما قهرمانان اثر روستاوی یکدیگر را دوست می‌دارند و برای وصال یکدیگر در تلاشند که بر مشکلات گوناگون فائق گردند که سرانجام نیز به مقصد می‌رسند. در قیاس با نظامی، روستاوی پیرو استوارتر رئالیسم است و بیش از آنکه ایده‌آلیست زمان خود باشد، ماتریالیست است. روستاوی سراینده عشق آسمانی و دست نیافتنی نیست. او غزلسرای عشق انسانی این جهانی و دوستی ملتهاست.^(۱)

□ برخی از شاعران پارسی‌گوی گرجی

در اینجا به اختصار به زندگینامه و آثار شاعران گرجستانی‌الاصل که به فارسی شعر سروده‌اند، پرداخته می‌شود:

□ کیخسروخان گرجی

تخلص وی «سرگشته» و خواهرزاده رستم خان سپهسالار و از بزرگان گرجستان بود که در خدمت پادشاه صفوی یعنی شاه سلیمان بوده است. در منابع از ملایمت خوی، شجاعت و همت وی سخن بسیار رفته است. وی در عین داشتن طبعی روان، خوشنویس نیز بود و خط نستعلیق را خوش می‌نوشت. هدایت در جلد هشتم «روضه‌الصفاء» او را برادر بکرات (بقراط) خان والی گرجستان معرفی کرده است. کیخسرو خان و یا به قولی خسرو میرزا مدتی حکمرانی «الکادرون» ناحیه‌ای در خراسان را عهده‌دار بود که در کمال استقلال حکم می‌راند و در جنگهای پیاپی که با اوزبکها داشته، پیوسته غالب بوده است. نصرآبادی در تذکره‌اش بر این عقیده است که کیخسرو خان به لقب و منصب «تفنگچی آفاسی‌گری» سرافراز گردیده بود و زمانی که فرصت می‌یافت

۱- برای اطلاع بیشتر ر.ک به: «روستاوی و نظامی»، پیام نورین، دوره هشتم، ش ۶، ۱۳۴۵،

به نظم روی می آورد.^(۱) ایات زیر از اوست:
 پیش رویش سوختم آخر دل دیوانه را
 چون نگهدارد کسی از سوختن پروانه را
 چاک می سازم به ناخن سینه چون بینم رخس
 چون برآید مهر بگشایند روزن خانه را
 و نیز این رباعی:
 در عشق غم اندوخته ای می باید
 تا دل نشود داغ نگیرد آرام
 در غییر نظر دوخته ای می باید
 این سوخته را سوخته ای می باید

□ زینل بیگ گرجی

وی فرزند **اصلان بیگ گرجستانی** و پدرش از بزرگان این سرزمین بود که در روزگار پادشاهی **شاه عباس دوم صفوی** حکومت مرو را داشته است. وی پس از آنکه معزول گشت، درگذشت. **زینل بیگ** را جوانی شایسته و آراسته به صفاتی کامل که طبعی روان و ذوقی سرشار داشته معرفی کرده اند. او به فارسی شعر می سرود^(۲) و ایات زیر نمونه ای از سروده های اوست:
 بی تو چشم عندلیب گلستان گم کرده است
 مانده سرگردان چو مرغ آشیان گم کرده است
 و همچنین
 زغنچه دهنّت بوسه ای به خواب گرفتم
 نمرود وز گل آرزو گلاب گرفتم

۱- میرزا محمدطاهر نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، به کوشش و تصحیح وحید دستگردی

(تهران: فروغی، بی تا)، ص ۱۷.

۲- رضاقلی خان هدایت، *روضه الصفاى ناصرى*، ج ۸، [بی جا]، [بی نا]، [بی تا]، ص ۵۸۲.

□ فضل‌علی بیگ

وی نوادهٔ اصلان بیگ، از نجبای گرجستان در سلک غلامان شاه سلیمان صفوی و از نزدیکان کیخسروخان گرجی بود که به ممتاز گرجی شهرت داشت. نصرآبادی او را جوانی قابل ذکر کرده که شوخ طبع بود. چون به عقیدهٔ برخی به همه جهت از اقران ممتاز بوده، تخلصش «ممتاز» بوده است. در «صبح گلشن» و «قاموس الاعلام» فضل‌علی بیگ قید شده و از زمره خوشفکران خوش بیان معرفی شده است.^(۱) ابیات زیر از اوست:

خانهٔ عشاق را روزن نباشد چون حباب
تا نگرdd تیره بخت آن کس که دارد ماهتاب

و نیز:

گریه را زین پس گل آلود غم دنیا مکن
آب این جو داخل دریای رحمت می شود

□ موجی گرجی

نامش علیخان بیگ و تخلصش «موجی» بود. وی پسر اُغلی بیگ گرجی و در سلک غلامان خاصهٔ شاه عباس دوم و طبعی غیور داشت به همین جهت نیز پیوسته در رنج و آزار بود، طبعش ظریف و تهی از لطافت نبود. در پاسخ این بیت صفی‌قلی بیگ اودونچی باشی:

شیشه‌ام سنگ را نهالی شد

قدح افتاد و سنگ قالی شد

موجی بیگ قطعه زیر را تضمین کرد:

۱- عزیز دولت‌آبادی، سرایندگان شعر پارسی در قفقاز (تهران: بنیاد موقوفات افشار،

چون اودونچی صفی قلی شاعر
 در جهان زند لاابالی شد
 دوش در هیمه‌دان مطبخ فکر
 پخت شعری که وصف حالی بود
 شیشه‌ام سنگ را نهالی شد
 قدح افتاد و سنگ قالی شد
 و چون مختاریگ فراشباشی دعوی عیادت می‌کرد، در آن باب گفت:
 مختاریگ اسیری آن پخته خام
 آن نقطه فاء فسق و باء ابرام
 تاریخ عیادتش ز دل جستم گفت
 در ماه صفر میر جدیدالاسلام
 و معلوم می‌شود که وی با افراد و شاعران زمانش به مطایبه و مزاح
 می‌پرداخته است.^(۱) صاحب «صبح گلشن» در باره او آورده است: «قلزم ذهنش
 متلاطم به خوش طبعی و ظرافت است و هر مصرع ابیاتش موجی از بحر
 لطافت». بیت زیر نیز او اوست:
 مزلف چون شود دلبر به دولت می‌رسد عاشق
 خط مشکین او خاصیت بال هما دارد.^(۲)

□ اختر کرجی

نامش احمد بیگ فرزند فرامرزیگ از شاعران قرن سیزدهم هجری قمری و
 اصلش از گرجستان بود. وی در اصفهان و شیراز نشو و نما یافت و در زمان
 دودمان زند مناصبی داشت. پس از انقراض آن دودمان، بر اثر اتفاقی که بر او وارد

۱- نصرآبادی: تذکره نصرآبادی، ص ۵۱.

۲- سیدعلی حسن‌خان بهوپالی، صبح گلشن (هندوستان: بی‌نا، ۱۲۹۵ هجری قمری)، ص

آمد، به خراسان گریخت. در اوایل حکومت قاجارها به تهران آمد و قصیده‌ای در مدح فتحعلیشاه سرود و مورد عفو قرار گرفت. وی مدتی به منادمت سلیمان خان قاجار که خود شاعر بود و «عزت» تخلص می‌کرد، سرافراز شد و محسود اقران گشت. به نظر می‌رسد به یکی از وشاقان امیرسلیمان خان نظری از روی مهر داشته و گاهی به نامش غزلی می‌سروده است. امیرسلیمان خان پس از اطلاع از این امر، به خشم آمد و دستور به بریدن زبان وی می‌کرد. بخت اختر از اوج شادی به حضيض نامرادیها نهاد و به اصفهان رفت و خود را سرگرم نوشتن تذکره‌ای موسوم به «انجمن‌آرا» نمود که هنوز به اتمام نرسیده بود که عمرش به آخر رسید.^(۱)

در باره این شاعر عقاید گوناگون و در عین حال متضادی ابراز شده است، از جمله گفته شده است که: «وی مردی بود خوشروی و تندخوی، به اندک ناملایمتی از دوستان و بیگانگان می‌رنجید و تیغ هجا به نظم و نثر از نیام برمی‌کشید، بدین جهت اکثر مردم از مجالست با وی احتراز می‌کردند». و یا اینکه: «الحق مردی به غایت با تمکین و وقار و در تمییز اشعار نهایت دقت را به کار می‌برد. خط شکسته را خوب می‌نوشت و به رموز انشا نیز آشنا بود... و در حفظ ظاهر شریعت اندکی لاپبالی و ...». در اشعارش هجو بسیار به چشم می‌خورد.^(۲) ابیات زیر از اخترگرجی است:

در خاک نجف که ایزد از لطف سرشت

«اختر» به فراغت‌اند چه خوب و چه زشت

از روز جزا چه غم چو اندر نجفی

اندیشه ز دوزخ نکند کس به بهشت

۱- دولت‌آبادی: سرایندگان شعر پارسی در قفقاز، ص ۳۴۶.

۲- هدایت: مجمع‌الفصحاء، ج ۴، ص ۵-۱۵۴ و نیز محمود میرزای قاجار، سفینه‌المحمود،

کتابخانه خصوصی حسین نخجوانی، ص ۳-۵۲.

و نیز:

ای عفو تو معذرت پذیر همه کس

لطف همه روزه دستگیر همه کس

رحم آر و به بندگی خود خاصم کن

مپسند به خواریم اسیر همه کس

□ اشتباهای گرجی

وی فرزند فریدون گرجی و نامش میرزا عبدالله با تخلص *اشتها* از شاعران سده سیزدهم هجری قمری است. پدرش همراه با چند تن دیگر از نجبای گرجستان توسط *آغامحمدخان قاجار* از گرجستان به ایران کوچ داده شدند. *اشتها* در اوان جوانی به تحصیل علوم ادبی پرداخت و بهره‌ای نیز از صرف و نحو، منطق، کلام و عروض و قافیه گرفت.^(۱) تخلصش در اوایل سرگشته بود که به *اشتها* تبدیلش کرد. دیوانش شامل ۱۰۸ صفحه که در هر صفحه ۱۴ بیت گنجانده شده. این اثر با خط شکسته نستعلیق در کتابخانه مجلس محفوظ است. اشعارش مشتمل بر اقسام خوراکیهاست. ابیات زیر از *میرزا عبدالله (اشتها)* است:

این گنبد بزرگ در مسجد شماس

سرپوش کوچکی است به تاب طعام ما

گر روزی تمام خلاق کنند جمع

گردد غذای مختصر صبح و شام

و یا:

هر که شود کاسه لیس آل محمد

برخورد از سفره نوال محمد

□ وفای اشرفی

نامش *میرزا مهدیقلی* از نجبای عهد قاجاریه و اصلش از گرجستان بود و

۱- دولت‌آبادی، *سرایندگان شعر پارسی در قفقاز*، ص ۳۵۱.

اجدادش نیز از گرجیان زمان صفویه بوده‌اند. وفای اشرفی منشی خفیه‌نگار نزد منوچهرخان معتمدالدوله بود. وی خطی زیبا و طبعی روان داشت.^(۱) دو بیت زیر نمونه‌ای از اشعار و سروده‌های اوست:

زردان اندوزد اسمعیل نوری سال و ماه
تا مگر روزی بدان مکنت وزیر ری شود
گرچه لولی پرورست این چرخ لیک از روی عقل
سنگ دلاکسی قلمدان وزارت کی شود

□ دوستاق گرجی

نامش بهزاد بیگ و فرزند سهراب بیگ از شعرای قرن یازدهم هجری قمری و تخلصش دوستاق بود. سهراب بیگ در زمان شاه عباس دوم قورچی بود. به رضای خود ترک خدمت کرد و در چهل سالگی توفیق خواندن و نوشتن یافت. نصرآبادی در تذکره‌اش می‌نویسد: «پسرم بهزاد بیگ درویشی صالح است که در کمال صلاح و پرهیزگاری و شکستگی (تواضع است)، نسخ تعلیق را خوب می‌نویسد و مدارش به کتابت می‌گذرد. در ترتیب نظم طبعش خالی از لطف نیست».^(۲) از اشعارش:

بی‌جمالت گر برافروزم چراغ زندگی
هر سر مویم شود روشن ز داغ زندگی
بی‌تکلف چون چراغ روز در بزم جهان
گیرم از هجرت نمردم کو دماغ زندگی

□ مکنون گرجی

نامش آقامحمد و تخلصش مکنون، از شاعران قرن سیزدهم هجری قمری بود. مردی سیاح بود که در کازرون مقام داشت و همانجا فوت کرد. وی شعر

۱- هدایت: مجمع‌الفصحاء، ج ۶، ص ۱۰۹۱.

۲- نصرآبادی: تذکره نصرآبادی، ص ۹۴۷.

نیکو می‌سرود، ولی اکثر شعرهایش از میان رفته است.^(۱) ابیات زیر از اوست:
 ترک چشمش ز ابروان چاچی کمان انگيخته
 تیر مژگان از کمان آن ترکمان انگيخته
 ز ابروی خنجر گذار و غمزه جوشن گداز
 بهر قتل عاشقان تیغ و سنان انگيخته

□ نشاطی گرجی

نام وی محمدباقر بیگ و برادر کهنتر اختر گرجی یعنی احمد بیگ بود. بعد از فوت برادرش در نظر داشت تذکرة‌ای را که وی شروع کرده بود، تکمیل کند و به پایان رساند. اما پس از اندکی کار، اجل مهلتش نداد و کار تکمیل تذکرة به پایان نرسید. نشاطی قریب به دو هزار بیت از قصیده و غزل در بحر تقارب داشت و شکل دیوانی را داشت که به خط خود نگاشته بود. رضاقلیخان هدایت در مجمع‌الفصحاه گوید: «کسی از من گرفت که بنگارد و بازسپارد، مفقود شد».^(۲) هدایت ناگزیر ابیاتی از وی را که در حافظه داشت، در اثرش آورده است. رباعی زیر از اوست:

دیشب همه شب بیار گفتم غم دل

شاید که شود مرا دمی همدم دل

دیدم که به درد دل من گوش نداد

دل ماتم من گرفت و من ماتم دل

□ بدر تفلیسی

بدرالدین داود (محمود) از شاعران سده هفتم هجری قمری، مورد علاقه مؤلف «نزهة المجالس» بود.^(۳) از بدرالدین داود سی و هفت رباعی در کتاب

۱- هدایت: مجمع‌الفصحاه، ص ۹۸۶.

۲- دولت‌آبادی: سرایندگان شعر پارسی در قفقاز، ص ۳۵۳.

۳- همان.

مذکور آمده است که دو رباعی زیر از اوست:

شمعم که به هیچ جای مسکن نکنم

تا حال دل خویش معین نکنم

احوال دلم بر همه پوشیده بود

تا من به زبان خویش روشن نکنم

و نیز:

بی یاد لبش، انجمنی باید و نیست

چون من به غمش ممتحنی باید و نیست

گفتم که یکی بوسه بده گفت: مرا

اول به ضرورت دهنی باید و نیست

□ شیرمردان بیگ

یا سربدال بیگ، اهل گرجستان و از شعرای قرن یازدهم هجری قمری است.

او از غلامان خاصه شاه عباس دوم بود که از کمال اعتبار برخوردار شده بود.

تخلّصش برهمین و به گفته‌ای نیز معاصر شاه سلیمان صفوی بوده است. مؤلف

«صبح گلشن» نوشته است: «دولت و حشمت او را غلام و مضامین رنگین در

سرکار طبعش مدار الهام بود».^(۱) ابیات زیر از سروده‌های اوست:

خون ما را نوشکاران بی‌محابا ریختند

همچو برگ لاله در دامن صحرا ریختند

شوخی بیداد مؤگان تو در خوابم گرفت

آه از آن مستان غافل بر سر ما ریختند

□ یوسف گرجی

وی حدود سال ۱۲۱۹ هجری قمری در گرجستان متولد شد. در ۱۲۲۶ به

عنوان اسیر به ایران آورده شد، بدین ترتیب در هفت سالگی از پدر و مادرش

جداگردید و جزو غلامان محمود میرزای قاجار درآمد و به زودی جزو نزدیکان

وی شد. خود محمود میرزا در «سفينةالمحمود» چنین نوشته است: «... در ایوان چون جای گیرم، فرش انجمن است و در گلشن اگر مقام سازم چون سرو میان چمن، به بهایش مکرر اخوان الوف فرستادند و از پاسخ مشعوف نیامدند و از من به جواب می‌پردند: دوست به دنیا و آخرت نفروشم. صحبت یوسف به از دراهم معدود».

میرزا محمود ادامه می‌دهد: «... به اندازه کفاف تحصیل آدمیت نموده، در تحریر شکسته درست‌نویس است، و در رموز غزل، غزلسرای نادره خیال است. هر دو از من فراگرفته و سعی‌های وافیه نموده که به حسن کفایت خط و پختگی طبع اصحاب را مقبول آمده و به امر من تخلص را به اسم یوسف قرار داد. از دفترش که به مثابه سه هزار بیت است، این اشعار جداگانه ثبت گردید...»^(۱)

میرزا محمود در اثر خود ۵۱ بیت آورده است. از اشعار وی است:

لعل لب تو ز آب حیوان خوشتر

سرو قد تو ز سرو بستان خوشتر

زخم دل تو به دل مرا ز مرهم بهتر

درد تو به جان مرا ز درمان خوشتر

□ یمینی گرجی

وی از موالی شاه طهماسب صفوی بود و نامش در «صبح گلشن» آمده است و سر پنجه طبعش در معارک قوی بود.^(۲) بیت زیر از اوست:

دستی که عنان خویش گیرد

امروز در آستین کس نیست

□ ولی گرجی

۱- محمود میرزای قاجار: سفينةالمحمود، ص ۶۶۵.

۲- عبدالرسول خاکپور، فرهنگ سخنوران (تبریز: بی‌نا، ۱۳۴۰)، ذیل یمینی گرجی.

ولی خان متخلص به ولی از غلامان گرجی سلاطین صفویه بود. در شعر و شاعری خوش سلیقه و نیکو رویه بود.^(۱) بیت زیر از سروده‌های اوست: ای خوش آن عاشق که از غم رو به دیوار آورد آنقدر گرید که رحمی در دل یار آورد

□ بزمی کوز

اصلش از گرجستان ولی در شیراز بزرگ شد. مدتی در هرات بسر برد و از آنجا به هند رفته و در گجرات اقامت کرد و از ملازمت میرزا عبدالله خان مخاطب به نوازش سعیدخان جغتایی بود. وی اگر چه در شاعری صاحب طبیعت و تازه‌گوی و خوش فهم بود، ولی نسبت به کسانی که به وی نیکی کرده، از آوارگی نجاتش داده بودند به زشتی یاد کرده است. وی در گجرات فوت کرد و قریب به سه هزار بیت شعر دارد.^(۲) از سروده‌هایش ابیات زیر ذکر می‌گردد: می‌تراود از لب هر داغ من صد چشمه خون

شوق حاصل مو به مویم را گلستان کرده بود
نیستم از ماتم پروانه آگه، لیک دوش
شمع را دیدم که گیسویی پریشان کرده بود.

□ نژاد گرجی

نامش محمدعلی خان فرزند اصلان خان بیگلربیگی از امرای والاشان گرجستان بود. وی والانهاد و سخندان و خوش خیال بود.^(۳) بیت زیر از اوست: گر رفیق منی ای درد و بلا بسم الله
سفر وادی عشق است بیا بسم الله

۱- دولت‌آبادی: سرایندگان شعر پارسی در قفقاز، ص ۳۷۰.

۲- همان، ص ۳۵۵.

۳- نصرآبادی: تذکره نصرآبادی، ص ۴۷.

ای اجل چند چنین درد سرم گر دانی

نار غم می‌کنی از درد بیا بسم‌الله

□ سروشی گرجی

نامش مرتضی قلی بیگ و تخلصش سروشی و در «تذکره نصرآبادی» آمده است که جوانی آرام و ساکت بود و قدرت شعری به نهایت و معاصر شاهان صفویه بود و «شهنامه عباسی» در فتوحات شاه عباس دوم از اوست.^(۱) به ابیاتی از سروده‌های وی اشاره می‌شود:

دل در آن وقتی که جا بالای هفت اورنگ داشت

در هوای سجده او سوی خاک آهنگ داشت

بخیه‌ای در هر نفس از جامه هستی گسیخت

در بر ما زندگی حکم قبای تنگ داشت

و یا

زینت خود ساخت دولت هر چه را رد کرد فقر

مشعل شاه از کهن دلق گدایان روشن است

□ سیف تفلیسی

سیف‌الدین هارون از جمله شاعرانی بود که از رباعیاتش در «نزهة المجالس» آمده و به همین جهت نیز می‌توان او را از شاعرانی دانست که تا قرن هفتم هجری می‌زیسته‌اند. ابیات زیر از اوست:

مادر که تو را بزاد، ای حورنژاد

ابلیس بخندید و بشد خرم و شاد

یعنی که بدین روی توانم بر داد

دین همه امت محمد بر باد^(۲).

۱- صبح گلشن، ص ۵۱۵.

۲- دولت‌آبادی: سرایندگان شعر پارسی در قفقاز، ص ۳۶۰.

□ کوکبی گرجی

قبادبیگ از اتراک گرجستان و از غلامان شاه عباس اول و تخلصش کوکبی بود. ابیات زیر به نقل از «تذکره نصرآبادی» از اوست:^(۱)

هر چه همرنگ به معشوق بود، معشوق است

نقص عشق است که پروانه به مهتاب نسوخت

و نیز:

خلوت‌گه محبت او در دل من است

بیحاصلی ز هر دو جهان حاصل من است

با کائنات کرده‌ام آن دوستی که یار

در هر دلی که جلوه کند در دل من است

و یا:

چو در کنج قفس میرم، بسوزیدم مگر روزی

به امداد صبا خاک‌سترم راه چمن گیرد

□ برخی از کتابهای منتشر شده درباره زبان و ادب فارسی در گرجستان (۱۹۸۷-۱۸۹۱)

۱- «رستم‌یانی» یا «رستم‌نامه»، ترجمه از شاهنامه فردوسی، به زبان گرجی،

مترجم خسرو تورمانیدزه، تفلیس، ۱۸۹۱.

۲- «بژانیانی» یا «بیژن‌نامه»، ترجمه از شاهنامه فردوسی، به زبان گرجی، ترجمه

خسرو تورمانیدزه، تفلیس، ۱۸۹۱.

۳- «شاهنامه ابوالقاسم فردوسی»، به گرجی، مترجم ز. آبولادزه، ا. بارامیدزه،

پ. اینگورکوا، ک. که‌که‌لیدزه، ا. شانیدزه، با مقدمه و تفسیر و توضیح ا.

بارامیدزه، تفلیس، ۱۹۳۴.

۴- «فردوسی در رابطه ادبی و هنری ایران و گرجستان»، تألیف ا. بارامیدزه،

۱- نصرآبادی: تذکره نصرآبادی، ص ۳۱۳.

- تفلیس، ۱۹۳۴.
- ۵- «اسناد مربوط به فرهنگ فارسی - روسی - گرجی»، تألیف یون. مار، تفلیس، ۱۹۳۴.
- ۶- «فهرست نمایشگاه فردوسی و روابط ادبی و هنری گرجستان و ایران»، تألیف ا. بارامیدزه، پ. اینگوروقوا، به زبانهای گرجی و روسی، تفلیس، ۱۹۳۴.
- ۷- «ویس و رامین»، تصحیح مقدمه از ا. بارامیدزه، پ. اینگوروقوا، ک. که‌کهلیدزه، تفلیس، ۱۹۳۸.
- ۸- «دستور زبان فارسی»، تألیف ا. عبدالادزه، تفلیس، ۱۹۳۸.
- ۹- «امثال و حکم فارسی»، تألیف حسن علیزاده، تفلیس، ۱۹۴۱.
- ۱۰- «منتخبات فارسی»، ولادیمیر پوتوریدزه، تفلیس، ۱۹۴۶.
- ۱۱- «رباعیات خیام»، مترجم ا. چلیدزه، به زبان گرجی، تفلیس، ۱۹۴۶.
- ۱۲- «گلستان شیخ مصلح‌الدین سعدی»، مترجم ا. چلیدزه، تفلیس، ۱۹۴۸.
- ۱۳- «دستور زبان فارسی»، یو. آبولادزه، تفلیس، ۱۹۵۳.
- ۱۴- «تقلید از سبک گلستان در ادبیات پارسی - تاجیکی - گرجی»، تألیف آ. تودوآ، تفلیس، ۱۹۵۴.
- ۱۵- «بوستان شیخ مصلح‌الدین سعدی»، به زبان گرجی، آ. چلیدزه، تفلیس، ۱۹۵۶.
- ۱۶- «اشعار نظامی»، به زبان گرجی، م. تودوآ، تفلیس، ۱۹۵۶.
- ۱۷- «نثر هنری صادق هدایت»، تألیف ت. کشه‌لاوا، تفلیس، ۱۹۵۸.
- ۱۸- «اهمیت ترجمه‌های گرجی آثار ادبیات فارسی از نظر روشن ساختن برخی مسائل مربوط به ادبیات پارسی و تاجیک»، تألیف آ. آ. گواخاریا، تفلیس، سال ۱۹۶۰.
- ۱۹- «ترکیب کلمه از پسوند اسم در زبانهای ایرانی»، تألیف د.د. چخه‌ئیدزه، تفلیس، ۱۹۶۱.
- ۲۰- «مآخذ فارسی منظومه گرجی؛ کارتلیس تسخوریا»، تألیف د.و. کاتسیتادزه، تفلیس، ۱۹۶۱.

- ۲۱- «اسناد تاریخی فارسی در مخازن کتاب گرجستان»، تألیف و.س. پوتوریدزه، تفلیس، ۱۹۶۱.
- ۲۲- «منابع فارسی، روایات گرجی»، (یوسیب زلیخانیان) یا (یوسف و زلیخا)، تألیف آ.آ. گواخاریا، تفلیس، ۱۹۶۱.
- ۲۳- «منتخبات شاهنامه فردوسی»، به زبان گرجی، آ.آ. گواخاریا، تفلیس، ۱۹۶۲.
- ۲۴- «ترجمه گرجی کلیله و دمنه»، متن منقح و مقدمه ا. بارامیدزه و ا. مترولی، تفلیس، ۱۹۶۲.
- ۲۵- «گلچینی از اشعار فارسی»، د.ی. کوبیدزه، تفلیس، ۱۹۶۳.
- ۲۶- «در باره مأخذ فارسی»، منظومه «تیموراز اول» (میل مجنونانی)، م.گ. ماماتیشویلی، تفلیس، ۱۹۶۳.
- ۲۷- «علم الاصوات زبان فارسی»، س.گ. کاپرینداشویلی و ژ.ش. گیوناشویلی، تفلیس، ۱۹۶۴.
- ۲۸- «در باره غزلسرای حافظ»، و.و. کوته‌تیشویلی، تفلیس، ۱۹۶۴.
- ۲۹- «شرحی در باره چهره زن در شاهنامه»، ل.س. گیوناشویلی، تفلیس، ۱۹۶۵.
- ۳۰- «مدارک تاریخی گرجی - ایرانی»، ترجمه و توضیحات از و.س. پوتوریدزه، تفلیس، ۱۹۶۵.
- ۳۱- «ویجسیتکائوسانی و ویسرامیانی (ویس و رامین)»، ن.ی. مار، تفلیس، ۱۹۶۶.
- ۳۲- «من خورشید را می‌بینم»، ترجمه رمان گرجی «نوداردو مبادزه»، به زبان فارسی، تفلیس، ۱۹۶۶.
- ۳۳- «نثر هنری سعید نفیسی»، ل.س. گیوناشویلی، تفلیس، ۱۹۶۶.
- ۳۴- «منتخبات فارسی»، ادبیات کلاسیک، داوید کوبیدزه، تفلیس، چاپ اول، ۱۹۶۳ و چاپ دوم ۱۹۸۱.

- ۳۵- «تاریخ نوین ممالک آسیا و آفریقا»، و. دونادزه^(۱)، آ. منته شاشویلی و ت. تسین تسادزه^(۲)، ۱۹۷۰.
- ۳۶- «منتخبات فارسی»، بانو لیلا توشی شویلی^(۳)، تفلیس، ۱۹۷۰.
- ۳۷- «متون فارسی قرنهای دهم تا هجدهم»، جمشید گیونا شویلی، د. کاتسی تادزه، تفلیس، ۱۹۷۳.
- ۳۸- «قراآت متون مطبوعاتی ایران»، ی. کالینین^(۴) و بانو تس. کویریکا شویلی^(۵)، تفلیس، ۱۹۷۴.
- ۳۹- «تاریخ ادبیات فارسی»، داوید کوبیدزه، تفلیس، ۱۹۷۵.
- ۴۰- «فارسی حرف بزیم»، م. فاطمی و بانو ای. کالادزه^(۶)، تفلیس، ۱۹۷۶.
- ۴۱- «زبان فارسی برای سال دوم دبستان»، بانو ن. رامی شویلی^(۷) و بانو م. میکاشاویدزه^(۸)، تفلیس، ۱۹۸۳.
- ۴۲- «زبان فارسی برای سال سوم دبستان»، جمشید گیونا شویلی و بانو ژرژ لیانی^(۹)، تفلیس، ۱۹۸۶.
- ۴۳- «دستور زبان فارسی»، جمشید گیونا شویلی، تفلیس، ۱۹۸۷.

1.V. Donadze

2.Tsinlzdze

3.L. Thushishvili

4.E. Kalinin

5.Ts. Kvirikashvili

6.I.Kaladze

7.N. Ramishvili

8.M. Mikhashavidze

9.L. Zhorzholiani

از مهمترین آثار پژوهشگران گرجی در زمینه تاریخ ایران می توان به آثار زیر اشاره کرد:

- ۱- «نامه های خانهای ایروان که در نیمه دوم قرن هجدهم به گرجستان ارسال شده است»، آ.چه ئی شویلی^(۱)، ۱۹۸۲.
 - ۲- «ملاقات ایلچیان عثمانی با شاه طهماسب»، ک. تابا تادزه^(۲)، ۱۹۷۶.
 - ۳- «اطلاعاتی در باره گرجستان»، ذیل تاریخ عالم آرای عباسی اثر اسکندر منشی، ن. گلاشویلی^(۳)، ۱۹۸۱.
 - ۴- «اسناد تاریخی گرجی - فارسی قرنهای شانزدهم تا هجدهم میلادی»، ن. دوندوآ^(۴)، ۱۹۸۴.
 - ۵- «مجموعه فرامین شاهان ایران که در مخازن تفلیس بایگانی شده است»، م. تودوآ، ۱۹۸۹.
- برخی از پژوهشگران گرجی نیز توجه خود را به مطالعه و تحلیل روشن و ترتیب تدوین اسناد فارسی در رعایت مقررات دیپلماسی معطوف داشته اند از جمله:
- ۱- «گوشه ای از تاریخ دیپلماسی در زبان فارسی قرون شانزدهم و هجدهم»، ت. آباشیدزه^(۵)، ۱۹۷۷.
 - ۲- «مسائل توصیف مآخذشناسی اسناد گرجی - فارسی قرنهای شانزده تا هجده»، ن. دوندوآ، ۱۹۸۶.
 - ۳- «مهرهای گرجی قرنهای هفده و هجده»، با نوشته به دو زبان و بیشتر، ک.

1.A. Cheishvili

2.K. Tabatadze

3.N. Gelashvili

4.N. Dundua

5.T. Abashidze

برادزه، ۱۹۸۶.

تحقیقات در مورد تاریخ پیش از اسلام بر اساس مطالعه تطبیقی سنگنبشته‌ها، مسکوکات عصر و ... نیز صورت گرفته است. از جمله:

- ۱- «دولت هخامنشی و تمدن جهانی»، گ. تسرتلی، ۱۹۸۶.
 - ۲- «گرجستان شرقی (کارتیل) در قرنهای سوم تا هفتم میلادی و روابط آن با دولت ساسانی»، م. تسوتسلیا^(۱)، ۱۹۷۵.
 - ۳- «فهرست مسکوکات ساسانی گرجستان»، م. تسوتسلیا، ۱۹۸۱.
 - ۴- «نگین‌های ساسانی در گرجستان»، ک. رامی‌شویلی، ۱۹۷۹.
 - ۵- «سنگنبشته‌های ساسانی به مثابه مأخذ تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران»، گ. آمیراناشویلی^(۲)، ۱۹۷۱.
- محققان گرجی سهم شایسته‌ای در تحقیق و مطالعه تاریخ دوره سلجوقی، مغول و پس از آن دارند. از جمله نوشته‌های آنان در این زمینه می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:
- ۱- «سلجوقیان و گرجستان در قرن یازدهم»، ن. شنگه‌لیا^(۳)، ۱۹۶۸.
 - ۲- «واحد‌های سیاسی شرق تا ماوراءالنهر در قرنهای یازدهم و دوازدهم میلادی»، پ. توپوریا، ۱۹۸۰.
 - ۳- «استقرار دولت اسماعیلیه در ایران در قرنهای دوازدهم و سیزدهم میلادی»، گ. سانیکیدزه^(۴)، ۱۹۹۰.
 - ۴- «مغولها و استیلاگری آنها»، س. تسین تسادزه^(۵)، ۱۹۶۰.

1.M. Tsotselia

2.G. Amiranashvili

3.N. Shengelia

4.G. sanikdze

5.Y. Tsinsadze

۵- «گرجستان بین قرنهای چهاردهم و پانزدهم بر اساس منابع فارسی»، کاتسی تابادزه، ۱۹۷۵.

۶- «روابط گرجستان با ایلخانیان و جلایریان»، تس. گوابریدزه، ۱۹۸۶.
پس از آنکه دولت روسیه به عنوان قدرت مطرح و در صحنه سیاسی آسیا و اروپا ظاهر شد، مقدمات علاقه روسیه به مسائل خاور نزدیک رفته رفته اهمیت یافت و گرجستان نیز در گردونه سیاست بین‌المللی قرار گرفت و در مورد توجه سه قدرت نیرومند زمان یعنی ایران، عثمانی و روسیه واقع شد. مسائل تحقیقاتی برخی از دانشمندان گرجی نیز معطوف به موضوع و مسائل مربوط به گرجستان قرنهای شانزدهم تا نوزدهم میلادی گردید و آثاری در این زمینه چاپ و منتشر شد که از جمله می‌توان از چند اثر زیر به عنوان نمونه یاد کرد:
۱ - «تذکره شاه طهماسب اول به مثابه مأخذ تاریخی ملل ماورای قفقاز»، ک. تاباتادزه، ۱۹۵۵.

۲ - «تاریخ روابط ایران و گرجستان از قرن شانزدهم تا دهه سوم قرن هفدهم میلادی»، ب. جاواخیا^(۱)، ۱۹۸۶.

۳ - «روابط بین‌المللی خاور نزدیک در قرنهای شانزدهم تا هجدهم با توجه به معاهدات ایران و دولت عثمانی»، و. چوچیف^(۲)، ۱۹۷۱.

۴ - «حکومت مرکزی ایران صفویه»، ن. سورگولادزه^(۳)، ۱۹۹۰.

۵ - «گرجستان و ایران صفوی براساس داده‌های سکه‌شناسی»، ت. کوته‌لیا^(۴)، ۱۹۷۹ و «فهرست سکه‌های مسی ایران موزه تاریخ گرجستان»، ۱۹۹۰.

1.B. Javakhia

2.V. Chochiev

3.N. Surguladze

4. Th. Kutelia

۶ - «روابط ایران، فرانسه در اوایل قرن هجدهم و گرجستان»، ن. آخالادزه^(۱)، ۱۹۹۰.

۷ - «حملة آغامحمدخان به گرجستان»، ی. تسین تسادزه، ۱۹۶۹.
ایران‌شناسان گرجستان در عین حال دامنه تحقیقات خود را به مسائل قرنهای نوزدهم و بیستم ایران نیز کشانده و آثاری ارزشمند در این مورد ارائه داده‌اند. به عنوان نمونه:

۱ - «مستشاران خارجی و ارتش منظم ایران در قرن نوزدهم»، ن. تر-گائف^(۲)، ۱۹۸۴.

۲ - «فعالیت مراکز فرهنگی و علمی غرب در ایران در سالهای ۱۹۷۵-۱۹۶۰»، ا. کیکنادزه، ۱۹۸۲.

۳ - «تجاوز ایدئولوژیکی کشورهای رشد یافته غرب در ایران در سالهای ۱۹۷۰-۱۹۶۰»، ا. کیکنادزه، ۱۹۸۳.

۴ - «دولت اسلامی معاصر و مبنای نظری آن»، پ. سورگولادزه^(۳)، ۱۹۸۴.
برخی از پژوهشگران گرجی دامنه تحقیقات خود را به مطالعه در باره شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عشایر و اقلیتهای ملی ایران کشانده و اختصاص داده‌اند. از جمله این آثار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ - «ترکمنهای ایران در سال، ا. گویلاوا^(۴)، ۱۹۶۸.
۲ - «سیاست مرکزگرایی دولت ایران و مسئله کوچ نشینان ایران در دهه دوم قرن بیستم»، ا. گویلاوا، ۱۹۸۱.

1.N. Akhaladze

2.N. Ter-OGanov

3.P. Surgoladze

4.O. Gvilava

- ۳ - «گرجی‌های فریدنی»، آ. چهلیدزه^(۱)، ۱۹۵۱.
- ۴ - «گرجی‌های فریدنی»، گ. چیپاشویلی، ۱۹۶۳.
- ۵ - «سکنه گرجی ایران»، گ. چیپاشویلی، ۱۹۹۰.
- ۶ - «ازدواج در خانواده‌های گرجی فریدنی»، گ. گوتسی ریدزه، ۱۹۸۷.
- از جمله تحقیقاتی که از جانب محققان گرجی در زمینه جغرافیای ایران صورت گرفته می‌توان به دو اثر زیر اشاره نمود:
- ۱ - «مسائل عمده ترکیب و تطور شهرهای ایران»، ا. روندلی، ۱۹۷۴.
- ۲ - «اصفهان و حومه آن»، ف. زوریکاشویلی^(۲)، ۱۹۷۹.
- با توجه به این آثار، ویژگی خاص پژوهشهای اندیشمندان گرجی را می‌توان در تنوع مطالب و زمینه‌های گوناگون دانست که محققان و ایرانشناسان گرجستان با دیدی ملی و پژوهشگرانه به بررسی مطالب مورد نظر پرداخته‌اند و روابط تنگاتنگ تاریخی و فرهنگی ایران و گرجستان بحق موضع علمی معتبری در مقیاس جهانی برای آنها فراهم کرده است.
- همانگونه که گفته شد، سنت نیک ترجمه آثار شعرا و نویسندگان ایرانی در گرجستان که از دیرباز رایج بوده و کماکان زنده است و خوانندگان گرجی از برکت ترجمه‌ها می‌توانند با همه آثار کلاسیک ادبیات فارسی و شعرای معاصر و فولکلور ایران و ایرانی به زبان مادری خود آشنا گردند.^(۳) از سوی دیگر ایجاد و توسعه علوم ایرانشناسی به مفهوم و تعبیر جدید آن مرهون فعالیت علمی و پداکوژیک دانشمندانی چون ا. جواخیشویلی در تاریخ، گ. آخوالدیانی در زبان‌شناسی و یو. آبولادزه در ادبیات شناسی می‌باشد که از رفتگانی‌اند که

1.A. Chelidze

2.F. Zurikashvili

۳- مفتاح و وهاب‌لی: نگاهی به ایرانشناسی و ایرانشناسان در کشورهای مشترک‌المنافع و

گامهای مؤثری در ترویج علم و فرهنگ گرجی و استقرار ایرانشناسی در گرجستان برداشته‌اند.

بنا به گزارش سفارت جمهوری اسلامی ایران در تفلیس از جانب رئیس جمهور گرجستان فرمانی خطاب به دستگاههای فرهنگی این کشور صادر شده است که به موجب یکی از مواد این فرمان، وزارت آموزش جمهوری گرجستان موظف است که تدریس زبانهای شرقی (عربی، فارسی، ترکی و عبری) را به عنوان زبانهای خارجی در آموزشگاههای عمومی و عالی کشور در برنامه درسی سالهای ۱۹۹۴-۱۹۹۶ منظور کند. بدین ترتیب مشاهده می‌شود که تدریس و فراگیری زبان فارسی نیز در سطوح از آموزشگاههای گرجستان اجباری و جزو درس رسمی به حساب آمده است.

فصل پنجم

ایران‌شناسان گرجستان از آغاز تا دوران معاصر

□ حبیش بن لبراهیم تفلیسی

زمان زندگی این مؤلف شهیر گرجی به درستی معلوم نیست، ولی به احتمال زیاد او در قرون ششم و هفتم هجری می‌زیسته است. زندگانی این مؤلف به علت کثرت و تنوع آثارش در لغت، پزشکی، ستاره‌شناسی و ثبت فرهنگ عامه روزگار خویش به زبان فارسی اهمیت خاصی دارد. او پس از ترک زادگاهش تفلیس، مدتی در نواحی آسیای صغیر و بغداد زیسته و سپس راهی دیار روم گردیده است. حبیش در تفلیس امکان و فرصت این را داشته است که علاوه بر ادب، لغت، نجوم و پزشکی پنج زبان فارسی، عربی، سریانی، رومی و یونانی را فرا بگیرد و از این نظر در میان مؤلفان و فرهنگ‌نویسان روزگار خویش کم‌نظیر بوده است. او در بغداد دست به تدوین فرهنگ دارویی مشتمل بر این پنج زبان زده است و علت این امر بدان جهت بوده که در آن زمان از سرزمینهای مختلف برای تعلیم و تعلم به بغداد می‌رفته‌اند و به علت سکونت گروه‌هایی از مردم

سرزمینهای مختلف، در این زمینه احساس نیاز کرده است.^(۱)
 نکته دیگری که حائز اهمیت است علت ترک گرجستان و مهاجرت وی به بغداد بوده است و اینکه چرا وی پس از فراگیری پنج زبان دیار خویش را ترک کرده است؟

بررسی حوادث زادگاه او در آن سالها شاید بتواند فرضیه‌ای بر علت مهاجرت تفلیسی و سال آن به دست دهد و زمان زندگی او را روشن تر نماید.^(۲)
 تفلیس از همان اوائل گسترش اسلام به تصرف مسلمانان درآمد و بتدریج با اسلام آوردن گروهی از گرجیان و درآمدن گروههایی از فاتحان مسلمان، فرهنگ اسلامی و ایرانی در آن سرزمین رواج یافت. از اوائل قرن ششم با تشمت و پراکندگی فرمانروایان و حکمرانان کشورهای اسلامی گرجیان قدرت از دست رفته را بازیافتند و بر علیه فاتحان دست به شورش زدند. در سال ۵۱۴ هجری قمری گرجیان به فرماندهی داود دوم و با همدستی قوم قَبچاق و سایر غیرمسلمانان قیام کردند. این دوران مصادف با حکومت سلاجقه بوده است که عکس‌العمل آنان را برانگیخت و به گرجستان حمله کردند. در این یورش سی هزار مرد جنگی تفلیس را مورد حمله قرار دادند. این حمله به شکست مهاجمین انجامید و چهار هزار اسیر به دست گرجیان افتاد. گرجیان شهر تفلیس را محاصره کردند و این محاصره تا سال ۵۱۵ هجری ادامه پیدا کرد. آنان سرانجام شهر را گرفتند و سوزاندند و غارت کردند و سرانجام فرمانروایی سیصد چهارصد ساله امرای مسلمان بر تفلیس پایان یافت.

ابن‌الاثیر در حوادث سال ۵۱۶ از ورود گروهی از فراریان و آوارگان مسلمان تفلیسی به بغداد خبر می‌دهد و می‌توان چنین حدس زد که حبیش تفلیسی نیز

۱- م. ریاحی، «تفلیسی، پيشاهنگ فارسی‌نویسی در دیار روم»، آینده، سال هفتم،

ش ۸، آبان ۱۳۶۰، ص ۶۲۰-۱.

۲- همان، ص ۶۲۱.

در همین سال یا در سال پیش از آن که تفلیس به دست گرجیان افتاد، راه بغداد را در پیش گرفته باشد.

این ادیب گرجی پس از ترک گرجستان راه دیار خلفای عباسی را در بغداد در پیش گرفت و نزد شرف‌الدین که در دستگاه خلافت بغداد دارای مقامی ارجمند بود، رفت و در زمان اقامت خویش در بغداد و هنگام وزارت شرف‌الدین، فرهنگ دارویی پنج زبانه خود یعنی «تقویم الادویه» را به تحریر در آورد. تفلیسی در سالهای اقامت خویش سایر آثار عربی خویش را از جمله یازده رساله طبی، «نظم السلوک» و «کامل‌التدبیر» نگاشت.^(۱)

تفلیسی پس از چند سال اقامت در بغداد، در جستجوی بازاری که کالای قند پارسی در آن رواج داشته باشد، روی به دیار روم می‌نهد و در آنجا که در سایه ادب‌پروری سلجوقیان روم و مهاجران و دیوانیان ایرانی محیط مناسبی برای زبان و فرهنگ ایرانی فراهم بود، آثاری به زبان فارسی به وجود می‌آورد که امروز ده کتاب و رساله از آنها در دست ماست.

با وجود اینکه در سالهای حیات این ادیب و دانشمند گرجی اختلافاتی موجود است ولی آنچه مسلم است اینکه تاریخ حیات وی در سال ۵۴۵ قطعی است. تفلیسی در این سال پس از چهار سال زحمت مداوم و طاقت‌فرسا مهمترین و مفصل‌ترین کتاب خود «قانون ادب» را تألیف کرده است. در پشت نسخه‌ای از آن کتاب آمده است:

تمام کردم در سال پانصد و چهل و پنج

ز فضل یزدان، اندر ادب من این قانون

چهار سال در او نفس و جان شیرین را

ز پس تفکر در رنج داشتم مقرون

یکی از اصولی که وی در کتابهایش رعایت کرده این است که در مقدمه هر کتاب، از کتاب قبلی خود که از تألیف آن فراغت یافته، نام می‌برد و این کار ما در

تعیین تاریخ تألیف کتابهای او یاری می‌کند.

از جمله کتابهای وی می‌توان به «قانون ادب»، «بیان التصریف» یا «بیان النجوم»، «وجوه قرآن»، «تلخیص علل قرآن»، «بیان الصناعات» و «بیان الطلب» اشاره کرد. تفلیسی سه کتاب دیگر نیز تألیف کرده که به نام دو تن از سلجوقیان روم هدیه شده است. یکی کتاب «کفایة الطلب» در سال ۵۵۰ به نام ابوالحارث ملک‌شاه که ظاهراً باید قطب‌الدین شاه حاکم سیواس و آقرا و بزرگترین پسر قلیچ ارسلان ولیعهد او باشد. دیگر «کامل‌التعبیر» که بعد از «صحۃ‌الابدان» برای قلیچ ارسلان بن مسعود نوشته و دیگر ترجمه «قوافی» که به اشارت همو آغاز کرده و به نام قطب‌الدین به اتمام رسانده است.

قلیچ ارسلان دوم در جلب و حمایت اهل دانش و فن می‌کوشید و در زمان سلطنت نسبتاً درازش به روایت ابن بی‌بی در آسیای صغیر پنج زبان رواج داشت ولی پادشاهان سلجوقی به زبان فارسی سخن می‌گفتند.^(۱)

تفلیسی در مرحله بعدی تألیفات خویش، فرهنگ عامه روزگار خود را موضوع کتابهایش قرار داد و بطوریکه مقدمه کتابهای موجودش برمی‌آید بعد از فراغت از تألیف «قانون ادب»، «ملحه دانیال» را می‌نویسد. آخرین اثر شناخته شده تفلیسی «جوامع‌البیان در ترجمان قرآن» است که این کتاب را بعد از «کامل‌التعبیر» تألیف کرده است.

سال درگذشت این دانشمند و نویسنده پرکار و برجسته گرجی به روایتی سال ۶۲۹ (نوشته شده در کتاب کشف‌الظنون) ذکر شده و به روایتی ۵۵۹ سال فوت او دانسته شده است و در روایت دیگر نیز سال ۵۷۶ آمده است.^(۲)

با توجه به آنچه گفتیم شخصیت تفلیسی به عنوان پیشاهنگ در دیار روم و یکی از کسانی که کاروان قند پارسی را به مرکز آن سرزمین برده‌اند و گنجینه آثار

۱- همان، ص ۳-۶۲۲.

۲- همان، ص ۴-۶۲۳.

او کهن‌ترین نوشته‌های فارسی است که در آن دیار تحریر گردیده و برجای مانده ارزش و اهمیت خاصی در تاریخ فرهنگ ایرانی دارد. وجه امتیاز دیگر این مؤلف در آن است که او زمانی ظهور کرد که اکثر نزدیک به تمام شاعران و نثرنویسان از شرق و شمال شرق ایران برخاسته بودند و او در شمال غربی‌ترین مرز فرهنگی ایران آن روز به دنیا آمد و تربیت یافت و از این روی در آثار او لغاتی از لهجه‌های شمال غرب ایران برجای مانده است.^(۱)

❑ شوتا روستاولی

در باره روستاولی اطلاعات دقیق و کاملاً صحیح خیلی کم برجای مانده است. دانسته‌های ما حکایت از دارد که وی خزانه‌دار دولتی ملکه تامارا بوده است (۱۱۸۴-۱۲۱۳). او شاعر ولی نعمت خود و داوید شوهر او را با نهایت احترام در ابیاتی که سروده، ستایش و مدح کرده است. منظومه معروف «پهلوان پلنگینه پوش» عالی‌ترین مجموعه بی‌نظیر قرون وسطی از تألیفات هموست.^(۲)

روستاولی شاعر گرجی در رشته‌های مختلف دانش و هنر و ادبیات عصر خویش متبحر بوده و به زبانهای فارسی، عربی، یونانی و لاتینی و زبان دیگر ملل تسلط داشت و آثار شاعران پرنبوغی چون فردوسی، گرگانی، نظامی و دیگران را به زبان اصلی می‌خوانده است. آشنایی وی با ادبیات فارسی از اینجا پیداست که در منظومه وی نام قهرمانانی از آثار ادبی فارسی ذکر می‌شود. مثلاً رستم از «شاهنامه» فردوسی و قیس از «لیلی و مجنون» نظامی و «ویس و رامین» از منظومه‌ای به همین نام *فخرالدین گرگانی* و *سلامان* از منظومه «سلامان» اثر گوینده‌ای مجهول که بر پایه ترجمه عربی *ابن اسحاق* مورد استفاده روستاولی

۱- همان، ص ۴-۶۲۳.

۲- الکساندر بارامیدزه، «شوتا روستاولی»، پیام نوین، ش ۵، دوره هشتم، ۱۳۴۵، ص ۱۲.

قرار گرفته بود.^(۱)

□ آساطور گئورگ

آساطور گئورگ در ژوئن سال ۱۸۶۸ در شهر تفلیس دیده به جهان گشود. وی بیشتر به نام *آستوازا توریان* شهرت داشت. او دانشکده باستان‌شناسی و زبانهای شرقی را در شهر پترزبورگ به پایان رساند. وی سالها استاد دانشگاه دولتی ایروان بود و به عنوان شاعر وارد صحنه ادبیات شد و آثارش در نشریات ادواری به چاپ رسید. وی سرانجام در سال ۱۹۳۷ دیده از جهان فرو بست.^(۲)

□ آبا یف ولسیلی ایوانوویچ

وی در اُستی جنوبی واقع در گرجستان به دنیا آمد. وی در سال ۱۹۲۲ وارد دانشکده زبانهای ایرانی پتروگراد گردید و در سال ۱۹۵۲ از این دانشکده فارغ التحصیل شد. در سال ۱۹۶۳ دکترای زبان‌شناسی گرفت و در ۱۹۶۹ به درجه استادی رسید. *ایوانوویچ* از سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۱ آموزگار مدارس ابتدایی زادگاهش دهکده کُبی بود و در سال ۱۹۲۵ استادیار دانشکده زبانهای ایرانی دانشکده پتروگراد گردید. از سال ۱۹۲۸ در دانشکده زبان و افکار (دانشکده زبان‌شناسی کنونی) وابسته به آکادمی علوم شوروی به کار مشغول شد و از سال ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۰ رئیس دانشکده زبان‌شناسی و از ۴۴-۱۹۴۲ رئیس کرسی دانشسراهای عالی اُستی شمالی و جنوبی بود. او در سال ۱۹۴۸ پس از بازگشت به لنینگراد به کار در دانشکده زبان و افکار ادامه داد و در ۱۹۵۱ در دانشکده زبان‌شناسی آکادمی علوم شوروی و مسکو مشغول به کار شد. وی متخصص

۱- داوید کوبیدزه، «روستاولی و ادبیات فارسی»، پیام نوین، ش ۶، دوره هشتم، آذر ۱۳۴۵،

ص ۸-۱۶.

۲- همان، ص ۱۰۱.

زبانهای باستانی ایران در انستیتوی زبان‌شناسی آکادمی علوم شوروی بود و تحقیقاتش نیز در زمینه زبان‌شناسی تطبیقی - عمومی و همچنین زبانهای سکایی، آلانی و تأثیر آنها بر زبانهای اسلاوی است.^(۱)

■ آخوالدیان‌گی گنورگی سارایدلنوویچ

آخوالدیان‌گی در ۱۳ آوریل سال ۱۸۸۷ در قریه دربی از قرای کوتائسی به دنیا آمد. وی از دانشگاه‌های خارکف و پتروگراد فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۹۳۹ عضو مکاتبه‌ای آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی و در سال ۱۹۴۱ عضو آکادمی علوم گرجستان گردید. وی از بنیانگذاران دانشگاه تفلیس و استاد کرسی زبان‌شناسی آن دانشگاه بود. ۱۳۰ رساله علمی زیر نظر او تألیف شد که بخش مهمی از آن مربوط به زبان‌شناسی ایرانی بوده است. ترجمه اوستا به زبان گرجی از مهمترین کارهای او در این دوره بوده است. وی متخصص زبان‌شناسی فارسی زبانهای باستانی میانه آسی و دارای مطالعات زیادی در باره مناسبات ادبی و فرهنگی ایران و گرجستان و تحقیقاتی در مورد زبانهای فارسی و گرجی بوده است. تألیفات عمده او در زمینه مطالعات هند و ایرانی و آسی است. او بررسیهایی نیز در باره آواشناسی کارتولی و زبانهای گرجی قفقازی و زبان‌شناسی همگانی (نظریه آواها مسائل مربوط به همنشینی جایی و آواشناسی تجربی) انجام داده است. او کتابهایی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه تألیف کرده است. وی سرانجام در سال ۱۹۷۳ چشم از جهان فرو بست.^(۲)

۱- فرهنگ خاورشناسان، جلد اول، (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی) ۱۳۷۲،

ص ۳۵.

۲- همان، ص ۶۵.

❏ ولادیمیر پوتوریدزه

او که در سال ۱۸۹۳ به دنیا آمد، در رشته‌های مربوط به مطالعات ایرانی به تحصیل پرداخت. این ایرانشناس بزرگ گرجی، کارشناس برجسته در رشته تشخیص اسناد کهن تاریخی و پالئوگرافی (علم خطوط باستانی)، عضو هیأت رئیسه انجمن دوستی گرجستان با ایران و قدیمی‌ترین خاورشناس گرجستان بود و زبان و ادبیات و مآخذ و منابع تاریخی آن را به نحوی عالی می‌دانست. وی در بررسی علمی - تاریخی مناسبات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی گرجستان و ایران و همچنین در بررسی روابط ادبی ایران و گرجستان سهم بسیار مهمی داشته است. پوتوریدزه سالیان دراز زبان فارسی و پالئوگرافی (علم خطوط باستانی) و تاریخ ایران را در دانشگاه تفلیس درس می‌داد. نکته بسیار قابل توجه آن که اکثر ایرانشناسان که اکنون در گرجستان فعالیت می‌کنند از شاگردان او هستند.

تمامی نسخ خطی و مجموعه‌های فارسی فرهنگستان علوم گرجستان زیر دست و نظر پوتوریدزه قرار داشته و نامبرده اهمیت آنها را تعیین و وصف نموده است و پوتوریدزه در همین مجموعه چند نسخه بسیار گرانبها و منحصر بفرد یافته است که بسیار اهمیت دارد.

پوتوریدزه برای کسب اطلاعات در باره گرجستان و قفقاز در تألیفات تاریخی و جغرافیایی که به زبان فارسی نگاشته شده، فعالیت مهم و زیادی انجام داده است. وی همچنین منابع گرجی در باره تاریخ ایران را مورد توجه قرار داده و در این زمینه تحقیقاتی به انجام رسانده است. او همچنین در امر مطالعه و چاپ اسناد فارسی به این نتیجه رسید که بسیاری از اسناد مخازن شهر تفلیس که به زبان گرجی بود، دارای نوشته‌ها و اضافاتی به زبان فارسی است. متن فارسی یا در حاشیه بالا به شکل سطور عمودی یا مورب نسبت به متن گرجی نوشته شده و یا در ظهر کاغذ نگارش یافته است. هنگام مطالعه این اسناد معلوم شد که

احکام به دو زبان گرجی و فارسی است.^(۱)

در سال ۱۹۵۵ پوتوریدزه، مجموعه بزرگی را که شامل ۱۹۲ سند به دو زبان گرجی و فارسی بود، چاپ و منتشر کرد که اصل اکثر آنها (۱۵۶ سند) محفوظ مانده است. در آن مجموعه متون گرجی و فارسی و ترجمه متون فارسی و وصف مبسوط هر سند درج گردیده است که سه مجموعه از آن در سالهای ۱۹۶۱، ۱۹۶۲ و ۱۹۶۵ به طبع رسید و انتشار یافت. در این مجموعه فرامین و احکام شاهان صفوی نیز وجود دارد که قدیمی‌ترین سند از اسناد طبع شده فرمان شاه طهماسب اول به نام سراج‌الدین و برادر وی معین‌الدین و مولانا عطاءالله است. آخرین سند دوره صفویه در مجموعه تفلیسی حکم شاه طهماسب دوم به نام نورالدین محمد بک وزیر مازندران که در ماه ذی‌الحجه سال ۱۱۳۹ هجری نوشته شده است.^(۲)

فرامین و احکام فارسی دوره صفویه که ولادیمیر پوتوریدزه انتشار داده حاوی غنی‌ترین منابع و اطلاعات برای بررسی مسائل بسیار مختلف تاریخ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشورهای ماوراء قفقاز و ایران است. اسناد مذکور می‌تواند مسائل مربوط به مالکیت فئودالی اراضی در گرجستان و ایران، سیاست مالیاتی، تاریخ مناسبات و روابط متقابل ایران و گرجستان را به خوبی عیان نماید.

پوتوریدزه در نتیجه سالها کار و زحمت بسیار دقیق، کتابی به نام «فرهنگ کلمات شرقی در احکام و فرامین گرجی» تنظیم کرده است. وی علاوه بر این، فرهنگ فارسی - عربی - گرجی تألیف پارسادان گرگی جانیدزه نویسنده سده ۱۷ گرجستان را طبع و منتشر کرده است.

۱-رواز کبکنازده، «به یاد ولادیمیر پوتوریدزه»، پیام نوین، ش ۸، دوره ۸، مرداد ۱۳۴۵، ص

۸-۱۰.

۲-همان، ص ۱۰-۴.

پوتوریدزه در نظر داشت منتخبی از فرامین و احکام نادرشاه و سلاطین قاجار را وارد نشریهٔ چهارم از جلد اول آثارش نماید. این مجموعه روی میز تحریر این دانشمند ماند و وی فقط توانست فرامین نادرشاه را برای چاپ حاضر کند. وی روز قبل از مرگش که در تاریخ ۲۳ آوریل ۱۹۶۳ واقع شد، شب را تا دیر وقت در اتاق کار خود کار می‌کرد و نمونه‌های غلط‌گیری را از نظر می‌گذراند و ترجمه‌های اسناد فارسی را تصحیح می‌کرد و تفسیرهای لازم را می‌نوشت، ولی چند ساعت بعد مانند سربازی که به خاطر علم و دانش نبرد می‌کرد، درگذشت. از وی کتاب «منتخبات فارسی» در سال ۱۹۴۶ در شهر تفلیس برجای مانده است.^(۱)

□ گئورگی تسرتلی

ایران‌شناس گرجی معاصر که در سال ۱۹۰۴ میلادی به دنیا آمد، پس از طی تحصیلات خویش و آشنایی با ایران به ریاست شعبهٔ علوم اجتماعی آکادمی علوم گرجستان منصوب گردید. وی پیش از این، ریاست انستیتوی خاورشناسی این شعبه را به عهده داشت. سرپرستی مستقیم مطالعات ایران‌شناسی انستیتو نیز با رئیس آن تسرتلی بود که عضو فرهنگستان علوم گرجستان، عضو انجمن آسیایی انگلستان و متخصص زبان‌شناسی ایرانی و کتیبه‌های میخی و سنگنبشته‌های دوران ساسانی نیز بود. تسرتلی با علاقهٔ شخصی خود و با همکاری مؤثر گروهی از دانشمندان دیگر عضو این کانون، انستیتوی خاورشناسی گرجستان را به صورت یکی از مراکز فعال ایران‌شناسی در آورد. وی در سال ۱۹۷۳ دیده از جهان فرو بست.

آثار وی:

- «دولت هخامنشی و تمدن جهانی».

- «در آلان در کتیبه شاپور».^(۱)

□ دلوید کوبیدزه

وی در سال ۱۹۰۶ در یکی از شهرهای گرجستان به دنیا آمد. کوبیدزه در زمره دانشمندانی است که در تحقیق در باب مسائل ایران حقی عظیم دارد. بصیرت و اطلاعات او بر منابع ادبی گرجی و فارسی، قدرتش در فهم متون کهن گرجی و فارسی و احاطه کم‌نظیرش بر دقائق شعر گرجی و فارسی نیز از صفات مشخصه و ممتاز بشمار می‌رفت.

از آثار استاد کوبیدزه کتابهای زیر را می‌توان ذکر کرد:

- «روابط ادبی گرجی - فارسی»، سه جلد، ۱۹۸۱-۱۹۶۶.

- «مجموعه مقالات رودکی»، ۱۹۵۷.

- «منتخبات فارسی»، دو جلد، ۱۹۶۷-۱۹۶۴.

- «ترجمه منظوم بوستان سعدی»، ۱۹۶۴.

- «روایات گرجی شاهنامه»، جلد سوم، ۱۹۷۴.

- «مجموعه مقالات جامی»، ۱۹۶۴.

- «تاریخ ادبیات فارسی»، ۱۹۷۵.

- مجموعه تتبعات کوبیدزه تحت عنوان «روابط ادبی گرجستان و ایران»، سه جلد، ۱۹۸۳-۱۹۶۹.

این آثار را کوبیدزه در دانشگاه تفلیس به چاپ رساند. این ایران‌شناس برجسته گرجی، سرانجام در سال ۱۹۸۱ دارفانی را وداع گفت.

□ الکساندر بارامیدزه

بارامیدزه ریاست تاریخ ادبیات گرجی «شوتا روستاولی» را بر عهده داشت و از ایران‌شناسان با سابقه گرجستان بود که تحقیقات متعددی در زمینه ادبیات

فارسی داشت. این آثار که به صورت کتابهای مستقل یا مقالات تحقیقی در نشریه دانشگاه تفلیس یا بولتن موزه دولتی گرجستان یا مجلات وابسته به سایر مراکز فرهنگستان علوم گرجستان انتشار یافته است. از زمره این کتابها و مقالات تحقیقی می‌توان از آثار ذیل نام برد:

- «یادداشت‌هایی در باره روایات گرجی شاهنامه»، ۱۹۲۷.
- «بخشهایی از روایات منثور گرجی در باره شاهنامه»، ۱۹۳۴.
- «فردوسی و شاهنامه»، ۱۹۳۴.
- «شاهنامه فردوسی در ادبیات گرجی»، ۱۹۳۴.
- «روابط ادبی و هنری گرجستان و ایران»، ۱۹۳۴.
- «میراث ادبی فردوسی»، ۱۹۳۵.
- «روایات گرجی شاهنامه که به تازگی بدست آمده است»، ۱۹۳۵.
- «شاهنامه فردوسی در ادبیات گرجی»، به زبان فرانسه، ۱۹۳۶.
- «موارد مشابه در شاهنامه فردوسی و منظومه پهلوان پلنگینه پوش»، روستاولی، ۱۹۳۶.
- «در باره داستان ویس و رامین»، ۱۹۳۷.
- «فردوسی و روستاولی»، ۱۹۳۸.
- «روایات گرجی در باره داستان فرهاد و شیرین»، ۱۹۴۲.
- «ویس و رامین»، ۱۹۴۵.
- «روایات گرجی کلילה و دمنه»، ۱۹۴۵.
- «نظامی»، ۱۹۴۷.
- «نظامی و ادبیات گرجی»، ۱۹۴۷.
- «ترجمه کلילה و دمنه»، ۱۹۴۹.
- «روابط ادبی باستانی گرجستان و ایران»، ۱۹۶۱.
- «روایات گرجی کلילה و دمنه»، ۱۹۶۲.
- «نظریاتی در باره منابع پارسی روایات گرجی یوسف و زلیخا»، ۱۹۶۴.

- «درباره نوع ادبی منظومه ویس و رامین»، ۱۹۶۶، (۱).

□ یوستین آبولادزه

او متولد سال ۱۸۷۴ بود. تخصص وی ادبیات‌شناسی بود. او در زمان حیات خویش با تلاشهای خود گامهای مؤثری در ترویج علم و فرهنگ گرجی و استقرار ایران‌شناسی در گرجستان برداشت. وی در سال ۱۹۶۲ دیده از جهان فروبست. آثار وی:

- «دستور زبان فارسی»، برای دانشجویان دانشکده خاورشناسی، تفلیس، ۱۹۵۳.

- «روایات گرجی شاهنامه»، جلد اول، با حواشی و تحقیقات، ۱۹۱۶.

- «روایات گرجی شاهنامه»، جلد دوم، ۱۹۳۴.

□ ای. جاواخیشویلی

رشته تخصصی وی تاریخ ایران بود. او از دانشمندان بزرگ و رجال برجسته اجتماعی گرجستان به حساب می‌آید و از پایه‌گذاران و عوامل مؤثر در ترویج فرهنگ و علم ایران‌شناسی در گرجستان است. وی مؤسس دانشگاه تفلیس و پایه‌گذار مکتب جدید تاریخ‌شناسی گرجی است. او با احاطه خویش بر مآخذ و منابع گرجی، ارمنی، فارسی، عربی و ترکی در حقیقت، اولین دانشمند گرجی عصر جدید است که اطلاعات مندرج در تألیفات وقایع‌نگاران ایرانی در باره گرجستان را به محک نقد زده و از آنها بهره‌های فراوان برده است. **جاواخی شویلی** گامهای بلندی در جهت تربیت نسل جوان دانشمندان گرجی در رشته‌های مختلف تاریخ برداشته است.

□ رولز کیکنادزه

این ایرانشناس گرجی که در سال ۱۹۲۳ متولد شد، بیشتر فعالیتهای علمی - تحقیقاتی اش در باره تاریخ ایران بود. وی یک سلسله تحقیقات علمی خود را به مسائل تاریخ دوره مغول اختصاص داد. وی با استفاده از مراجع و مآخذ و منابع موجود اطلاعات درخور توجهی استخراج کرد و با توضیحات و حواشی به چاپ رسانیده است. آثار وی:

- «اطلاعاتی در باره گرجستان» از کتاب «تاریخ جهانگشا» تألیف علاءالدین عظاملک جوینی، ۱۹۷۴.

- «اطلاعاتی در باره گرجستان و قفقاز» از کتاب «عجایب الدنيا»، ۱۹۷۸.

- «شهرها و حیات شهروندان در دولت هلاکوئیان»، ۱۹۵۵.

□ شالوا آمیرناشویلی

این ایرانشناس گرجی متولد ۱۸۹۹ است. وی گامهای بلندی در راه مطالعه هنر نقاشی ایرانی مخصوصاً دوره قاجار برداشته است. نتیجه تبعات او در این رشته کتابی است با عنوان «نقاشی داری (دستگاهی) ایرانی» که در سال ۱۹۴۱ انتشار یافت. وی در سال ۱۹۷۵ درگذشت.

□ نودلر ناچقه‌بیا

این ایرانشناس گرجی در سال ۱۹۲۸ متولد شد. فعالیتهای ثمربخش این چهره ارزشمند گرجی در حوزه مطالعات جغرافیایی منجر به تعمیم خاورشناسی و از جمله ایرانشناسی در دانشکده جغرافیای دانشگاه تفلیس شد. در نتیجه تحقیقات پیگیر و کوششهای تشکیلاتی این استاد و همکارانش، جغرافیای ایران به صورت رشته تمام عیار دانشگاهی درآمد. از آثار مهم این ایرانشناس گرجی کتاب «ایران، توصیف اقتصادی و جغرافیایی» در سال ۱۹۷۲ می باشد. از شاگردان برجسته او می توان از ا. روندلی و بانو ف. زوریکاشویلی نام برد. ناچقه‌بیا در سال ۱۹۷۷ درگذشت.

□ ون. پنچویدزه

وی رئیس انستیتوی زبان‌شناسی آکادمی علوم گرجستان بود.

□ گ. آ. هلیکشویلی

او رئیس انستیتوی تاریخ و باستان‌شناسی و مردم‌شناسی آکادمی علوم گرجستان شعبه علوم اجتماعی است.

□ جمشید گیوناشویلی

دکتر گیوناشویلی متولد سال ۱۹۳۱ میلادی در تهران می‌باشد. او تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌اش را در دبیرستان البرز به پایان رساند. پس از آن در تفلیس در دانشگاه تاشکند در رشته فیلولوژی ایرانی - افغانی ادامه تحصیل داد و لیسانس خود را از دانشگاه تفلیس در سال ۱۳۵۸ گرفت. عنوان رساله ایشان «بخش فعلی اسامی مرکب زبان و ادب فارسی» بوده است. گیوناشویلی در سال ۱۹۹۶ دکترای خود را در علوم فیلولوژی از دانشگاه خاورشناسی دانشگاه تفلیس با عنوان «سیستم دستگاه واژه، زبان ادب فارسی» گرفت.

دکتر گیوناشویلی در دانشگاه تفلیس به عنوان استاد به تدریس اشتغال داشته و همچنین عضو انجمن ایران‌شناسان اروپا بوده و تا سال ۱۹۹۴ در انستیتوی زبان‌شناسی آکادمی علوم گرجستان بخش زبانهای هند و ایرانی مسئولیتها و سمتهای گوناگون داشته است.

وی در دانشگاه خاورشناسی دانشگاه تاشکند معلم زبان فارسی، در دانشگاه تفلیس دانشیار کرسی فیلولوژی ایرانی بوده و در فاصله سالهای ۱۹۹۴-۱۹۸۹ استاد انستیتوی آسیا و آفریقا بود و که هم اکنون نیز در چندین شورای علمی و هیأت تحریر عضویت دارد. در بسیاری از گردهمایی‌های علمی در گرجستان و سایر نقاط دنیا شرکت کرده و مقالات علمی ارائه کرده است و بنیانگذار انجمن روابط علمی - فرهنگی گرجستان - ایران می‌باشد. لازم به ذکر است دکتر گیوناشویلی از سال ۱۹۹۴ تاکنون سفیر گرجستان در ایران هستند. حوزه‌های

مورد علاقه وی «آواشناسی، مسائل دستور زبان فارسی، لغت‌شناسی، اشتقاق، مأخذشناسی، فولکلور فارسی و روابط فرهنگی و زبان گرجی و فارسی» می‌باشد. آثار و مقالات ایشان به بیش از ۱۶۰ مورد بالغ می‌شود. ایشان در یک نشست در فرهنگستان زبان و ادب فارسی ایران، اهمیت زبان و ادبیات گرجی برای تحلیل برخی از مسائل زبان و ادب فارسی را مورد بررسی قرار دادند.^(۱)

▣ آنگلیا گریگولیا

وی رئیس بخش شرقی موزه هنری دولتی گرجستان است. او زبانهای فارسی و آذربایجانی را به راحتی تکلم می‌کند و اصلاً ایرانی است و در ارومیه به دنیا آمده است و طبق اظهارات خود حتی خواهری دارد که در زادگاهش بسر می‌برد ولی سالها از وی بی‌اطلاع است. خانم گریگولیا بیش از سی سال در این سمت در موزه هنری گرجستان خدمت کرده و آثار هنری و کتب خطی فارسی و چند مجلد قرآنی خطی نفیس موزه بر اثر علاقه و کوشش او گردآوری شده است.^(۲)

▣ لولگا بارتایا

وی متولد ۱۹۶۵ میلادی در شهر تفلیس است. او در سال ۱۹۹۶ موفق به دریافت مدرک لیسانس در رشته زبان و تاریخ ایران شده و هم اکنون نیز دانشجوی فوق لیسانس در همین رشته در انستیتو آسیا - آفریقا می‌باشد. بارتایا

۱- یلدا بینش، «نقش ادبیات فارسی در زبان و فرهنگ گرجی»، کیهان، ش ۱۶۲۸۲، شنبه ۱۰ مرداد ۱۳۷۷، ص ۹.

۲- کاظم نورهاشمی، «گرجستان: رنجها و امیدها»، شماره ۷۲-۷۱، بهمن و اسفند ۱۳۷۴، کلک، ص ۲۲۳.

تاکنون مطالعاتی در زمینه تاریخ ادبیات فارسی، جغرافیا و تاریخ ایران، فرهنگ ایران، تاریخ اسلام و دستور زبان فارسی داشته است. او به زبانهای روسی، انگلیسی و فارسی آشنایی کامل دارد.

او در سال ۱۹۹۶ نیز سفری به ایران داشته و در دانشگاه اصفهان به مدت یک ماه در دورهٔ بازآموزی زبان فارسی شرکت داشته است.

■ نوهای بارتایا

وی متولد ۱۹۴۴ در شهر مارتونین گرجستان می‌باشد. وی دارای مدرک فوق‌لیسانس در رشتهٔ فیلولوژی از دانشگاه دولتی تفلیس است و هم اکنون نیز دانشجوی رشتهٔ دکترای در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی در همین دانشگاه است. او تاکنون مطالعاتی در زمینه زبان فارسی، تاریخ ایران و تاریخ هنر شرقی داشته است. دکتر بارتایا به زبانهای گرجی، روسی، فارسی و آلمانی آشنایی کامل دارد. در سال ۱۹۹۸ در کنفرانس دوم خاورشناسان که در شهر تفلیس برگزار شد، شرکت نمود. همچنین تاکنون سه بار در سالهای ۱۹۷۰، ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ برای گذراندن دوره‌های بازآموزی زبان فارسی و تقویت ترجمه زبان فارسی به ایران سفر کرده است. آثار وی:

- «ترجمه اشعار کلاسیک فارسی به گرجی».

- «چه زیباست امروز سیمای دلپذیرت».

■ هاکاناتادزه

وی که متولد ۱۹۷۳ در شهر تفلیس گرجستان است، در سال ۱۹۹۵ موفق به دریافت دانشنامهٔ کارشناسی ارشد در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه دولتی تفلیس گردید. وی مطالعاتی در زمینهٔ تاریخ زبان فارسی، دستور تطبیقی زبانهای ایرانی و متون نظم و نثر فارسی داشته است. ناتادزه به زبانهای روسی، آلمانی و انگلیسی نیز آشنایی دارد.

□ کاخابر دمتراشویلی

وی که متولد ۱۹۷۰ در شهر روستاوی گرجستان است، در سال ۱۹۹۶ موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی از انستیتوی آسیا - آفریقا شد. وی مطالعاتی در زمینه تاریخ زبان فارسی، تاریخ ایران و جغرافیای ایران داشته است. **دمترا شویلی** که به زبانهای روسی و آلمانی تسلط کامل دارد. در سال ۱۹۹۶ نیز به مدت یک ماه در دوره‌های بازآموزی زبان فارسی در دانشگاه اصفهان شرکت کرده است.

□ هایا ساخوکیا

وی متولد ۱۹۴۵ در شهر تفلیس گرجستان است و در سال ۱۹۸۸ موفق به دریافت دانشنامه دکتري خود در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه دولتی تفلیس شده است. وی به مدت پنج سال مطالعاتی در زمینه دستور زبان فارسی، زبان فارسی معاصر و کلاسیک، زبان فارسی قدیم و پهلوی و جغرافیای ایران داشته است. ایشان همچنین بیست سال سابقه تدریس فارسی در دانشگاه دولتی تفلیس و دانشکده آسیا - آفریقا را دارند و به زبانهای روسی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی کاملاً آشنا هستند. دکتر **ساختوکیا** تاکنون یک کتاب و ۸۰ مقاله در رشته زبان شناسی فارسی تألیف نموده‌اند.

□ خاتونا تدوا

این ایرانشناس گرجی که متولد ۱۹۵۵ میلادی در شهر تفلیس است، در سال ۱۹۷۷ موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس در رشته زبان و ادب فارسی از دانشگاه دولتی تفلیس گردید و هم اکنون به عنوان استادیار و کارمند علمی این دانشگاه به تدریس زبان فارسی اشتغال دارد. وی تاکنون مطالعاتی در زمینه تاریخ زبان فارسی، تاریخ ادبیات کلاسیک و معاصر فارسی داشته است. **تدوا** به زبانهای روسی، انگلیسی و آلمانی نیز آشنایی کامل دارد. در سال ۱۹۷۷ در مجمع جهانی که در مسکو و سنت پترزبورگ برگزار شد شرکت داشته و تاکنون پنج

مقاله علمی تألیف نموده است.

☐ گولنازی مامولا شویلی

وی که متولد ۱۹۵۰ در شهر تفلیس است، در سال ۱۹۷۳ موفق به اخذ مدرک لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه دولتی تفلیس شد و در سال ۱۹۸۱ نیز دانشنامه کارشناسی ارشد خود را در همین رشته و از همین دانشگاه دریافت کرد. وی به مدت پنج سال مطالعاتی در زمینه دستور زبان فارسی، زبان فارسی معاصر و کلاسیک و زبان پهلوی داشته است. خانم مامولا شویلی به زبانهای روسی و آلمانی نیز آشنایی کامل دارد. آثار وی:

- «تثاثر شناسی ایرانی».
- «موضوع نمایش در شاهنامه».
- «وسایل موسیقی در شاهنامه».
- «شاهنامه از حیث تثاثر شناسی».

☐ پاتی سبوا

وی متولد سال ۱۹۷۲ در شهر تفلیس گرجستان است. او در سال ۱۹۹۶ موفق به دریافت مدرک لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی شد و هم اکنون نیز دانشجوی فوق لیسانس در همین رشته در مرکز انستیتوی آسیا - آفریقا می باشد. وی تاکنون مطالعاتی در زمینه دستور زبان فارسی، تاریخ زبان فارسی، متون نظم و نثر فارسی کلاسیک و معاصر داشته است. خانم سبوا به زبانهای روسی، انگلیسی و فارسی آشنایی کامل دارد. وی در سال ۱۹۹۶ به ایران سفر کرده و در دوره بازآموزی زبان فارسی در دانشگاه اصفهان به مدت یک ماه شرکت داشته است.

☐ گیورگی باکورا دزه

باکورادزه متولد ۱۹۷۲ در شهر تفلیس است. او در سال ۱۹۹۶ موفق به

دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته زبان فارسی و تاریخ ایران از انستیتوی آسیا - آفریقا تفلیس گردید و تاکنون مطالعاتی در زمینه دستور زبان فارسی، تاریخ ادبیات فارسی و تاریخ ایران داشته است. وی به زبانهای روسی و انگلیسی نیز آشنایی دارد.

□ الکساندر گواخاریا

وی رئیس کرسی فیلولوژی ایرانی دانشگاه دولتی تفلیس و استاد ایرانشناسی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم گرجستان است. او در زمینه مسائل مربوط به ایران ۷ کتاب و حدود ۱۰۰ مقاله علمی در رشته تاریخ، ادبیات فارسی و روابط ادبی فارسی - گرجی منتشر کرده که به زبانهای گرجی، روسی، انگلیسی و فارسی چاپ گردیده است.

ایشان در اولین مجمع بین‌المللی اساتید زبان فارسی در دی ماه ۱۳۷۴ به ایران سفر کردند و مقاله‌ای تحت عنوان «سخنی چند در باره متن تازه ویس و رامین گرگانی» ارائه نمودند.

□ گریگوری برادزه

آقای برادزه از اساتید برجسته و عضو انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم گرجستان است. از جمله آثار ایشان یک کتاب و ۲۰ مقاله راجع به مختصات لهجه لاهیجی‌های ساکن ده گومبوری است. ایشان همچنین در باره ادبیات کلاسیک فارسی و روابط ادبی ایران و گرجستان و شاعرانی مانند: نظامی، جامی و روستاولی دارای تحقیقاتی می‌باشد. ایشان در اولین مجمع بین‌المللی اساتید زبان فارسی در دی ماه ۱۳۷۴ به ایران سفر کردند و مقاله‌ای تحت عنوان «تدریس زبان فارسی در گرجستان» نیز ارائه کردند.

□ هانانا کولچادزه

این ایرانشناس گرجی عضو دانشگاه دولتی تفلیس است. حوزه فعالیت وی در باب ادبیات معاصر ایران بوده و مجموعه آثاری را در این خصوص از زبان

فارسی به گرجی ترجمه کرده‌اند که می‌توان به: «منتخبات صادق هدایت، بررسی ادبیات معاصر ایران، در باره زندگی و آثار صادق هدایت و نیز مقاله علمی در باب ادبیات فولکلور ایران» اشاره کرد. ایشان به مناسبت شرکت در اولین مجمع بین‌المللی اساتید زبان فارسی در سال ۱۳۷۴ به ایران سفر کردند و مقاله‌ای تحت عنوان «آموزش ادبیات کلاسیک فارسی در دانشگاه دولتی تفلیس» ارائه کردند.

۵. اینگا کالادزه

این استاد و ایران‌شناس گرجی دارای سمت کرسی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم گرجستان و استاد انستیتوی آسیا - آفریقا است. آثار و تألیفات ایشان بیشتر به ادبیات کلاسیک ایران اختصاص دارد. سه کتاب و در حدود هفتاد مقاله علمی ماحصل فعالیت‌های ایشان در رشته زبان و ادبیات فارسی می‌باشد. موضوع برخی از مقالات ایشان در باره تاریخ ادبیات فارسی، روابط ادبی فارسی - گرجی و رمان آنتیک در ادبیات کلاسیک ایران میراثی از مثنوی‌های عنصری بوده است که به زبان‌های گرجی، روسی، فارسی، انگلیسی، تاجیکی و ایتالیایی انتشار یافته است. ایشان در اولین مجمع بین‌المللی اساتید زبان فارسی در ایران در دی ماه ۱۳۷۴ شرکت کردند.

۶. ته‌نو چخه‌نیدزه

ایشان رئیس بخش زبان‌های ایرانی و هندی در انستیتوی شرق‌شناسی فرهنگستان علوم گرجستان هستند. در باب آثار و تحقیقات ایشان که ۵ کتاب و حدود ۷۰ مقاله علمی برجای مانده که در رشته زبان‌شناسی فارسی معاصر و فارسی میانه به زبان‌های گرجی، روسی و انگلیسی است. ایشان همچنین آثار ادبی و تاریخی پهلوی ساسانی را به زبان گرجی ترجمه کرده‌اند. ایشان در سال ۱۳۷۴ به ایران مسافرت کردند و در اولین مجمع بین‌المللی اساتید زبان فارسی شرکت کردند.

۵. لی‌لی ژرژلیانی

ایشان دارای کرسی فیلولوژی ایرانی در دانشگاه دولتی تفلیس هستند و کتابها و مقالات متعددی از ایشان منتشر شده است. از جمله آثار ایشان می‌توان به مقالاتی در باره «روایات فارسی و گرجی در داستان ضحاک»، «نامهای خاص روایات گرجی شاهنامه»، «زمان و مکان در شاهنامه» و «کتابهای درسی زبان فارسی» برای دانش‌آموزان مدارس متوسطه اشاره کرد. ایشان در اولین مجمع بین‌المللی اساتید زبان فارسی در دی ماه ۱۳۷۴ مقاله‌ای تحت عنوان «وضع آموزش و پرورش و روش تدریس زبان فارسی در دانشگاه دولتی تفلیس و تاریخچه آن» ارائه کردند.

۵. لودمیلایونا شویلی

خانم گیونا شویلی یکی از پژوهندگان پرکار در زمینه زبان و ادبیات فارسی است. او که به زبان فارسی آشنایی کامل دارد، در دوره دانشجویی شاگرد مرحوم سعید نفیسی بوده و علاوه بر زبان گرجی و فارسی به چند زبان دیگر از جمله روسی، انگلیسی، ایتالیایی و فرانسوی آشنایی دارد و به این زبانها مقاله نوشته و منتشر کرده است.^(۱)

۵. آ. ام. منتشاشویلی

این ایرانشناس گرجی متخصص امور و مسائل مربوط به کردهاست و به عنوان مورخ با دانشگاه دولتی تفلیس همکاری می‌کند.^(۲)

۱- نشر دانش، ش ۱، بهار ۱۳۷۸، ص ۸۱.

۲- نشر دانش، س ۹، ش ۴، خرداد و تیر ۱۳۶۸، ص ۲۱.

□. و. کوته تیشویلی

این ایران‌شناس گرجی از جمله متخصصانی است که در ادبیات فارسی تحقیقات ارزشمندی انجام داده و آثاری در این زمینه ارائه نموده است. کتاب «ساختار قافیه در شعر فارسی» اثر این محقق و ایران‌شناس گرجی است که نویسنده آن را به زبان گرجی تدوین کرده و خلاصه آن به روسی در پایان آمده است. کوته تیشویلی همچنین در آثار سعدی، عطار، حافظ، مولوی، سلمان ساوجی، کمال خجندی، عبید زاکانی و جامی تحقیقاتی انجام داده است.^(۱)

□ تاماز گامقرلیدزه

او رئیس انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم جمهوری گرجستان است و آشنایی اندکی در باب زبان و فرهنگ ایرانی دارد.

□ گیورگی لوبژانیدزه

لوبژانیدزه در ۲۰ فوریه ۱۹۶۴ میلادی در خاشوری (شهر کوچکی در مرکز گرجستان) متولد شد. در ۱۳ سالگی پدر و هفت سال بعد مادرش را از دست داد. از این پس خواهر بزرگ ایشان سرپرستی او را به عهده گرفت. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در همان شهر به اتمام رساند و سپس برای ادامه تحصیل راهی تفلیس شد. او از کودکی علاقه زایدالوصفی به شعر داشت و شخصاً نیز از ذوق و قریحه خوبی برخوردار است. نخستین دفتر شعر او با نام «نان یتیم» هنگامی که در خاشوری مقاطع اولیه تحصیل را می‌گذراند، به چاپ رسید و با استقبال گسترده‌ای مواجه شد. به گونه‌ای که وی را بدون شرکت در کنکور در دانشگاه تفلیس پذیرفتند.

آقای لوبژانیدزه در سال ۱۹۹۶ تحصیلات خود در رشته زبان و ادبیات عرب را در این دانشگاه به پایان رساند و به موازات تحصیل در دانشگاه نزد یک معلم

خصوصی زبان فارسی را نیز فراگرفت و در همین سالها نخستین ترجمه خود را که برگردان گزیده‌ای از «غزلیات شمس» مولانا جلال‌الدین رومی بود، منتشر ساخت. او در سال ۱۹۹۷ برای تحصیل در رشته ادیان و عرفان دانشگاه تهران راهی ایران شد و دوره کارشناسی ارشد این دانشگاه را با موفقیت به اتمام رساند. در سال ۱۹۹۸ دومین دفتر شعر خویش موسوم به «نقطه جوش» را منتشر کرد. وی هم اکنون دانشیار ارشد دانشگاه تفلیس است و علاوه بر تدریس زبان عربی و ادبیات فارسی در آن دانشگاه همکاری مؤثری نیز با مطبوعات گرجستان دارد و اخیراً مقالاتی از ایشان در مورد ادبیات معاصر ایران از جمله در خصوص اشعار سهراب سپهری به چاپ رسیده است.

فصل ششم

مراکز مطالعات ایران‌شناسی

مرکز اصلی مطالعات ایران‌شناسی گرجستان انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم این جمهوری است. این آکادمی که در سال ۱۹۴۱ تأسیس شده، دارای شش شعبه مشتمل بر چهل و دو انستیتو و کمیته و مرکز علمی دیگر است.

شعبه علوم اجتماعی آکادمی که مسائل فرهنگی و ادبی مربوط بدان است، دارای دوازده انستیتو است که کار هشت تا از آنها در سطوح مختلف با مسائل ایران‌شناسی ارتباط دارد. این انستیتوها عبارتند از

انستیتو خاورشناسی، انستیتو تاریخ ادبیات گرجی، انستیتو زبان‌شناسی، انستیتو تاریخ و باستان‌شناسی و مردم‌شناسی، انستیتو تاریخ هنر گرجی، انستیتو فلسفه، انستیتو نسخه‌های خطی و انستیتوی پژوهشی اوستی جنوبی.

اولین رئیس شعبه علوم اجتماعی آکادمی، آکادمیسین گ. و. تسرتلی (۱۹۷۳-۱۹۰۴) بود که در عین حال رئیس انستیتوی خاورشناسی را نیز به عهده داشت. نشریه رسمی این شعبه «پیک شعبه اجتماعی فرهنگستان علوم

گرجستان» نام دارد^(۱)

انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم گرجستان

این انستیتو در سال ۱۹۴۸ در تفلیس تأسیس شده است^(۲) و مطالعات آن در رشته‌های تاریخ، زبان‌شناسی، ادبیات، هنرها، علوم و اقتصاد ایران صورت می‌گیرد. مبنای بسیاری از این پژوهش‌ها اسناد و مدارک خطی فارسی فراوانی است که در کتابخانه‌ها و آرشیوهای مختلف گرجستان، بخصوص در آرشیو مرکزی دولتی وجود دارد.

سرپرستی مستقیم مطالعات ایران‌شناسی انستیتو تا مدت‌ها با رئیس آن یعنی تسرتلی بود که پس از فوت ایشان تاماز گامقرلیدزه ریاست آن را به عهده دارند. همچنین تسرتلی عضو فرهنگستان علوم گرجستان، عضو انجمن پادشاهی آسیایی انگلستان و متخصص زبان‌شناسی ایرانی و کتیبه‌های میخی سنگ‌نبشته‌های دوران ساسانی بود. تسرتلی با علاقه شخصی خود با همکاری مؤثر گروهی از دانشمندان دیگر عضو این کانون، انستیتوی خاورشناسی گرجستان را به صورت یکی از مراکز فعال ایران‌شناسی گرجستان درآورد. پس از فوت این دانشمند بزرگ گرجی تاماز گامقرلیدزه به ریاست این بخش انتخاب شدند، گزارش فعالیت‌های انستیتو در این رشته، هر سه ماه یکبار در نشریه رسمی انستیتو به نام «کارهای انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم گرجستان»^(۳) به چاپ می‌رسد. در طول سالهای گذشته، آثار جالبی در زمینه‌های مختلف تاریخ و زبان‌شناسی و فرهنگ ایران توسط دانشمندان بخش ایران‌شناسی این انستیتو انتشار یافته است که از جمله مؤلفان آنها می‌توان از اشخاص ذیل و رشته‌های

۱ - شفاء: جهان ایران‌شناسی، ص ۲-۱۱۱۲.

۲ - همان، ص ۳-۱۱۱۲.

۳. بنا به قول ایران‌شناس گرجی جمشید گیوناشریلی، سال تأسیس آن ۱۹۶۰ می‌باشد.

تخصصی آنها نام برد:

۱ - پرفسور **داوید کوبیدزه** رئیس سابق کرسی فیلولوژی ایرانی دانشگاه دولتی تفلیس از استادان محقق و پرکار رشته ادبیات فارسی و روابط ادبی گرجستان ایران که مؤلف چندین اثر درباره شاهنامه فردوسی، ویس و رامین **گرگانی** و چندین اثر دیگر است.

۲ - پرفسور **جمشید گیونا شویلی** که مدت‌ها استاد در رشته زبان‌شناسی ایرانی بودند و مؤلف چند اثر درباره زبانهای هند و ایرانی، زبانهای باستانی ایران و علم الاصوات زبان فارسی می‌باشند.

۳ - بانو دکتر **ل. س. گیونا شویلی**، وی استاد در رشته ادبیات معاصر فارسی، مؤلف کتاب **نثر هنری سعید نفیسی و زنان شاهنامه و تحلیل خصائص آنان** است.

۴ - پرفسور **کشه‌لاوا** متخصص در رشته ادبیات معاصر ایران. مؤلف کتابی درباره **نثر هنری صادق هدایت**.

۵ - **ا. گواخاریا**، وی از محققان نامدار ادبیات فارسی و روابط ادبی ایران و گرجستان است.

همچنین **آنیکا شویلی** و چند محقق و دانشمند دیگر در این انستیتو به تدریس و تحقیق درباره مطالعات ایران‌شناسی مشغول هستند.

عده‌ای از اعضای انستیتوی خاورشناسی گرجستان بطور مشترک مجموعه‌ای به نام «مسائل مربوط به تاریخ و اقتصاد ایران» تألیف کرده‌اند و یکی از آنان به نام **ک. کوتسی** اثر تکمیلی مستقلی به نام **زندگی ایرانیان در دوره صفویه** انتشار داده است.^(۱) دو دانشمند دیگر این انستیتو یکی به نام **ک. پاگاو** (استاد دانشگاه تفلیس) در زمینه سبک نمایشنامه‌نویسی در ادبیات فارسی و دیگری به نام **ت. کشه‌لاوا** در زمینه ادبیات معاصر ایران کار کرده‌اند. مهمترین کاری که تاکنون توسط این انستیتو درباره ایران صورت گرفته تدوین و طبع

مجموعه قطوری از اسناد رسمی ایران در آرشیوهای گرجستان در پنج جلد است که عده‌ای از اعضای انستیتو در بوجود آوردن این مجلدات زحمات بسیار کشیدند.

از ایران‌شناسان برجسته گرجی که با مرکز خاورشناسی آکادمی علوم گرجستان همکاری داشتند باید از مرحوم **گئورگی آخوالدیانی** (۱۸۸۷-۱۹۷۳) متخصص زبان‌شناسی فارسی و زبانهای فارسی باستانی و میانه و اوستی نام برد که سالها در دانشگاه تفلیس که خود از پایه گذاران آن بود استاد کرسی زبان‌شناسی بود. در این مدت ۱۳۰ رساله علمی تحت نظر و نظارت او تألیف شده است.^(۱) استادان کنونی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم گرجستان عبارتند از:

- **ماگالی تودوا**: رئیس بخش فیلولوژی فارسی انستیتو خاورشناسی فرهنگستان علوم گرجستان.

- **ته‌نو چخه‌ئیدزه**: رئیس بخش زبانهای هندو ایرانی انستیتو خاورشناسی فرهنگستان علوم گرجستان.

- **میخائیل سوانیدزه**: رئیس بخش تاریخ قرون وسطی ممالک خاور نزدیک انستیتوی خاورشناسی.

- **گئورگی چیپاشویلی**: رئیس بخش تاریخ معاصر ممالک خاور نزدیک انستیتوی خاورشناسی.^(۲)

در تاریخ ۱۳۸/۳/۲۰ **سیدکمال خرازی** وزیر امور خارجه ایران در سفر به گرجستان از مؤسسه خاورشناسی فرهنگستان علوم گرجستان در تفلیس دیدن کرد. در این دیدار **گامقرلیدزه**، رئیس این مؤسسه دکترای افتخاری مؤسسه خاورشناسی را به دکتر **خرازی** اهداء کرد.

۱- همان، ص ۶-۱۱۵.

۲- **جمشید گیوناشویلی**، «ایران‌شناسی در گرجستان»، نشر دانش، س ۱۵، ش ۳، فروردین و اردیبهشت ۷۴، ص ۱۹.

وزیر امور خارجه ایران در جمع استادان و دانشجویان زبان فارسی مؤسسه خاورشناسی فرهنگستان علوم گرجستان با اشاره به مشترکات تاریخی و فرهنگی دو کشور خواستار گسترش هر چه بیشتر مناسبات دو کشور در زمینه‌های گوناگون شد. در مؤسسه خاورشناسی فرهنگستان و علوم گرجستان ۶۰ نفر به تحصیل زبان و ادبیات فارسی سرگرم هستند. دانشجویان زبان و ادبیات فارسی گرجستان در این مراسم نمایشی که داستانش برگرفته از شاهنامه فردوسی بود را به زبان فارسی اجرا کردند.^(۱)

❑ دانشگاه شهر کوتایسی

در این مرکز، زبان فارسی، ادبیات فارسی و تاریخ و فرهنگ ایران تدریس می‌شود.

❑ انستیتوی آسیایی - آفریقایی تفلیس

در این مرکز ایرانشناسی زبان و ادبیات فارسی و تاریخ و فرهنگ ایران تدریس می‌شود.

❑ انستیتوی تاریخ ادبیات آکادمی علوم

❑ انستیتوی زبان‌شناسی و آکادمی علوم

❑ انستیتوی تاریخ آکادمی علوم و حوزه گرجستان

۱ - «گزارشی از وضعیت زبان فارسی در سه ماه نخستین سال»، نامه پارسی، س چهارم،

ش دوم، تابستان ۱۳۷۸، ص ۲۰۶.

□ انستیتو تاریخ ادبیات گرجی «روستا ولی»

این انستیتو که به نام شوتا روستاولی شاعر قرن دوازدهم گرجستان و بزرگترین شخصیت ادبی تاریخ این کشور نامگذاری شده، در سال ۱۹۴۲ تأسیس شده است. مطالعات انستیتو کلیه رشته‌های مربوط به تاریخ ادبیات گرجی را شامل می‌شود، به همین جهت یک قسمت مهم از کار آن به سوابق گرجی آثار ادبیات فارسی و روابط ادبی دیرینه ایران و گرجستان مربوط است. ولی از هنگام تأسیس «انستیتوی خاورشناسی» آکادمی علوم گرجستان، وظیفه اصلی این مطالعات به عهده آن انستیتو واگذار شده است.

در انستیتوی تاریخ ادبیات گرجی (انستیتوی روستاولی) عده‌ای از دانشمندان متخصص زبان و ادبیات فارسی کار می‌کردند که غالباً صاحب تحقیقات و تألیفاتی در این رشته هستند. مهمترین این عده، الکساندر بارامیدزه (رئیس انستیتو)، داوید کوییدزه، گ. ایمدداشویلی، ن. ی. مار و آ. گواخاریا بودند که مهمترین آثار تحقیقی ایشان درباره ادبیات ایران توسط «انستیتوی زبان و ادبیات گرجی» بصورت کتابهای مستقل یا در نشریه رسمی این انستیتو به نام «پژوهشهای ادبی ارگان دائمی انستیتوی ادبیات» و نشریه دیگر انستیتو به نام «مسائل ادبیات باستانی گرجستان» می‌باشد.^(۱)

رئیس سابق انستیتوی تاریخ ادبیات گرجستان الکساندر بارامیدزه از ایران‌شناسان با سابقه گرجستان است. وی علاوه بر آثاری که از آنها نام برده شد و توسط این انستیتو به چاپ رسیده است، تحقیقات متعدد دیگری نیز در زمینه ادبیات فارسی داشته که به صورت کتابهای مستقل یا مقالات تحقیقی در نشریه دانشگاه تفلیس یا بولتن موزه دولتی گرجستان یا مجلات وابسته به سایر مراکز فرهنگستان علوم گرجستان انتشار یافته است.

از طرف این انستیتو در سال ۱۹۶۶ سلسله کتابهایی به نام «تاریخ ادبیات گرجستان» به چاپ رسیده که در جلد دوم آن (مربوط به قرون ۱۲ تا ۱۸ میلادی)

بخش خاصی به روابط ادبی ایران و گرجستان اختصاص یافته است.^(۱)

❑ دانشکدهٔ خاورشناسی دانشگاه دولتی تفلیس

این دانشکده، مرکز دانشگاهی ایران‌شناسی گرجستان است و مطالعات آن در رشته‌های مختلف تاریخ و ادبیات و به خصوص زبان‌شناسی ایران همراه با تدریس این مواد در دانشگاه صورت می‌گیرد.

این دانشکده خاورشناسی در سال ۱۹۴۵ تأسیس شد و از همان وقت عده‌ای از دانشمندان سابقه‌دار ایران‌شناس در آن به کار تدریس و تتبع در رشتهٔ فرهنگ ایران پرداختند که برجسته‌ترین آنها آکادمیسین گئورگی آخوالدیانی (۱۸۸۷-۱۹۷۳) از بنیانگذاران دانشگاه تفلیس و پروفیسور داوید کوبیدزه بودند که سالهای متمادی مقام استادی زبانهای ایرانی و زبان و ادبیات فارسی را در این دانشگاه بر عهده داشتند. در مکتب این استادان، گروهی از ایران‌شناسان جوان به تحصیل در رشته زبان‌شناسی و ادبیات ایران معاصر در این زمینه‌ها پرداختند که موضوع رساله‌های دکترای ایشان در رشتهٔ مطالعات ایران‌شناسی قرار گرفته است. از این عده می‌توان بخصوص از اشخاص ذیل که رساله‌های ایشان دربارهٔ مسائل مربوط به زبان‌شناسی ایران دارای ارزش علمی ممتاز شناخته شده است نام برد:

ت. ا. چاوپاوادزه، گ. ل. ناخوتسرشیویلی، ت. د. چخه‌نیدزه، م. گ. ماماتیشویلی، و. و. کوته‌تیشویلی و نیز از عده‌ای دیگر که رساله‌های خود را در رشته تاریخ ایران تألیف کرده‌اند و عبارتند از: و. گ. چوچیف، ک. گ. تاباتادزه، د. و. جانلیدزه، ر. ک. کیکنادزه، گ. س. تشیپاشویلی، د. و. کاتستادزه، گ. س. آتافلشویلی، ک. ک. کوتسیا، ا. م. گویلاوا، گ. گ. کویرکولیا. دانشگاه تفلیس دارای نشریه‌ای رسمی بنام «کارهای دانشگاه دولتی تفلیس، سری خاورشناسی» است که اطلاعات مربوط به فعالیت‌های جاری ایران‌شناسی این دانشگاه در هر

شماره آن به چاپ می‌رسد.^(۱)

اساتید این دانشکده عبارتند از:

۱ - داوید کاتسی تادزه: رئیس کرسی تاریخ کشورهای شرق دانشگاه دولتی تفلیس.

۲ - آلبرت منته شاشویلی: رئیس کرسی تاریخ ممالک آسیا و افریقای دانشگاه دولتی تفلیس.

۳ - گورام چیکوانی: رئیس بخش انستیتوی تدریسی آسیا و افریقای تفلیس. دانشجویانی که در رشته زبانشناسی ایرانی این دانشگاه تحصیل می‌کنند علاوه بر زبانهای باستانی ایرانی موظف به آموختن مواد ذیل هستند:

ادبیات کلاسیک ایران - ادبیات جدید ایران - ادبیات عامیانه (فولکلور) ایران - اصول زبان عربی - تاریخ پیش از اسلام و تاریخ دوران اسلامی ایران - تاریخ‌شناسی و مطالعه در منابع ادبی ایرانی - جغرافیایی فیزیکی و اقتصادی ایران - حکومت و سیستم سیاسی ایران.

تدریس زبان و ادبیات فارسی در این دانشگاه سابقه‌ای قدیمی‌تر از تدریس زبانهای باستانی و واژه‌شناسی ایرانی دارد، زیرا زبان و ادبیات فارسی از بدو تأسیس دانشگاه یعنی از سال ۱۹۱۸ در آن تدریس می‌شده است. در حال حاضر شرکت در درس این کرسی برای دانشجویان دوره فیلولوژی (واژه‌شناسی) ایرانی اجباری است.

درس کرسی دیگری در دانشکده تاریخ این دانشگاه که «کرسی تاریخ شرق» نام دارد نیز ارتباط مستقیم با ایران دارد. استاد این کرسی پروفیسور والرین گابا شویلی و استاد یاران آن او تارگیگی نیشویلی، نوادر ناچقه‌بیا، داوید کاتسی تادزه، سهراب شاراشنیدزه و دانشیار آن کارلو کوتسیا هستند^(۲)

۱- همان، ص ۲۱-۱۱۱۹.

۲- همان، ص ۴-۱۱۲۱.

□ دانشکده جغرافیای دانشگاه تفلیس

زبان فارسی و دیگر مواد درسی ایرانشناسی در دانشکده جغرافیای دانشگاه تفلیس تدریس می‌شود. ابتکار تعمیم خاورشناسی، از جمله ایرانشناسی (از سال ۱۹۶۶) در این دانشکده مرهون فعالیت ثمربخش یکی از برجستگان حوزه علم ایرانشناسی جغرافیدان متبحر، نودار ناچقه بیا است.

در اثر مساعی و تلاشهای ارزنده و تحقیقات پی‌گیر و کوششهای تشکیلاتی این استاد و همکاران فعال وی، جغرافیای ایران به صورت رشته کامل عیار دانشگاهی درآمد.

□ مراکز تدریس فارسی

□ دانشگاه دولتی تفلیس

این دانشگاه در سال ۱۹۱۸ در تفلیس تأسیس شده است و در حال حاضر دارای یازده دانشکده با ۴۵/۰۰۰ دانشجو است. تدریس زبانهای شرقی و مطالعات شرقی از آغاز تأسیس این دانشگاه از دروس اصلی دانشکده‌های زبان‌شناسی و تاریخ آن بود. از سال ۱۹۴۵ که دانشکده خاورشناسی دانشگاه تفلیس آغاز به فعالیت کرد و تأسیس شد، تدریس این مواد در آنجا تمرکز یافت. دروس این دانشکده شامل پنج رشته است که عبارتند از: زبان‌شناسی ایرانی، مطالعات سامی، مطالعات ترکی، مطالعات ارمنی و تاریخ شرق.

دروس کرسی زبان‌شناسی ایرانی (زبانهای باستانی ایران) که رئیس آن پروفیسور داوید کوبیدزه بود عبارتند از: تعلیمات مقدماتی زبان‌شناسی ایرانی، گرامر تطبیقی زبانها و لهجه‌های ایرانی، زبانهای مرتبط با زبانهای ایرانی (سانسکریت، اردو، اوستی). متصدیان این دروس عبارت بودند از: آکادمیسین

گئورگی آخوالدیانی و پروفیسور داوید کوبیدزه

- آکادمیسین: گئورگی آخوالدیانی و پروفیسور داوید کوبیدزه (رئیس کرسی)

- استادیار: فریا آندرو نیکاشویلی

- دانشیاران: لیلّا توشی شویلی، کنستانتین پاگاو، تنگیز کشه‌لاوا، اوخوستی

کوتیشویلی، الکساندر گوا خاریا، جمشید گیوناشویلی، تسیرا بوچوریشویلی.

□ انستیتوی آسیا و آفریقای تفلیس

□ چند مدرسه متوسط شهر تفلیس از کلاس دوم الی یازدهم

□ دانشگاه دولتی پلاگوژی تفلیس

□ مراکز کتابهای خطی فارسی

گرجستان صاحب یکی از مجموعه‌ای غنی اسناد و مدارک خطی فارسی است. در تفلیس اصل و یارونوشت قریب ۲۰۰۰ دو هزار سند فارسی و «فارسی و گرجی» نگهداری می‌شود. از این اسناد در موزه دولتی «س. ن. جاناشیا» و در «بایگانی مرکزی دولتی گرجستان» هستند. مجموعه «بایگانی مرکزی دولتی گرجستان» اصولاً عبارت است از بایگانیهای ادارات سابق حکومت تزاری قفقاز (دفتر نایب السلطنه قفقاز و غیره) که قبل از انقلاب تمام نواحی منطقه قفقازیه سابق (قفقاز شمالی، آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) را تحت اداره خود داشت. این اسناد که قسمت مهمی از آنها به زبان فارسی است، غالباً از خانواده‌های قدیمی گرجی خریداری شده است و به همین سبب اکثر آنها مربوط بخود گرجستان است.

اسناد فارسی مجموعه‌های گرجستان مربوط به دوران اواخر قرن شانزدهم تا اوایل قرن بیستم و قسمت اعظم آنها فرامین مختلف از پادشاهان ایران است که خطاب به حکام و خوانین محلی مسلمان گرجستان صادر شده است. بطور کلی مدارک فارسی موزه دولتی «س. ن. جاناشیا» و «بایگانی مرکزی دولتی جمهوری گرجستان» مشتملند بر: فرامین پادشاهان ایران، احکام خوانین قفقاز و سلاطین گرجستان از اسناد خرید و فروش‌ها و مقاوله نامه‌ها و قراردادهای نامه‌های حکام و والیان ایرانی قفقاز، استشهاد نامه‌ها و عقدنامه‌ها، قبوض تجاری و مالیاتی

سوادهای فرامین پادشاهان ایرانی برای حکام داغستان. در این بایگانی مخصوصاً نامه‌ها و فرمان‌های تاریخی جالبی از نادرشاه و کریم‌خان زند وجود دارد.

اسنادی که بطور مشترک به دو زبان فارسی و گرجی نوشته شده است شامل فرامین و احکام پادشاهان مسلمان گرجستان از قبیل کارتلی و کاخت و یا حکام قزلباش این سرزمین است که تاکنون مشخصات ۵۰۰ سند از ۴۲۰ سند فارسی مجموعه موزه‌های دولتی گرجستان تحت عنوان «فرمان‌ها و احکام فارسی موزه گرجستان» توسط م. خوبوا (چاپ تفلیس، ۱۹۴۹) منتشر شده است. فهرست دیگری به نام «اسناد تاریخی فارسی مخازن قدیمی جمهوری گرجستان» تألیف پوتوریدزه در کتاب «مدارک اولین کنفرانس علمی خاورشناسان سراسر شوروی (سابق) در تاشکند از ۴ تا ۱۱ ژوئن ۱۹۵۷» در سال ۱۹۵۸ در تاشکند به چاپ رسیده است. فهرست دیگری از اسناد تاریخی ایران در مخازن گرجستان توسط همین مؤلف در سال ۱۹۶۲ در تفلیس چاپ شده است.

□ مراکز آثار هنری ایران □ موزه دولتی گرجستان

این موزه در سالهای ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴ در تفلیس تأسیس شده است و بزرگترین موزه گرجستان به شمار می‌آید. نام موزه تا سال ۱۹۵۲ موزه هنر گرجی متسختی بود و از آن پس به نام فعلی خود نامیده شد. موزه هنری تاریخ گرجستان دارای کلکسیونهای نفیسی از آثار هنر گرجی از دوران باستان تا به امروز است که بسیاری از اشیاء آن از سایر موزه‌های گرجستان بدانجا انتقال داده شده است. علاوه بر این، موزه دارای مجموعه‌های جالبی از آثار هنری ایران و چین و آثار هنر غربی و آثار هنرهای روسی قرن دوازدهم میلادی است. تعداد آثار هنری موزه، بطور کلی به ۲۶۰۰۰ بالغ می‌شود. مهمترین آثار هنر ایرانی در این موزه مجموعه‌ای از ظروف دوره ساسانی، چند مجموعه از آثار مختلف هنرهای اسلامی ایران و مجموعه‌ای از

مینیا توره‌های عالی ایرانی کار اواخر قرن یازدهم تا پایان قرن سیزدهم هجری است. از سی مینیا تور ایرانی این مجموعه در سال ۱۹۳۶ آلبوم رنگینی بنام «نقاشی‌های ایرانی موزه هنر گرجی» در سه جلد در تفلیس و مسکو با عنوان روسی از طرف این موزه به چاپ رسیده است. اثر نفیس ایرانی دیگر این موزه، ابریق نقش و نگار داری است که در سال ۵۷۷ هجری در هرات ساخته شده است و امضای یک هنرمند خراسانی را دارد. بر روی شانه این ابریق بروج دوازده گانه نقش شده است. رئیس فعلی موزه، شالوا امیراناشویلی عضو فرهنگستان علوم گرجستان است که ایرانشناس برجسته معاصر گرجی نیز محسوب می‌شود. وی در رشته هنرهای ایرانی تخصص و تبحر خاصی دارد. آخرین کار او درباره ایران، ترجمه روسی کتاب «هنرهای ایران در دوران اسلامی» است که تاکنون توسط موزه چاپ شده است. این کتاب سه قرن پیش توسط شخصی به نام محمدحسن زکی نوشته شده و حاوی اطلاعات جالبی درباره هنرهای کتابت، نقاشی و تذهیب ایرانی در دوران اسلامی است.

رئیس شعبه ایرانی موزه بانو آ. گریگونی نیز کار جالب توجه دیگری در مورد فرهنگ ایران انجام داده و آن تدوین یک فرهنگ فارسی به روسی مربوط به آثار فرهنگ مادی (آثار باستانی و هنری) ایران است. این فرهنگ با همکاری «علی‌اف» در چند جلد ترتیب داده شده است.^(۱) از آثار نقاشی موزه هنرهای تاریخ گرجستان، فهرست کاملی در سال ۱۹۶۰ به زبان روسی در تفلیس چاپ شد و مشخصات سایر آثار موزه در کتاب «تاریخ صنایع هنری گرجستان» توسط امیراناشویلی معرفی و به چاپ رسیده است.

❑ موزه دولتی تاریخ گرجستان

این موزه در سال ۱۹۵۲ در تفلیس تأسیس شده است و در آن آثار باستانی مربوط به تاریخ نژادشناسی گرجستان از ادوار کهن تا به امروز و نیز آثار تاریخی

و هنری فراوانی از سایر سرزمینها نگهداری می‌شود. کتابخانه موزه دارای بیش از دویست هزار کتاب است و نشریه سالانه‌ای به نام «اطلاعات موزه دولتی تاریخ گرجستان» از طرف موزه به چاپ می‌رسد. موزه دارای مجموعه‌های متعددی از آثار هنری کار استادان ایران، ژاپن، چین و هند است. مجموعه آثار ایرانی آن تعداد زیادی از ظروف چینی و فلزی قرن دوازدهم هجری، چند فرش، یک شال کرمان با نقوش بسیار ظریف، پارچه‌ها و ظروف و کارهای دستی متعلق به قرون مختلف را شامل می‌شود. این مجموعه که تعداد آثار آن به یکصد قطعه می‌رسد، توسط برونیسلاو و کولیلی عتیقه‌شناس گرجی که متخصص گردآوری اشیاء هنرهای نادر و اصیل است، چند سال پیش به موزه تاریخ گرجستان اهداء شد.

مجموعه‌ای از سکه‌های تاریخ گرجستان نیز در این موزه وجود دارد که تعداد آنها به هشتاد و پنج هزار بالغ می‌شود و نفیس‌ترین آنها سکه‌های مسی است که در سال ۱۲۴۵ میلادی ضرب شده است. در میان این مسکوکات تعدادی سکه به خط فارسی وجود دارد که در یکی از شهرهای گرجستان بنام «دمانیسی» ضرب شده و روی آن به فارسی نوشته شده است: «بنده قآن شاه ملک داود»^(۱)

موزه دولتی ادبیات گرجستان

این موزه در سال ۱۹۲۹ در تفلیس تأسیس شده است و در آن اسناد و نوشته‌های خطی و چاپی و کتابهای مربوط به ادبیات گرجی، بخصوص ادبیات قرن نوزدهم و بیستم گرجستان نگاهداری می‌شود. تعداد این اسناد و نوشته‌ها متجاوز از یکصد و پنجاه هزار است. کتابخانه موزه نیز دارای نوزده هزار کتاب است که قسمتی از آنها مربوط به تاریخ ادبیات گرجی است.

قسمتی از اسناد این موزه نسخه‌های خطی و چاپی ترجمه‌هایی است که به زبان گرجی از آثار ادبیات فارسی صورت گرفته است و تعدادی از این اسناد نیز

مربوط به روابط ادبی گذشته ایران و گرجستان است.^(۱)

❑ نشریات خاورشناسی

در نشریات مراکز خاورشناسی گرجستان، مقالاتی در باب زبان و فرهنگ و تمدن ایران نگاشته می‌شود. این نشریات مانند:

- ۱ - گزارشهای فرهنگستان علوم گرجستان (چاپ تفلیس).
- ۲ - اطلاعات فرهنگستان علوم گرجستان (چاپ تفلیس).
- ۳ - گزارشهای فرهنگستان علوم گرجستان (چاپ تفلیس).
- ۴ - پیک شعبه اجتماعی فرهنگستان علوم گرجستان (چاپ تفلیس).
- ۵ - کارهای انستیتوی زبان‌شناسی فرهنگستان علوم گرجستان (چاپ تفلیس).
- ۶ - کارهای انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم گرجستان (چاپ تفلیس).

همچنین دو نشریه زیر در زمانی که اتحاد جماهیر شوروی وجود داشت منتشر می‌شد:

- ۱ - گزارشهای فرهنگستان علوم اتحاد شوروی شعبه گرجستان.
 - ۲ - اطلاعات فرهنگستان علوم اتحاد شوروی شعبه گرجستان.
- شعبه شرق‌شناسی انجمن دوستی و روابط فرهنگی گرجستان با ممالک خارجه در تاریخ ۳۰ ماه مه ۱۹۶۰ مجلسی درباره ادبیات فارسی در محل انجمن برگزار کرد. در این جلسه پروفیسور داوید کوبیدزه رئیس وقت شعبه خاورشناسی تحت عنوان «ادبیات کلاسیک ایران» سخنرانی نمود. دانشیار وقت این شعبه ک. پاگاو نیز راجع به نثر معاصر و دانشیار وقت ت. کشه‌لاوا راجع به نظم دوره

جدید ایران نیز مطالبی ایراد نمودند. همچنین م. تودوا و کته شویلی و ج. گیوناشویلی مترجمین و چند تن از دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه تفلیس نمونه‌ها و ترجمه‌هایی از نثر و نظم فارسی قرائت کردند. همچنین انجمن مزبور به مناسبت شصت و پنجمین سال تولد سعید نفیسی دانشمند ایرانی جلسه دیگری منعقد کرد. ک. پاگاوایران‌شناس گرجی تحت عنوان زندگی و آثار سعید نفیسی سخنرانی نمود. دانشیاران م. تودوا و د. گیوناشویلی و دانشجویان دانشکده شرق‌شناسی بعضی از آثار سعید نفیسی را که ترجمه کرده بودند در آن مجلس خواندند و از نویسنده ایرانی تجلیل بعمل آوردند.^(۱)

۱- «تجلیل دانشمندان گرجستان از ادبیات ایران»، پیام نوین، س دوم، ش ۱۲ و ۱۱، مرداد

و شهریور ۱۳۳۹، ص ۸۰-۱.

فصل هفتم

حوزه‌های مطالعات ایران‌شناسی در گرجستان

■ پایه‌گذاران ایران‌شناسی در گرجستان

با وجود سنن دیرینه روابط گسترده فرهنگی دو ملت و اظهار نظرهای جسته گریخته دانشمندان گرجی قرنهای هجدهم و نوزدهم میلادی در باره ایران و روابط آن با گرجستان، ایجاد و بسط ایران‌شناسی به مفهوم علمی جدید در آن کشور از سال ۱۹۱۸ میلادی یعنی سال تأسیس دانشگاه تفلیس آغاز می‌گردد. سه تن پایه‌گذار و پیشاهنگ نامور و برگزیده این رشته، *ای جاواخلی شویلی* در تاریخ و *گئورگی آخوالدیانی*^(۱) در زبان‌شناسی (۱۸۸۷-۱۹۷۳) و *یوستین آبولادزه*^(۲) در ادبیات‌شناسی (۱۸۷۴-۱۹۶۲) از رفتگانی هستند که گامهای مؤثری در ترویج علم و فرهنگ گرجی و استقرار ایران‌شناسی در گرجستان برداشته‌اند. اولیای امور فرهنگی و مؤسسان دانشگاه تفلیس برای بسط و توسعه خاورشناسی از جمله ایران‌شناسی در گرجستان اهمیت زیادی قائل بوده‌اند و همیشه در نظر داشته‌اند که با استفاده از منابع و مآخذ فراوان ادبی و تاریخی ملل

1.G. Akhvlediani.

2.Y. Abuladze.

شرق، مخصوصاً تألیفات بزرگان ایران و نقد دقیق اطلاعات مندرج در آنها، گوشه‌ای از تاریخ حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دوران فتودالیسم را بیان کنند و همچنین مسائل مربوط به شئون متعدد زبان و ادبیات گرجی را که بسیار مؤثر و کاملاً ضروری است، روشن نمایند.

از روزهای اول تأسیس دانشگاه تفلیس، اقدامات و فعالیتهای مفیدی در جهت تدریس و تعلیم زبان و ادبیات فارسی و تاریخ ایران و تحقیق در این حوزه‌ها انجام می‌گرفت. به ویژه پس از تأسیس کرسی فیلولوژی ایرانی در سال ۱۹۳۹ میلادی و دانشکده خاورشناسی دانشگاه در سال ۱۹۴۵ و انستیتوی تحقیقاتی خاورشناسی فرهنگستان علوم جمهوری گرجستان در سال ۱۹۶۰، مطالعات در این زمینه رونق روزافزون یافت. باید متذکر شد که انستیتوی خاورشناسی به ریاست مؤسس آن، خاورشناس مشهور و عضو انجمن سلطنت آسیایی (انگلستان) آکادمیسین گئورگی تسرتلی^(۱) (۱۹۷۳-۱۹۰۴) به صورت مؤسسه‌ای علمی برخوردار از اعتبار جهانی درآمد.^(۲)

در پرتو حسن‌نیت اولیای امور دانشگاه و فرهنگستان علوم، کوششهایی در راه بهبود و ترویج ایرانشناسی و تدوین و نشر کتابهای درسی و تحقیقاتی انجام گرفت که مورد توجه و اعتنای متخصصان واقع شد.

□ مراکز فعال ایرانشناسی

اکنون مراکز فعال ایرانشناسی جمهوری گرجستان عبارتند از:

- ۱- کرسی فیلولوژی دانشگاه دولتی تفلیس به ریاست الکساندر گواخاریا.^(۳)

1.G.Tsereteli

۲- جمشید گیوناشوبلی، «ایرانشناسی در گرجستان»، نشر دانش، س پنزدهم، ش ۳،

فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۴، ص ۹-۱۸.

3.A. Gvakharlia

- ۲ - بخش فیلولوژی فارسی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم جمهوری گرجستان به ریاست **ماگالی تودوا**.^(۱)
- بخش زبانهای هندی و ایرانی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم جمهوری گرجستان به ریاست خانم **ته‌نو چخه‌ئیدزه**.^(۲)
- ۴ - کرسی زبانهای شرقی دانشگاه دولتی شهر کوتائسی به ریاست **گورام چیکوانی**.^(۳)
- ۵ - انستیتوی تدریس آسیا و آفریقای تفلیس به ریاست **گورام چیکوانی**.
- ۶ - کرسی تاریخ کشورهای شرق دانشگاه دولتی تفلیس به ریاست **داوید کاتسی تادزه**.^(۴)
- ۷ - کرسی تاریخ ممالک آسیا و آفریقای دانشگاه دولتی تفلیس به ریاست **آلبرت منته شاشویلی**.^(۵)
- ۸ - بخش تاریخ قرون وسطی ممالک خاور نزدیک انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم جمهوری گرجستان به ریاست **میخائیل سوانیدزه**.^(۶)
- ۹ - بخش تاریخ معاصر ممالک خاور نزدیک انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم جمهوری گرجستان به ریاست **گئورگی چیپاشویلی**.^(۷)
- ۱۰ - بخش مآخذشناسی و نشر منابع تاریخی انستیتوی تاریخ و مردم‌شناسی فرهنگستان علوم گرجستان به ریاست خانم **گیولی آلاسانیا**.^(۸)
- بعضی از کارمندان علمی انستیتوی نسخ خطی فرهنگستان علوم، انستیتوی تاریخ ادبیات گرجی فرهنگستان علوم، موزه تاریخ گرجستان فرهنگستان علوم، دانشکده جغرافیای دانشگاه تفلیس و مرکز اطلاعات علمی در رشته‌های علوم

1.M. Todua

2.Theo Chkheidze

3.G. Chikovani

4.D. Katsitadze

5.A. Menteshashvili

6.M. Svanidze

7.G. Chipashvili

8.G. Alasania

انسانی فرهنگستان علوم جمهوری نیز در رشته‌های گوناگون ایرانشناسی به تحقیقات مفیدی مشغول هستند.^(۱)

❑ وضعیت کتابها و خودآموزهای فارسی

چنانکه گفته شد، زبان و فرهنگ ایرانیان همواره مقبول طبع و ذوق گرجیان بوده است. خودآموزها، کتابهای قرائت فارسی و فرهنگهایی که در قرنهای هفدهم و هجدهم میلادی در گرجستان تدوین شده است نمودار آشنایی جامعه محافل گوناگون گرجی با زبان فارسی است.

مؤسساتی که اکنون در آنها زبان فارسی و دیگر موارد درسی ایرانشناسی تدریس می‌شود به این شرح است:

- ۱ - چند مدرسه متوسطه شهر تفلیس از کلاس دوم الی یازدهم.
 - ۲ - دانشگاه دولتی تفلیس شامل: دانشکده خاورشناسی، دانشکده تاریخ، دانشکده فیلولوژی، دانشکده جغرافیا.
 - ۳ - انستیتوی آسیا و آفریقای تفلیس.
 - ۴ - دانشگاه دولتی شهر کورتائیسی (دانشکده فیلولوژی).
- ایرانشناسان گرجی با وجود اشکالات فنی و مالی فراوان، همواره سعی می‌کردند که به تدوین و تألیف کتابهای درسی توجه شایانی مبذول دارند. این تألیفات شامل:
- یو. آبولادزه، «دستور زبان فارسی»، تفلیس، ۱۹۵۳ (مخصوص دانشجویان دانشکده خاورشناسی).
 - ج. گیوناشویلی، «دستور زبان فارسی»، تفلیس، ۱۹۸۷.
 - ولادیمیر پوتوریدزه^(۲)، «منتخبات فارسی»، تفلیس، ۱۹۴۶.

۱- گیوناشویلی: «ایرانشناسی در گرجستان»، ص ۲۰-۱۹.

- بانو لیلا توشی شویلی^(۱)، «منتخبات فارسی»، تفلیس، ۱۹۷۰.
- داوید کوبیدزه^(۲)، «منتخبات فارسی»، ادبیات کلاسیک، ج اول، تفلیس، ۱۹۶۳؛ چاپ دوم، ۱۹۸۱.
- داوید کوبیدزه، «منتخبات فارسی»، ادبیات معاصر، تفلیس، ۱۹۶۷.
- داوید کوبیدزه، «ادبیات فارسی»، ج اول، تفلیس، ۱۹۴۶ و ج ۲، ۱۹۴۷.
- داوید کوبیدزه، «تاریخ ادبیات فارسی»، تفلیس، ۱۹۷۵.
- مجموعه تحقیقات در باره تاریخ خاور نزدیک با اشتراک و زیر نظر والرین گاباشویلی^(۳)، تفلیس، ۱۹۵۷.
- و. دونادزه^(۴)، آ. منته شاشویلی، ت. تسین تسادزه^(۵)، «تاریخ نوین ممالک آسیا و آفریقا، ج ۲، ۱۹۴۵-۱۹۴۵، تفلیس، ۱۹۷۰ (در باره افغانستان، ص ۲۲-۳، در باره ایران، ص ۴۹-۲۲).
- ج. گیوناشویلی، کاتسی تادزه، «منتخبات متون تاریخی فارسی؛ قرنهای دهم تا هجدهم»، تفلیس، ۱۹۷۳، با قرائت فارسی، تفلیس، ۱۹۸۰.
- م. فاطمی، بانو ای. کالادزه^(۶)، «فارسی حرف بز نیم»، تفلیس، ۱۹۷۶.
- ی. کالنین^(۷) و بانو تس. کویریکاشویلی^(۸)، «کتاب قرائت متون مطبوعاتی ایران»، تفلیس، ۱۹۷۴.
- بانو ن. رامی شویلی^(۹) و بانو م. میکاشاویدزه^(۱۰)، «زبان فارسی برای سال دوم دبستان»، تفلیس، ۱۹۸۳.

1.L. Thushishvili.

2.D. Kobidze

3.V. Gabashvili

4.V. Donadze

5.T. Tsintsadze

6.I. Kaladze

7.E. Kalinin.

8.Ts. Kvirikashvili

9.N. Ramishvili

10.M. Mikhashavidze

- ج. گیوناشویلی و بانو ژرژولیانی^(۱)، «زبان فارسی برای سال سوم دبستان، تفلیس، ۱۹۸۶»^(۲)

۵. زبانشناسی

آغازگر تحقیقات علمی در زمینه زبانهای هند و ایرانی و پایه‌گذار زبانشناسی در گرجستان، زبانشناس مشهور و متخصص در رشته آواشناسی و اوستا و زبان آسی، آکادمیسین گ. آخوالدیانی است که نسلی از محققان برجسته را در شوون مختلف زبانشناسی ایرانی تربیت کرده است. مطالعه در باب دستگاه آوایی و دستورهای زبانهای ایرانی، مسائل مربوط به اشتقاق و ترکیب و لهجه شناسی کمابیش بر پایه زبانشناسی تطبیقی و با برخورد محققانه با زبانهای سانسکریت و فارسی باستان و فارسی میانه پیش رفته و در بسیاری از موارد با مسائل زبان و فرهنگ گرجی در هم تنیده شده است.

تحقیقات پیگیر رئیس انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم جمهوری، آکادمیسین تاماز گامکرلیدزه^(۳)، در مسئله مشابهت‌های زبانهای هند و اروپایی، اصل و منشأ و موطن تاریخی اقوام آریایی و مسیر حرکت و مهاجرت آنها، همراه با تسلط بر منابع گسترده و وسعت میدان پژوهش، این امکان را به محقق گرجی داده است که با اشتراک مساعی دانشمند مشهور روسی و. ایوانوف^(۴) اثری جامع و مفصل با عنوان زبان هند و اروپایی را در دو جلد در سال ۱۹۸۴ در تفلیس به چاپ برساند. در این اثر علمی گرانقدر و گرانمایه بسیاری از مسائل زبانشناسی ایرانی مطرح گردیده است و به نظر نگارنده کتابخانه‌های معتبر ایران از این کتاب بی‌نیاز نیستند.

1.L. Zhorzholiani

۲- گیوناشویلی: «ایرانشناسی در گرجستان»، ص ۲۰.

3.Th. Gamkrelidze

4.V. Ivanov

ش. گاپرینداشویلی^(۱) و ج. گیوناشویلی در بُن‌واج شناسی زبان فارسی اصوات فارسی را با اشعه مجهول، لرزه‌نگار و تجزیه طیفی مورد مطالعه قرار دادند. ضمناً تعبیر واج‌شناختی این اصوات که با استفاده از ماشینهای حساب سریع‌العمل صورت گرفته است، در اثر علمی ج. گیوناشویلی به نام دستگاه واجی زبان فارسی در سال ۱۹۶۵ درج گردید.^(۲)

بانوت. چخه‌نیدزه و بانوت. چاوچاوادزه^(۳) یک سلسله آثار علمی خود را در باره واژه‌های مرکب از جمله واژه‌های مرکب فارسی در سال ۱۹۶۹ و اسامی مرکب فارسی را در سال ۱۹۸۲ منتشر ساخته‌اند. مقاله‌های ناخوتسری شویلی^(۴) نیز در این زمینه درخور توجه است. فعالیت علمی چندین ساله گ. آخوالدیانی در مطالعه راجع به مسائل آواشناسی، دستوری، لغات و لهجه شناسی زبان آسی در منتخبات کارهای علمی در باره زبان آسی در سال ۱۹۶۰ فراهم آمده است.

بانو ش. کوته‌تی شویلی^(۵) در سال ۱۹۸۷ رساله‌ای با عنوان «ساختار آوایی واژه‌های یک هجایی زبان کردی با لهجه کرمانجی» منتشر کرد. از بانو ل. توشی شویلی در باره لهجه‌های زبان فارسی چندین اثر نشر یافته است. همچنین یک سلسله مقالات ارزنده در باره مختصات دستوری، لغوی و صرفی زبان و گفتار ایرانیان گرجی تبار، به کوشش متخصصان زبان گرجی تدوین و گائییدزه^(۶)، بانو دارجان چخویانی شویلی^(۷) و ایرانشناس ج. گیوناشویلی در گرجستان و خارج از مرزهای آن منتشر گردیده است.

1.Sh. Gaprindashvili

۲- گیوناشویلی: «ایران‌شناسی در گرجستان»، ص ۱-۲۰.

3.T. Chavchavadze

4.G. Nakhutsrishvili

5.Sh. Kotetishvili

6.Th. Uturgaidze

7.D. Chkhubianashvili

بانو مایا ساخوکیا^(۱) تحقیقات جالب خود را به مسائل تحلیل تطبیقی و تیپولوژیک داده‌های زبانهای فارسی باستان، ارمنی و گرجی باستانی اختصاص داده است.^(۲)

یک سلسله رساله در باره مسائل دستوری و لغت شناسی زبان فارسی نیز به شرح زیر ارائه شده است:

- بانو م. توتسوبیدزه^(۳)، «لغت شناسی اشعار رودکی»، ۱۹۷۵.
- بانو ای. سولاکادزه^(۴)، «لغت شناسی اشعار دقیقی»، ۱۹۷۵.
- بانو م. چیکوباوا^(۵)، «واژه‌ها و اصطلاحات سنگهای قیمتی در زبان فارسی»، براساس رساله عبدالقاسم عبدالله کاشانی، ۱۹۸۶.
- ن. ناخوتسری شویلی^(۶)، «پیشوندهای افعال فارسی»، ۱۹۸۷.
- بانو پ. آنتادزه^(۷)، «توصیف واژه‌شناختی عناوین فارسی برشاک و قماش»، ۱۹۸۹.
- بانو م. کواچادزه^(۸)، «مختصات لهجه لاهیجی‌های ساکن ده گومبوری»، ۱۹۹۰.
- بانو ک. گادلیلیا^(۹)، «ورود لغات و اصطلاحات بین‌المللی به زبان دری معاصر»، ۱۹۸۷.
- بانو ا. چوبین ئیدزه^(۱۰)، «تطور واژه‌شناسی در ایران معاصر»، ۱۹۹۰.

1.M. Sakhokia

۲- گیونا شویلی: «ایران‌شناسی در گرجستان»، ص ۲۱.

3.M. Nutsubidze

4.I. Sulakadze

5.M. Chikobava

6.N. Nakhutsrishvili

7.P. Antadze

8.M. Kvachadze

9.K. Gadilia

10.E. Chubnidze

- بانوت. پاشالی شویلی^(۱)، «نام رنگها در زبان فارسی»، ۱۹۹۱.
- بانوم. کیکنادزه^(۲)، «اهمیت تحقیق لغات و اصطلاحات در کار تفسیر مأخذ کتبی»، ۱۹۹۰.
- بانوک. کی‌کویدزه^(۳)، «واژه‌های مربوط به قرابت و خویشاوندی در زبان فارسی»، ۱۹۹۱.
- بانو ا. گیوناشویلی^(۴)، «صیغه‌های افعال کتبی‌های اشکانی و ساسانی»، ۱۹۹۳.

یکی از مطالب مهم مورد تحقیق ایرانشناسان گرجی بررسی واژه‌های مأخوذ از فارسی باستان، فارسی میانه، دری و آسی (آلانی) در زبان گرجی است. زبان گرجی در عین حفظ بنیۀ دستوری و بیانی خاص خود، برای افزایش ذخیرۀ واژه‌ها و اصطلاحات، از اقتباس و استعمال الفاظ بهاریتی مأخوذ از زبانهای همسایگان خودداری ننموده است. چنانکه ذکر شد، گرجیان در طی قرون متمادی روابط بسیار نزدیک سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با اقوام ایرانی نژاد داشته‌اند و در نتیجه این تماسها، بسیاری از واژه‌ها از راه ادبیات و محاوره به زبان گرجی راه یافته و متداول گشته است. در بعضی موارد، لغات مأخوذ چنان داخل بافت زبان وام‌گیرنده شده و جزء لاینفک واژگان گرجی گردیده که فقط با موشکافی‌های ظریف زبانشناسی دقیق می‌توان به ایرانی بودن آنها پی برد.

تحقیق در این مباحث به حس کنجکاوی ذاتی، آشنایی کافی با متون تاریخی و ادبی گرجی، تبحر در زبانها و لهجه‌های متعدد ایرانی و اطلاع عمیق از سازمان اجتماعی، مذهبی و فرهنگی ایرانیان و گرجیان در ادوار گوناگون نیاز دارد. طی دهه‌های اخیر، تحقیقات کافی و شایسته‌ای برای شناسایی واژه‌های مأخوذ به عمل آمده است که تنها به ذکر خدمات سه پژوهشگر اکتفا می‌کنیم:

1.T. Pashalishvili

2.M. Kiknadze

3.K. Kikvidze

4.H. Giunashvili.

اثر اساسی بانو مزیا آندرونیکاشویلی^(۱) که شهرت فوق‌العاده یافته، کتابی است با عنوان «رساله در باره روابط زبانهای گرجی و ایرانی در سال ۱۹۶۶. در این کار علمی پراچ کلمات مأخوذ از زبان فارسی باستان و زبانها و لهجه‌های فارسی میانه و آسی (آلانی) بررسی شده است. در رساله «در باره اسامی خاص ایرانی» در سال ۱۹۸۴ اثر بانوت. چخه‌ئیدزه در باره اسامی خاص پیش از اسلام بطور کلی و اسامی عاریتی فارسی در گرجی مطالعه دقیقی شده است. تحقیقات مفید بانو الگا تدیوا^(۲) به بررسی روابط متقابل دو زبان گرجی و آسی اختصاص دارد. در این باب کتابهای زیر را می‌توان نام برد:

- ۱ - «واژه‌های گرجی گیاه‌شناسی در زبان آسی» در سال ۱۹۷۵.
- ۲ - رساله «در باره واژه‌های گرجی در زبان آسی» در سال ۱۹۸۳.
- ۳ - رساله «در باره واژه‌های آسی در گرجی» در سال ۱۹۸۸.^(۳)

▣ ادبیات‌شناسی

یکی از مهمترین و دل‌انگیزترین مباحثی که همواره مورد توجه خاص ایرانشناسان گرجی بوده تحقیقات در زمینه ادبیات فارسی و روابط ادبی ایران با گرجستان است. چنانچه گفته شد شاهکارهای گرانسنگ ادب فارسی به زبان گرجی ترجمه شده و مقایسه روایات گرجی با متون فارسی و تعیین مختصات سبکی ترجمه‌های گرجی و اهمیت آنها برای بررسی اصل متون فارسی توجه دانشمندان را به خود جلب می‌کند.

اثر جاویدان فردوسی و نوشته‌های مقلدان و اقتباس‌کنندگان در طی قرون نهم تا دوازدهم هجری به قلم چند تن به نظم و نثر گرجی در آمده است. ترجمه‌های شاهنامه فردوسی به زبان گرجی در گرجستان بسیار طرفدار دارد و

1.M. Andronikashvili

2.O. Tedeeva.

۳-گیوناشویلی: «ایرانشناسی در گرجستان»، ص ۲۱-۲.

این کتاب یکی از معروفترین کتاب‌های شمار می‌رود. اولین کسی که با دید علمی متوجه روایات گرجی شاهنامه فردوسی شد، آکادمیسین نیکلامار^(۱) بود که در سال ۱۸۹۱ میلادی مقاله ابتکاری و راهگشایی در این باب منتشر ساخت. خط مشی این دانشمند را ی. آبولادزه، ک. که‌لیدزه^(۲)، شانیدزه^(۳)، ا. بارامیدزه^(۴)، کوبیدزه و دیگران با دقت و ژرف‌بینی کامل پی گرفتند. یو. آبولادزه اینگونه تحقیقات را رکنی مهم در رشته ایران‌شناسی گرجی تلقی می‌کرد. جلد اول روایات گرجی شاهنامه با حواشی و تحقیقات در سال ۱۹۱۶ به اهتمام یو. آبولادزه به چاپ رسید. جلد دوم این روایات زیر نظر یو. آبولادزه، ا. بارامیدزه، ک. که‌لیدزه، پ. اینگوروقوا و آ. شانیدزه در سال ۱۹۳۴ به مناسبت جشن هزاره فردوسی منتشر شد. جلد سوم روایات گرجی شاهنامه را د. کوبیدزه در سال ۱۹۵۹ در باره شاهنامه و روایات گرجی آن در کتاب «روایات گرجی شاهنامه و مآخذ فارسی آنها» منتشر ساخت.

دو کتاب دیگر که در باره فردوسی به چاپ رسیده است را نیز می‌توان نام برد:

۱ - «فردوسی و شاهنامه او»، اثر ا. بارامیدزه، سال ۱۹۳۴.

۲ - «فردوسی»، اثر ا. گواخاریا، سال ۱۹۳۶.

بانو ژرژلیانی در سال ۱۹۷۸ رساله «روایات فارسی و گرجی داستان ضحاک» را ارائه کرده و در این اواخر، تحقیقات خود را بر روی مسائل تحلیل «زمان و مکان بدیع» در شاهنامه متمرکز ساخته است.

در کار تحقیق مثنوی معروف فخرالدین گرجانی «ویس و رامین» و ترجمه منشور گرجی آن با عنوان «ویس و رامیانی»^(۵) که در قرن ۱۲ میلادی انجام گرفته

1.N. Marr

2.K. Kekelidze

3.A. Shanidze

4.A. Baramidze

5.Visramiani

و به یک یا دو پشت به دست‌نویس خود *فخرالدین گرگانی* یا متن اساسی معتبر دیگری برمی‌گردد و برای تصحیح متن فارسی موثق‌ترین منبع است که برای ایرانشناسان گرجی موفقیت بزرگی محسوب می‌شود. بسیاری از پژوهشگران گرجی مانند یو. آبولادزه، بارامیدزه، د. کوییدزه و دیگران در این زمینه تحقیقات دامنه‌داری کردند ولی ما فقط به اثر *مایا ماماتساشویلی*^(۱) به نام «ویس و رامین گرگانی» و «ویس و رامیانی گرجی» که در سال ۱۹۷۷ نگاشته شده اشاره می‌کنیم. متن ترجمه گرجی این مثنوی اولین بار در سال ۱۸۸۴ میلادی منتشر شده و متن انتقادی خود اثر، در سال ۱۹۶۲ به اتمام / گواخاریا و م. تودوآ به چاپ رسید. پس از دو سال متن «ویس و رامیانی» بدون حواشی و زیرنویسهای علمی در ۲۵ هزار نسخه در دسترس خوانندگان قرار گرفت. بررسی متن ترجمه گرجی و نسخ خطی فارسی این مثنوی، در تدوین متن تازه «ویس و رامین» زمینه مساعدی برای / گواخاریا و م. تودوآ فراهم ساخت. نتیجه فعالیت آنان در این جهت در چاپ اثری که در سال ۱۹۷۰ «بنیاد فرهنگ ایران» منتشر کرد، منعکس گردیده است.

«کلیله و دمنه» *واعظ کاشفی* در طی قرنهای شانزدهم تا هجدهم میلادی (ده تا دوازده هجری) چندین بار ترجمه شد. این روایات در کارهای علمی زیر تحلیل شده است:

- ۱ - بارامیدزه، «روایات گرجی کلیله و دمنه» در سال ۱۹۴۵.
 - ۲ - م. تودوآ، «کلیله و دمنه روایات سابا-اوریلیایی» در سال ۱۹۶۷.
 - ۳ - بانو *چخه‌نیدزه*، «روایت گرجی کلیله و دمنه» در سال ۱۹۸۶.
- متن اصلی «روایات گرجی کلیله و دمنه» آخرین بار در سال ۱۹۷۵ میلادی به همت م. تودوآ در ۲۰ هزار نسخه منتشر گردید. عرصه موضوعات گوناگون ادبیات کلاسیک فارسی و روابط ادبی ایرانی - گرجی بسیار گسترده است و ما در اینجا به ذکر بعضی از کتابها و رسائل اکتفا می‌کنیم:

- بانو ای. آساتیانی^(۱)، «بهرام گوریانی نودار تسی تسی شویلی و مأخذ شرقی آن»، ۱۹۹۰.
- بانو م. آلکسیدزه^(۲)، «مفهوم بدیع اسامی خاص غزلیات حافظ»، ۱۹۸۷.
- پاگوا. ق^(۳)، «نظامی»، ۱۹۶۴.
- ا. جاولیدزه^(۴)، «جلال‌الدین رومی»، ۱۹۷۹.
- بانو ای. کالادزه، «میراث حماسی عنصری»، ۱۹۸۳.
- د. کوییدزه، «عبدالرحمن جامی»، ۱۹۶۶.
- و. کوته‌تی شویلی، «ترکیب قافیه فارسی»، ۱۹۸۶.
- ا. گواخاریا، «مأخذ فارسی روایات گرجی یوسف و زلیخا»، ۱۹۶۰.
- ا. گواخاریا، «روایات بالا واریانی»، ۱۹۸۵.
- بانو ن. گیگا شویلی، «خسرو و شیرین دهلوی»، ۱۹۷۹.
- گ. ماگولاریا، «عمر خیام»، ۱۹۷۷.
- بانو م. ماماتسی شویلی، «مأخذ فارسی لیلی و مجنون تیموراز اول»، ۱۹۶۷.
- «رودکی»، مجموعه مقالات زیر نظر د. کوییدزه، ۱۹۵۷.
- «جامی»، مجموعه مقالات زیر نظر د. کوییدزه، ۱۹۶۴.
- در کتابهای ذیل، نتیجهٔ تتبعات گستردهٔ ایران‌شناسان گرجی در زمینهٔ روابط ادبی و مدنی فارسی - گرجی ارزشیابی شده است:
- د. کوییدزه، «روابط ادبی گرجی - فارسی»، سه جلد، ۱۹۸۱-۱۹۶۶.
- م. تودوآ، «مطالعات گرجی - فارسی»، سه جلد، ۱۹۷۹-۱۹۷۱.
- ا. گواخاریا، «اهمیت ترجمه‌های گرجی آثار فارسی برای تحلیل بعضی از مسائل ادبیات فارسی»، ۱۹۶۰.^(۵)

1.I. Asatiani

2.M. Aleksidze

3.K. Paghava

4.E. Javelidze

۵-گیونا شویلی: «ایران‌شناسی در گرجستان»، ص ۲۲-۳.

از علاقه‌مندی گرجیان به مطالعه آثار ایرانی به ویژه در مورد ادبیات متقدم فارسی، به این مسئله اشاره می‌گردد که در سال ۱۹۷۷، کتابی تحت عنوان «شعر ایرانی» در ۵۰ هزار نسخه چاپ و منتشر گردید. این کتاب حاوی ترجمه‌هایی از «گاتهای اوستا»، «یادگار زریر» و برخی از اشعار رودکی، شهید بلخی، کسایی، دقیقی، فردوسی (ترجمه‌های جدید)، ابوسعید، ابن سینا، ناصر خسرو، عمر خیام، سنایی، سید حسن غزنوی، انوری، جلال‌الدین رومی، سعدی، عبید زاکانی، کمال خجندی، حافظ و عبدالرحمن جامی می‌باشد که علیرغم تیراژ بالای این اثر به محض انتشار نایاب گردیده است.

در ایران‌شناسی گرجی، محفلی کوچک اما منسجم از محققان که علاقه مفروطی به تحقیق و مطالعه در باره فولکلور و ادبیات عامیانه دارند، تشکیل شده است که در اینجا به ذکر بعضی از تتبعات ایشان اکتفا می‌شود:

- بانو د. امیادزه^(۱)، «سیمای زنان افسانه‌های ملی فارسی»، ۱۹۸۵؛ «تحلیل تیپولوژیک افسانه‌های سحرآمیز براساس یکی از موضوعهای افسانه‌های فارسی و گرجی»، ۱۹۹۱.

- بانو ل. کوتاشویلی^(۲)، «افسانه‌های قرن ۱۷ از مجموعه برناردو»، ۱۹۸۰.

- ا. گواخاریا، «در باره روایات فارسی و گرجی بهرام و گلندام»، ۱۹۶۷؛ «روایات گرجی داستانهای عامیانه فارسی»، ۱۹۶۸؛ «اهمیت بین‌المللی داستانهای عامیانه فارسی»، ۱۹۷۲.

- بانو تس. خه‌لاشویلی، «سیمای عیار در داستانهای عامیانه فارسی و گرجی»، ۱۹۸۷.^(۳)

برای ارزیابی صحیح علاقه گرجیان به افسانه‌ها و ادبیات عامیانه فارسی کافی است متذکر شویم که در طی دهه‌های اخیر ترجمه گرجی «خاله سوسکه»

1.D. Omiadze

2.L. Kotashvili

۳- گیوناشویلی: «ایران‌شناسی در گرجستان»، ص ۲۳.

مجموعاً در بیش از ۱۲۰۰۰۰ نسخه منتشر گردیده است.

ایران‌شناسان گرجی در زمینه مسائل ادبیات معاصر فارسی نیز برنامه تحقیقاتی مرتبی را اجرا کرده‌اند که در این زمینه از چند کتاب یاد می‌کنیم:

- بانو م. ایوانی شویلی^(۱)، رمان تاریخی «شمس و تغرای خسروی»، ۱۹۷۹.
- ت. کشه‌لاوا^(۲)، «نثر صادق هدایت»، ۱۹۵۸ و مجموعه مقالات در بارهٔ «ادبیات معاصر فارسی»، ۱۹۸۲.

- بانو ل. گیوناشویلی^(۳)، «خلافت سعید نفیسی»، «مسئله روستائیان در نثر معاصر فارسی»، «مسائل استقرار و تطور مکتب رئالیسم در نثر معاصر فارسی»، ۱۹۸۵.

بخش اعظم ترجمه‌های گرجی ادبیات معاصر فارسی، کار آن عده از ایران‌شناسان گرجی است که در زمینه ادبیات فارسی فعالیت می‌کنند و ایشان این امر خطیر را یکی از وظایف مهم خود می‌دانند. امروز خوانندگان گرجی می‌توانند به زبان مادری خود با آثار بسیاری از نویسندگان و شاعران معاصر ایران نظیر جلال آل‌احمد، کمال اجتماعی، محمدعلی افراشته، فریدون بدره‌ای، به‌آذین، رسول پرویزی، ش. پرتو، فریدون تنکابنی، فریدون توللی، جمالزاده، صادق چوبک، ابوالقاسم حالت، م. دیده‌ور، موحد دیلمقانی، غلامحسین سعدی، مهدی سهیلی، خسرو شاهانی، بزرگ علوی، مشفق کاظمی، جمال میرصادقی، عبدالحسین نوشین، صادق هدایت و بسیاری دیگر آشنا گردند.

تاریخ

در باب تاریخ و آثار تاریخی ایران در گرجستان، تحقیقات فراوان و گوناگونی صورت گرفته است که علاوه بر اینکه نشاندهندهٔ علاقه دانشمندان این سرزمین

1.M. Ivanishvili

2.T. Keshelava

3.L. Giunashvili

نسبت به تاریخ، هنر، سکه و ... ایران می‌باشد، خود نمایانگر اهمیت سرزمین ایران و نقش آن در گرجستان است.

با وجود پرسابقه بودن تاریخ و فرهنگ گرجستان، اسناد و مآخذ گرجی که بتواند تصویر کامل و فراگیری در برابر چشم ما بگشایند، کم و ناچیز است. برای پر ساختن این کمبودها، پژوهشگران گرجی، طی مطالعات و تحقیق در تاریخ گرجستان و روابط آن کشور با ایران و سایر کشورها، همواره به موازات منابع گرجی از مآخذ بسیاری منجمله تألیفات مورخان و جغرافیدانان فارسی زبان استفاده‌های بسیاری کرده‌اند.

مؤسس دانشگاه تفلیس و پایه‌گذار مکتب جدید تاریخ‌شناسی گرجی آکادمیسین ای. جاواخیشویلی به موازات منابع گرجی بر مآخذ فارسی، ارمنی، عربی و ترکی کاملاً محیط بود. در حقیقت، او اولین دانشمند عصر جدید است که اطلاعات مندرج در تألیفات وقایع‌نگاران ایرانی در باره گرجستان را به محک نقد زده و از آنها بهره‌های فراوان برده است. ای. جاواخیشویلی گامهای بلندی برای تربیت نسل جوان دانشمندان گرجی در رشته‌های مختلف تاریخ برداشته است.

شاگرد با استعداد او و مؤسس کرسی تاریخ کشورهای شرق دانشگاه تفلیس در سال ۱۹۵۰ و شعبه تاریخ قرون وسطای خاور نزدیک انستیتو خاورشناسی فرهنگستان علوم جمهوری گرجستان در سال ۱۹۶۰، استاد والرین گاباشویلی^(۱) در واقع پایه‌گذار مکتب ممتازی در مطالعات تاریخ قرن ۱۹ و ۲۰ خاور نزدیک است که این مکتب را در بطن تتبعات خاورشناسی گرجی پدید آورد. گشاینده این مسیر تحقیقاتی در خاورشناسی گرجی پژوهشگر متبحر تاریخ قرون ۱۸ تا ۲۰ خاور نزدیک، به ویژه تاریخ ترکیه معاصر، استاد آثار گگی‌گی نئی‌شویلی^(۲) (۱۹۹۰-۱۹۱۶) است. بیشتر ایرانشناسان ثابت قدمی که

تحقیقات و مطالعات درخور توجهی در تاریخ ایران قرون ۲۰-۱۸ کرده‌اند دست‌پرورده همین دانشمند ارجمند هستند.^(۱)

یکی از نخستین دانشمندان گرجی که به مطالعه دامن‌دار و ترجمه منابع تاریخی فارسی دست زد، ولادیمیر پوتوریدزه (۱۸۹۳-۱۹۶۶) بود. او در بسیاری از آثار تاریخی و جغرافیایی مؤلفان ایرانی تحقیق و مطالعه کرده و اطلاعات مفیدی در باره گرجستان و سایر نواحی قفقاز به دست آورده و ترجمه آنها را با حواشی و تفسیر و توضیحات به چاپ رسانیده است. مخصوصاً این نکته را باید خاطرنشان ساخت که پوتوریدزه در گنجینه‌ها و کتابخانه‌های گرجستان اسناد و مدارک فارسی بسیاری کشف کرده و پس از بررسی علمی در دسترس عموم قرار داده است. این پژوهشگر جمعاً ۱۳۶ سند رسمی مربوط به دوره سلطنت پادشاهان صفوی در باره نصب اشخاص به مشاغل، عطیه‌ها و انعام‌ها و شیوه‌های دریافت مالیات‌ها را با ترجمه و توضیحات لازم، در چهار جلد با عنوان «اسناد تاریخی فارسی در مخازن کتاب گرجستان (۱۹۶۱-۱۹۷۷)» منتشر کرده است. و پوتوریدزه در سال ۱۹۹۵، اسنادی را که به دو زبان فارسی و گرجی تدوین شده به چاپ رسانیده است. این دانشمند ارجمند اطلاعات در باره گرجستان را از «حدودالعالم»، تألیفات استخری، حمدالله قزوینی، حاجی مهدیقلی قاجار، محمد طاهر و دیگران نیز استخراج و ترجمه کرده است. پوتوریدزه در بایگانی موزه گرجستان، نسخه خطی منحصر بفرد فارسی «تاریخ صفی» (تاریخ ایران تا انعقاد عهدنامه ترکمانچای در سال ۱۸۴۸) از میرزا یوسف قره‌باغی را یافته و توصیف کرده است. از دیگر کارهای تحقیقاتی درخور توجه این پژوهشگر کتابهای زیر را می‌توان نام برد:

- «اطلاعات حسن روملو در باره گرجستان»، متن فارسی، ترجمه گرجی به اهتمام و پوتوریدزه، توضیحات و حواشی از ر. کیکنادزه، ۱۹۶۶، «اطلاعات اسکندر منشی در باره گرجستان»، ۱۹۶۹.

۱- گیوناشویلی: «ایران‌شناسی در گرجستان»، ص ۲۴.

فعالیت و پوتوریدزه در واقع برای بررسی مسائل تاریخ قرون وسطای گرجستان و روابط سیاسی و فرهنگی این کشور با دول همجوارش پایه مأخذشناسی استواری را بنا نهاده است. سنت حسنه استادک. پوتوریدزه را دست‌پروردگان او با موفقیت ادامه دادند. یکی از شاگردان پرکار و با استعداد او، متخصص گرانقدر تاریخ قرون وسطی و روابط گرجستان با ایران، روازکیکنادزه (۱۹۸۹-۱۹۲۳) است. بصیرت و اطلاع و تسلط او بر منابع و مأخذ گرجی و فارسی همراه با ژرف‌اندیشی این امکان را به او داد که در روشهای علمی مأخذشناسی گرجی تحقیقات جالبی به عمل آورد. از جمله کتابهای وی می‌توان به دو اثر زیر اشاره کرد:

۱ - «مسائل مأخذشناسی تاریخ گرجستان»، ۱۹۸۲.

۲ - «مسائل نظری مأخذشناسی»، ۱۹۸۸ با همکاری گ. آلاسانیا.

ر. کیکنادزه یک سلسله تحقیقات علمی خود را به مسائل تاریخ دوره مغول اختصاص داده است. او اطلاعات درخور توجهی از منابع استخراج کرده و با توضیحات و حواشی به چاپ رسانیده است، از جمله: «اطلاعاتی درباره گرجستان» از کتاب «تاریخ جهانگشای جوینی» تألیف علاءالدین عطاملک جوینی، (۱۹۷۴) و «اطلاعاتی درباره گرجستان و قفقاز» از کتاب «عجایب الدنيا»، ۱۹۷۸.^(۱)

از کارهای پژوهشگران گرجی در این زمینه کتابهای ذیل را می‌توان نام برد:

۱ - م. خویوآ، «احکام و فرامین فارسی موزه گرجستان»، ۱۹۴۹.

۲ - آ. چهئی شویلی، «نامه‌های خانهای ایروان که در نیمه دوم قرن ۱۸ به گرجستان ارسال شده است»، ۱۹۸۲.

۳ - ک. تابادزه، «ملاقات ایلچیان عثمانی با شاه طهماسب»، ۱۹۷۶.

۴ - بانوگلاشویلی، «اطلاعاتی درباره گرجستان» از ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی اسکندر منشی، ۱۹۸۱ و «سه مأخذ فارسی درباره گرجستان قرن شانزدهم»،

- ۱۹۹۰، حاوی اطلاعاتی از «تاریخ جهان‌آرای» قاضی احمد غفاری، «نقاوة الآثار فی ذکر الاخبار» محمد نطنزی و «عالم‌آرای شاه اسماعیل».
- ۵- ن. دوندوآ، «اسناد تاریخی گرجی - فارسی قرنهای ۱۶ تا ۱۸»، ۱۹۸۴.
- ۶- م. تودوآ، «مجموعه فرامین شاهانی ایران که در مخازن تفلیس بایگانی شده است»، ۱۹۸۹.
- ۷- گ. برادزه و بانو اسمیرنوا، «مواردی در باره ایران و گرجستان در اوایل قرن ۱۷»، ۱۹۸۸.
- ۸- گیوناشویلی، «نسخه خطی تاریخ سیستان موجود در تبیلیسی»، ۱۹۷۱.^(۱) برخی از پژوهشگران توجه خود را به مطالعه و تحلیل روش و ترتیب تدوین اسناد فارسی و رعایت مقررات دیپلماسی معطوف کرده‌اند. از جمله آثار در این زمینه می‌توان از کتابهای زیر نام برد:
- ۱- ت. آباشیدزه، «گوشه‌ای از تاریخ دیپلماسی در زبان فارسی قرنهای ۱۶ تا ۱۸»، ۱۹۷۷.
- ۲- ن. دوندوآ، «مسائل توصیفی مأخذشناسی اسناد گرجی - فارسی قرنهای ۱۶ تا ۱۸»، ۱۹۸۶.
- ۳- گ. برادزه، «مهرهای گرجی قرنهای ۱۷ و ۱۸ با نوشته به دوزبان و بیشتر»، ۱۹۸۶.
- شناسایی تاریخ ایران در خاورشناسی گرجی حوزه گسترده‌ای دارد که از مسائل مربوط به تاریخ پیش از اسلام شروع و به مباحث گوناگون دوران معاصر ختم می‌شود. ممیزه سنت مطالعاتی مسائل تاریخ ایران توجه جدی پژوهشگران گرجی به روابط تاریخی و فرهنگی ایران با گرجستان است و در واقع تحقیقات در زمینه تاریخ ایران به عنوان بخشی از گرجستان‌شناسی یا عامل امدادی مهم آن تلقی می‌شود.
- تحقیقات در زمینه تاریخ پیش از اسلام بر اساس مطالعه تطبیقی

سنگ‌نبشته‌ها، مسکوکات عصر، ترجمه منابع کتبی و تدقیق در آنها و همچنین بررسی همه جانبه رسوم و عادات متداوله عصر صورت می‌گیرد. از جمله نتایج این تحقیقات می‌توان این موارد را نام برد:

۱- گ. تسرتلی، «دولت هخامنشی و تمدن جهانی»، ۱۹۸۶؛ در آلان درکتیه شاپور، ۱۹۷۵.

۲- بانو ت. آبرامی شویلی، «فهرست مسکوکات اشکانی موزه دولتی گرجستان»، ۱۹۷۴.

۳- گ. امیراناشویلی، «سنگ‌نبشته‌های ساسانی به مثابه مأخذ تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران»، ۱۹۷۶.

۴- بانوک. رامی شویلی، «نگین‌های ساسانی در گرجستان»، ۱۹۷۹.

۵- بانو م. تسوتسه لیا، «گرجستان شرقی (کارتیل) در قرنهای ۳ تا ۷ میلادی و روابط آن با دولت ساسانی، ۱۹۷۵ و «فهرست مسکوکات ساسانی گرجستان»، ۱۹۸۱.

۶- بانو ای. جالاکانیا، «گنج‌های مسکوکات بیزانسی و ساسانی در گرجستان»، ۱۹۸۰.

۷- ت. چخه‌نیدزه، «کارنامه اردشیر پاپکان»، متن پهلوی، ترجمه گرجی، تحقیقات و فرهنگ، ۱۹۷۵ و «آداب و رسوم تربیت و پرورش در ایران ساسانی»، ۱۹۷۹.^(۱)

مبحثی که همواره مورد توجه خاص پژوهشگران گرجی بوده و هست بررسی تطبیقی ساختار جامعه و تشکیلات شهری ماورای قفقاز و خاور نزدیک در قرون وسطی است. اینک فقط به ذکر تحقیقاتی اکتفا می‌شود که رابطه مستقیم با مسائل تاریخ شهرهای ایران یا منابع مهم فارسی دارد:

۱- گ. برادزه، «نهاد رئیس شهر در ایران قرنهای ۱۰ تا ۱۱ میلادی»، ۱۹۷۰.

۲- گ. ژرژلیانی، «شهرهای ایران در قرن ۱۱ میلادی»، ۱۹۸۳.

- ۳- پ. توپوریا، «شهرهای ماوراء قفقاز در قرنهای ۱۰ تا ۱۲ میلادی»، ۱۹۸۵.
 - ۴- بانو م. گاباشویلی، «شهرهای گرجستان در قرن ۱۲ میلادی»، ۱۹۸۳.
 - ۵- ر. کیکنادزه، «شهرها و حیات شهری دوران صفویه»، ۱۹۶۶؛ «شهرهای شرق ماورای قفقاز در قرنهای ۱۶ تا ۱۸ میلادی»، ۱۹۷۶؛ «تشکیلات اجتماعی و اقتصادی شهرها و مبارزات اجتماعی در ایران دوره صفویه»، ۱۹۹۰.
 - محققان گرجی سهم شایسته‌ای در تحقیق و مطالعه تاریخ دوره سلجوقی، مغول و پس از آن دارند از جمله نوشته‌های آنان در این زمینه موارد زیر می‌باشد:
 - ۱- ن. شینگه‌لیا، «سلجوقیان و گرجستان در قرن ۱۱ میلادی»، ۱۹۶۸.
 - ۲- پ. توپوریا، «واحد‌های سیاسی شرق ماوراء قفقاز در قرنهای ۱۱ و ۱۲ میلادی»، ۱۹۸۰.
 - ۳- گ. سانیکیدزه، «استقرار دولت اسماعیلیه در ایران در قرنهای ۱۲ و ۱۳ میلادی»، ۱۹۹۰.
 - ۴- ی. تسین‌سازده، «مغولها و استیلاگری آنها»، ۱۹۶.
 - ۵- و. کیکنادزه، «گرجستان در قرن ۱۴ میلادی»، ۱۹۸۹.
 - ۶- د. کاتسی‌تادزه، «گرجستان بین قرنهای ۱۴ و ۱۵ میلادی»، براساس منابع فارسی، ۱۹۷۵.
 - ۷- تس، گوایریدزه، «روابط گرجستان با ایلخانیان و جلایریان»، ۱۹۸۶.^(۱)
- از قرن شانزدهم به بعد، علاقه روسیه به مسائل خاور نزدیک رفته رفته واقعیت یافت و گرجستان در گردونه سیاست بین‌المللی قرار گرفت و جداً مورد توجه سه قدرت نیرومند واقع شد. موضوعات تحقیقاتی در زمینه مطالعات تحلیلی و استنتاجی در باره گرجستان قرنهای ۱۶ تا ۱۹ میلادی مستلزم تسلط بر منابع بشمار گرجی، فارسی، ترکی، روسی و اروپایی و پژوهش چند وجهی تاریخ روابط سیاسی و اقتصادی کشورهای ذیربط است. محققان گرجی عنایت مخصوصی بدین مطالب داشته‌اند. اثر ذیقیمت و. گاباشویلی در کتاب «سازمان

فتودالیسم گرجستان در قرنهای ۱۶ و ۱۷ در سال ۱۹۵۸، حاوی مطالب جالب روابط ایران و گرجستان است. ضمناً مختصات تشکیلات فتودالی گرجستان در آن بررسی و با نظام مالیاتی و زمینداری ایران مقایسه شده است. اینک برخی از انتشارات متخصصان گرجی در این زمینه را می‌آوریم:

۱- ک. تابا تادزه، «تذکره شاه طهماسب اول به مثابه مأخذ تاریخی ملل ماوراء قفقاز»، ۱۹۵۵.

۲- ب. جاواخیا، «تاریخ روابط ایران و گرجستان از قرن ۱۶ تا دهه سوم قرن ۱۷»، ۱۹۵۵.

۳- و. چوچیف، «روابط بین‌المللی خاور نزدیک در قرنهای ۱۶ تا ۱۸ با توجه با معاهدات ایران و دولت عثمانی»، ۱۹۷۱.

۴- ن. سورگولادزه، «حکومت مرکزی ایران صفویه»، ۱۹۹۰.

۵- ن. گلاشویلی، «روابط ایران و گرجستان در قرن ۱۶»، ۱۹۹۱.

۶- ت. تیوادزه، «گرجستان و روابط روسیه با ایران در نیمه دوم قرن ۱۷»، ۱۹۷۷.

۷- بانو ت. کوته‌لیا، «گرجستان و ایران صفوی براساس سکه‌شناسی»، ۱۹۷۹؛ فهرست سکه‌های مسی ایران در موزه گرجستان»، ۱۹۹۰.

۸- بانو ل. شنگه‌لیا، «مبارزات ملوک‌الطوایفی در ایران پس از درگذشت نادرشاه»، ۱۹۷۰؛ «ایران در دوره حکمرانی کریم‌خان زند»، ۱۹۷۳؛ «ماورای قفقاز و روابط ایران با روسیه در نیمه اول قرن ۱۹»، ۱۹۷۹.

۹- ز. شاراشنیدزه، «ایران در نیمه دوم قرن ۱۸»، ۱۹۷۰؛ «وضع داخلی روابط خارجی ایران در اوائل قرن ۱۹»، ۱۹۸۹.

۱۰- بانو ن. آخالادزه، «روابط ایران با فرانسه در اوائل قرن ۱۸ در گرجستان»، ۱۹۹۰.

۱۱- ی. تسین تسادزه، «حمله آغامحمدخان به گرجستان»، ۱۹۶۹.

۱۲- ن. کورتوا، «ماورای قفقاز طی جنگ ۱۸۲۸-۱۸۲۶ ایران با روسیه»، ۱۹۷۸.

همچنین ت. ناتروشویلی در کتابهای خود از جمله «از مشرق تا مغرب» به سال ۱۹۷۸ و «یک سال و هزار سال» به تاریخ ۱۹۸۸، بسیاری از مسائل مذکور را با خامهٔ بدیع‌نگار و رشک‌انگیز خویش همراه با باریک‌بینی و ژرف‌اندیشی علمی مطرح کرده و در دسترس دوستداران تاریخ گذارده است.

محققان گرجی همچنین در زمینهٔ تاریخ ایران در قرنهای ۱۹ و ۲۰ میلادی نیز مطالعات و آثار قابل توجهی از خویش برجای گذارده‌اند. از جمله نوشته‌های آنان در این زمینه می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

۱- بانو اس. ناچقه‌بیا، «سیاحت در ارمنستان و ایران ۱۸۰۶-۱۸۰۵»، اثر ژویر به مثابهٔ مآخذ تاریخ خاور نزدیک در اوایل قرن ۱۹، ۱۹۹۰.

۲- ل. تراگانف، «مستشاران خارجی و ارتش منظم ایران در قرن ۱۹»، ۱۹۸۴.
 ۳- گ. کاتسی تادزه، «موضع ایران در صحنهٔ بین‌المللی پس از جنگ اول جهانی»، ۱۹۹۰؛ «مهاجرین ایرانی در جمهوری وایمار آلمان و بعضی از مسائل توسعهٔ روابط بین ایران و آلمان»، ۱۹۹۲.

۴- گ. چیپاشویلی، «تطور نهضت شرکتهای تعاونی روستاییان در ایران»، ۱۹۶۸؛ «سازمان کشور ایران»، ۱۹۹۰.

۵- ا. کیکنادزه، «فعالیت مراکز فرهنگی و علمی غرب در ایران در سالهای ۱۹۷۵-۱۹۶۰»، ۱۹۸۲.

۶- ا. کیکنادزه، «تجاوز ایدئولوژیکی کشورهای رشد یافته غرب در ایران در سالهای ۷۰-۶۰ قرن ۲۰»، ۱۹۸۳.^(۱)

۷- بانو ا. بابالا شویلی، «مسائل مبهم جمعیت‌شناسی ایران»، ۱۹۸۷.

۸- پ. سورگولادزه، «دولت اسلامی معاصر و مبنای نظری آن»، ۱۹۸۴.

برخی از پژوهشگران گرجی توجه و تمایل خود را به مطالعه و بررسی شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عشایر و اقلیتهای ملی ایران، مشخصات خانوادگی، خویشاوندی و رسوم و آداب آنها و برخورد و سیاست دولت مرکزی

نسبت به آنها معطوف کرده‌اند. از جمله کتابهایی که در این زمینه منتشر شده است:

- ۱- آ. گویلاوا، «ترکمنهای ایران»، ۱۹۶۸؛ «سیاست مرکزگرایی دولت ایران و مسئله کوچ‌نشینان ایران در دههٔ قرن ۲۰»، ۱۹۸۱.
 - ۲- آ. منته شاشویلی، «اکراد و کردستان»، ۱۹۷۷؛ «مسائل تاریخ اکراد خاور نزدیک در قرنهای ۱۰ تا ۱۹ میلادی»، ۱۹۷۸؛ «اکراد»، ۱۹۸۴.
 - ۳- آ. چهلیدزه، «گرجی‌های فریدنی»، ۱۹۵۱.
 - ۴- گ. چیپاشویلی، «گرجی‌های فریدنی»، ۱۹۶۳؛ «سکنهٔ گرجی ایران»، ۱۹۹۰.
 - ۵- ز. شاراشنیدزه، «گرجی‌های فریدنی»، ۱۹۷۹.
 - ۶- بانوگ. گوتسی ریدزه، «ازدواج در خانواده‌های گرجی فریدنی»، ۱۹۸۷.
- همچنین چند کتاب به بررسی فعالیت و شرکت انقلابیون گرجی در نهضت مشروطیت ایران تخصیص داده شده است:
- ۱- آ. که‌لنجریدزه، «گرجیان در انقلاب ۱۹۱۱-۱۹۰۵ ایران»، ۱۹۷۵.
 - ۲- گ. چیپاشویلی، «قیام ۱۹۰۸-۱۹۰۹ تبریز و مطبوعات گرجی»، ۱۹۷۹؛ «سرگومادلی شویلی (سرگو گرجی) و خاطرات ایرانی او»، ۱۹۸۳.^(۱)

❏ جغرافیا

چنانکه یاد شد، زبان فارسی و دیگر مواد درسی ایرانشناسی در دانشکدهٔ جغرافیای دانشگاه تفلیس تدریس می‌شود. ابتکار تعمیم خاورشناسی، منجمله ایرانشناسی (از سال ۱۹۶۶) در این دانشکده مرهون فعالیت ثمربخش یکی از برجسته‌ترین چهره‌های این حوزه از مطالعات، جغرافیدان متبحر، نودار ناچقه‌بیا (۱۹۲۸-۱۹۷۷) است. در نتیجه تحقیقات پیگیر و کوششهای تشکیلاتی این استاد و همکارانش، جغرافیای ایران به صورت رشتهٔ کامل عیار دانشگاهی

درآمد. مهمترین اثر ن. ناچقه‌بیا کتابی است با عنوان «ایران، توصیف اقتصادی و جغرافیایی» (۱۹۷۲). این کتاب بی‌تردید جامعترین بررسی جغرافیایی در باره ایران است که به زبان گرجی منتشر شده است. از تألیفات شاگردان این دانشمند ارجمند تحقیقات ذیل را می‌توان نام برد:

۱- / روندلی، «مسائل عمده ترکیب و تطور شهرهای ایران»، ۱۹۷۴.

۲- بانوف. زوریکا شویلی، «اصفهان و حومه آن»، ۱۹۷۹. (۱)

هنر

در موزه تاریخ گرجستان و موزه هنرهای زیبا و دیگر موزه‌های این جمهوری، بسیاری از لوازم و نمونه اندوخته‌های مادی مانند ظروف، اسلحه، پرده‌های نقاشی، کاشیها، قالیها، جامه‌ها، شمعدانها و کشکولها، حفظ شده که معرف ذوق و استعداد عالی هنرمندان و صنعتگران ایران دوره‌های گوناگون است. آغازگر تحقیقات علمی در زمینه هنر ایرانی، متخصص مشهور هنر گرجی و فرهنگ ایرانی دوره ساسانی، آکادمیسین شالوا آمیرناشویلی (۱۸۹۹-۱۹۷۵) است. وی گامهای بلندی در راه مطالعه هنر نقاشی ایرانی مخصوصاً دوره قاجار برداشته است. نتیجه تبعات او در این رشته کتابی است با عنوان «نقاشی داری (دستگاهی) ایرانی»، ۱۹۴۱.

از تألیفات دیگر متخصصان گرجی در این زمینه کتابهای زیر را می‌توان نام برد:

- گ. کویرکولیا، «ظروف مسی و برنجی ایران قرن ۱۹ در موزه گرجستان»، ۱۹۶۸.

- ا. گوپیلوا، «اصفهان، شیراز، کاشان، توصیف هنری»، ۱۹۸۰.

- بانو م. تسین تسادزه، «تولید قماش در شهرهای ایران در قرون ۱۰-۱۲ میلادی»، ۱۹۹۰.

با توجه به نکات بالا می‌توان استنباط کرد که وجه تمایز جدی ایران‌شناسی گرجی تنوع مطالب، پیجویی خالص پژوهشگرانه و ملی بودن آن است. رهیافت و نگرش چند وجهی دانشمندان گرجی در امر خطیر و شرافتمندانه تحقیق تاریخ و تمدن کهنسال ایرانیان و روابط تنگاتنگ تاریخی و فرهنگی ایران و گرجستان موضع علمی معتبری در مقیاس جهانی برای آنها فراهم کرده است. بنا به ارزیابی ایران‌شناس مشهور آکادمیسن فقید یان ریپکا «ایران‌شناسی گرجی واقعاً عالی است».^(۱)

فصل هشتم

روابط ادبی و فرهنگی ایران و گرجستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی

اشتراکات فرهنگی، تاریخی و مذهبی چند هزار ساله ایران با گرجستان، یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این کشور می‌باشد. پس از فروپاشی شوروی سابق و پس از هفتاد سال حاکمیت نظام کمونیستی بر این کشور، یک روند احیاء فرهنگی و بازگشت به فرهنگ خود، بعد از سالها سیاست سرکوب فرهنگی رژیم کمونیستی در این منطقه آغاز شده است.

یکی از عوامل مؤثر بر سیاست خارجی ایران در کشور گرجستان، مسئله دسترسی این کشور به بنادر دریای آزاد و اروپا است و از همین رو، ایران تلاشهای گسترده‌ای برای ایجاد تسهیلات و امکانات حمل و نقل کالا از طریق راههای ارتباطی قلمرو خود برای آن کشور انجام داده است. البته روابط ایران و روسیه نیز در این امر تأثیرگذار است.

ایران با توجه به اشتراکات تاریخی و فرهنگی بسیار با کشور گرجستان بسط

روابط با این کشور را در اولویت سیاستهای منطقه‌ای خود قرار داده است.^(۱) تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، نقش جمهوریهای شوروی نظیر گرجستان در مبادلات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی اندک بود و این حجم بیشتر مختص به روسیه بود. پس از پیروزی انقلاب نیز این روند ادامه داشت و روند مبادلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین ایران و گرجستان تنها در چارچوب روابط دو جانبه حکومت مرکزی روسیه بود.^(۲)

در دوره اتحاد جماهیر شوروی با توجه به الگوی تجارت خارجی جمهوریها، جابجایی کالاها در شوروی از طریق حمل و نقل منظم به ویژه راه آهن که تحت نظارت مرکز اداره می شد انجام می گرفت.

روابط ایران و گرجستان را پس از پیروزی انقلاب اسلامی می توان در دوره قبل از فروپاشی شوروی سابق و بعد از آن مورد بررسی قرار داد. اهمیت این روابط در دوران قبل از استقلال گرجستان به لحاظ سیاستهای دولت مرکزی در اتحاد جماهیر شوروی متأثر از آن بود و رویدادهای سیاسی روابط فرهنگی را تا حد زیادی تحت الشعاع خویش قرار می داد. برژنف در پیامی که پس از وقوع انقلاب اسلامی رخ داد این واقعه را به عنوان پیروزی بزرگ و تاریخی مردم ایران خواند. دولت مرکزی نیز ضمن پشتیبانی از حکومت اسلامی در ایران، پیشنهاد همکاریهای گسترده را در زمینه های مختلف ارائه داد. ولی با گذشت چند ماه از پیروزی انقلاب اسلامی اختلافاتی در روابط دو کشور بروز کرد. مواردی از قبیل دخالت روسها در امور افغانستان باعث کاهش تحویل گاز ایران و نیز توقف تعدادی از پروژه های اقتصادی مشترک و کاهش شدید مبادلات بازرگانی شد. با اشغال سفارت امریکا روابط دو کشور کمی رو به بهبود نهاد. بروز جنگ

۱- محمد ابراهیم تقی زاده ملایوسفی، سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز،

(تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۷)، ص ۴-۹۲.

۲- تقی زاده ملایوسفی، سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، ص ۱۴۶.

تحمیلی و کمکهای بی‌حد و حصر تسلیحاتی شوروی را به دولت عراق باعث شد که مجدداً روابط دو کشور رو به تیرگی نهد که با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از سوی ایران آخرین موانع عمده در روابط ایران و شوروی مرتفع گردید. اصلاحات گورباچف که در سالهای آخر عمر شوروی سابق شتاب بیشتری به خود گرفت نقش عمده‌ای در بهبود روابط طرفین داشت، بطوریکه با تبادل پیام بین رهبران دو کشور در زمستان ۱۳۶۷ در روابط دو کشور نقطه عطف بیسابقه‌ای پدیدار گشت.

■ گرجستان در دوران پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی

به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، کشورهایی جدید با ملیتهای مختلف پا به عرصه حیات گذاشتند. جمهوری گرجستان پس از فروپاشی اتحاد شوروی از همان ابتدا با بحران عدم مدیریت و رهبریت روبرو شد و برای جبران این ضعف، درهای خود را به روی جهان خارج بست و درگیر مسائل داخلی گردید. برای تأیید این گفته می‌توان به این نکته اشاره کرد که جمهوری گرجستان علیرغم اینکه یکی از پانزده جمهوری سابق شوروی بود، ولی در فدراسیون کشورهای جامع مشترک‌المنافع وارد نگردید و به همین علت با واکنش شدید مسکو روبرو گشت. مجموعه‌ای از عوامل باعث گردید که این کشور بیشتر حالت انزواگونه‌ای پیدا کند و با کمبودها و عدم وجود مواد غذایی و مصرفی روبرو گردد و روز بروز وضع اقتصادی آن وخیم‌تر شود. در این حال جاذبه‌های رفاهی آن سوی مرز باعث تشدید بحرانهای استقلال‌خواهی گردید. از طرف دیگر تضعیف دولت مرکزی در تفلیس و عدم رهبری قاطع و مدبرانه باعث شد که ملیتهای غیرگرجی خود را از آنها جدا دانسته و خواستار استقلال و یا الحاق به سایر جمهوریه‌ها شوند. در صورتی که اگر دولت مقتدر و قوی در مرکز وجود داشت می‌توانست تمام کمبودها و نیازهای اقلیتهای قومی را چه از لحاظ مواد غذایی و مصرفی و چه از لحاظ فرهنگی و آموزشی مرتفع کند و آنها

را از وابستگی به خارج بی‌نیاز گرداند، البته در این میان نقش مسکو و عدم تمایل آن به حل این مشکلات قابل ذکر است.

❑ وضعیت قومیت‌های گرجی پس از استقلال گرجستان

مهمترین مسائل داخلی در این کشور، درگیریهای داخلی است. بحران ابخاز، چچن‌ها، آویکها، کاباردها و دسته‌های قزاق که در داخل با دولت گرجستان می‌جنگند. این جنگها اثرات مخربی بر گرجستان گذاشته است.^(۱)

ابخازها از مدتها پیش خواهان جدایی از گرجستان و تشکیل دولت واحد می‌باشند. در ضمن خواهان این هستند که ابخازیایی که در طول دیکتاتوری استالین از این منطقه فرار کرده‌اند و اکثراً به خاطر امتناع از مسیحی شدن در مناطق مجاور و بخصوص در ترکیه هستند به میهن اصلی خود بازگردند و ملت واحد ابخازی را تشکیل دهند. همچنین از تغییر بافت جمعیتی این منطقه که به نفع گرجی‌ها و به زیان ابخازیهاست خودداری گردد و از مهاجرت بی‌رویه گرجی‌ها به این جمهوری جلوگیری شود. گرجی‌ها مسکو را بطور علنی عامل بحران ابخاز می‌دانند. از نظر آزادیهای فرهنگی و مذهبی جمهوری خودمختار ابخاز تا حدود زیادی اختیارات کارهای خود را دارد، اما مسئله مهمی که باعث تیرگی روابط ابخازیا و گرجستان شده است، این است که ابخاز یا در حال حاضر با قانونی کردن مصوبه سال ۱۹۲۲ مبنی بر تشکیل جمهوری متحده ابخازیا سعی در جدایی از جمهوری گرجستان دارد. ابخازیا قانون اساسی ۱۹۲۲ را که طبق آن، جمهوری خودمختار ابخازیا به صورت جمهوری متحده ابخازیا ارتقاء درجه می‌یافت را دو باره جنبه قانونی داده و آن را به رسمیت شناخته است. در آن دوره، ابخازیا و گرجستان با هم یک اتحادیه واحد تشکیل می‌دادند و هر کدام

۱- سیدمحمدرضا عمرانی، آینده روابط جمهوری اسلامی ایران و گرجستان، (تهران:

دانشگاه امام صادق، ۱۳۷۲)، ص ۸۵-۶.

از این دو جمهوری دارای اختیارات یکسان بودند.

روی همین اصل، امروزه ابخازیه‌ها با تظاهرات روزمره خود در شهر سوخومی مرکز ابخازیا، این قانون را دوباره احیاء کردند و خواستار جدایی از گرجستان هستند. از طرف دیگر از آنجایی که در خود جمهوری گرجستان نیز آشوبهای دیگری وجود دارد و همه روزه افراد زیادی به حمایت و عده‌ای دیگر به مخالفت با رئیس پیشین حکومت گرجستان یعنی گامسا خورودیا به زد و خورد می‌پردازند و چهره شهر تفلیس را خونین می‌کنند، لذا گرجستان هیچگاه از ثبات داخلی برخوردار نبوده است.^(۱)

ابخازها ۱۷/۸ درصد جمعیت ابخازستان را تشکیل می‌دهند. تنها در شهر سوخومی ۴۱/۸ درصد اهالی گرجی هستند و ابخازها و روسها به ترتیب ۱۲/۶ و ۲۱/۱ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند. در ابخازستان مشاغل تخصصی و حساس به عهده گرجی‌هاست و ابخازها، گرجی‌ها را به عدم ایجاد امکانات توسعه صنعتی و اجتماعی متهم می‌کنند. گرجی‌های تندرو موجودیت قومی ابخاز را به کلی منکر هستند.

ابخازها پس از اجرای قانون جدید احزاب در انتخابات مجلس در ترکیب احزاب سیاسی انسجام بیشتری یافتند. آنها توانستند اکثریت فوق‌العاده‌ای را به دست آورند. در این حال، ابخازستان هنوز شاهد درگیری نیروهای دولتی و جدایی‌خواهان است. در صورتی که ابخازها موفق شوند استقلال ابخاز از گرجستان را بر پایه اعلامیه ژوئن ۱۹۹۲ (تابستان ۱۳۷۱) خود به دست آورند برای دیگر جمهوریهای خودمختار نیز زمینه‌ای جهت آغاز قیام برای جدایی از گرجستان ایجاد خواهد شد.^(۲)

به هر حال، ابخازیه‌ها با توجه به موقعیت استراتژیک خود اکنون تمامی مناطق ابخازستان را تحت کنترل خود دارند و پرچم ابخازستان را در تمامی مناطق تحت کنترل خود به اهتزاز در آورده‌اند. از آن جایی که در حال حاضر

حکومت مرکزی گرجستان وارد جنگی تمام عیار با جمهوری خودمختار ابخازستان شده است، پایان این بحران به سادگی قابل پیش‌بینی نیست. از دیگر مناطق بحران‌خیز گرجستان، اوستیا می‌باشد که شامل اوستیای جنوبی و اوستیای شمالی است. اوستیای شمالی به صورت جمهوری خودمختار روسیه می‌باشد و جمهوری خودمختار اوستیای جنوبی نیز به صورت جمهوری خودمختار گرجستان است. این ایالت در ۲۰ آوریل ۱۹۹۲ به صورت ایالتی از جمهوری گرجستان در آمد. مساحت این ایالت ۳۹۰۰ کیلومتر است و جمعیت آن در سال ۱۹۹۳ بالغ بر ۱۲۰۰۰۰ نفر بود. غیر از اوستیا، در این ایالت گرجی‌ها و روسها و دیگران زندگی می‌کنند. مرکز این ایالت شهر تسخین و ۱۴ شهرک دیگر نیز در این ایالت وجود دارد. زبان اوستی از گروه زبانهای ایرانی شمال خاوری و از شاخه سکایی - سرمتی است که در دوره آلانها رواج داشت.^(۱)

▣ آغاز روابط رسمی ایران و گرجستان

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۹۱ پس از فروپاشی نظام شوروی، جمهوری گرجستان را به رسمیت شناخت. با این حال، به دلیل مشکلات داخلی گرجستان، برقراری مناسبات در سطح سفارت از سال ۱۹۹۳ با تأسیس سفارت ایران و در تفلیس، سال ۱۹۹۴ با تأسیس سفارت گرجستان در تهران توانستند رسماً فعالیت خود را آغاز کنند.

سفیر گرجستان در تهران دکتر جمشید گیوناشویلی فرهیخته و ایرانشناس برجسته است. ایشان دارای تبحری خاص و دانشی کم مانند در زمینه زبان و ادبیات فارسی هستند و شور و حرکت خستگی‌ناپذیر در ایجاد گسترش ارتباط ثمربخش بین نهادهای علمی و فرهنگی دو کشور. سفیر ایران در گرجستان نیز در بسط روابط دو کشور نقشی بسزا ایفا می‌کند.

فعالیت‌های ایشان، چه در بخش خاورشناسی دانشگاه تفلیس و چه از زبان شخصیت‌های علمی، در توسعه مناسبات بین ایران و گرجستان سهم عمده‌ای داشته است.^(۱)

در ابتدای استقلال جمهوری گرجستان همکاری اقتصادی ایران با آن کشور بیشتر در جهت تأمین نیازمندیهای ضروری و فوری مردم کشورهای منطقه بود و روابط دو جانبه اقتصادی و بازرگانی براساس موافقتنامه‌های منعقد شده بین دو کشور گسترش یافت. حجم اسناد امضاء شده، نشان‌دهنده این است که بستر مناسب و چارچوب حقوقی لازم برای همکاریهای همه جانبه بین دو کشور فراهم گردیده است.

تسهیلات زیادی برای انجام مبادلات تجاری و بازرگانی فراهم شد تا اجازه انجام معاملات پایاپای در چارچوب حسابهای مخصوص، لغو پیمان سپاری ارزی برای صادرات به این کشور، اعطای اعتبارات صادراتی برای صدور کالا و اجازه واردات در مقابل صادرات به تجار و بازرگانان دو کشور داده شد.^(۲) البته پس از فروپاشی شوروی حجم تجارت خارجی این کشور به شدت کاهش یافت.

■ جلوه‌های فرهنگی ایران در گرجستان

جمهوری گرجستان، علیرغم اینکه با جمهوری اسلامی ایران دارای مرز مشترک نمی‌باشد اما به لحاظ اینکه تنها جمهوری از جمهوریهای سه گانه منطقه قفقاز یعنی آذربایجان، ارمنستان و گرجستان می‌باشد که به دریای سیاه ارتباط دارد، اهمیت خاصی برای جمهوری اسلامی ایران دارد. البته ناآرامیهای داخلی این جمهوری نیز موجب شده است که امکان استفاده کامل از بنادر آن

۱- کاظم نورهاشمی: «گرجستان: رنجها و امیدها»، کلک، ص ۲۱۸.

۲- همان، ص ۱۵۰-۱۴۹.

هنوز فراهم نگردد.

نفوذ عمیق فرهنگی ایران در منطقه به حدی است که علیرغم تلاشهای هفتاد ساله کمونیسم هنوز هویت برخی از این اقوام بخشی از هویت ایرانی است. عمق این پیوندها، رهبران جماهیر آسیایی شوروی سابق را نه تنها ناچار از اعترافهای مکرر و صریح به نفوذ معنوی ایران در این کشورها نموده است بلکه موجب شده است که ایشان جهت کسب و جاهت مردمی بیشتر از علائق شخصی خود به فرهنگ ایرانی دم زنند. البته از آن جایی که امکان انکار ریشه‌های قوی اسلامی این فرهنگ در مراکز مسلمان‌نشین وجود ندارد و از سویی ایران امروز تجلی‌گر اسلام پویاست، دولتمردان این جماهیر نمی‌توانند نگرانی شدید خود را از رسوخ اسلام سیاسی که پیامد گریزناپذیر گسترش رابط با ایران است پنهان دارند.^(۱)

در سال ۱۳۷۱ با سفر مسئولان عالیرتبه گرجی و مذاکرات و ملاقاتهای آنان با مسئولان ایرانی روند جدیدی در توسعه روابط دو کشور به وجود آمد. در پایان سفر سه روزه هیأت عالیرتبه جمهوری گرجستان به تهران در ۷۱/۲/۲۷ پنج موافقتنامه و یادداشت تفاهم در خصوص همکاریهای دو جانبه، لغو روادید برای دارندگان گذرنامه‌های سیاسی و قرارداد صدور گاز میان مقامات بلند پایه دو کشور به امضا رسید. در این ملاقاتها، طرفین توسعه روابط اقتصادی، تجاری، تبادل نمایندگان تجاری، خدمات مشاوره‌ای، برگزاری نمایشگاههای صنعتی و تجاری، تبادل تجربیات و اطلاعات و همکاری در زمینه‌های بانکی را مورد توجه و تأکید قرار دادند. همچنین در بیانیه مشترکی که از سوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و گرجستان صادر گردید که با امضای یک توافق مشترک، طرفین پیرامون بسط و توسعه روابط دو جانبه، تأسیس نمایندگی سیاسی در کشورهای یکدیگر، تبادل هیأتها، مشورت و تبادل نظر پیرامون موضوعات منطقه‌ای و مسائل و بحرانهای سیاسی منطقه‌ای و جهانی، همکاری

۱- عمرانی: آینده روابط جمهوری اسلامی ایران و گرجستان، ص ۸-۱۳۷.

در سازمانها و مجامع بین‌المللی، آموزش کارآموزان سیاسی وزارت امور خارجه گرجستان در دانشکده‌ها و مؤسسات ایرانی و همچنین تشکیل کمیسیون مشترک اقتصادی بین دو کشور به توافق رسیدند.^(۱)

آینده روابط ایران و جمهوری گرجستان

جمهوری اسلامی ایران حرکت‌های وسیعی را در این کشور جهت رسیدن به اهداف خویش شروع نموده است و با توجه به اظهارات و تمایلات دولتمردان گرجی در این زمینه می‌بایست در روابط خود با این جمهوری از دیگر کشورهای منطقه سبقت بگیرد. ترکیه نیز یکی از رقیبان اصلی در این میان می‌باشد. نقش فعالی که ترکیه در زمینه برگزاری نشست‌های منطقه‌ای ایفا می‌کند، در این راستا می‌باشد.

با تحولات ایجاد شده در گرجستان پس از فروپاشی شوروی سابق و با توجه به موضع خصمانه روسها نسبت به دولت گرجستان، ترکیه در راستای اهداف غرب قصد جذب این جمهوری را دارد و با توجه به نزدیکی ترکیه به غرب، این امر در راستای منزوی ساختن جمهوری اسلامی ایران است.

به هر حال، علیرغم میل باطنی غرب، ایران از موقعیت بالایی در منطقه برخوردار است. بنابر این جذب یک جمهوری از منطقه قفقاز برای آنها توسط جمهوری اسلامی ایران قابل توجه نیست و با توجه به محبوبیت کم روسها، ترکیه می‌تواند سدی در مقابل نفوذ فرهنگی جمهوری اسلامی ایران باشد.^(۲)

ادوارد شوادنادزه رئیس جمهور گرجستان در مورد اهمیت کشورش برای ایران می‌گوید: «گرجستان می‌تواند ایران را از طریق دریای سیاه به اروپا متصل کند. این کشور می‌تواند به صورت یک منطقه ترانزیتی برای آسیا، قزاقستان برای ترکیه و کشورهای منطقه خلیج فارس در آید».

به هر حال، با توجه به اظهارات **ادوارد شوادنادزه** گرجستان در منطقه قفقاز

برای ایران بسیار با اهمیت است و البته جمهوری اسلامی ایران هم با توجه با اهداف خویش در این رابطه به اقداماتی پرداخته است و از آن جمله ارتقا روابط با این جمهوری تازه استقلال یافته تا حد سفیر است.

در این راستا، اهمیت ایران نیز برای گرجستان قابل تأمل است و با توجه به اظهارات مقامات گرجستان می‌توان به بهبود روابط در آینده امیدوار بود. آنان برای ایران در منطقه اهمیت زیادی قائلند و اعلام نمودند که برای بهبود روابط ایران با غرب حاضرند علیرغم اینکه این امر از حیطة مسئولیت آنها خارج است ولی اقدامات لازم را در این خصوص به عمل آوردند.^(۱)

غرب به خوبی از روابط نزدیک فرهنگی گرجستان با ایران اطلاع دارد و می‌داند که یکی از عوامل مهم رشد علم و تمدن ملی گرجی همین روابط بوده که در خلال اعصار و علیرغم پستی و بلندی و فراز و نشیب، همواره بین دو کشور وجود داشت و وجوه مشترکی از این گونه روابط که از دیرباز استحکام یافته و هر کدام شاهد میراث غنی و معنوی دو ملت است.

این پیشینه می‌تواند یک عامل خطر برای غرب باشد و لذا می‌بینیم که توافقنامه‌هایی را که سران دو کشور ترکیه و گرجستان امضا می‌نمایند مورد تأکید و تأیید خویش قرار می‌دهد. در همین راستا، گرجستان ضمن نشان دادن اشتیاق به گسترش روابط خود با جمهوری اسلامی ایران، همواره به الحان مختلف مسئله لزوم توازن و تعادل در رابطه خود با دو کشور ایران و ترکیه را یادآوری کرده است.^(۲)

مصالح جمهوری اسلامی ایران، گسترش رابطه با شخص شواردناده نکات جدیدی را مطرح می‌نماید. زیرا وی در طول تصدی وزارت خارجه شوروی سابق، اهمیت نقش ایران را درک نموده و در بین رؤسای جمهوری دیگر جمهوریهای تازه استقلال یافته از این نظر بی‌همتا است. توسعه روابط جمهوری اسلامی با گرجستان قطعاً با این واقع‌بینی ادوارد شوارد ناده می‌تواند از همه

۱- همان، ص ۵-۱۴۳.

۲- همان، ص ۸-۱۴۷.

جهات به سود جمهوری اسلامی ایران باشد. ارتباط با دریای سیاه از طریق این جمهوری، به همراه نفوذ کشورمان در این منطقه از جمله ایفای نقش واسطه در اختلافات بین آذربایجان و ارمنستان و کم نمودن جلوه‌های نفوذ ترکیه در این جمهوری را می‌توان از نتایج این رابطه دانست.

آینده روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری گرجستان با توجه به حرکات اخیر دولت جمهوری اسلامی در جهت ارتقا سطح نمایندگی خود و همچنین اظهار تمایل رهبر این جمهوری آقای شوارد نادزه در جهت نزدیکی به ایران دورنمای روشنی را در جلوی دیدگان مجسم می‌نماید. این مسئله به نقش فعال ایران در زمینه روند توسعه اقتصادی خویش نیز کمک خواهد نمود. رابطه نزدیک با جمهوری گرجستان می‌تواند در روابط جمهوری اسلامی ایران با سایر جمهوریه‌های شوروی سابق هم تأثیر مثبت بگذارد.

البته نکته‌ای که در این میان قابل ذکر است این می‌باشد که جمهوری اسلامی ایران باید به این توسعه روابط یک سیر صعودی سریع داده تا از دیگر رقبای خود در منطقه عقب نماند که در صورت عقب افتادن مسلماً کشورهای دیگر گوی سبقت را ربوده و از منافع آن جمهوری به سود خویش استفاده می‌نمایند. مضافاً بر اینکه غرب در این مسئله خواهان گسترش هر چه بیشتر نفوذ ترکیه می‌باشد. البته این موضوع نباید ما را از هدف اصلی خود منحرف نماید و موجبات یأس و ناامیدی ما را فراهم آورد که با برنامه‌ریزی صحیح و به دور از هر گونه اشتباه می‌توان در این رقابت پیروز شد، گذر زمان مؤید این نکته خواهد بود.^(۱)

❑ برپایی سمینار انقلاب اسلامی در گرجستان

به منظور معرفی و بررسی انقلاب اسلامی ایران به جامعه علمی گرجستان، سمیناری با مشارکت انستیتوی خاورشناسی گرجستان، مؤسسه آسیا و آفریقای

این کشور و همچنین انجمن همکاریهای علمی - فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری گرجستان در تفلیس پایتخت گرجستان به مناسبت آغاز هفدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی برگزار شد.

در این سمینار، ایرانشناسان گرجی به بررسی انقلاب اسلامی پرداختند. پروفسور تاماز گامقره‌لیدزه رئیس انستیتوی خاورشناسی، دکتر گیورگی برادزه، دکتر گیورگی چیپاشویلی و خانم دکتر نانا گلاشویلی ایرانشناسانی بودند که هر یک با دیدگاه خود به انقلاب اسلامی ایران نظر کرده و به تبیین آن پرداختند.

در این سمینار، نخست پروفسور لیدزه رئیس انستیتوی خاورشناسی گرجستان و رئیس کمیسیون سیاست خارجی پارلمان این کشور و سپس دکتر گیورگی برادزه صحبت کردند. این دو با اشاره به موقعیت دو کشور در منطقه بر گسترش روابط ایران و گرجستان تأکید نمودند.

سپس دکتر چیپاشویلی در باره اهمیت تاریخی انقلاب اسلامی ایران صحبت کرد. به گفته دکتر چیپاشویلی قبلاً در امر تشخیص ماهیت جنبش‌های اجتماعی معروف در تاریخ بشر به عامل مذهب نقش قاطعی اعطا نمی‌شد، فقط خاطر نشان می‌شد که به علت جنبه اخلاقی و بشردوستانه نهضت‌های ملی، این نهضت‌ها نیز شکل مذهبی به خود می‌گیرند.

دکتر چیپاشویلی در سخنان خود توجه مستمعان را به نقش روحانیان شیعه ایران، اهمیت حوادث اجتماعی و سیاسی طی قرن اخیر و فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حکومت روحانیون بعد از پیروزی انقلاب اسلامی جلب نمود.

خانم دکتر گلاشویلی سخنران بعدی این سمینار بود که در باره موقعیت زن در جمهوری اسلامی ایران صحبت کرد. وی با بیان این نکته که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خانواده بنیاد جامعه و کانون مهم توسعه انسان و نزدیک شدن به تعالی است، به نقل دیدگاه‌های امام خمینی (ره) در مورد زن نیز پرداخت. به گفته دکتر گلاشویلی حضور نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی و سردبیران زن در روزنامه‌ها و مجلات که در حال فعالیت هستند و بر

تعداد زنان بازرگان نیز افزوده شده است. نتیجه گیری دکتر گلاشویلی حکایت از آن می‌کند که ایران در میان کشورهای جهان در راه بهبود بخشیدن به موقعیت زنان پیشرفت‌های مهمی داشته است.^(۱)

■ گرجستان و گردهمایی استادان زبان و ادب فارسی

پس از اضمحلال اتحاد جماهیر شوروی، نخستین گردهمایی استادان ایران‌شناس و زبان و ادب فارسی کشورهای مشترک‌المنافع در ایران تشکیل شد که ایران‌شناسان گرجی نیز در این گردهمایی حضور یافتند. این سمینار به مدت ۴ روز از پانزدهم تا هجدهم بهمن ۱۳۷۲ برگزار شد. در باب ایران‌شناسی و جایگاه مطالعات شرق‌شناسی و ایران‌شناسی در کشورهای مشترک‌المنافع و قفقاز سه میزگرد برگزار شد. گردهمایی با پیام آقای هاشمی رفسنجانی افتتاح شد و در مراسم افتتاحیه دکتر حسن حبیبی معاون اول رئیس‌جمهوری سخنانی ایراد کردند. همچنین ایران‌شناسان کشورهای مشترک‌المنافع و قفقاز با رهبر انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای دیدار کردند و به سخنان ایشان در باب زبان و ادب فارسی گوش فرا دادند.

در این گردهمایی بر تشکیل انجمن ایران‌شناسی جمهوری اسلامی و کشورهای مشترک‌المنافع تأکید شد و مقرر شد که برای ادامه فعالیت برخی از کرسیهای زبان و ادب فارسی و ایران‌شناسی اساتیدی از ایران اعزام گردد و حمایت‌های معنوی لازم صورت گیرد.

در دومین روز گردهمایی، میزگردی در باره شعر و نشر پارسی در گرجستان برپا شد. خانم پروفیسور نیکالادزه از گرجستان در باره شعر و شعر پارسی در گرجستان سخن گفت. او در سخنان خویش به سابقه دیرینه و هزار ساله روابط ادبی و فرهنگی بین دو کشور اشاره کرد و در باب تأثیر شاهنامه بر ادبیات گرجی سخن گفت. نیکالادزه با اشاره به وجود مراکز مختلف و فعال ایران‌شناسی در

۱- نامه فرهنگ، س ۴، ش ۴، بهار ۱۳۷۴، ص ۶۴.

کشور گرجستان، ترجمه آثار سعدی، حافظ، فردوسی، مولوی و تنظیم فرهنگ فارسی - گرجی را از جمله فعالیتهای این مرکز برشمرد.^(۱)

▣ **اهتمام رئیس جمهور گرجستان به زبانهای شرقی**

در سال ۱۳۷۲، رئیس جمهور گرجستان، از دستگاههای فرهنگی کشور خواست که طرح تکمیل تدریس زبانهای شرقی را طراحی کنند و به تصویب برسانند. در بخشی از این فرمان، وزارت آموزش جمهوری گرجستان موظف شد که این اقدامها را صورت دهد:

- ۱ - تدریس زبانهای شرقی (عربی، فارسی، ترکی و عبری).
- ۲ - وزارت امور خارجه موظف شد در برقراری ارتباط با کشورهای خاور نزدیک و کارآموزی و مبادله دانش آموزان و معلمان، وزارت آموزش را یاری نماید.
- ۳ - وزارت دارایی موظف شد که بنا به درخواست وزارت آموزش، امکاناتی جهت تأمین منافع مالی و مادی تدریس زبانهای خارجی (شرقی) در اختیار وزارت آموزش قرار دهد.^(۲)

▣ **سفرهای مقامات برجسته ایرلنی و گرجی**

سفر آقای شوارد نادزه در ژانویه ۱۹۹۳ به ایران و سفر آقای هاشمی رفسنجانی در آوریل ۱۹۹۵ به گرجستان نقطه عطفی در روند گسترش مناسبات همه جانبه دو کشور بود که در زمینه های فرهنگی این سفرها بسیار مؤثر واقع شد. آقای رفسنجانی در سفر خویش از دانشگاه تفلیس بازدید کردند و در باب

۱-خبرنامه ویژه شماره ۲، شنبه ۱۶ بهمن ۱۳۷۲، ص ۱۱.

۲-شعبان آزاد کناری، «زبان و ادب فارسی در جهان»، نامه پارسی، س دوم، ش دوم؛

تابستان ۱۳۷۶، ص ۱۶۵.

توسعه روابط چنین گفتند: «ما باید فرهنگ مشترکمان را تقویت کنیم، ارتباط دیرینه را برقرار کنیم و بسیاری از ارزشهای فرهنگی و میراث‌های مشترک فراموش شده را دوباره زنده کنیم».^(۱)

▣ برنامه‌های تلویزیونی گرجستان درباره ایران

در گرجستان سه کانال تلویزیونی به زبان گرجی برنامه پخش می‌کنند و برنامه تلویزیون‌های اروپایی و آمریکایی هم از طریق ماهواره مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تاکنون کانال ۱ تلویزیون گرجستان چندین برنامه در باره ایران پخش کرده و در این برنامه‌ها، دیدگاه‌های مثبت و امیدبخشی برای گسترش رابطه با ایران بیان گردید. در یکی از این برنامه‌ها که در سال ۱۳۷۴ تهیه شده بود، سازنده برنامه استقبال از روزنامه همشهری را در گرجستان بسیار خوب توصیف کرد و آن را محبوب خواص و اهل فرهنگ در آن خطه دانست. همچنین در جریان اخبار از کانال ۲ تلویزیون گرجستان که در همین سال پخش شد، یکی از شماره‌های همشهری که صفحه اول آن مزین به تبریک میلاد حضرت رسول اکرم بود در صدر برنامه اخبار، از تلویزیون این کشور نشان داده شد.^(۲)

▣ تقاضای دانشجویان رشته زبان فارسی جهت سفر به ایران

در دانشگاه تفلیس ۲۲۰ دانشجو در سال ۱۳۷۴ در رشته زبان و ادبیات فارسی و تاریخ ایران به تحصیل مشغول بوده‌اند. این دانشجویان شوق بسیار داشته و دارند که در چارچوب برنامه تهاتر فرهنگی، طی دوره‌های کوتاه مدت به ایران بیایند که بنظر می‌رسد برآوردن این خواسته برای مؤسسات ذیربط

۱- همشهری، ۱۳۷۴/۳/۴، ص ۷.

۲- نورهاشمی: «گرجستان: نگرانیها و امیدها»، ص ۲۲۳.

جمهوری اسلامی ایران چندان دشوار نباشد. آثار فرهنگی و اجتماعی تحقق چنین برنامه‌ای در آینده پرارزش و سودمند خواهد بود.

یکی از مشکلات دانشجویان، امکانات اندک دسترسی به منابع چاپی و کتابها و نشریات ایران است که این مشکلات نیز مورد توجه استادان بخش ایرانشناسی نیز هست که در صورت فراهم شدن نشریات و کتابها به صورت منظم به مراکز علمی دانشگاهی منشأ اثر بوده و تأثیری مثبت در روند ترویج و گسترش زبان و ادبیات فارسی خواهد بود. این استادان همچنین از اینکه امکان حضور آنان در سمینارها و کنگره‌های علمی در ایران فراهم نمی‌آید متأسف هستند.^(۱)

❑ ملاقات مسئولان فرهنگی دو کشور

هیأت ایرانشناسان گرجستان طی دیداری که در تابستان ۱۳۷۵ از ایران داشتند با بسیاری از مقامات علمی و فرهنگی کشور ملاقات کردند. این هیأت به دعوت وزارت امور خارجه به ایران سفر کردند. در این دیدارها سفیر گرجستان در ایران آقای پروفیسور جمشید گیوناشویلی و معاون وزیر خارجه این کشور شرکت داشتند. طرفین در این دیدار بر اهمیت زبان فارسی در شناخت تاریخ و فرهنگ گرجستان تأکید کردند.

در این جلسات رئیس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز وزارت امور خارجه نیز حضور داشتند.^(۲)

در پاییز ۱۳۷۵ آقای دکتر حبیبی معاون اول رئیس جمهور و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی از گرجستان دیدار کرد و با ادوارد شوارد نادره رئیس جمهور گرجستان و نیز مقامات دانشگاه دولتی تفلیس گفتگوهایی به

۱- همان، ص ۲۲۴.

۲- خبرنامه شورای گسترش زبان فارسی، ش ۳۷، شهریور ۱۳۷۵، ص ۲.

عمل آورد. در این دیدارها مسئولان گرجستان بر این نظر بودند که ایران و گرجستان لازم است اتحادیه فرهنگی‌های آسیای مرکزی را بنیان گذارند تا محققان رشته‌های مختلف فرهنگستان‌های آسیای مرکزی بتوانند ارتباط گسترده و مستمر با یکدیگر داشته باشند. دکتر حبیبی اظهار داشتند که به عقیده ایشان نیز این نظر مثبت و قابل بررسی است.^(۱)

۵. مسابقات زبان فارسی

یکی از برنامه‌های فرهنگی ایران در گرجستان در جهت ترویج و گسترش زبان فارسی، برگزاری مسابقات زبان فارسی در گرجستان بوده است. نخستین مسابقه زبان فارسی که سفارت جمهوری اسلامی ایران طراحی کرده بود با حضور مسئولان و استادان زبان فارسی دانشگاه تفلیس و مؤسسه شرق‌شناسی و کارشناس مطالعاتی و فرهنگی سفارت بین دانشجویان زبان فارسی برگزار شد.

پس از برنامه‌ریزی به دانشجویان ۴۵ روز فرصت داده شد تا مقاله خود را به زبان فارسی آماده و در سالن اجتماعات قرائت کنند. در روز اجرای مسابقه، هیأت داوران مرکب از استادان دانشگاه و مؤسسه شرق‌شناسی و نماینده سفارت نفرات اول تا چهارم را برگزیدند و در ادامه سه تن از استادان نمونه زبان فارسی نیز انتخاب شدند.

با ورود آقای دکتر حبیبی معاون اول رئیس جمهوری و هیأت همراه نتایج مسابقه مشخص شده بود و در تاریخ ۱۳۷۵/۸/۱۲ طبق برنامه تنظیمی ایشان در دانشگاه حضور یافتند و پس از دیدار و گفتگو با رئیس دانشگاه و ایراد سخنرانی در جمع استادان و دانشجویان جوایز استادان و دانشجویان را اهدا

۱- خبرنامه فرهنگستان، س اول، ش ۱۱، آبان ۱۳۷۵، ص ۳.

کردند.^(۱)

□ اولین میزگرد ایران و گرجستان

در روزهای ۱۷ و ۱۸ شهریور ۱۳۷۶ به ابتکار آقای پروفیسور جمشید گیوناشویلی میزگردی تحت عنوان «تأثیرات متقابل تاریخی و فرهنگی ایران و گرجستان» در ساختمان کنفرانسها و جلسات وزارت امور خارجه ایران با شرکت عده‌ای از ایرانشناسان و خاورشناسان دو کشور برگزار شد که اولین میزگرد در نوع خود محسوب می‌شد.^(۲)

در نخستین روز پس از مراسم افتتاحیه، دکتر عباس ملکی معاون آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه ایران سخنانی ایراد کردند. سپس مالخاس کاکابادزه معاون وزیر امور خارجه جمهوری گرجستان و اکبر امینیان سفیر جمهوری اسلامی ایران در تفلیس و آقای جمشید گیوناشویلی سفیر جمهوری گرجستان در تهران سخنانی ایراد کردند.

در ادامه این مراسم طی چند روز، چند تن از ایرانشناسان گرجی و ایرانی به ایراد سخن پرداختند که اسامی و موضوع این سخنان بدین شرح است:

- ۱ - دکتر گریگوری برادزه قائم مقام مؤسسه خاورشناسی و رئیس انجمن همکاریهای علمی و فرهنگی ایران و گرجستان پیرامون «دیپلماسی و نظم: صفحاتی از روابط متقابل ایران و گرجستان در اواخر قرن ۱۶».
- ۲ - دکتر حسین الهی استاد تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد پیرامون «نگاهی به روابط ایران و گرجستان».
- ۳ - پروفیسور کارلو کوتسیا استاد دانشگاه و حقوق مؤسسه خاورشناسی در باب

۱- «برگزاری نخستین دوره مسابقات زبان فارسی در گرجستان»، خبرنامه شورای گسترش

زبان فارسی، ش ۳۹، بهمن ۱۳۷۵، ص ۹.

۲- خبرنامه کانون ایرانشناسی و اسلام‌شناسی، پیش‌شماره ۶، تابستان ۱۳۷۶، ص ۴۰.

«مسائل عمده در تاریخ روابط ایران و گرجستان طی دوره صفویه».

۴ - دکتر رسول خیراندیش استاد دانشگاه شیراز در باب «گرجستان در عصر مغول».

در روز دوم میزگرد ایران و گرجستان در تاریخ دوشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۷۵ نیز سخنرانان و موضوع سخنرانی بدین شرح بود:

۱ - آقای دکتر ناصر تکمیل همایون محقق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در خصوص «گرجستان در مسیر تحولات تاریخی ایران» سخنرانی کردند.

۲ - سرکار خانم پروفسور نانا گلاشویلی رئیس بخش تاریخ و فرهنگ دانشگاه دولتی تفلیس در باره «روابط حکمران کارتیل، سیمون اول با دربار صفویه در نیمه دوم قرن ۱۶».

۳ - آقای ابوالقاسم اردکانی معاون اول اداره مشترک المنافع وزارت امور خارجه در باره «نظری بر روابط کنونی ایران و گرجستان».

۴ - دکتر گیاژور ژوژلیانی محقق مؤسسه خاورشناسی و رئیس مرکز مطالعات اجتماعی تحت عنوان «ژئوپلتیک جهانی و روابط ایران و گرجستان».

۵ - آقای سیدرسول موسوی رئیس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز در باره «نقش منطقه گرایی در مدیریت بحرانهای منطقه ای».

۶ - دکتر سیدحسین سیف زاده استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در خصوص «قفقاز و آینده چالشهای ناشی از ساختار تعارضات».

۷ - پروفسور الکساندر روندلی رئیس کرسی روابط بین الملل در دانشگاه دولتی تفلیس در باره «مسائل امنیتی ماوراء قفقاز».

۸ - آقای بهرام امیراحمدی مدیر بخش آمار و برنامه ریزی شرکت گسترش خدمات بازرگانی در خصوص «حمل و نقل در گرجستان و چشم انداز همکاریهای متقابل با جمهوری اسلامی ایران».

در سومین روز میزگرد، مراسم اختتامیه برگزار شد که در آن آقای فیروز دولت آبادی مشاور وزیر امور خارجه و رئیس گروه مطالعات استراتژیک دفتر

مطالعات سیاسی و بین‌المللی و پروفیسور تاماز گامقرلیدزه رئیس مؤسسه خاورشناسی آکادمی علوم گرجستان سخنانی ایراد کردند. در پایان، مقرر شد که طی چند ماه آتی در تفلیس، میزگردی از طرف هر دو دولت در تحکیم روابط فرهنگی فی مابین و انجام پژوهشهای مشترک علمی و فرهنگی همکاری و مساعدت لازم به عمل آورند.^(۱)

❑ عملکرد فرهنگی ایران در سالهای اخیر

در باب عملکرد فرهنگی ایران در گرجستان در سال ۱۳۷۷ می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف - اقدامات و فعالیتهای فرهنگی و سفرها:

- ۱ - سفر دانشجویان دانشگاه گیلان و نیز اعضای هیأت علمی این دانشگاه و اعزام ۵ دانشجوی از دانشگاه کوتائسی به دانشگاه گیلان جهت گذراندن دوره ۴ ماهه زبان فارسی و سفر رئیس دانشگاه گیلان به تفلیس و سفر خانم سوفیا شویلی استاد دانشگاه کوتائسی به دانشگاه گیلان به مدت ۲ ماه.
- ۲ - سفر ۱۵ نفر از اساتید زبان فارسی گرجی جهت بازدید از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران بنا به دعوت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۳ - اعزام ۲۳ نفر از دانشجویان و اساتید زبان فارسی جهت گذراندن دوره دانش‌افزایی زبان فارسی در تهران بنا به دعوت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- ۴ - سفر مقامات فرهنگی سازمانها و نهادهای مختلف ذیربط با روابط با کشورهای خارجی و نیز سفر رؤسا و اساتید دانشگاههای ایران و نیز متقابلاً سفر رؤسا و اساتید دانشگاههای گرجستان به ایران که می‌توان به این موارد اشاره کرد.
- ۵ - سفر رئیس مؤسسه تحقیقات باستانشناسی دانشگاه تهران دکتر طلایی و هیأت همراه جهت شرکت در اولین سمپوزیوم مشترک باستانشناسی ایران در

۱- «برنامه اولین میزگرد ایران و گرجستان»، پژوهشگاه، ش ۱۸، مرداد ۱۳۷۶، ص ۱۸-۹.

گرجستان.

۶ - سفر آقای بارتایا استاد دانشگاه تفلیس به تهران جهت شرکت در دوره سه ماهه دانش‌افزایی.

۷ - سفر دکتر رفیع‌فر از دانشگاه تهران جهت شرکت در کنفرانس بین‌المللی باستانشناسی در تفلیس.

۸ - اعزام دو دانشجوی زبان فارسی جهت شرکت در دوره چهار ماهه مرکز بین‌المللی گسترش زبان فارسی در تهران.

۹ - سفر دو تن از محققان آکادمی علوم گرجستان جهت شرکت در جشنواره خوارزمی.

۱۰ - سفر دو تن از اساتید زبان فارسی کشورمان به تفلیس جهت برگزاری دوره دانش‌افزایی زبان فارسی در محل به مدت ۲۰ روز.

۱۱ - سفر یک تن از اساتید گرجی زبان فارسی به تهران جهت شرکت در دومین مجمع بین‌المللی اساتید زبان فارسی.

۱۲ - برگزاری اولین میزگرد مشترک اساتید زبان فارسی ایران و گرجستان در تفلیس.

۱۳ - ترجمه وصیتنامه امام خمینی به زبان گرجی.

۱۴ - تشکیل گروه تدوین فرهنگ لغت فارسی و گرجی.

۱۵ - طرح آموزش غیرحضوری یا مکاتبه‌ای.

۱۶ - بازدیدهای مختلف و منظم از مراکز آموزشی به ویژه زبان فارسی.

۱۷ - چاپ کتاب «از پانزده دریچه» (نگاهی به فردوسی و شاهنامه او) تألیف و

ترجمه پروفیسور ماگالی تودوا زیر نظر دکتر یوسف پور عضو گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان توسط انتشارات دانشگاه گیلان.

۱۸ - «تکمیل ترجمه منظومه پلنگینه پوش» اثر ادیب برجسته گرجی توسط دکتر یوسف پور در دانشگاه گیلان.

ب - اقدامات و فعالیتهای تبلیغی:

- تقدیم هدایا به مسلمانان و اهدا کتاب قرآن و نشریات ادواری شورای گسترش

زبان فارسی و دیگر نشریات فارسی زبان به اتاق جمهوری اسلامی در انستیتوی خاورشناسی، کرسی زبان و فیلولوژی زبان فارسی در دانشگاه تفلیس و دانشگاه تربیت معلم تفلیس.

همچنین تهیه پیش‌نویس برنامه مبادلات فرهنگی ایران و گرجستان در ۱۳۷۷/۶/۱۸ از سوی اداره اول مشترک‌المنافع به نمایندگی ایران در گرجستان برای ارائه به طرف گرجی که این کار در تاریخ ۱۳۷۷/۷/۱۴ صورت پذیرفت، ولی طرف گرجی تاکنون پاسخی به یادداشت نداده است.

□ سخنرانی سفیر گرجستان درباره زبان فارسی

«اهمیت زبان و ادبیات گرجی برای تحلیل بعضی از مسائل زبان و ادبیات فارسی» عنوان سخنرانی دکتر جمشید گیوناشوولی سفیر گرجستان در ایران بود که در ۳۱ تیرماه در فرهنگستان زبان و ادبی فارسی ایراد شد.

□ فعالیت فرهنگی ایران در گرجستان

گرجستان با ۵/۴۷ میلیون نفر حدود ۷۰۰ هزار مسلمان را در خویش جای داده است که عمدتاً در بخشهای شرقی و غربی کشور استقرار دارند و حدود ۶۰۰ هزار نفر آنان شیعیان و آذریها تشکیل می‌دهند که پتانسیل خوبی برای فعالیت فرهنگی دینی نیز ایجاد نموده‌اند.

فعالیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سطح محدود و از طریق نهادهای گوناگون و آن هم در قلمرو عمل فرهنگی دینی و تبلیغی انجام می‌پذیرد. نماینده اعزامی مبلغ سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی بوده که در نقش رایزن فرهنگی اقدام به تشکیل کلاسهای معارف اسلامی و فارسی نیز نموده، افزون بر ایشان، نماینده سازمان مدارس و سایر مبلغین اعزامی از سوی نهادهای دیگر در منطقه فعالند.

در باب ارتباط و تعاملات فرهنگی نهادهایی چون دانشگاه، آکادمی و مؤسسات علمی و فرهنگی در زمینه‌های ایران‌شناسی و زبان فارسی، بایستی

بگوئیم که ارتباط این مؤسسات در داخل کشور بسیار اندک است و بایستی این ارتباطات بیشتر گردد.

در سالهای اخیر برخی فعالیتهای فرهنگی به صورت تشکیل کلاسهای آموزش زبان فارسی و معارف اسلامی بوده و احياناً مراسم مذهبی و مناسبتها در گرجستان صورت گرفته است.^(۱)

۵ همکاریهای باستانشناسی ایران و گرجستان

مؤسسات باستانشناسی و سازمانهای مربوطه در گرجستان علاقه‌ای وافر به همکاری فرهنگی با ایران از خود نشان می‌دهند. در این ارتباط در تاریخ ۱۳۷۷/۸/۸ لغایت ۱۳۷۷/۸/۱۵ هیأتی بلند پایه از باستانشناسان ایرانی به نمایندگی از مؤسسه باستانشناسی دانشگاه تهران سفری علمی به مدت یک هفته به جمهوری گرجستان انجام دادند. این سفر در چارچوب ملاقاتی صورت گرفت که میان رئیس مؤسسه باستانشناسی ایران و سفیر گرجستان در ایران انجام شد و منجر به انعقاد تفاهم نامه‌ای شد که بین دو طرف به امضا رسید. در سال ۱۳۷۶ آقای اتارلرد کیپانیدزه رئیس مرکز مطالعات باستانشناسی آکادمی علوم گرجستان به ایران آمدند. پس از آن در تاریخ ۸ الی ۱۵ آبان ماه ۱۳۷۷ هیأت چند نفری از باستانشناسان مؤسسه باستانشناسی و تاریخ هنر دانشگاه تهران بنا به دعوت دکتر کیپانیدزه به گرجستان سفر کردند.^(۲)

۱- گزارش سفر آقای حافظ‌نیا مدیر کل فرهنگی آسیا و اقیانوسیه به نمایندگی فرهنگی ج.ا.ا.

در باکو، نخجوان، تفلیس و ایروان: اسفند، ش ۱۱۷۸۶.

۲- «گفتگوی با دکتر مسعود آذرینوش»، باستان پژوهی، ش ۲، س اول، آذر ۱۳۷۷، ص

▣ برگزینی دوره دانش‌افزایی زبان فارسی در گرجستان

در اسفند ماه ۱۳۷۷ یک دوره دانش‌افزایی زبان فارسی در گرجستان برگزار شد. به گزارش سفارت جمهوری اسلامی ایران در گرجستان، از هفته اول تا پایان اسفند ماه ۱۳۷۷، ۷ کلاس زبان و ادبیات فارسی به شرح زیر برگزار شد:

۱ - دو کلاس در دو سطح مقدماتی و پیشرفته در دانشگاه دولتی تفلیس برای دانشجویان.

۲ - یک کلاس در دانشگاه تربیت معلم تفلیس برای دانشجویان.

۳ - یک کلاس در مؤسسه آسیا و آفریقای تفلیس برای دانشجویان.

۴ - یک کلاس برای فارغ‌التحصیلان زبان و ادبیات فارسی.

۵ - یک کلاس درس و تبادل نظر برای استادان زبان فارسی در دانشگاه دولتی تفلیس.

۶ - یک کلاس درس و تبادل نظر برای استادان زبان فارسی در مؤسسه آسیا و آفریقای تفلیس.

کلاسهای فوق توسط دو استاد اعزامی از جمهوری اسلامی ایران اداره می‌شدند.^(۱)

▣ زبان فارسی از دیدگاه شوارد نادره

ادوارد شوارد نادره در دیدار با سفیر جمهوری اسلامی ایران در این کشور به وی گفت: «داشتن روابط خوب با ایران یکی از اولویتهای گذشته، حال و آینده دولت تفلیس می‌باشد».

رئیس جمهوری گرجستان با اشاره به ظرفیتهای اقتصادی در کشور خواستار تنوع بخشیدن و توسعه همکاریهای فی‌مابین در زمینه حمل و نقل شد. وی

۱- «برگزاری دوره دانش‌افزایی زبان فارسی در گرجستان»، خبرنامه شورای گسترش زبان و

ادبیات فارسی، ش ۵۵، ص ۲۲.

اظهار داشت: «ایران دارای امکانات زیادی جهت استفاده از نفوذ خود برای حل مشکلات منطقه است». شوارد نادره ضمن تجلیل از سیاستهای دولت سید محمد خاتمی رئیس جمهور ایران از زبان فارسی به عنوان میراثی بجای مانده از گذشته و سرمایه خوبی برای توسعه روابط آینده میان دو کشور ایران و گرجستان یاد کرد.^(۱)

■ هفتمین همایش سالانه آسیای مرکزی و قفقاز

هفتمین همایش سالانه آسیای مرکزی و قفقاز تحت عنوان «همایش بین‌المللی دریای خزر: فرصتها و محدودیتها» در اول و دوم تیرماه ۱۳۷۸ در محل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه برگزار شد. در این همایش بین‌المللی معاون وزیر امور خارجه و سایر وزارتخانه‌های مرتبط با مسایل دریای خزر از کشور گرجستان و کشورهای قزاقستان، ترکمنستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ارمنستان، آذربایجان و روسیه حضور داشتند. در این همایش متخصصان و کارشناسان ایرانی و گرجی به ایراد سخنرانی و بحث و تبادل نظر حول چهار محور اصلی همایش: مسائل ژئوپلیتیک و امنیت دریای خزر، منابع انرژی، محیط زیست و نظام حقوقی دریای خزر پرداختند. در این اجلاس که به لحاظ کمی و کیفی شکل متفاوتی با اجلاسهای قبلی آسیای مرکزی و قفقاز داشت، ۵۶ نفر متخصص و کارشناس ایرانی و خارجی شرکت داشتند و جمعاً ۷۰ مقاله ارائه گردید. در روز دوم دکتر الکساندر روندلی رئیس مرکز مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه گرجستان سخنانی ایراد کردند.

۱- «زبان فارسی سرمایه‌ای برای روابط بین ایران و گرجستان»، خبرنامه شورای گسترش

زبان فارسی، ش ۵۸، ص ۱۴.

▣ کتابهای منتشر شده درباره ایران

- ۱ - ب.خ. پرویزپور، «انقلاب کبیر و تمامیت ارضی ایران»، تفلیس، میتسی یبرا، ۱۹۸۴.
 - ۲ - گ.س. چیپاشویلی، «تاریخ پیدایش و ظهور تعاونیهای کشاورزی در ایران و جایگاه آن در سیستم اصلاحات ارضی در کشور»، تفلیس، میتسی یبرا، ۱۹۷۹.
 - ۳ - ا.و.م. کیکنادزه، «فعالیت مراکز علمی - فرهنگی غربی در ایران، ۷۵-۱۹۶۰»، تفلیس، انتشارات میتسی یبرا، ۱۹۸۲.
 - ۴ - ل.س. گیونا شویلی، «مشکلات پیدایش و توسعه رئالیسم در نثر فارسی معاصر»، تفلیس، میتسی یبرا، ۱۹۸۵.
 - ۵ - گ.ر. دزنیلیدزه، «کتابشناسی ایران: تاریخ»، تفلیس، میتسی یبرا، ۱۹۸۱.
 - ۶ - ک.د. کرتیلیا، «گرجستان و ایران صفوی»، طبق اطلاعات سکه‌شناسی»، تفلیس، نشر میتسی یبرا، ۱۹۷۹.
 - ۷ - لودمیلا گیونا شویلی، «گفتارهایی در ادب فارسی»، تفلیس، انتشارات دانشگاه تفلیس، ۱۹۹۹.
 - ۸ - گئورگی چیپاشویلی، «قیام تبریز در سالهای ۹-۱۹۰۸ و مطبوعات گرجستان»، تفلیس، ۱۹۷۹.
 - ۹ - ل.س. گیونا شویلی، «مسائل پایه‌گذاری و پیشرفت رئالیسم در نثر فارسی معاصر»، مسکو، ۱۹۸۵.
 - ۱۰ - جمشید گیونا شویلی، «مطالعات گرجی - ایرانی»، مجموعه مقالات، تفلیس، انتشارات دانشگاه تفلیس، ۱۹۹۸.
- مجموعه حاضر از دو بخش تشکیل شده است: یک بخش حاوی برخی از مقالات نویسنده به زبانهای ایتالیایی و انگلیسی و فارسی است مانند «تحقیقی در باب یک بیت از رودکی» (بوی جوی مولیان آید همی / یاد یار مهربان آید همی) و بخش دیگر در باب آثار و اشعار گویندگان و نویسندگان از «تاریخ و صاف» گرفته تا «حبیب السیر» و از مولانا تا میرزا محمد ادیب و نقد «شاهنامه فردوسی» چاپ جلال خالقی مطلق و بیان لزوم مراجعه به آثار شاعران بعد از

جمله سعدی در تحقیق و تنقیح اشعار شاهنامه و «ارزش متن‌شناسی در تحقیق تاریخی و جغرافیایی در باب ایران» و در باب صدمین سالگرد چاپ «ویس و رامین» و «نکات مربوط به دو زبان گرجی - فارسی» و «تحقیق در باب بررسی و رونق آثار سعید نفیسی در شوروی سابق» آمده است.

بخش فارسی این مجموعه حاوی مقالات زیر است:

- ۱ - «روایات گرجی شاهنامه».
- ۲ - «تحلیلی در متن‌شناسی ویس و رامین و گزارش سوابق ترجمه‌های آن به گرجی».
- ۳ - «سخنی در باب پلنگینه پوش شوتا روستاولی».
- ۴ - «ابخاز در منابع و مأخذ مؤلفان مسلمان».
- ۵ - «نکاتی چند در باره علل به قتل رسیدن امامقلی».
- ۶ - «در باره واژه استکان».
- ۷ - «ایران‌شناسی در گرجستان».^(۱)

❑ شیعیان گرجستان و آموزش زبان فارسی

در گرجستان بیش از نیم میلیون شیعه زندگی می‌کنند که اصالتاً آذری هستند. شیعیان گرجستان عمدتاً در سه شهر مارنولی (رایون)، گاردابانی و بولینیس سکونت دارند. این شهرها در نزدیکی مرزهای مشترک آن کشور با آذربایجان واقعند.

در زمینه وضعیت فرهنگی و مذهبی شیعیان باید گفت که اکثر مساجد شیعیان گرجستان تعطیل، غیرفعال و یا نیمه مخروبه و فاقد امکانات مورد نیاز هستند. تعدادی از مساجد هم که اخیراً فعال شده‌اند و برنامه‌هایی دارند از امکانات اولیه هم برخوردار نیستند و شیعیان در زمین خالی (غیرمفروش) مسجد با کفش می‌نشینند.

برای آموزش زبان فارسی فعلاً در شهرستان مارنولی ۵ کلاس با تعداد ۲۵۰ نفر دانش‌آموز و در شهرستان گاردابانی ۳ کلاس با ۲۰۰ نفر دانش‌آموز مشغول آموزش زبان فارسی، احکام و تعلیمات دینی هستند.

❑ برنامه مبادلات فرهنگی، علمی و آموزشی

نظر به اینکه از طریق برنامه مبادلات فرهنگی، علمی و آموزشی فی‌مابین می‌توان فعالیتهای مفیدی برای بسط، گسترش و ترویج زبان و ادب فارسی در گرجستان سامان داد، دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری گرجستان بنا به علاقه‌ای که به توسعه و تحکیم مبانی دوستی و مناسبات فی‌مابین دارند، براساس موافقتنامه فرهنگی منعقدۀ در اول اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۴ برابر با ۲۱ آوریل ۱۹۹۵ جهت گسترش همکاریهای فرهنگی، علمی و آموزشی برای اجرای مواد مشروح ذیل در سالهای ۷۹-۱۳۷۷ هجری شمسی برابر با ۲۰۰۰-۱۹۹۸ میلادی موافقت نمودند:

فصل اول - فرهنگ و هنر

ماده ۱: طرفین در طول این برنامه نسبت به مبادله اطلاعات، تجربیات، کتابها و نشریات، عکس و اسلاید و فیلم و میکروفیلم در زمینه‌های فرهنگی، هنری، تاریخی و ادبی اقدام خواهند نمود.

ماده ۲: طرفین در طول این برنامه هیأتی مرکب از ۵ نفر از مسئولین و کارشناسان امور فرهنگی دو کشور را جهت بازدید و آشنایی با فعالیتهای فرهنگی و هنری یکدیگر و بررسی چگونگی گسترش همکاریهای فی‌مابین مبادله خواهند کرد.

ماده ۳: طرفین در طول این برنامه ضمن برگزاری نمایشگاههای فرهنگی و هنری در هر یک از دو کشور از یکدیگر جهت شرکت در نمایشگاههای فرهنگی و هنری بین‌المللی (از جمله نمایشگاه بین‌المللی کتاب) که در کشورشان برگزار می‌گردد دعوت و تسهیلات لازم را بدین منظور فراهم خواهند آورد.

ماده ۴: طرفین در طول این برنامه ضمن برگزاری هفته‌های فرهنگی و فیلم در هر یک از دو کشور در زمینه‌های مختلف سینمایی همکاری نموده و از یکدیگر جهت شرکت در جشنواره‌های ملی و بین‌المللی فیلم که در کشورشان برگزار می‌گردد دعوت به عمل خواهند آورد.

ماده ۵: سازمان میراث فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و دستگاه ذیربط گرجستانی ضمن برقراری مناسبات کارشناسی برای شناخت آثار فرهنگی دو کشور و ادامه صورت‌برداری اشیاء ایرانی در کشور گرجستان همکاریهای لازم را به عمل خواهند آورد.

ماده ۶: طرفین در طول این برنامه ضمن تبادل گروههای نمایشی و موسیقی به منظور شرکت در جشنواره‌ها و هفته‌های فرهنگی دو کشور از گروههای نمایشی برای شرکت در جشنواره‌های بین‌المللی هنری یکدیگر دعوت به عمل خواهند آورد. در این راستا طرف ایرانی از طرف گرجی برای شرکت در جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران دعوت می‌نماید.

ماده ۷: طرفین ضمن تبادل گروههای ۳ تا ۵ نفره از استادان و کارشناسان هنری برای بازدید از مراکز هنری و آشنایی با مظاهر فرهنگی، به صورت متقابل از یکدیگر جهت شرکت در مجامع و کنفرانسهای بین‌المللی هنری که در دو کشور برگزار می‌گردد دعوت به عمل خواهند آورد.

ماده ۸: طرفین در طول این برنامه تبادل هنرمندان و دانشجویان ممتاز رشته‌های هنری را برای شرکت در دوره‌های آموزش هنری مورد علاقه و همچنین همکاری دو کشور در بخش هنری یکدیگر (از جمله همکاری هنرمندان گرجستانی در برنامه ارکستر سمفونیک تهران) را مورد توافق قرار دادند.

ماده ۹: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و کتابخانه ملی گرجستان ضمن استمرار ارتباطات فیما بین در زمینه مبادله تجربیات، اطلاعات، کتابها و نشریات، میکروفیلم و نسخ خطی، تبادل کارشناس و کارآموز، مشارکت در گردهماییها و نمایشگاههای کتاب و کتابداری، بازدید متقابل و انجام پروژه‌های

مشترک تحقیقاتی، علمی، آموزشی و خدماتی همکاری خواهند نمود.
 ماده ۱۰: طرفین ضمن تأکید بر اجرای مفاد یادداشت تفاهم امضا شده در تاریخ ۱۳۷۵/۱۰/۴ (۲۴ دسامبر ۱۹۹۶) در زمینه‌های مختلف جهانگردی که مورد توافق دستگاههای ذیربط قرار خواهد گرفت همکاری خواهند نمود.

فصل دوم - علوم و آموزش

ماده ۱۱: طرفین ضمن مبادله کتاب، نشریات و اطلاعات علمی و آموزشی و پژوهشی برای شناساندن مراکز علمی و آموزشی و پژوهشی یکدیگر ارتباطات علمی، فنی بین دانشگاهها و مراکز آموزشی و پژوهشی دو کشور را تشویق خواهند نمود.

ماده ۱۲: طرفین برقراری ارتباط علمی بین پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و مرکز خاورشناسی گرجستان را تشویق خواهند نمود.

ماده ۱۳: طرفین ضمن تأکید بر توسعه و گسترش زبان و ادبیات دو کشور در دانشگاههای یکدیگر نسبت به تأسیس کرسی زبان و ادبیات فارسی و گرجی و همچنین تبادل استاد جهت تدریس در این زمینه اقدام خواهند نمود.

ماده ۱۴: طرفین ضمن مبادله استادان و محققان دو کشور جهت تدریس، سخنرانی و مطالعات علمی و تحقیقاتی از نمایندگان یکدیگر جهت شرکت در مجامع بین‌المللی که در کشورشان برگزار می‌گردد دعوت به عمل خواهند آورد.

ماده ۱۵: طرفین بطور متقابل و بر اساس نیاز و در حد امکانات خود بورسهای علمی و تحقیقاتی کوتاه مدت و بلند مدت در رشته‌های مورد علاقه در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا به یکدیگر اعطا و با اعزام هیأت‌های متخصص نسبت به بررسی ارزشیابی مدارک تحصیلی یکدیگر اقدام خواهند نمود.

ماده ۱۶: طرفین ضمن تأکید بر اجرای مفاد یادداشت‌های تفاهم منعقد شده بین دانشگاههای دو کشور نسبت به تبادل استادان و محققان یکدیگر جهت اجرای پروژه‌های تحقیقاتی مشترک مبادرت نموده و تسهیلات لازم را در این زمینه

فراهم خواهند آورد.

ماده ۱۷: طرفین به منظور توسعه و تحکیم همکاری بین مؤسسات آموزشی یکدیگر نسبت به مبادله هیأت‌های دانشجویی برای شرکت در مسابقات ورزشی دانشجویان و المپیادهای علمی و دانشجویی اقدام خواهند نمود.

ماده ۱۸: آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران و دستگاههای همتای آن در جمهوری گرجستان در زمینه‌های زیر همکاری خواهند نمود:

- ۱ - چاپ و تدوین کتابهای درسی
 - ۲ - تدریس، ترویج و گسترش زبان و ادبیات دو کشور
 - ۳ - تشکیل اردوهای دانش‌آموزی و بازدید دانش‌آموزان از مراکز آموزشی یکدیگر
 - ۴ - همکاری در سایر امور مورد علاقه و توافق.
- ماده ۱۹: طرفین ضمن تأکید بر اجرای تفاهم در همکاریهای بهداشتی، درمانی، دارویی و آموزش پزشکی که در تاریخ ۱۳۷۴/۸/۱۲ در تفلیس به امضا رسیده در زمینه تأمین نیازهای دارویی و ملزومات پزشکی خود، کشور طرف مقابل را در اولویت قرار خواهند داد.

فصل سوم - رسانه‌های گروهی

ماده ۲۰: رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی ایران و رادیو و تلویزیون گرجستان ضمن تأکید بر اجرای تفاهمات فی‌مابین و استمرار همکاریهای موجود از گسترش اینگونه همکاریها در زمینه‌های برنامه‌ای، خبری و فنی استقبال می‌نمایند. بدیهی است جزئیات امر از طریق توافق دستگاههای ذیربط مشخص خواهد شد.

ماده ۲۱: خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران و خبرگزاری گرجستان از برقراری ارتباطات متقابل و همکاری مستقیم بین خبرگزاریهای دو کشور استقبال و اقدامات لازم را بدین منظور به عمل خواهند آورد.

ماده ۲۲: طرفین تسهیلات لازم را برای مبادله نشریات و مطبوعات و

برگزاری نمایشگاههای مطبوعاتی در دو کشور فراهم خواهند آورد.

ماده ۲۳: طرفین در طول این برنامه ضمن مبادله هیأت‌های مطبوعاتی به منظور بازدید از مراکز مطبوعاتی دو کشور و تبادل تجارب و دیدگاهها، مراکز پژوهشی و آموزشی، اطلاع رسانی و ارتباطات یکدیگر را به همکاری با مؤسسات مشابه در کشور طرف مقابل تشویق خواهند نمود.

ماده ۲۴: طرفین تسهیلات لازم را برای مبادله خبرنگاران اعزامی و مقیم یکدیگر فراهم خواهند آورد.

ماده ۲۵: طرفین در طول این برنامه ضمن مبادله تیمها و هیأت‌های ورزشی در مسابقاتی که به مناسبت‌های مختلف در هر یک از دو کشور برگزار می‌گردد شرکت خواهند نمود.

ماده ۲۶: طرفین ضمن شرکت در سمینارهای علمی - ورزشی بین‌المللی که در هر یک از دو کشور برگزار می‌گردد از نامزدهای دو کشور در انتخابات مجامع بین‌المللی مربوطه حمایت خواهند کرد.

ماده ۲۷: طرفین نسبت به مبادله آخرین نتایج تحقیقات و مطالعات ورزشی و تبادل و استخدام مربی در رشته‌های مورد علاقه و توافق اقدام خواهند نمود.

ماده ۲۸: طرفین با امضا پروتکل مستقلی در زمینه‌های ورزشی چگونگی گسترش همکاری بین دستگاههای ذیربط را مورد توجه قرار خواهند داد.

فصل پنجم - شرایط عمومی و مالی

ماده ۲۹: مواد این برنامه مانع از فعالیتهای و برنامه‌های دیگری که در زمینه علوم، آموزش و فرهنگ و هنر مورد توافق دستگاههای ذیربط قرار خواهد گرفت نخواهد شد.

ماده ۳۰: تمام فعالیتهای این برنامه طبق قوانین و مقررات دو کشور انجام خواهد شد.

ماده ۳۱: جهت اطمینان از حسن اجرای فعالیتهای مورد نظر در این برنامه هر یک از طرفین طرف دیگر را در مورد نام و مسیر دیدارکنندگان و هیأت‌های

اعزامی حداقل یک ماه قبل مطلع خواهد ساخت. تاریخ دقیق ورود و عزیمت آنان حداقل دو هفته جلوتر به طرف دیگر ابلاغ خواهد شد.

ماده ۳۲: درخواستهای مربوط به تحقیقات و بررسیهای علمی حداقل دو ماه قبل از تاریخ پیشنهادی دیدار از طریق مجاری رسمی به طرف مقابل تسلیم خواهد شد. درخواستها باید شامل سوابق دوره تحصیلی متقاضی، مدت اقامت و مکانهای مورد نظر جهت بازدید باشد.

ماده ۳۳: اشخاصی که براساس مفاد این برنامه مبادله می‌شوند توسط طرف اعزام کننده و از طریق مجاری رسمی به طرف پذیرنده معرفی خواهند شد.

ماده ۳۴: هزینه‌های مربوط به تهیه فیلم و میکروفیلم و فتوکپی از مدارک و اسناد تاریخی و فرهنگی به عهده طرف درخواست کننده می‌باشد.

ماده ۳۵: هزینه‌های مربوط به دیدارهای کوتاه مدت، که حداکثر به مدت یک ماه توسط مقامات و هیأتها به جز در مواردی که شرایط یا دستورالعمل‌هایی که مستقیماً بین سازمانهای مربوط در دو کشور مورد توافق قرار گرفته است، به ترتیب ذیل خواهد بود:

الف - هزینه‌های حمل و نقل بین‌المللی هیأتها به عهده کشور اعزام کننده می‌باشد.

ب - هزینه‌های مربوطه به رفت و آمدهای داخلی مربوط به برنامه مورد نظر، معالجات اضطراری و حق ترجمه در صورت لزوم بر طبق مقررات داخلی به عهده کشور پذیرنده خواهد بود.

ماده ۳۶: هزینه‌های حمل و نقل کالاها و لوازم نمایشگاهی که در ارتباط با مفاد این برنامه می‌باشد، از محل مربوطه به پایتخت کشور پذیرنده و بعکس و نیز هزینه‌های مربوط به بیمه توسط کشور اعزام کننده پرداخت خواهد شد. هزینه‌های گمرکات داخلی، اجاره غرفه‌ها و همچنین نگهداری اشیاء مورد نمایش در داخل مرزهای کشور پذیرنده به عهده کشور میزبان خواهد بود.

در صورت بروز هر گونه خسارت یا از میان رفتن اشیاء مورد نمایش طرف پذیرنده بطور رایگان اسناد مورد نیاز برای اقامه دعوی و رسید دریافت غرامت

از شرکت بیمه را در اختیار طرف فرستنده قرار خواهد داد. تمامی موارد ذکر گردیده در رابطه با موضوع مورد نظر بر اساس عمل متقابل انجام خواهد شد.

ماده ۳۷: هزینه‌های مربوط به بلیط‌های هواپیمایی و چمدانهای افراد و لوازم صحنه‌آرایی گروه‌های هنری به عهده کشور اعزام کننده می‌باشد. هزینه‌های اقامت، خوراک و رفت و آمدهای داخلی و همینطور فراهم آوردن مکان مناسب برای اجرای برنامه‌های هنری به عهده کشور پذیرنده خواهد بود.

ماده ۳۸: شرایط مالی مربوط به پذیرش بورسیه‌ها، کارآموزان و دوره‌های آموزشی کوتاه و بلند مدت از طریق مجری رسمی ذیربط و با توافق طرفین مشخص خواهد شد.

فصل نهم

سخن آخر و چند پیشنهاد

گرجستان به عنوان مهمترین کشور در منطقه قفقاز می تواند در روابط با کشورهای این منطقه بخصوص ایران نقش مؤثری داشته باشد. تلاش برای بازگشایی خط آهن نخجوان، ارمنستان گرجستان، کشیدن جاده ترانزیت ایران ارمنستان، گرجستان، شروع سرمایه گذاری در گرجستان بخصوص در صنایع داروسازی، توریسم، چای، معادن و ... می تواند افقهای روشنی از همکاریهای اقتصادی - فرهنگی را که با تمایلات قلبی و باطنی مردم دو کشور همساز باشد، ایجاد نماید. انجام همه این امور می تواند از طریق تشکیل نهادهای ذینفع در دو کشور نظیر انجمنهای دوستی و ارتباط نهادهای علمی و فرهنگی دو کشور صورت پذیرد.

علاوه بر آن، پایه و ارکان زبان و ادب فارسی ریشه در تاریخ کشور گرجستان دارد. به لحاظ مهاجرت اتباع ایران در گرجستان بخصوص در اواخر قاجاریه، گرجستان می تواند در توسعه گسترش زبان فارسی نقش مؤثری در منطقه ایفا نماید و باعث احیاء میراث فرهنگی و مشترک فراموش شده دو کشور گردد. در حال حاضر، با برنامه ها و راههایی می توان به گسترش روند آموزش زبان

و ادب فارسی در گرجستان یاری رساند.^(۱) برنامه‌های پیشنهادی در سه بخش
 مجزا به شرح ذیل ارائه می‌گردد:
 الف) برنامه‌های فرهنگی و دانشگاهی
 ب) برنامه‌های مربوط به گسترش زبان فارسی
 ج) برنامه‌های مربوط به همکاری با مسلمانان

- الف) برنامه‌های فرهنگی، علمی و دانشگاهی
- ۱ - چاپ شناسنامه آثار و اشیاء ایرانی موجود در بخش هنرهای شرقی موزه هنر گرجستان.
 - ۲ - ترجمه زندگینامه و آثار حضرت امام (ره) به زبان گرجی.
 - ۳ - استمرار ارتباطات و همکاری با انستیتو خاورشناسی آکادمی علوم گرجستان در راستای گسترش مناسبات علمی و مطالعاتی.
 - ۴ - شرکت اندیشمندان و محققان گرجی در کنفرانسها و سمینارهای ادواری ارگانهای ذیربط کشورمان.
 - ۵ - شرکت متقابل محققان ایرانی در گردهمایی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی گرجستان.
 - ۶ - تداوم همکاریهای دانشگاههای دو کشور در راستای اجرای یادداشت تفاهم فرهنگی در این زمینه.
 - ۷ - استمرار همکاریهای ورزشی بین دو کشور.
 - ۸ - سفر شخصیتهای علمی و فرهنگی گرجستان به کشورمان در مناسبتهای مختلف.
 - ۹ - گسترش همکاری در بخش اسناد و تبادل اطلاعات در مورد نسخ خطی.

۱- فیروز دولت‌آبادی، «دورنمای روابط ایران و گرجستان چگونه باید تعریف شود»،

مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۵، ش ۱۶، زمستان ۱۳۷۵، ص ۴۴.

- ۱۰ - برگزاری هفته فرهنگی جمهوری اسلامی در تفلیس.
- ۱۱ - برگزاری میزگرد ایران و گرجستان.
- ۱۲ - حضور شخصیت‌های فرهنگی و علمی از کشورمان جهت ارائه سخنرانی در مراکز علمی و دانشگاهی.
- ۱۳ - استمرار همکاری‌های مؤسسات باستانشناسی دو کشور در راستای اجرای مفاد یادداشت تفاهم فی‌مابین.
- ۱۴ - شرکت طرف گرجی در جشنواره‌های علمی و فرهنگی و هنری در ایران.

ب) برنامه‌های گسترش زبان فارسی

- ۱ - تجهیز بیش از پیش اتاق‌های جمهوری اسلامی ایران در انستیتو خاورشناسی و دانشگاه کواتیسی.
- ۲ - برگزاری دوره دانش‌افزایی زبان فارسی برای دانشجویان گرجی.
- ۳ - ارائه بورس تحصیلی دانشجویان جهت ادامه تحصیل در مقطع دکتری.
- ۴ - اعطاء بورس تحصیلی به دانشجویان دانشگاه تفلیس جهت تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد.
- ۵ - ارائه بورس تحصیلی به دانشجویان دانشگاه کواتیسی جهت ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه گیلان.
- ۶ - بورس تحصیلی به دانشجویان ایرانی جهت تحصیل در مقطع کارشناسی زبان و ادبیات گرجی از سوی گرجستان.
- ۷ - تدوین کتاب دستور زبان فارسی به زبان گرجی.
- ۸ - تدوین کتاب جدید آموزش زبان فارسی جهت تدریس در مدارس و دانشگاه‌های گرجستان.
- ۹ - برگزاری مسابقه زبان فارسی بین دانشجویان فارسی‌آموز گرجی.
- ۱۰ - تنظیم سفر دانش‌آموزان آشنا به زبان فارسی به ایران.

ج) برنامه همکاری با مسلمانان

۱ - نظارت و استمرار فعالیت دو مدرسه علوم دینی در تفلیس و شهر مارنائولی.

۲ - دعوت از مسلمان جهت شرکت در مراسم‌های مختلف مذهبی و ملی.

۳ - تجهیز و گسترش فروشگاه کتاب اسلامی در شهر مسلمان‌نشین مارنائولی.

۴ - تداوم کلاسهای علوم دینی در شهر مسلمان‌نشین گاردابانی.

۵ - برگزاری مراسم دینی و مذهبی در مناسبت‌های مختلف در مساجد.

۶ - تداوم استمرار و نظارت بر بازسازی و تجهیز مساجد با مساعدت ارگانهای ذیربط کشورمان.

۷ - استمرار و گسترش طرح آموزش غیرحضوری مسلمانان.

فهرست اعلام

نامهای کسان

۱۱۹	آذرخشی، رضا	«آ»	
۱۴۵	آرچیل		
۲۳	آرمازی	۲۴۵، ۱۷۴	آباشیدزه، ت
۸۹	آرنولد	۲۴۶	آبرامی شویلی، ت
۱۳۴	آرویچ تودا، ماگالی	۱۳۹، ۱۲۷، ۱۲۳	آبولادزه، یوستین
۲۶۸	آزادکناری، شعبان	۱۷۱، ۲۳۷، ۱۷۰، ۲۳۷، ۲۳۸، ۱۴۰	
۲۱	آزون	۲۳۰، ۲۲۷، ۱۴۳، ۱۳۹، ۱۷۸	
۲۳۹	آساتیانی، ای	۲۱۵	آتانلشیویلی، گ. س
۲۳۲	آسی	۲۴۸، ۱۷۶	آخالادزه، ن
۶۴، ۶۰، ۹۵، ۸۱، ۶۳	آغامحمدخان	۲۱۵	آخولدیان، گئورگی، ۱۸۹
۸۰، ۶۹		۲۱۲، ۱۷۷، ۲۳۳، ۲۳۲، ۲۲۷، ۲۱۷	
۹۹	آقبلاغی، محمدقلیخان	۱۱۸	آخوبادزه
۱۸۶	آقرا	۹۰، ۸۹، ۸۰	آخوندزاده، عبدالسلام
۲۳	آگریپا	۹۷	
۲۴۱	آل احمد، جلال	۸۵	آخوندوف، میرزا فتحعلی آقا

۱۴۱	ابوعلی سینا	۲۴۴، ۲۲۹	آلاسانیا، گیولی
۱۸۸	اتوریان، آستواز	۳۶	آلب ارسلان
۲۴۱	اجتماعی، کمال	۲۳۹	آلکسیدزه، م
۱۶۵، ۱۶۱	احمد بیگ	۲۲۰، ۱۷۴، ۲۴۶	آمیرانشویلی، گ
۱۰۳	احمد شاه	۱۱۸، ۱۱۷	
۲۸۰	ادیب، میرزا محمد	۲۸، ۲۵۱	آمیرانشویلی، شالوا
۷۴	اربیلیانف	۱۱۳	آناناسیان، سرژ
۱۳۰	ارتگ	۲۳۴	آنتادزه، پ
۲۷۳	اردکانی، ابوالقاسم	۸۴، ۵۶، ۵۵، ۵۴	آنتوان
۲۶	ارسلان	۲۳۶	آندرونیکاشویلی، مزیا
۱۸۶	ارسلان بن مسعود	۳۸	آواک
۴۰، ۴۳	ارغون	۱۵۴	آیتی، عبدالمحمد
۹۴	ارفع الدوله		
۱۳۰	اژیدهاک	«۱»	
۸۴	اساطورخان	۴۲، ۴۱	اباقا
۱۳۰، ۲۳، ۲۱	اسپاروخ	۸۴	اباملیکوف، کینیاژ
۱۲۹	اسپندیات	۵۵، ۵۶	ابراهیم میرزا
۲۵۸، ۱۱۱، ۱۰۹، ۱۱۰	استالین	۲۴۰	ابن سینا
۱۴۶	استرآبادی، میرزا هدی خان	۱۸۶	ابوالحارث ملکشاه
۲۸	استفان اول	۸۳	ابوالفتح میرزا
۲۸	استفان دوم	۴۱	ابوالفرج
۱۵۰	اسدی		ابوالنصر میرزا حسام السلطنه
۱۴۵، ۱۳۳	اسعد گرگانی، فخرالدین	۹۶	امیر تومان
۱۸۷، ۱۵۴، ۱۵۵		۲۷	ابوستاس
۱۲۹	اسفندیار	۲۴۰، ۴۵	ابوسعید
۲۱	اسکندر	۱۴۱	ابوشکور

۱۴۵	امیر علیشیر	۲۴۵	اسمیرنوا
۸۷، ۸۶	امین الدوله، میرزا علی خان	۹۷، ۹۰، ۸۹، ۴۱	اشپولر، برتولد
۹۶	امین الرعایا، محمدحسین	۵۳	اشرف افغان
۲۷۲	امینیان، اکبر	۱۳۲، ۱۵۹، ۱۵۸	اصلان بیگ
۸۶	انصاری، شیخ مرتضی	۱۶۸	اصلان خان بیگلربیگی
۱۰۰	انصاری، علیقلی خان	۱۵۹	اُغلی بیگ گرجی
	انصاری، میرزا مسعود	۲۴۱	افراشته، محمدعلی
۲۴۰	انوری	۴۷	افرنجی، گبرائیل
۱۳۲	انوشیروان	۷۹	افشار، میرزا مصطفی
۴۹	اوخراسپ	۱۵۹	افضل علی بیگ
۱۶۰	اودونچی باشی، صفی قلی بیگ	۵۶	افغان، آزادخان
۱۴۵	اوربلیانی		اقبال آذر (اقبال السلطان)،
۱۰۹	اورژنیکیدزه	۱۰۰	ابوالحسن
۱۳۲	اوستاس	۱۴۸	الغبیگ
۳۸	اوکتای قآن	۶۱، ۵۷، ۴۷، ۱۱۶	الکساندر اول
۵۰	اولثاریویس، آدام	۶۴	
۴۵، ۴۴	اولجایتو	۹۶	الکساندر سوم
۳۸	اهرام	۲۷۲	الهی، حسین
۱۳۲	ایبریا	۲۴۰	امیادزه، داوید
۶۹، ۶۸، ۶۷، ۶۶، ۶۵	ایلچی	۲۷۳	امیراحمدی، بهرام
۲۱۴	ایمدداشویلی، گ	۳۹	امیرارغون آقا
۱۷۰، ۱۴۰	اینگوروقوا	۵۵	امیراصلان خان
۲۳۲	ایوانوف، و	۳۸	امیر تیمور
۱۸۸	ایوانوویچ	۱۴۵	امیر خسرو دهلوی
۲۴۱	ایوانی شویلی، مزیا	۱۰۰	امیر خیری، اسماعیل
		۱۶۱	امیر سلیمان خان

۱۱۸	بریدزه، ایراکلی	«ب»	
۶۶	بساناویچ	۲۴۹	بابالاشویلی، ا
۳۵	بشکندی	۹۶	بادکویه‌ای، محمدحسن
۱۵۸	بکرات (بقراط) خان	۱۰۳	باراتوف
۱۴۱	بلعمی	۱۴۰، ۲۸، ۲۵۱	بارامیدزه، الکساندر
۳۶، ۲۴	بنداری اصفهانی	۱۷۰، ۲۳۷، ۱۲۳، ۲۳۷، ۲۳۸، ۱۵۵	
۱۲۷	بنونیست	۱۷۱	
۳۷	بوتزو	۲۷۵، ۱۹۸	بارتایا
۲۱۷	بوچوریشویلی، تسیرا	۱۱۹	بازرگان
۳۶، ۲۴	بورسلان، قوم‌الدین	۱۰۰	باقرخان
۲۴۱	به‌آذین	۲۰۱	باکورادزه
۱۱۳	بهادر، اسدالله خان	۱۳۰	باکوردخت
۳۸	بهرام	۳۴	باگرات
۴۶	بهرام پاشا	۱۹	بامداد، مهدی
۱۶۴	بهبزادبیگ	۴۴، ۴۳	بایدو
۲۲، ۲۱، ۱۹، ۲۱، ۱۹	بهزادی، رقیه	۵۸، ۵۶	بختیاری، علیمردان خان
۱۵۶، ۱۳۲، ۲۶		۲۴۱	بدره‌ای، فریدون
۱۱۹	بهشتی	۲۰۲، ۱۷۴، ۲۶۶	برادزه، گریگوری
۷۲	بهمن میرزا	۲۴۵، ۲۷۲، ۲۶۶، ۲۴۶، ۲۴۵	
۹۱	بهنام، جمشید	۳۷، ۴۲، ۴۱	براق حاجب
۱۶۱	بهوپالی، سیدعلی حسن خان	۲۲	برزن، آریو
۱۱۷	بیانی	۱۲۹	برزو
۱۱۹	بیرشک، احمد	۱۲۹	برژئو
۱۴۱	بیرونی	۲۵۶	برژنف
۱۴۳	بیژن	۴۲، ۴۰، ۳۹	برکای
۱۱۴	بیگدلی، غلامحسین	۲۲۱	برونیسلاو

۲۴۴، ۲۴۳، ۲۱۹، ۱۹۱، ۱۹۰، ۲۳۰	۱۶۵	بیگ، محمدباقر
۱۷۲، ۱۷۱، ۱۲۳، ۲۴۳	۹۹	بیگم خان
۹۰ پوشکین	۱۲۷	بیلی
	۸۰	بینا، علی اکبر
«ت»	۱۹۸	بینش، یلدا
۶۱ تاب	۱۳۰	بیوراسب
۱۷۳، ۲۴۴، ۲۱۵ تابادزه، ک.		
۲۲۹، ۲۴۸، ۱۷۵		«پ»
۵۰ تادویس، ژان	۲۸	پاتریکوس
۱۶ تارگوموس (تارگوما)	۴۷	پادری
۱۸۷، ۱۵۵، ۱۵۴ تامارا	۱۳۰، ۲۱	پارناواز
۱۴۳، ۱۳۸ تاواکالا شویلی، ماموکا	۷۸	پاسکویچ
۹۲ تبریزی (تربیت)، محمد علی خان	۸۴	پاشا خان شجاع الملک
۹۴ تبریزی، حسینقلی	۲۳۵	پاشالی شویلی، ت
۲۰۰ تدوا	۴۶	پاشا، مصطفی
۲۳۶ تِدیوا، الگا	۱۱۸، ۱۱۷، ۲۱۷	پاگوا، کنستانتین
۱۷۶، ۲۴۹ تراگائف، ن	۲۳۹، ۲۲۳، ۲۲۲، ۲۱۱	
۱۰۹ تروتسکی	۲۴۱	پرتو، ش
۲۳۱ تس	۲۳	پرنواز
۱۷۱ تسخوربا، کارتلیس	۲۸۰	پرویزپور، ب.خ
۱۹۲، ۱۲۷، ۲۲۸ تسرتلی، گئورکی	۹۲	پرویز، حسین آقا
۲۰۹، ۱۷۴، ۱۱۶، ۲۴۶	۲۴۱	پرویزی، رسول
۲۴۶، ۱۷۴ تسوتسه لیا، م	۱۱۵	پطروسیان، روبن
۶۴، ۶۱ تسی تسیانف	۶۴، ۶۱	پل اول
۱۵۷ تسی تسیشویلی، ن	۲۳	پوبلیکیوس
۲۳۱، ۱۷۲، ۲۴۸ تسین تسادزه، ت	۱۹۱، ۱۷۱	پوتوریدزه، ولادیمیر

۲۴۸	تیوآدزه، ت	۲۴۷، ۱۷۶، ۲۵۱، ۱۷۵	
		۲۱۵	تشیپاشویلی، گ. س.
	«ث»	۴۷	تفرشی، ظهیرالدین
۸۹	ثمین الممالک، میرزا جعفرخان	۴۸، ۴۷	تفرشی، ملامراد
		۹۱، ۹۲	تقی‌زاده، سیدحسن
	«ج»	۲۵۶	تقی‌زاده ملایوسفی، محمدابراهیم
۲۴۶	جالاگانیا، ای	۲۷۳	تکمیل همایون، ناصر
۱۴۷، ۱۴۵، ۲۴۰	جامی، عبدالرحمن	۴۳	تکودار
۲۰۴، ۲۰۲		۱۳۳	تموگوی، سرگیس
۲۱۸	جاناشیا، س. ن	۲۴۱	تنکابنی، فریدون
۲۱۵	جانلیدزه، د. و	۲۴۷، ۱۷۵، ۲۴۷	توپوریا، پ
۲۴۸، ۱۷۵	جاواخیا، ب	۲۲۹، ۱۷۳، ۲۱۲	تودوآ، ماگالی
۱۲۷، ۱۲۴	جاواخیشویلی، ایوان	۲۲۳، ۲۷۵، ۱۷۱، ۲۴۵، ۲۳۸، ۲۲۲	
۱۷۷، ۲۲۷، ۱۴۴، ۱۲۴، ۱۲۳، ۲۴۲		۱۷۰، ۱۳۸، ۱۴۲	تورمانیدزه، خسرو
۲۳۹	جاولیدزه، ا	۱۹	تورنفور
۸۳	جبار، میرزا	۲۱۷، ۲۳۱، ۱۷۲	توشی‌شویلی، لیلا
۴۲	جرماغون	۲۳۳	
۵۸	جعفرخان	۴۴	توقتای
۱۶۸	جغتایی، سعیدخان	۲۴۱	توللی، فریدون
۳۷، ۳۶	جلال‌الدین خوارزمشاه	۳۹	تولوی
۹۰	جلال‌الدین میرزا	۶۳	تهامی، سیدغلامرضا
۳۶، ۲۴	جلیلی، محمدحسین	۱۳۰	تهمینه
۲۴۱	جمالزاده	۳۷	تیتوس
۱۴۱	جمشید	۴۸	تیمور
۱۰۱	جمشیدخان	۵۵، ۵۴، ۵۳، ۵۱، ۵۰، ۴۹	تیموراز
۱۱۹	جم‌نژاد	۱۲۴، ۱۷۲، ۵۶	

جوانشیریانی، جوانشیر	۱۳۱	حافظ ۱۱۷، ۲۰۴، ۸۷، ۲۴۰، ۲۶۸
جورماغون	۳۸، ۳۷	حالت، ابوالقاسم ۲۴۱
جهانبانی	۱۱۷	حبیبی، حسن ۲۶۷، ۲۷۰، ۲۷۱
		حبیش تغلیسی ۱۸۳، ۱۸۴
«ج»		حسین خان ۸۷
چا و چا و اوزه، ت.ا	۲۱۵، ۲۳۳	حشمت الدوله ۷۳
چخوبیانی شویلی، دارجان	۲۳۳	حلبی، ماکاریوس ۴۷
چخه ئیدزه، ته نو	۲۴۶، ۲۳۶، ۱۲۹	حمزه میرزا ۴۷
	۱۷۱، ۲۱۲، ۲۳۳، ۲۳۸، ۲۲۹، ۲۱۵	
چراغی، رحیم	۱۳۵	«خ»
چوبک، صادق	۲۴۱	خاتمی، سید محمد ۲۷۹
چوبین ئیدزه، ا	۲۳۴	خاچکو، اراوارا ۱۱۵
چوچی	۳۹	خاچیکوف، سیمون ۱۱۵
چو چیف، و.گ	۱۷۵، ۲۱۵، ۲۴۸	خاقانی ۱۲۵، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳
چه ئی شویلی، آ	۲۴۴، ۱۷۳	خاکیور، عبدالرسول ۱۶۷
چه لیدزه، آ	۱۷۱، ۲۵۰، ۱۷۷	خالقی ۱۱۷
چیپاشویلی، گئورگی	۲۶۶، ۲۱۲	خالقی مطلق، جلال ۲۸۰
	۱۷۷، ۲۵۰، ۲۴۹، ۲۸۰، ۲۲۹	خامنه ای (آیت الله) ۲۶۷
چیکوانی، گورام	۲۲۹، ۲۱۶	خان زنگنه، محمد خان ۷۹
چیکو باوا، م	۲۳۴	خانشقاقی، حسینقلی ۹۸، ۸۷
		خانیکف ۱۵۱
«ح»		خجندی، کمال ۲۴۰، ۲۰۴
حائری، عبدالهادی	۴۸	خدابنده، محمد ۴۷، ۴۶، ۴۸
حاجی آقاییک	۸۴	خرازی، سیدکمال ۲۱۲
حاجی خان قفقازی	۹۹	خسروانو شیروان ۱۳۲، ۲۷، ۲۴
حاجی مهدیقلی	۲۴۳	خسروخان ۵۲

۱۱۹	دفتری	۲۴	خسرو دوم
۲۴۰، ۱۴۱	دقیقی	۷۹، ۱۵۸	خسرو میرزا
۵۹، ۵۱، ۵۰، ۴۹	دلاواله، پیترو	۲۱	خشایارشا
۴۲	دمتریوس	۱۰۸	خلج منفرد، ابوالحسن
۴۳	دمتریوس دوم	۹۴	خوئی، علی
۱۰۱	دوامی، عبدالله	۱۴۵	خواجهوی کرمانی
۱۶۳، ۱۶۲، ۱۶۰	دولت آبادی، عزیز	۲۱۹، ۲۴۴	خوبوآ، م
۱۶۹، ۱۶۸، ۱۶۵		۲۵۹	خوردیا، گامسا
۲۷۳	دولت آبادی، ف	۲۴۰	خه لاشویلی، تس
۱۱۷	دولت شاهی، مهرانگیز	۲۴۰	خیام، عمر
۵۰	دومینیک، فردیناند	۲۷۳	خیراندیش، رسول
۲۳۱، ۱۷۲	دونادزه، و	۴۱، ۳۹	خیراندیش، عبدالرسول
۲۴۵، ۲۴۵، ۱۷۴، ۱۷۳	دوندوآ، ن		
۹۲	دهخدا	«د»	
۱۰۲	دهقان، علی	۲۳	دادس، فلاویوس
۲۲، ۱۲۶	دیاکونوف، م.م	۴۲، ۴۱، ۴۰	داوید پنجم
۹۵	دیبا علاءالملک، سید محمودخان	۳۴، ۴۲، ۴۰	داوید چهارم
۲۴۱	دیده ور، م	۱۰۲	داودخان
۲۴۱	دیلمقانی، موحد	۱۸۴	داوید دوم
۱۰۱، ۱۰۳	دیوان بیگی، رضاعلی	۴۵، ۴۴	داوید ششم
۱۰۳		۱۶۵	داود (محمود)، بدرالدین
		۶۱، ۳۵، ۱۸۷، ۱۵۴	داوید
	«ر»	۳۴	داوید سازنده
۱۱۹	رادمنش	۶۶	دربندی، آقابیک
۷۰	رازن، بارون	۱۰۰	درویش خان
۲۴۶، ۱۷۴	رامی شویلی، ک	۲۸۰	دزنیلیدزه، گ

۱۴۳، ۱۴۲، ۱۳۰	زال	۲۳۱، ۱۷۳	رامی شویلی، ن
۱۲۷	زالمان	۱۵۴	رامین
۲۳	زدان	۶۶	ردیشچوف
۲۲۰	زکی، محمدحسن	۱۵۴، ۱۴۳، ۱۴۱، ۱۳۱، ۱۳۰	رستم
۲۱	زواخ	۱۸۷	
۲۵۱، ۱۹۶، ۱۷۷	زوریکاشویلی، ف	۴۸، ۱۸	رضا، عنایت الله
۱۵۸	زینل بیگ	۷۸	رضوانی، محمد اسماعیل
		۲۶۹	رفسنجانی
	«ژ»	۲۷۵	رفیع فر
۶۱، ۶۰	ژرژ	۷۸	رکن الدوله، علی نقی میرزا
۴۴	ژرژ پنجم	۲۴۰، ۱۵۰، ۱۴۱	رودکی
۶۰	ژرژ دوازدهم	۱۲۵، ۱۵۴، ۱۱۸	روستاولی، شوتا
۶۱	ژرژ سیزدهم	۱۵۶، ۱۵۵، ۱۲۴، ۱۹۳، ۱۵۴، ۱۴۲	
۴۵	ژرژ ششم	۲۱۴، ۲۰۲، ۱۸۷	
۴۵	ژرژ هفتم	۳۷، ۳۶	روسودان
۲۳۲، ۲۴۶، ۲۷۳	ژوژلیانی، لیلی	۳۴، ۳۳، ۲۶	روشن ضمیر، مهدی
۱۷۳، ۲۳۷		۵۸، ۵۱، ۴۹، ۴۶، ۳۷	
		۸۴	رومایکز
	«س»	۲۴۰	رومی، جلال الدین
۱۴۲، ۱۳۸	ساباشویلی، سراپیون	۱۹۶، ۱۷۷، ۲۷۹، ۲۷۳	روندلی، ا
۱۹۹، ۲۳۴	ساخوکیا، مایا	۲۵۱	
۹۵	ساعد	۱۸۴	ریاحی، م
۹۵	ساعداالوزراء	۲۵۲، ۱۵۳	ریپکا، یان
۲۴۱	ساعدی، غلامحسین		
۱۵	ساکارتولو		«ز»
۱۳۰	سام	۲۴۰، ۲۰۴	زاکانی، عبید

۲۳۴	سولاکادزه، ای	۲۴۷، ۱۷۵	سانیکیدزه، گ
۱۱۹	سولیکوژگنتی	۲۰۴	ساوجی
۱۱۱	سومبانوف	۲۰۱	سبوا
۱۴۳، ۱۴۱، ۱۱۹	سهراب	۱۵۷	سپهسالار، رستم خان
۱۶۴	سهراب بیگ	۹۹، ۹۳	ستارخان
۵۵	سهراب خان گرجی	۱۵۳، ۱۵۲	سجادی، سید ضیاءالدین
۹۵	سهیلی	۱۳۱	سراییتا
۲۴۱	سهیلی، مهدی	۱۹۱	سراج الدین
۷۰	سیف الدوله، محمد میرزا	۱۶۶	سربدال بیگ
۲۷۳	سیف زاده، سید حسین	۱۰۰	سردار افخم
۷۳	سیمنس	۵۲	سرکش پاشا، علی
۴۷	سیمون خان	۷۲	سری، ابوالقاسم
		۷۳، ۸۳	سعدالدوله، میرزا جواد خان
	«ش»	۲۰۴، ۱۷۱	سعدی، شیخ مصلح الدین
۲۵۰	شاراشنیدزه، ز	۲۸۱، ۲۶۸، ۲۴۰، ۸۷	
۲۱۶	شاراشنیدزه، سهراب	۱۸۷	سلامان
۲۳۷، ۲۳۷، ۱۴۰، ۱۲۷	شانیدزه، آ	۲۰۴	سلمان
۱۷۰		۱۶۶، ۱۶۱، ۱۵۹، ۱۵۷	سلیمان
۴۵	شاه اسماعیل	۸۴	سلیمان خان
۲۴۱	شاهانی، خسرو	۴۷	سلیمان صفوی
۵۶	شاهرخ	۶۹	سمتاویچ
۵۲، ۵۱	شاه سلطان حسین	۲۴۰	سنایی
۵۱	شاه سلیمان	۱۶	سن (سنت) مارتین
۵۱	شاه صفی	۲۲۹، ۲۱۲	سوانیدزه، میخائیل
۱۹۱، ۱۶۷	شاه طهماسب صفوی	۱۷۶، ۲۴۹، ۱۷۶	سورگولادزه، پ
۵۹، ۵۳، ۴۸، ۴۶، ۴۵		۲۴۸	

شاه طهماسب میرزا (شاه طهماسب		
دوم)	۵۲	صدیق الملک، میرزا غفارخان
شاه عباس	۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۹، ۴۷	صدیق الملک، میرزا فتحعلی
	۱۸، ۱۴۶	صفرعلی
شاه عباس دوم	۱۶۴، ۱۶۰، ۱۵۸	صفی میرزا
	۱۶۶	صمدخان
شاه عباس سوم	۵۳	
شرف الدین	۱۸۵	
شریف الدوله، علی محمدخان	۱۰۲	ضحاک
شفاء، شجاع الدین	۱۹۴، ۱۹۲، ۳۴	
شنگه لیا، ل	۲۴۷، ۱۷۴، ۲۴۸	
شوادندزه، ادوارد	۲۷۸، ۲۷۰، ۲۶۳	طالب بیگ گرجی
	۲۷۹، ۲۶۸، ۲۶۵، ۲۶۴	
شوشانیک	۲۵	طالبوف، عبدالرحیم
شویلی، آنیکا	۲۰۰، ۱۹۵، ۲۱۱	طاهرزاده
شویلی، بالیا	۱۱۸	طاهر، محمد
شویلی، تسی تسی	۲۳۹	طباطبایی، سید محمدصادق
شویلی، دمتر	۱۹۹	طلایی
شویلی، سوفیا	۲۷۴	طهمورث خان
شهابی، عیسی	۱۵۳	
شهید بلخی	۲۴۰، ۱۴۱	
شیخ الاسلامی (امجدالوزاره)،		عادل شاه
سید عبدالله	۱۰۰	عافی
شیر افشار (مجدالسلطنه)	۱۰۱	عالیجاه شاه نظرخان
شیرامون	۱۵۲، ۴۲	عباسقلی خان
		عباس میرزا

عبدالادزه، ا	۱۷۰	«ف»	
عزیزبیگلو، میرزا علی اکبر	۱۱۵	فتودوروویچ	۵۱
عطار	۲۰۴	فازابی	۱۴۱
عطا ملک جوینی، علاءالدین	۲۴۴	فارنوگ، کسه	۱۳۰
۱۹۵، ۳۹		فاطمی، م	۱۷۳، ۲۳۱
عطاء الله	۱۹۱	فتحعلی خان	۸۴
علاءالدین	۱۹۵	فتحعلیشاه	۱۶۱، ۶۰، ۶۱، ۶۵، ۶۹
علمی، محمد علی	۹۲		۷۰، ۷۸، ۷۹، ۹۹
علوی، بزرگ	۲۴۱	فراس منس (فارسمان)	۲۳، ۱۳۰
علوی شیرازی، میرزا محمد هادی	۶۵	فراشباشی، مختاریبگ	۱۶۰
علوی، محمد هادی	۶۶	فرامرزیبگ	۱۶۱
علی اف	۲۲۰	فراهانی، میرزا محمد تقی خان	۷۹
علیخان بیگ	۱۵۹	فردوسی طوسی، ابوالقاسم	۱۴۱
علیزاده، حسن	۱۷۱		۱۱۶، ۱۳۰، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱
علیقلی میرزا	۵۵		۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۴
علی میرزا	۵۳		۱۷۰، ۱۸۷، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۶۸
عمار	۱۵۰	فرنا باز	۲۱
عمرانی، سید محمد رضا	۲۶۲، ۲۵۸	فروشانی	۱۱۷
	۱۱۰	فریدون	۱۴۱، ۱۴۳
		فلور، ویلم	۷۲
«غ»			
غازان خان	۴۴، ۴۳	«ق»	
غزنوی، سید حسن	۲۴۰	قاضیها، فاطمه	۷۸
غفاری، احمد	۲۴۵	قیاد	۲۴
غفوری	۱۱۹	قبادیگ	۱۶۹
		قتلغ شاه	۴۴

۲۷۲	کا کابادزه، مالخاس	۲۴۳	قره باغی، میرزا یوسف
۲۳۹	کالادزه، ای	۲۴۳	قزوینی، حمدالله
۲۳۱، ۱۷۳،		۱۸۶	قطب الدین
۲۳۱، ۱۷۲	کالینین، ی	۱۶۸	قلی بیگ، مرتضی
۱۰۹	کامنوف	۱۸۶	قلیچ ارسلان
۵۵	کتوان	۱۸۶	قلیچ ارسلان دوم
۲۲۲	کته شویلی	۸۴	قلیخان
۲۸۰	کرتیلیا، ک.د	۹۰	قلیزاده، جلیل محمد
۱۵۲، ۱۵۰	کرمنن، آندرونیک	۱۱۹	قلی زاده، رضا
۵۶، ۲۱۸، ۵۸، ۵۷	کریم خان زند	۱۸۶	قوافی
۲۴۰، ۱۴۱	کسایی	۹۵	قوام السلطنه
۱۱۹، ۲۲	کشاورز، کریم	۱۸۷	قیس
۲۲۲، ۱۵۰، ۲۱۷	کشه لاوا، تنگیز		
۲۱۱، ۱۷۱، ۱۴۹، ۱۴۸، ۲۱۱، ۲۴۱			«ک»
۲۴	کنستانتین	۶۴، ۵۹، ۵۸	کاترین دوم
۵۲	کنستانتین سوم (محمد قلی خان)	۲۳۱، ۲۴۷، ۲۱۶	کاتسی تادزه، د.و
۲۳	کنسه	۲۱۵، ۱۷۱، ۱۷۲، ۲۴۹	
۲۳۴	کواچادزه، مانانا	۲۲۹	کاتسی، داوید
۱۱۶	کواخاریا	۲۶، ۲۱، ۱۶، ۱۵	کارتلوس
۸۴	کوارطانوف	۱۵	کارتول
۱۲۷، ۱۷۲، ۱۱۷	کوبیدزه، داوید	۱۲۶	کارتولی، آریان
۲۱۷، ۲۱۵، ۲۱۱، ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۴۰		۱۳۸	کارسراپیون
۱۳۹، ۲۳۱، ۲۲۲، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۳۸		۲۳۴	کاشانی، عبدالقاسم عبدالله
۲۱۴، ۱۸۷، ۱۲۴، ۱۷۳، ۱۷۲، ۱۴۳		۱۴۵	کاشفی، حسین
۲۴۰	کوتاشویلی، ل	۲۴۱	کاظمی، مشفق
۲۱۷	کوتیشویلی، اوخوستی	۸۷	کاظمیه، اسلام

۱۸۸	گئورگ، آساطور	۲۷۲، ۲۱۱، ۲۱۶	کوتسیا، کارلو
	گئورگی یازدهم (گرگین خان یا شاه	۲۱۵	
۵۱	نواخان سوم)	۲۳۳، ۲۰۴	کوته تیشویلی، ش
۲۳	گئیم	۲۱۵، ۱۷۲، ۲۳۹	کوته تیشویلی، و
۲۳۳، ۱۲۸	گائیدزه، اوتور	۱۷۶، ۲۴۸	کوته لیا، تسیرا
۲۴۷، ۲۴۷، ۲۴۲	گاباشویلی، م	۲۱	کوجی
۲۱۶، ۲۳۱	گاباشویلی، والرین	۲۴۸	کورتوآن
۲۳۳	گاپرینداشویلی، ش	۲۰	کوروش
۱۷۲	گاپرینداشویلی، س.گ	۲۱۵، ۲۵۱	کویرکولیا، گ
۲۳۴	گادیلیا، ک	۱۷۳، ۲۳۱	کویریکاشویلی، تس
۶۲	گاردان	۱۴۰، ۱۴۳	که که لیدزه، کوزنتلی
۲۷۴، ۲۶۶، ۲۳۲	گامقرلیدزه، تاماز	۲۳۷، ۱۷۰، ۱۲۳	
۲۱۰، ۲۱۲		۲۵۰	که لنجریدزه، آ
۱۷۲	گیوناشویلی، ژ.ش	۲۷۷	کیپانیدزه، اتارلرد
۲۳	گئسی	۱۳۱	کیخسرو
۱۶۵	گرچی، اختر	۱۵۹، ۱۵۸	کیخسروخان
۱۶۲	گرچی، فریدون	۱۰۹	کیروف
۹۹، ۸۳، ۷۰	گرچی، یوسف خان	۲۳۵، ۲۴۷، ۲۴۴، ۱۴۴	کیکنادزه
۱۸۷، ۲۳۷	گرگانی، فخرالدین	۲۸۰، ۲۴۹، ۱۷۶	کیکنادزه، ام
۱۹۱	گرگی جانیدزه، پارسادان	۲۱۵	کیکنادزه، ر.ک
۶۲، ۶۰	گرگین خان	۱۹۰	کیکنادزه، رواز
۹۰، ۷۸	گریبایدوف	۲۳۵	کی کویدزه، ک
۱۹۷	گریگولیا	۱۴۳	کیومرث
۲۲۰	گریگونی، آ		
۱۴۲	گشتاسب		«گ»
۲۶۶، ۲۴۴، ۲۶۶	گلاشویلی، نانا	۳۶	گئورک چهارم

۸۹	لرمانتوف	۱۷۳، ۲۴۸، ۲۷۳، ۲۶۷	
۵۸	لطفعلی خان	۲۴۷، ۱۷۵	گوا بریدزه، تس
۱۱۱، ۱۱۰، ۱۰۹	لنین	۱۴۴، ۱۴۳، ۱۴۰	گواخاریا، آلکساندر
۲۰۵، ۲۰۴	لوپژانیدزه	۲۴۰، ۲۳۹، ۲۳۸، ۲۳۷، ۱۴۲، ۱۴۱	
۲۶۶، ۱۲۳	لیدزه	۲۱۱، ۱۷۱، ۲۱۴، ۲۲۸، ۲۴	
	لیندنايه ۶۶	۱۷۷، ۲۵۰	گوتسی ریدزه، گ
		۲۵۷	گوریاچف
	«م»	۲۳۹	گوریانی، بهرام
۱۱۰	ماخارادزه	۲۵۱، ۲۵۰، ۱۷۷، ۱۷۶	گویلاوا، اُ
۱۲۵، ۱۲۳، ۱۵۱، ۱۵۲	مار، ژرژ	۴۳	گیخاتو
۲۱۴، ۱۷۲، ۱۲۷		۲۳۹	گیگاشویلی
۲۶، ۲۲، ۲۱	مارشال لانگ، دیوید	۱۱۷	گیگوشویلی، آ.آ
۱۵۸، ۱۲۹، ۱۹، ۱۵۶، ۱۳۲		۳۴	گیورکی دوم
۲۳	مارنوخ	۳۵	گیورگی سوم
۲۳۷، ۱۳۹	مار، نیکلا	۱۷۲، ۲۱۰	گیوناشریلی، جمشید
۱۷۰، ۱۲۳	مار، یون	۲۰۳، ۱۹۷، ۱۹۶، ۲۲، ۱۴۱، ۱۷۳	
۱۱۹	مافی	۲۲۸، ۲۱۷، ۲۳۳، ۲۳۲، ۲۳۱، ۲۳۰	
۲۳۹	ماگولاریا، گ	۲۸۰، ۲۷۶، ۲۷۲، ۲۷۰، ۲۶۰، ۲۱۲	
۲۱۵، ۲۳۸	ماماتسا شویلی، مایا	۲۴۵	
۱۷۲، ۲۳۹		۲۳۵	گیونا شویلی، ا
۲۰۰، ۱۴۳	ماموکا	۲۲۳	گیونا شویلی، د
۱۷۱	مترولی، ا	۲۱۱، ۱۷۲	گیونا شویلی، ل.س
۴۰	متریوس	۲۸۰	گیونا شویلی، لودمیل
۱۱۸	مجدلیشویلی، د	۱۲۵	گیونا شویلی، هلن
۸۴	محبوبی اردکانی، حسین		
۲۲	محمد بن جریر طبری		«ل»

۹۲	معاوضه السلطنه	۷۲، ۶۹، ۶۵	محمد شاه
۶۹	معمدالدوله ارمنی	۸۳	محمد صفی میرزا
۷۰	معمدالدوله، عبدالوهاب	۱۶۸	محمد علی خان
۹۶	معمدالدوله، هادی خان	۹۱، ۱۰۰	محمد علی شاه
۱۹۱	معین الدین	۵۲	محمود افغان
	معین الوزاره (علاء السلطنه)،	۹۵	محمود خان
۹۵	میرزا محمد علی خان	۶۶	محمود، محمود
۷۸، ۱۳۳	مفتاح، الهام	۱۶۶	محمود میرزا
۱۱۸	ملاح، حسینعلی	۱۵۹، ۱۶۶	محمود میرزای قاجار
۹۰	ملانصرالدین	۱۶، ۱۶۰	
۹۰	ملکم خان	۴۶	مراد خان
۱۳۰، ۳۵، ۱۵۱	ملکه تامارا	۹۳، ۹۴	مراغه ای، زین العابدین
۳۸	ملکه رسودان	۹۴	مراغه ای، شیخ احمد ساعد
۵۰	ملکه کتوان	۹۵	مروارید، یونس
۲۷۲	ملکی، عباس	۳۴	مزد، آشات
۸۵	ممتحن الدوله، میرزا مهدی خان	۹۸	مساوات
۸۲		۸۵	مستشار الدوله، میرزا یوسف خان
۱۰۰	ممتحن السلطنه	۹۰، ۹۷	
۳۷	ممنّا	۸۹	مستوفی، عبدالله
۲۲۹، ۲۱۶	منته شاشویلی، آلبرت	۹۵	مستوفی، میرزا علی اصغر
۱۷۲، ۲۵۰، ۲۳۱		۷۹	مستوفی نظام
۴۱	منکوبردی، سدون	۵۹	مسیح
۴۳	منکو تیمور خان	۸۳	مشیر السلطنه، علی اصغر خان
۷۲، ۷۰، ۶۹	منوچهر خان	۸۷، ۱۱۳	
۱۶۳	منوچهر خان معتمد الدوله	۸۱، ۸۰، ۷۹	مظفرالدین شاه قاجار
۲۷۳	موسوی، سید رسول	۸۳، ۸۸	

۱۶۳	میرزا مهدیقلی	۱۹۱، ۱۴۷، ۲۰۵، ۲۰۴، ۲۶۸	مولوی
۷۶	میرسکی	۴۶	مهدعلیا (خیرالنساء بیگم)
۲۴۱	میرصادقی، جمال	۱۳۰	مهران
۲۶	میریان	۱۳۰	مهراندخت
۲۳۱، ۱۷۳	میکاشاویدزه، م	۲۲	مهرداد
۱۲۷	مییه	۲۲	مهرداد کبیر
۹۸	مؤمنی، باقر	۸۳	میخایل
		۴۱	میرآفتاب، محمود
	«ن»	۹۰	میرزا آقاخان
۲۴۲، ۲۱۶	نئیشویلی، گ.گ		میرزا ابوالحسن خان شیرازی (ایلچی)
۶۲، ۶۱	نابلئون	۶۶، ۶۵	
۱۹۹	ناتادزه، ماکا	۶۱	میرزا اسکندر
۲۴۸	ناتروشیلی، ت	۸۵، ۸۳	میرزا جعفرخان
۲۴۹	ناچقه‌بیا، اس	۸۳	میرزا حبیب‌الله خان
۲۱۶، ۱۹۶، ۲۱۷	ناچقه‌بیا، نودار	۸۳	میرزا حیدرعلی
۲۳۳، ۲۱۵	ناخوتسروشویلی، گ.س	۷۸	میرزا صادق
۲۳۴		۸۷، ۸۳، ۷۳	میرزا عباس خان
۶۵، ۵۵، ۵۴، ۵۹، ۵۳، ۱۹۱	نادرشاه	۱۶۸، ۱۶۳، ۱۶۲	میرزا عبدالله خان
۲۱۸		۸۳	میرزا عبدالوهاب خان
۱۱۸	ناسیدزه، سوخان	۸۳	میرزا فضل‌الله خان
۷۵، ۷۴، ۷۳، ۱۲۶	ناصرالدین شاه	۸۶	میرزا کاظم‌بیک
۱۰۰، ۹۷، ۹۶، ۸۶، ۸۳، ۷۸، ۷۷		۶۵	میرزا محمدعلی
۲۴۰	ناصرخسرو	۸۳	میرزا محمود
۹۵، ۹۳	ناظم‌الدوله، میرزا اسدالله خان	۸۱	میرزا مسعود آقا
۲۶	نانا	۸۴	میرزا موسی
۸۷	ناواساردیان	۹۴	میرزا مهدی خان

۱۴۳، ۱۳۸	واچنادزه، باردزیم	۱۶۰، ۱۵۹	نخجوانی، حسین
۱۳۲، ۲۷، ۲۶، ۲۵	واختانگ	۷۰	نشاط اصفهانی
۵۷	واختانگ ششم (حسین قلیخان)	۱۶۴، ۱۵۹، ۱۵۸، ۴۷	نصرآبادی اصفهانی، میرزا
۲۵	وارسکن	۱۶۸، ۱۷۰، ۱۹۴، ۱۶۱، ۱۵۹	محمدطاهر
۲۳۸	واعظ کاشفی	۲۴۵	نطنزی، محمد
۱۱۳	وثوق الدوله	۱۴۷، ۱۴۵، ۱۲۵	نظامی گنجوی
۱۱۸	وچلاشویلی، ن	۲۰۲، ۱۸۷، ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۴، ۱۵۱	
۱۹۴، ۱۶۱، ۱۵۹	وحید دستگردی	۱۵۶، ۱۵۳	
۱۶۸، ۱۷۰		۲۲۳، ۲۲۲	نفیسی
۱۳۰	وراز باکور	۲۰۳، ۱۷۲، ۱۳۸	نفیسی، سعید
۱۱۵، ۹۷	ورجاوند، پرویز	۲۱۱، ۱۴۹، ۱۴۵	
۷۵	وسلسکی، استار	۸۳	نوابی، عبدالحسین خان
۲۲۱	وکولیلی، برونیسلاو	۱۹۱	نورالدین محمدبک
۱۶۷	ولی خان	۲۶۱، ۲۱۸، ۱۹۸	نورهاشمی، کاظم
۷۸، ۱۳۳	ولی، وهاب	۲۶۹	
۱۵۴	ویس	۲۴۱	نوشین، عبدالحسین
		۱۲۷، ۲۱۷	نیکاشویلی، فریا آندرو
«ه»		۲۶۸، ۲۶۷	نیکالادزه
۴۵	هاتفی	۷	نیکلا، بارون
۸۴	هارطون بیک	۵۴، ۴۲	نیکودار
۲۶۸، ۲۶۷	هاشمی رفسنجانی	۶۲	نیکستین، آفاناسی
۱۵۹، ۱۶۵	هدایت، رضاقلیخان	۲۳	نینوی مقدس
۱۶۸، ۱۷۰، ۱۹۴، ۱۶۱		۲۳۴	نوتسوبیدزه، م
۲۱۱، ۱۷۱، ۱۴۹	هدایت، صادق		
۲۴۱			«و»

۸۱، ۸۳	ہدایت، مہدیقلی
۵۷، ۵۶، ۵۵، ۱۲۴، ۲۰	ہراکلیوس
۶۰، ۵۸	
۵۹	ہراکلیوس دوازدهم (ارگلی)
۲۸	ہرمز چہارم
۲۱، ۲۰	ہرودوت
۳۹، ۴۰، ۳۸	ہلاکو خان
۱۵۴	ہومر
۱۲۷	ہویشمن

«ی»

۸۳	یاور، میرزا محمد
۶۹	یحییٰ میرزا
۱۱۸	یزدانبخش
۴۰	یشموت
۱۱۹	یمینی شریف
۱۶۷	یمینی گرجی
۱۱۵	یوایان، آندرائیک
۱۲۷	یوستی
۲۷۵	یوسف پور
۸۳	یوسف خان

اسامی جایها

۲۵۸

آویک

«آ»

		۱۱۵	آجارستان
۱۱۶، ۱۱۵، ۱۷، ۲۵۸، ۳۴	ابخاز	۴۰، ۳۸، ۳۶، ۳۵، ۱۸، ۱۶	آذربایجان
	ابخازیا ← ابخاز	۹۴، ۹۳، ۹۲، ۷۲، ۵۶، ۵۵، ۴۹	
۱۶	اپیرو	۲۷۹، ۲۶۵، ۲۶۱، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۰۱	
۱۰۹، ۴۰، ۲۴	اران	۲۱۸، ۲۸۱	
۳۵	اردبیل	۲۱	آرمازی
۱۷	اردهان	۲۰	آزوف
۱۷، ۳۵	ارزروم	۲۶۲	آسیا
۱۸، ۸۴	ارس	۴۸، ۴۴، ۴۱، ۲۲	آسیای صغیر
۴۹، ۳۸، ۳۳، ۲۱، ۱۶	ارمنستان	۱۶	آلبانی
۲۶۵، ۲۶۱، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۱۰، ۱۰۹		۸۱	آلمان
۲۱۸، ۲۷۹		۲۳	آناتولی

۱۷	بایبورت	۷۷، ۷۵، ۷۳، ۷۲، ۲۶۳، ۲۵۵	اروپا
	بریتانیا ← انگلستان	۹۲، ۸۶، ۸۱، ۷۹	
۳۸، ۱۸۵، ۱۸۳	بغداد	۹۵، ۹۱، ۵۸	ارومیه
۷۰	بندرانزلی	۹۴، ۱۰۱، ۷۳، ۳۶، ۲۴	استانبول
۷۳	بندر پوتی	۱۱۵	استراخان
۲۳	بوری	۱۸۸	اُستی جنوبی
۲۸۱	بولینیس	۹۹، ۷۰، ۵۶، ۵۲، ۵۰، ۷۵	اصفهان
۲۰	بین‌النهرین	۲۱۶	افریقا
		۱۱۱	اکراین
	«پ»	۱۸	البرز
۹۲، ۸۵	پاریس	۲۵۶	امریکا
۹۴، ۱۸۸	پطرزبورگ	۸۲	انزلی
	پطروگراد ← پطرزبورگ	۲۱۰، ۱۱۳، ۸۳، ۱۹۲، ۹۲	انگلستان
		۲۲۸	
	«ت»	۲۳	اورینی‌سی
۲۷۹	تاجیکستان	۳۷	اورشلیم
۱۶	تارگوما	۲۶۰	اوستیا
۸۳، ۷۱، ۶۴، ۵۸، ۳۹، ۳۶، ۳۵	تبریز	۱۷	اوستیای جنوبی
۹۲، ۹۱		۲۵، ۱۵	ایبریا
۲۷۹، ۳۵	ترکستان	۵۷، ۵۳، ۴۹، ۱۸۸	ایروان
	ترکمنستان ← ترکستان	۱۸	ایمرتی
۱۱۵، ۹۱، ۸۶، ۷۲، ۱۸، ۱۷	ترکیه	۱۵	ایوریا
۲۶۵، ۲۶۴، ۲۶۳، ۲۵۸			
۱۷	تسخینوالی	«ب»	
— ۱۲۸، ۱۲۳، ۲۶، ۱۹، ۱۶	تفلیس -	۹۵، ۹۴، ۸۸، ۸۲، ۷۹	بادکوبه
۲۰۰، ۱۹۶، ۱۹۴، ۱۹۳، ۱۸۸، ۱۸۳		۱۱۶، ۹۴، ۸۶	باطوم

۲۰۵، ۲۰۴	خاشوری	۴۶، ۳۹، ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۳، ۲۰۱	
۲۳	خاورمیانه	۶۷، ۶۶، ۶۲، ۶۱، ۵۸، ۵۷، ۵۳، ۴۷	
۲۱۲	خاور نزدیک	۷۸، ۷۷، ۷۵، ۷۴، ۷۳، ۷۲، ۶۹، ۶۸	
۴۹، ۴۲، ۴۱، ۱۵۸	خراسان	۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۳، ۸۲، ۸۱، ۸۰، ۷۹	
۷۰	خرمدره	۱۰۰، ۹۵، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۹۱، ۸۹، ۸۷	
۲۶۳	خلیج فارس	۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۰، ۱۰۳، ۱۰۱	
۷۰، ۳۶	خوزستان	۲۷۲، ۲۶۹، ۲۶۱، ۲۵۹، ۲۵۷، ۲۰۵	
۶۴، ۵۸	خوی	۲۱۲، ۲۱۰، ۲۸۰، ۲۷۸، ۲۷۵، ۲۷۴	
		۲۲۲، ۲۱۷، ۲۱۶، ۲۱۵، ۲۱۴، ۲۱۳	
	«د»	۲۵۰، ۲۳۱، ۲۳۰، ۲۲۹، ۲۲۸، ۲۲۷	
۵۳	داغستان	۶۲، ۶۰	تهران
۶۷	درّان		
۶۷	درباز	«ج»	
۴۰	دریند	۱۵	جرزان
۱۸۹	دربی	۱۵	جورجیا
۱۷	دره علیای چوروخی		
۲۰	دریاچه مئوتید	«ج»	
۲۷۹	دریای خزر	۲۵۸	چچن
۸۶، ۱۳۰، ۲۳، ۱۷، ۱۶	دریای سیاه	۱۸	چوروخ
۲۶۳، ۲۶۱، ۱۰۸		۲۲۱	چین
۴۴، ۴۳، ۴۱	دشت قبیچاق		
۲۲۱	دمانیسی	«ح»	
		۱۱۶، ۸۲	حاج طرخان
	«ر»	۶۷، ۶۶	حمام‌لو
۹۱، ۸۲، ۷۰	رشت		
۱۶	رود بورچالی	«خ»	

۱۸۶	سیواس	۲۰	رود ریون
		۱۸	رود فرات
	«ش»	۱۶	رود کر
۴۲، ۳۹	شام	۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۸، ۵۳، ۵۱	روسیه
۵۳	شماخی	۹۱، ۸۹، ۸۸، ۸۳، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳	
	شوروی ← روسیه	۶۷، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۹۷، ۹۶، ۹۲	
۴۹	شیراز	۱۰۷، ۵۹، ۱۸۸، ۲۷۹، ۲۶۰، ۹۴	
۳۵	شیروان	۲۵۷، ۲۵۶، ۱۱۳، ۱۱۰، ۱۰۹، ۱۰۸	
		۲۶۴، ۲۶۱، ۲۶۰	
	«ط»	۱۸۶، ۱۸۵، ۲۸، ۲۶، ۲۴، ۲۲	روم
۳۵، ۱۷	طرابوزان	۳۷	
	«ع»		«ز»
۲۵۷، ۵۶، ۳۹، ۳۶	عراق	۷۰	زنجان
		۱۸	زیرآلی
	«ف»		«ژ»
۲۰	فالازلس (فازیس)		
۸۱، ۷۴، ۶۲، ۶۱	فرانسه	۲۲۱	ژاپن
۱۸	فریدن		
۱۷	فلسطین		«س»
		۹۳	ساوجبلاغ
	«ق»	۱۶	سرم (لیک)
۱۷	قارص	۹۲	سلماس
۱۱۶	قاقری	۲۰۰	سنت پترزبورگ
۶۶	قراکلیسا	۱۱۶، ۲۵۹، ۱۷	سوخومی
۲۷۹	قرقیزستان	۲۱، ۱۷	سوریه

۲۰، ۲۴	کلخید	۱۱۵، ۶۱	قره‌باغ
۱۶	کلسخیده (اگیر)	۲۷۹، ۲۶۳	قزاقستان
۲۲۹، ۷۳، ۳۴، ۱۸۹	کوتائیزی	۱۸	قزل‌ایرماق
۲۱۳، ۲۳۰		۱۰۰، ۷۲، ۳۵	قزوین
		۱۹	قسطنطنیه
	«گ»	۳۶، ۳۵، ۱۲۸، ۲۳، ۱۸، ۱۶	قفقاز
۲۸۱	گاردابانی	۶۷، ۶۵، ۶۳، ۶۱، ۶۰، ۵۸، ۵۶، ۳۹	
۱۶۸	گجرات	۹۶، ۹۳، ۹۲، ۹۱، ۸۸، ۸۳، ۷۴	
۵۷، ۵۲، ۳۵	گنجه	۲۶۳، ۲۶۱، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۰۱، ۱۰۰	
۴۶	گوری	۱۹۱، ۱۷، ۲۱۸، ۲۶۷	
۱۰۱، ۷۰، ۴۹، ۱۸	گیلان	۱۱۲، ۱۶	قفقاز جنوبی
		۲۱۸، ۱۱۳	قفقاز شمالی
	«ل»	۱۱۶	قوداثوت
۲۴، ۲۰، ۱۷	لازستان		
۹۱	لبنان	«ک»	
۷۰	لرستان	۲۵۸	کابارد
۸۳	لندن	۲۶	کاپادوکیه
	لنینگراد ← پترگراد	۵۲، ۵۱، ۵۰، ۴۷، ۲۷، ۱۹	کاختی
۱۱۰، ۶۷، ۶۶	لوری	۵۴، ۵۳	
		۵۲، ۴۷، ۳۳، ۲۷، ۱۹، ۱۸	کارتلی
	«م»	۵۴، ۵۳	
۸۵	ماران	۱۸	کازبک
۲۸۱	مارنولی (رایون)	۱۶۴	کازرون
۴۹، ۱۸	مازندران	۱۵	کرج
۲۶، ۲۱، ۱۹	متسختی	۶۰، ۳۶	کرمان
۹۳، ۳۸	مراغه	۷۰	کرمانشاه

۶۴	مرند
۱۵۸	مرو
۲۵۷، ۱۰۹، ۶۷، ۵۱، ۲۰۰	مسکو
۵۵، ۲۸۰، ۲۵۸	
۲۷۲	مشهد
۹۷، ۹۱، ۴۸، ۴۱	مصر
۴۰	مغان

«ن»

۵۸، ۳۷	نخجوان
--------	--------

«و»

۸۵	ورسی
۹۲	وین

«ه»

۲۲۱، ۲۱۱، ۶۲، ۱۶۸، ۱۷	هند
۹۶، ۷۴، ۳۶، ۱۶۱، ۲۳۲، ۲۲۹	

«ی»

۱۸	یران
۱۹	یونان

کتابها، نشریات و مقالات

- ۲۴۶ آداب و رسوم تربیت و پرورش در ایران ساسانی
- ۹۹ آزادی و سیاست
- ۱۲۵ آزمون برای تنظیم رایانه‌ای داده‌های روابط زبانهای ایرانی و گرجی
- ۲۰۲ آموزش ادبیات کلاسیک فارسی در دانشگاه دولتی تفلیس
- ۱۱۰، ۲۶۲، ۲۵۸ آینده روابط جمهوری اسلامی ایران و گرجستان
- ۲۸۱ ابخاز در منابع و مآخذ مؤلفان مسلمان
- ۲۴۴ احکام و فرامین فارسی موزه گرجستان
- ۱۴۹، ۱۴۵ ادبیات فارسی در گرجستان
- ۲۲۲ ادبیات کلاسیک ایران
- ۱۵۱ ادبیات گرجی در آثار فارسی
- ۲۴۱ ادبیات معاصر فارسی
- ۲۸۱ ارزش متن‌شناسی در تحقیق تاریخی و جغرافیایی در باب ایران
- ۱۱۳ ارمنستان، آذربایجان و گرجستان؛ از استقلال تا استقرار رژیم شوروی
- ۲۷۵ از پانزده دریچه

- ازدواج در خانواده‌های گرجی فریدنی ۱۷۷، ۲۵۰
 از مشرق تا مغرب ۲۴۸
 استقرار دولت اسماعیلیه در ایران در قرنهای دوازدهم و سیزدهم میلادی
 ۱۷۵، ۲۴۷
 اسناد تاریخی فارسی مخازن قدیمی جمهوری گرجستان ۲۱۹
 اسناد تاریخی گرجی - فارسی قرنهای ۱۶ تا ۱۸ ۲۴۵، ۱۷۳
 اسنادی از روابط ایران با منطقه قفقاز ۶۴
 اصفهان و حومه آن ۱۷۷، ۲۵۱
 اطلاعات اسکندر منشی درباره گرجستان ۲۴۳
 اطلاعات حسن روملو در باره گرجستان ۲۴۳
 اطلاعات موزه دولتی تاریخ گرجستان ۲۲۱
 اطلاعاتی در باره گرجستان و قفقاز ۱۷۳، ۱۹۵، ۲۴۴
 افسانه‌های قرن ۱۷ ۲۴۰
 اکراد ۲۵۰
 اکراد و کردستان ۲۵۰
 انجیل ۵۰
 انقلاب کبیر و تمامیت ارضی ایران ۲۸۰
 اهمیت بین‌المللی داستانهای عامیانه فارسی ۲۴۰
 اهمیت تحقیق لغات و اصطلاحات در کار تفسیر مآخذ کتبی ۲۳۵
 اهمیت ترجمه‌های گرجی آثار فارسی برای تحلیل بعضی از مسائل ادبیات فارسی ۲۳۹
 ایران، توصیف اقتصادی و جغرافیایی ۱۹۶، ۲۵۰
 ایران در دوره حکمرانی کریم‌خان زند ۲۴۸
 ایران‌شناسی در گرجستان ۲۲۸، ۲۱۲، ۲۸۱
 ایران‌شناسی و نشر کتابهای فارسی در اتحاد شوروی ۱۱۴
 ایرانیان و اندیشه تجدد ۹۱

- ۱۹۶ بخش فعلی اسامی مرکب زبان و ادب فارسی
- ۱۹۳ بخشهایی از روایات منشورگرگی درباره شاهنامه
- ۲۲۱ بنده قآن شاه ملک داود
- ۲۳۹ بهرام گوریانی نودار تسی تسی شویلی و مأخذ شرقی آن
- ۱۹۰ به یاد ولادیمیر پوتوریدزه
- ۱۸۶ بیان التصریف
- ۱۸۶ بیان الصناعات
- ۱۸۶ بیان الطلب
- ۱۸۶ بیان النجوم
- ۱۸۷ پهلوان پلنگینه پوش
- ۲۳۴ پیشوندهای افعال فارسی
- ۲۰۰ تئاتر شناسی ایرانی
- ۱۵۳ تاریخ ادبیات ایران
- ۲۳۱، ۱۹۳، ۱۷۳ تاریخ ادبیات فارسی
- ۲۱۴ تاریخ ادبیات گرجستان
- تاریخ پیدایش و ظهور تعاونیهای کشاورزی در ایران و جایگاه آن در سیستم
- ۲۸۰ اصلاحات ارضی در کشور
- ۲۴۵ تاریخ جهان آرای
- ۱۹۵ تاریخ جهانگشا
- ۲۴۴ تاریخ جهانگشای جونی
- تاریخ روابط ایران و گرجستان از قرن شانزدهم تا دهه سوم قرن هفدهم
- ۲۴۸، ۱۷۵ میلادی
- ۸۰ تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران
- ۲۴۳ تاریخ صفی
- ۲۲۰ تاریخ صنایع هنری گرجستان
- ۲۲ تاریخ طببری

- تاریخ معاصر ایران ۹۴
- تاریخ مغولان در ایران ۴۱
- تاریخ ملت گرجی ۱۲۴
- تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران ۸۴
- تاریخ نوین ممالک آسیا و آفریقا ۲۳۱، ۱۷۲
- تاریخ و صاف ۲۸۰، ۴۲
- تجاوزایدئولوژیکی کشورهای رشدیافته غرب در ایران در سالهای ۷۰-۶۰ قرن ۲۰ ۱۷۶، ۲۴۹
- تجلیل دانشمندان گرجستان از ادبیات ایران ۲۲۳
- تحقیق در باب بررسی و رونق آثار سعید نفیسی در شوروی سابق ۲۸۱
- تحقیقی در باب یک بیت از رودکی ۲۸۰
- تحلیل تیپولوژیک افسانه‌های سحرآمیز براساس یکی از موضوعهای افسانه‌های فارسی و گرجی ۲۴۰
- تحلیلی در متن‌شناسی ویس و رامین و گزارش سوابق ترجمه‌های آن به گرجی ۲۸۱
- تدریس زبان فارسی در گرجستان ۲۰۲
- تذکره شاه طهماسب اول به مثابه مأخذ تاریخی ملل ماورای قفقاز ۱۷۵، ۲۴۸
- تذکره نصرآبادی ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۹۴، ۱۶۱، ۱۵۹
- ترجمه اشعار کلاسیک فارسی به گرجی ۱۹۹
- ترجمه منظوم بوستان سعدی ۱۹۳
- ترجمه کللیله و دمنه ۱۹۴
- ترکمنهای ایران ۲۵۰، ۱۷۶
- ترکیب قافیه فارسی ۲۳۹
- تشکیلات اجتماعی و اقتصادی شهرها و مبارزات اجتماعی در ایران دوره صفویه ۲۴۷
- تطور نهضت شرکتهای تعاونی روستاییان در ایران ۲۴۹

- ۲۳۴ تطور واژه‌شناسی در ایران معاصر
- ۱۸۴ تفلیسی، پیشاهنگ فارسی‌نویسی در دیار روم
- ۱۸۵ تقویم الادویه
- ۲۷۵ تکمیل ترجمه منظومه پلنگینه پوش
- ۱۸۶ تلخیص علل قرآن
- ۲۳۴ توصیف واژه‌شناختی عناوین فارسی پوشاک و قماش
- ۲۵۱ تولید قماش در شهرهای ایران در قرون ۱۰-۱۲ میلادی
- ۲۳۹ جامی
- ۷۲ جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجاریه
- ۲۳۹ جلال‌الدین رومی
- ۱۸ جمهوری گرجستان
- ۱۸۶ جوامع‌البیان در ترجمان قرآن
- ۲۱۰، ۱۹۴، ۱۹۲، ۳۴ جهان‌ایران‌شناسی
- ۱۹۹ چه زیباست امروز سیمای دلپذیرت
- ۲۸۰ حبیب‌السییر
- ۲۴۳ حدود العالم
- ۲۴۸، ۱۷۶ حکومت مرکزی ایران صفویه
- ۱۷۶، ۲۴۸ حمله آغامحمدخان به گرجستان
- ۹۸، ۸۷ خاطرات ممتحن‌الدوله
- ۸۳ خاطرات و خطرات
- ۲۴۰ خاله سوسکه
- ۲۳۹ خسرو و شیرین دهلوی
- ۲۴۱ خلافت سعید نفیسی
- ۱۵ دائرةالمعارف بریتانیکا
- ۱۹۲ در آلان در کتیبه شاپور
- ۲۳۶ درباره اسامی خاص ایرانی

- ۱۹۴ درباره داستان ویس و رامین
- ۲۴۰ درباره روایات فارسی و گرجی بهرام و گلندام
- ۱۲۴ درباره روستاوی و ادبیات فارسی
- ۱۵۵ درباره شوتا روستاوی
- ۱۹۴ درباره نوع ادبی منظومه ویس و رامین
- ۲۸۱ درباره واژه استکان
- ۲۳۶ درباره واژه‌های آسی در گرجی
- ۲۳۶ درباره واژه‌های گرجی در زبان آسی
- ۲۳۰، ۱۹۴، ۱۷۳ دستور زبان فارسی
- ۶۵ دلیل السفر
- ۶۳ دو قرن مبارزه مسلمانان قفقاز
- ۲۴۹، ۱۷۶ دولت اسلامی معاصر و مبنای نظری آن
- ۱۷۴، ۲۴۶، ۱۹۲ دولت هخامنشی و تمدن جهانی
- ۱۱۹ دیداری از شوروی و سخنی چند درباره آموزش و پرورش شوروی
- ۱۵۳، ۱۵۲ دیوان خاقانی شروانی
- دیه‌ها و انسانهای نخبه در افسانه‌های همگون از گیلان، گرجستان و آذربایجان
- ۱۳۵
- ۲۳۶ رساله درباره روابط زبانهای گرجی و ایرانی
- ۱۹۳، ۱۹۴ روابط ادبی باستانی گرجستان و ایران
- ۱۹۲، ۲۳۹ روابط ادبی گرجی - فارسی
- ۱۹۳ روابط ادبی و هنری گرجستان و ایران
- ۱۷۶، ۲۴۸ روابط ایران با فرانسه در اوایل قرن ۱۸ در گرجستان
- ۲۴۸ روابط ایران و گرجستان در قرن ۱۶
- روابط بین‌المللی خاور نزدیک در قرنهای ۱۶ تا ۱۸ با توجه به معاهدات ایران و
- دولت عثمانی
- ۲۴۸
- روابط بین‌المللی خاور نزدیک در قرنهای شانزدهم تا هجدهم با توجه به روابط

- جمهوری اسلامی ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در دههٔ اول
 انقلاب اسلامی ۱۰۸
- روابط گرجستان با ایلخانیان و جلایریان ۲۴۷، ۱۷۵
- روایات بالا واریانی ۲۳۹
- روایات فارسی و گرجی داستان ضحاک ۲۰۳، ۲۳۷
- روایات گرجی داستانهای عامیانهٔ فارسی ۲۴۰
- روایات گرجی در بارهٔ داستان فرهاد و شیرین ۱۹۴
- روایات گرجی شاهنامه ۲۸۱، ۱۴۱، ۱۹۴، ۱۹۳
- روایات گرجی شاهنامه و مآخذ فارسی آنها ۲۳۷
- روایات گرجی کلیله و دمنه ۲۳۸، ۱۹۴
- رودکی ۲۳۹
- روزنامه اختر ۹۴
- روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان ۷۸
- روزنامهٔ مساوات ۹۸
- روستاولی و ادبیات فارسی ۱۸۸
- روستاولی و نظامی ۱۵۸
- روضه‌الصفای ناصری ۱۶۵، ۱۶۴، ۱۶۲، ۱۵۹
- زبان فارسی برای سال دوم دبستان ۲۳۱، ۱۷۳
- زبان فارسی برای سال سوم دبستان ۲۳۲، ۱۷۳
- زبان فارسی سرمایه‌ای برای روابط بین ایران و گرجستان ۲۷۹
- زبان و ادب فارسی در جهان ۲۶۸
- زبدة النصره و نخبة العصرة ۳۶، ۲۴
- زمان و مکان بدیع ۲۳۷
- زمان و مکان در شاهنامه ۲۰۳
- زندگی شاه عباس اول ۴۸
- زندگی طوفانی؛ خاطرات سیدحسن تقی‌زاده ۹۲

- ۲۳۳ ساختار آوایی واژه‌های یک هجایی زبان کردی با لهجه کرمانجی
- ۲۰۴ ساختار قافیه در شعر فارسی
- ۲۴۸ سازمان فتودالیسم گرجستان در قرنهای ۱۶ و ۱۷
- ۲۴۹ سازمان کشور ایران
- ۲۳ سالنامه کارتلیس تسخووربا
- ۲۰۱ سخنی چند درباره متن تازه ویس و رامین گرگانی
- ۲۸۱ سخنی در باب پلنگینه پوش شوتا روستاوی
- ۱۶۹، ۱۶۸، ۱۶۵، ۱۶۳، ۱۶۲، ۱۶۰ سرایندگان شعر پارسی در قفقاز
- ۱۰۲ سرزمین زردتشت... رضائیه
- ۲۵۰ سرگوگامدلی شویلی (سرگو گرجی) و خاطرات ایرانی او
- ۱۰۳ سفر مهاجرت در نخستین جنگ جهانی
- ۵۰ سفرنامه پیتر و دلاواله
- ۸۰ سفرنامه مبارکه شاهنشاهی
- ۶۶ سفرنامه میرزا ابوالحسن خان شیرازی «ایلچی» به روسیه
- ۷۵ سفرنامه ناصرالدین شاه
- ۸۷ سفرنامه امین الدوله
- ۷۷ سفرنامه فرنگستان
- ۲۰ سفرنامه کلاویخو
- ۶۵ سفرنامه میرزا ابوالحسن ایلچی به روسیه
- ۸۵ سفرنامه میرزا خانلر خان اعتصام الملک
- ۱۶۷، ۱۶۰، ۱۵۹ سفینه‌المحمود
- ۲۵۰، ۱۷۷ سکنه گرجی ایران
- ۱۸۷ سلامان
- ۲۴۷، ۱۷۴ سلجوقیان و گرجستان در قرن یازدهم
- سلسله مقالات زنده درباره مختصات دستوری، لغوی و صرفی زبان و گفتار ایرانیان گرجی تبار
- ۲۳۳

- سنگ‌نبشته‌های ساسانی به مثابه مأخذ تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران
 ۱۷۴، ۲۴۶
- سه مأخذ فارسی در باره گرجستان قرن شانزدهم
 ۲۴۴
- سیاحت در ارمنستان و ایران ۱۸۰۵-۱۸۰۶
 ۲۴۹
- سیاحتنامه ابراهیم‌بیک
 ۹۳، ۹۴
- سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز
 ۲۵۶.
- سیاست مرکزگرایی دولت ایران و مسئله کوچ نشینان ایران در دهه دوم سیستم
 ۱۹۶، ۲۵۰
- دستگاه واژه، زبان ادب فارسی
 ۹۷، ۱۱۵
- سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین
 ۲۴۰
- سیمای زنان افسانه‌های ملی فارسی
 ۲۴۰
- سیمای عیار در داستانهای عامیانه فارسی و گرجی
 ۱۸۷، ۱۱۷، ۲۸۰
- شاهنامه
 ۲۰۰
- شاهنامه از حیث تئاتر شناسی
 ۱۹۳
- شاهنامه فردوسی در ادبیات گرجی
 ۷۱
- شرح حال رجال قرون ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری
 ۸۹
- شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه
 ۲۴۰
- شعر ایرانی
 ۲۴۱
- شمس و تغرای خسروی
 ۱۸۷
- شوتا روستاولی
 ۱۹۵
- شهرها و حیات شهروندان در دولت هلاکوتیان
 ۲۴۷
- شهرها و حیات شهری دوران صفویه
 ۲۴۶
- شهرهای ایران در قرن ۱۱ میلادی
 ۲۴۷
- شهرهای شرق ماورای قفقاز در قرنهای ۱۶ تا ۱۸ میلادی
 ۲۴۷
- شهرهای گرجستان در قرن ۱۲ میلادی
 ۲۴۷
- شهرهای ماوراء قفقاز در قرنهای ۱۰ تا ۱۲ میلادی
 ۱۶۱
- صبح گلشن

۱۸۶	صحة‌الایدان
۲۳۵	صیغه‌های افعال کنیه‌های اشکانی و ساسانی
۱۰۱	طوق لعنت
۲۵۱	ظروف مسی و برنجی ایران قرن ۱۹ در موزه گرجستان
۲۴۵	عالم‌آرای شاه اسماعیل
۲۳۹	عبدالرحمن جامی
۲۴۴، ۱۹۵	عجایب‌الدنیا
۱۰۱	عشق ارغوانی
۲۳۹	عمر خیام
۲۰۵	غزلیات شمس
۲۳۱، ۱۷۳	فارسی حرف بزیم
۲۳۷	فردوسی
۱۹۴	فردوسی و روستاوی
۲۳۷، ۱۹۳	فردوسی و شاهنامه
۲۱۹	فرمان‌ها و احکام فارسی موزه گرجستان
۱۸۹	فرهنگ خاورشناسان
۱۶۷	فرهنگ سخنوران
۱۹۱	فرهنگ کلمات شرقی در احکام و فرامین گرجی
	فعالیت مراکز فرهنگی و علمی غرب در ایران در سالهای ۱۹۷۵-۱۹۶۰
۲۴۹، ۲۸۰، ۱۷۶	
۱۷۶، ۲۴۸	فهرست سکه‌های مسی ایران در موزه گرجستان
۲۴۶	فهرست مسکوکات اشکانی موزه دولتی گرجستان
۲۴۶، ۱۷۴	فهرست مسکوکات ساسانی گرجستان
۱۸۶، ۱۸۵	قانون ادب
۱۷۲	قرائت متون مطبوعاتی ایران
۱۰۰	قیام آذربایجان و ستارخان

- قیام تبریز در سالهای ۹-۱۹۰۸ و مطبوعات گرجستان ۲۵۰، ۲۸۰
- کارنامه اردشیر پاپکان ۲۴۶
- کارهای انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم گرجستان ۲۱۰
- کارهای دانشگاه دولتی تفلیس، سری خاورشناسی ۲۱۵
- کامل التدبیر ۱۸۵
- کامل التعبير ۱۸۶
- کتابشناسی ایران: تاریخ ۲۸۰
- کتاب قرائت متون مطبوعاتی ایران ۲۳۱
- کتابهای درسی زبان فارسی ۲۰۳
- کتابی درباره فردوسی به زبان گرجی ۱۴۴
- کفایة الطلب ۱۸۶
- کلیله و دمنه ۲۳۸
- کلیله و دمنه روایات سابا- اوربلیایی ۲۳۸
- گاتهای اوستا ۲۴۰
- گرجستان بین قرنهای چهاردهم و پانزدهم بر اساس منابع فارسی ۲۴۷، ۱۷۵
- گرجستان در قرن ۱۴ میلادی ۲۴۷
- گرجستان: رنجه‌ها و امیدها ۱۹۸، ۲۱۸، ۲۶۱، ۲۶۹
- گرجستان شرقی (کارتیل) در قرنهای ۳ تا ۷ میلادی و روابط آن با دولت ساسانی ۱۷۴، ۲۴۶
- گرجستان و ایران صفوی براساس داده‌های سکه‌شناسی ۲۸۰، ۲۴۸، ۱۷۶
- گرجستان و روابط روسیه با ایران در نیمه دوم قرن ۱۷ ۲۴۸
- گرجیان در انقلاب ۱۹۱۱-۱۹۰۵ ایران ۲۵۰
- گرجی‌ها ۲۱، ۲۲، ۲۶، ۱۳۲، ۱۵۶، ۱۹، ۱۲۹
- گرجی‌های فریدنی ۲۵۰، ۱۷۷
- گزارش سفر به اتحاد شوروی ۱۱۸
- گفتارهایی در ادب فارسی ۲۸۰

- گنج‌های مسکوکات بیزانسی و ساسانی در گرجستان ۲۴۶
- گوشه‌ای از تاریخ دیپلماسی در زبان فارسی قرنهای ۱۶ تا ۱۸ ۱۷۴، ۲۴۵
- گوشه‌ای از تاریخ گرجستان ۵۸، ۵۱، ۴۹، ۴۶، ۳۷، ۳۴، ۳۳، ۲۶
- لغت‌شناسی اشعار دقیقی ۲۳۴
- لغت‌شناسی اشعار رودکی ۲۳۴
- لیلی و مجنون ۱۸۷
- مآخذ فارسی روایات گرجی یوسف و زلیخا ۲۳۹
- ماشاءالله خانم ۱۰۱
- ماورای قفقاز طی جنگ ۱۸۲۸-۱۸۲۶ ایران با روسیه ۲۴۸
- ماورای قفقاز و روابط ایران با روسیه در نیمه اول قرن ۱۹ ۲۴۸
- مآخذ فارسی لیلی و مجنون تیموراز اول ۲۳۹
- مبارزات ملوک الطوائفی در ایران پس از درگذشت نادرشاه ۲۴۸
- متون فارسی قرنهای دهم تا هجدهم ۱۷۲
- مجمع‌الفصحاء ۱۶۰، ۱۵۹
- مجموعه فرامین شاهان ایران ۲۴۵، ۱۷۳
- مجموعه مقالات جامی ۱۹۳
- مجموعه مقالات رودکی ۱۹۲
- مختصات لهجه لاهیجی‌های ساکن ده گومبوری ۲۳۴
- مدارک اولین کنفرانس علمی خاورشناسان سراسر شوروی (سابق) در تاشکند از ۴ تا ۱۱ ژوئن ۱۹۵۷ ۲۱۹
- مدارک تاریخی گرجی - ایرانی ۱۷۲
- مسئله روستائیان در نثر معاصر فارسی ۲۴۱
- مسائل استقرار و تطور مکتب رئالیسم در نثر معاصر فارسی ۲۴۱
- مسائل پایه‌گذاری و پیشرفت رئالیسم در نثر فارسی معاصر ۲۸۰
- مسائل تاریخ اکراد خاور نزدیک در قرنهای ۱۰ تا ۱۹ میلادی ۲۵۰
- مسائل توصیف مآخذشناسی اسناد گرجی - فارسی قرنهای ۱۶ تا ۱۸ ۲۴۵، ۱۷۴

- مسائل عمده ترکیب و تطور شهرهای ایران ۱۷۷، ۲۵۱
- مسائل مآخذشناسی تاریخ گرجستان ۲۴۴
- مسائل میرم جمعیت‌شناسی ایران ۲۴۹
- مسائل مربوط به تاریخ و اقتصاد ایران ۲۱۱
- مسائل نظری مآخذشناسی ۲۴۴
- مستشاران خارجی و ارتش منظم ایران در قرن ۱۹ ۲۴۹، ۱۷۶
- مشکلات پیدایش و توسعه رئالیسم در نثر فارسی معاصر ۲۸۰
- مصیبت‌نامه ۲۷
- مطالعات گرجی - فارسی ۲۳۹
- معاهدات ایران و دولت عثمانی ۱۷۵
- مغولها و استیلاگری آنها ۱۷۵، ۲۴۷
- مفهوم بدیع اسامی خاص غزلیات حافظ ۲۳۹
- مقالات میرزا فتحعلی آخوندزاده ۹۸
- ملاقات ایلچیان عثمانی با شاه طهماسب ۱۷۳، ۲۴۴
- ملحمه دانیال ۱۸۶
- منتخبات صادق هدایت، بررسی ادبیات معاصر ایران، در باره زندگی و آثار صادق هدایت و نیز مقاله علمی در باب ادبیات فولکلور ایران ۲۰۲
- منتخبات فارسی ۱۷۲، ۱۹۱، ۱۹۳، ۲۳۰، ۲۳۱
- منتخبات متون تاریخی فارسی؛ قرنهای دهم تا هجدهم ۲۳۱
- من خورشید را می‌بینم ۱۷۲
- موارد مشابه در شاهنامه فردوسی و منظومه پهلوان پلنگینه پوش ۱۹۳
- مواردی در باره ایران و گرجستان در اوایل قرن ۱۷ ۲۴۵
- موضع ایران در صحنه بین‌المللی پس از جنگ اول جهانی ۲۴۹
- موضوع نمایش در شاهنامه ۲۰۰
- موقعیت مسیحیان آسیای غربی در دولت ایلخانان ۴۱، ۳۹
- مهاجرین ایرانی در جمهوری وایمار آلمان و بعضی از مسائل توسعه روابط بین

- ۲۴۹ ایران و آلمان
- ۱۷۴، ۲۴۵ مُهرهای گرجی قرنهای ۱۷ و ۱۸
- ۱۹۳ میراث ادبی فردوسی
- ۲۳۹ میراث حماسی عنصری
- ۲۳۵ نام رنگها در زبان فارسی
- ۲۰۳ نامهای خاص روایات گرجی شاهنامه
- نامهای خانهای ایروان که در نیمه دوم قرن ۱۸ به گرجستان ارسال شد
- ۱۷۳، ۲۴۴
- ۲۰۵ نان یتیم
- ۱۷۲ نثر هنری سعید نفیسی
- ۴۸ نخستین رویاروییهای اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب
- ۲۴۵ نسخه خطی تاریخ سیستان موجود در تبیلیسی
- ۴۷ نصره الحق
- ۱۵۴ خسرو و شیرین
- ۱۹۴ نظامی و ادبیات گرجی
- ۱۹۴ نظریاتی در باره منابع پارسی روایات گرجی یوسف و زلیخا
- ۱۸۵ نظم السلوک
- ۲۵۱، ۱۹۵ نقاشی داری (دستگاهی) ایرانی
- ۲۲۰ نقاشی های ایرانی موزه هنر گرجی
- ۲۴۵* نقاوة الآثار فی ذکر الاخبار
- ۱۹۸ نقش ادبیات فارسی در زبان و فرهنگ گرجی
- ۲۰۵ نقطه جوش
- ۲۸۱ نکات مربوط به دو زبان گرجی - فارسی
- ۲۸۱ نکاتی چند در باره علل به قتل رسیدن امامقلی
- ۱۳۳ نگاهی به ایرانشناسی و ایرانشناسان کشورهای مشترک المنافع و قفقاز
- ۷۸

- نگاهی به فردوسی و شاهنامه او ۲۷۵
- نگین‌های ساسانی در گرجستان ۲۴۶، ۱۷۴
- نهاد رئیس شهر در ایران قرنهای ۱۰ تا ۱۱ میلادی ۲۴۶
- واحد‌های سیاسی شرق تا ماوراءالنهر در قرنهای یازدهم و دوازدهم میلادی ۲۴۷، ۱۷۵
- واژه‌ها و اصطلاحات سنگهای قیمتی در زبان فارسی ۲۳۴
- واژه‌های گرجی گیاه‌شناسی در زبان آسی ۲۳۶
- واژه‌های مربوط به قرابت و خویشاوندی در زبان فارسی ۲۳۵
- وجوه قرآن ۱۸۶
- ورود لغات و اصطلاحات بین‌المللی به زبان دری معاصر ۲۳۴
- وسایل موسیقی در شاهنامه ۲۰۰
- وضع آموزش و پرورش و روش تدریس زبان فارسی در دانشگاه دولتی تفلیس و تاریخچه آن ۲۰۳
- وضع داخلی روابط خارجی ایران در اوائل قرن ۱۹ ۲۴۸
- ویجسیتکائوسانی و ویسرامیانی (ویس و رامین) ۱۷۲
- ویس و رامیانی گرجی ۲۳۸
- ویس و رامین ۲۸۱، ۲۳۷، ۱۹۴، ۱۸۷
- هنرهای ایران در دوران اسلامی ۲۲۰
- یادداشت‌هایی در باره روایات گرجی شاهنامه ۱۹۳
- یادگار زریر ۲۴۰
- یک سال و هزار سال ۲۴۹

منابع و مأخذ

۱. آزادکناری، شعبان. «زبان و ادب فارسی در جهان». نامه پارسی، س دوم، ش دوم، تابستان ۱۳۷۶.
۲. آناناسیان، سرژ. ارمنستان، آذربایجان و گرجستان؛ از استقلال تا استقرار رژیم شوروی. تهران: انتشارات معین، ۱۳۷۰.
۳. آیتی، عبدالمحمد. نظامی گنجوی؛ خسرو و شیرین. تهران: بی‌نا، ۱۳۵۳.
۴. اسنادی از روابط ایران با منطقه قفقاز. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲.
۵. اشپولر، برتولد. تاریخ مغولان در ایران. ترجمه محمود میرآفتاب. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
۶. امیرخیری، اسماعیل. قیام آذربایجان و ستارخان. تبریز: کتابفروشی تهران، ۱۳۵۶.
۷. بارامیدزه، الکساندر. «در باره شوتا روستاولی». پیام نوین، دوره هشتم، ش ۵، ۱۳۴۵.
۸. «شوتا روستاولی». پیام نوین، ش ۵، دوره هشتم، ۱۳۴۵.
۹. بامداد، مهدی. شرح حال رجال قرون ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری. تهران: زوار، ۱۳۷۴.

۱۰. «برنامه اولین میزگرد ایران و گرجستان». پژوهشگاه، ش ۱۸، مرداد ۱۳۷۶.
۱۱. بنداری اصفهانی. *زبدة النصره و نخبة العصرة*. ترجمه به ترکی از قوم‌الدین بورس‌لان. استانبول: انجمن تاریخ ترک، ۱۹۴۳، ص ۳۶.
۱۲. بهنام، جمشید. *ایرانیان و اندیشه تجدد*. تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۷۵.
۱۳. بهوپالی، سیدعلی حسن‌خان. *صبح گلشن*. هندوستان: بی‌نا، ۱۲۹۵ ه‍.ق.
۱۴. بیرشک، احمد. «دیداری از شوروی و سخنی چند در باره آموزش و پرورش شوروی». پیام نوین، دوره دهم، ش ۴، خرداد و تیر ۱۳۵۲.
۱۵. جاواخیشویلی، ای. *تاریخ ملت گرجی*. ج ۲، تفلیس: بی‌نا، ۱۹۴۸.
۱۶. بیگدلی، علی‌اکبر. «ایران‌شناسی و نشر کتابهای فارسی در اتحاد شوروی». نشر دانش، س اول، ش دوم، اسفند ۱۳۵۹.
۱۷. بینا، علی‌اکبر. *تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران*. جلد دوم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.
۱۸. بینش، یلدا. «نقش ادبیات فارسی در زبان و فرهنگ گرجی». کیهان، ش ۱۶۲۸۲، شنبه ۱۰ مرداد ۱۳۷۷.
۱۹. *تاریخ معاصر ایران*. تهران: کتاب هفتم، مؤسسه پژوهشی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۴.
۲۰. «تأسیس شعبه انجمن اتحاد شوروی - ایران در تفلیس». پیام نوین، دوره هشتم، ش ۹، فروردین ۱۳۴۶.
۲۱. «تجلیل دانشمندان گرجستان از ادبیات ایران». پیام نوین، س دوم، ش ۱۲ و ۱۱، مرداد و شهریور ۱۳۳۹.
۲۲. تقی‌زاده ملایوسفی، محمدابراهیم. *سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز*. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۷.
۲۳. چراغی، رحیم. «دیوها و انسانهای نخبه در افسانه‌های همگون از گیلان، گرجستان و آذربایجان». گیلان زمین، ش ۲ و ۳، ۴ و ۳، بهار ۱۳۷۳.
۲۴. حائری، عبدالهادی. *نخستین رویاروییهای اندیشه‌گران ایران با دو*

- رویه تمدن بورژوازی غرب. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۲۵. خاکپور، عبدالرسول. فرهنگ سخنوران. تبریز: بی‌نا، ۱۳۴۰.
۲۶. خانشقاقی، حسینقلی. خاطرات ممتحن الدوله. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۳.
۲۷. «خبرهای فرهنگی شوروی». پیام نوین، س دوم، ش اول، مهر ۱۳۳۸.
۲۸. ~. پیام نوین، س دوم، ش ۵، بهمن ۱۳۳۸.
۲۹. ~. پیام نوین، س دوم، ش ۵، بهمن ۱۳۳۸.
۳۰. خلیج منفرد، ابوالحسن. روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در دهه اول انقلاب اسلامی. تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۶۹.
۳۱. خیراندیش، عبدالرسول. «موقعیت مسیحیان آسیای غربی در دولت ایلخانات». ایران شناخت، شماره ۴، بهار ۱۳۷۶.
۳۲. دولت‌آبادی، عزیز. سرایندگان شعر پارسی در قفقاز. تهران: بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۷۰.
۳۳. دهقان، علی‌اکبر. سرزمین زردتشت... رضائیه، تهران: ابن‌سینا، ۱۳۴۸.
۳۴. دیاکونوف، م.م. اشکانیان. ترجمه کریم کشاورز. (تهران: پیام، ۱۳۵۱).
۳۵. دیوان‌بیگی، رضا علی. سفر مهاجرت در نخستین جنگ جهانی. تهران: چاپخانه بانک ملی ایران، ۱۳۵۱.
۳۶. رضا، عنایت‌الله. «جمهوری گرجستان». مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره ۴، ۱۳۷۲.
۳۷. ~. زندگی شاه عباس اول. ج اول، تهران: بی‌نا، ۱۳۳۴.
۳۸. رضوانی، محمد اسماعیل و فاطمه قاضیه. روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۳.
۳۹. «روستاولی و نظامی». پیام نوین، دوره هشتم، ش ۶، ۱۳۴۵.
۴۰. روشن ضمیر، مهدی. «گوشه‌ای از تاریخ گرجستان». بررسی‌های تاریخی، سال هشتم، شماره ۵، ۱۳۵۲.
۴۱. ریاحی، م. «تفلیسی، پیشاهنگ فارسی‌نویسی در دیار روم». آینده، س

- هفتم، ش هشتم، آبان ۱۳۶۰.
۴۲. رییکا، یان. *تاریخ ادبیات ایران*. ترجمه عیسی شهابی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۳.
۴۳. «زبان فارسی سرمایه‌ای برای روابط بین ایران و گرجستان». خبرنامه شورای گسترش زبان فارسی، ش ۵۸، ۱۳۷۷.
۴۴. سجادی، سید ضیاءالدین. *دیوان خاقانی شروانی*. تهران: زوار، ۱۳۵۷.
۴۵. شفاء، شجاع‌الدین. *جهان ایرانشناسی*. جلد اول، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۴۶. طالبوف، عبدالرحیم. *آزادی و سیاست*. تهران: سحر، ۱۳۵۷.
۴۷. طبری، محمدبن جریر. *تاریخ طبری*. ج ۲، لیدن: ۱۹۰۱-۱۸۷۶.
۴۸. علوی شیرازی، میرزا محمدطاهر. *سفرنامه میرزا ابوالحسن خان شیرازی «ایلچی» به روسیه*. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۷.
۴۹. عمرانی، سید محمد رضا. *آینده روابط جمهوری اسلامی ایران و گرجستان*. تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۷۲.
۵۰. *فرهنگ خاورشناسان*. جلد اول، تهران: مؤسسه و مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲.
۵۱. فلور، ویلم. *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجاریه*. ترجمه ابوالقاسم سری. جلد دوم، تهران: توس، ۱۳۶۵.
۵۲. قاجار، محمود میرزا. *سفینه‌المحمود*. بی‌جا: کتابخانه خصوصی حسین نجوانی، بی‌تا.
۵۳. کاظمیه، اسلام. *سفرنامه امین‌الدوله*. تهران: توس، ۱۳۵۴.
۵۴. کوبیدزه، داوید. «در باره روستاوی و ادبیات فارسی». پیام نوین، دوره هشتم، ش ۸، آذر ۱۳۴۵.
۵۵. «روستاوی و ادبیات فارسی». پیام نوین، ش ۶، دوره هشتم، آذر ۱۳۴۵.
۵۶. کیکنادزه، رواز. «به یاد ولادیمیر پوتوریدزه». پیام نوین، ش ۸، دوره ۸، مرداد ۱۳۴۵.

۵۷. «کتابی درباره فردوسی به زبان گرجی». پیام نوین، س ۶، ش ۱۰، ۱۳۴۳.
۵۸. گام، م و دیگران. دو قرن مبارزه مسلمانان قفقاز. ترجمه سید غلامرضا تهامی. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
۵۹. «گزارش انجمن». پیام نوین، دوره نهم، ش ۲، آذر ۱۳۴۶.
۶۰. «پیام نوین، دوره نهم، ش ۱۱، تیر ۱۳۴۶.
۶۱. «پیام نوین، دوره هشتم، ش ۵، مهر ۱۳۴۵.
۶۲. «گزارش سفر به اتحاد شوروی». پیام نوین، دوره هشتم، ش ۶، آذر ۱۳۴۵.
۶۳. «گزارشی از وضعیت زبان فارسی در سه ماه نخستین سال». نامه پارسی، س چهارم، ش دوم، تابستان ۱۳۷۸.
۶۴. «گفتگویی با دکتر مسعود آذرنوش». باستان پژوهی، ش ۲، س اول، آذر ۱۳۷۷.
۶۵. گیوناشویلی، جمشید. «ایرانشناسی در گرجستان». نشر دانش، س پانزدهم، ش ۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۴.
۶۶. «ایرانشناسی در گرجستان». نشر دانش، س ۱۵، ش ۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۴.
۶۷. «روایات گرجی شاهنامه». آینده، س ۶، ش ۱۲ تا ۹.
۶۸. گیوناشویلی، هلن. «آزمونی برای تنظیم رایانه‌ای داده‌های روابط زبانهای ایرانی و گرجی». نامه فرهنگستان، س ۳، ش ۳ و ۴، زمستان ۱۳۷۶.
۶۹. مار، ژرژ. «ادبیات گرجی در آثار فارسی». مهر، س دوم، ش ۷.
۷۰. مارشال لانگ، دیوید. گرجی‌ها. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳.
۷۱. محبوبی اردکانی، حسین. تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، جلد دوم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
۷۲. محمودی، منوچهر. سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک. تهران: منوچهر محمودی، ۱۳۵۱.

۷۳. مروارید، یونس. مراغه. تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۱.
۷۴. مستوفی، عبدالله. شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه. تهران: زوار، ۱۳۴۳.
۷۵. مظفرالدین شاه قاجار. سفرنامه مبارکه شاهنشاهی. تهران: بی نا، ۱۳۱۷.
۷۶. مفتاح، الهام و وهاب ولی. نگاهی به ایرانشناسی و ایرانشناسان کشورهای مشترک المنافع و قفقاز. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۲.
۷۷. مؤمنی، باقر. مقالات میرزا فتحعلی آخوندزاده. بی جا: آوا، ۱۳۵۱.
۷۸. ناصرالدین شاه قاجار. سفرنامه ناصرالدین شاه. اصفهان: سازمان انتشارات اندیشه، ۱۳۴۳.
۷۹. ~. سفرنامه فرنگستان. تهران: شرق، ۱۳۶۳.
۸۰. نصرآبادی، میرزا محمد طاهر. تذکره نصرآبادی. به کوشش و تصحیح وحید دستگردی. تهران: فروغی، بی تا.
۸۱. نفیسی، سعید. «ادبیات فارسی در گرجستان». مهر، س دوم، ش ۷، ۱۳۱۲.
۸۲. تقی زاده، سید حسن. زندگی طوفانی، خاطرات سید حسن تقی زاده. تهران: محمدعلی علمی، بی تا.
۸۳. نورهاشمی، کاظم. «گرجستان: رنجها و امیدها». کلک، ش ۷۱ و ۷۱، بهمن و اسفند ۱۳۷۴.
۸۴. ورجاوند، پرویز. سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین. تهران: نشر نی، ۱۳۷۷.
۸۵. هدایت، رضاقلی خان. روضةالصفای ناصری. ج ۸.
۸۶. ~. مجمع الفصحاء. ج ۴.
۸۷. هدایت، مهدیقلی. خاطرات و خطرات. تهران: زوار، ۱۳۴۴.
۸۸. شماره‌های متعدد خبرنامه شورای گسترش زبان و ادب فارسی.
۸۹. شماره‌های متعدد خبرنامه کانون ایرانشناسی و اسلام‌شناسی.
۹۰. شماره‌های متعدد خبرنامه فرهنگستان.
۹۱. شماره‌های متعدد نشر دانش.
۹۲. شماره‌های فروهر، چیستا، خبرنامه ویژه، نامه فرهنگ و همشهری.